



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سنتوں کے ازالے اور قرآن و سنت

باسمِ بے شک شہید ہوجاؤں شہیدانہ ہوں وہاں
آپا حضرت علیؓ فرمودہ من امام محمدؐ؟
عبدالرشید یوسفی پور
(پہن مکتبہ سماج)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از امامت در قرآن و سنت و پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام، هستم؟!!

نویسنده:

عبدالرضا یوسفی پور

ناشر چاپی:

موعود اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پرتوی از امامت در قرآن و سنت و پاسخ به یک شبهه مهم شبکه‌های کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام هستم؟!.....
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۷	مقدمه:
۱۹	فصل اول: آیات و روایات صریح و قاطع در مورد امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام.....
۱۹	اشاره
۲۸	آیه ولایت
۳۵	آیه ولایت و جواب شبهات
۴۳	آیات امامت
۴۴	آیه اکمال
۴۹	آیه ابلاغ
۵۰	آیه اطاعت
۵۴	آیه ۲۵ سوره انفال
۵۵	آیات ۱ الی ۴ سوره نجم
۵۶	آیه ۴۵ سوره زخرف
۵۶	آیه ۷ سوره رعد
۵۸	آیه ۲۴ سوره صافات
۵۸	آیه ۱۲۴ سوره بقره
۵۹	آیه ۵۵ سوره نور
۵۹	آیات ۱ الی ۴ سوره نباء
۶۱	آیه ۸ سوره تکوین
۶۲	آیه ۷۴ سوره مومنون

۶۳	آیات ۱ و ۲ سوره معارج
۶۵	آیه ۱۳۵ سوره طه
۶۵	مختصر احادیث امامت
۶۹	فصل دوم: نصوص و روایات صریحه و روشن تشیع و اهل سنت و جماعت در باب امامت - خلافت - ولایت امیرالمؤمنان علی علیه السلام
۶۹	اشاره
۷۱	امامت در شواهد التنزیل حاکم حنفی
۸۵	امامت در مناقب اخطب خوارزمی
۸۸	امامت در کفایه طالب گنجی
۹۱	امامت در فرائد السمطین
۹۳	تذکره الخواص و کنز العمال
۹۷	امامت در خصائص نسائی، معجم الکبیر، معرفه صحابه و روح المعانی
۹۹	امامت در فتح الغدیر شوکانی و مناقب خوارزمی
۱۰۲	امامت دوازده امام در منابع اهل سنت
۱۰۹	استشهاد حضرت علی علیه السلام درباره امامت در زمان عثمان
۱۱۴	امامت در حدیث امام صادق علیه السلام
۱۱۹	امامت و ویژگی آن
۱۲۷	بررسی حدیث ۱۲ خلیفه در منابع عامه
۱۳۲	احادیث امامت حضرت علی علیه السلام و ۱۱ فرزندش در منابع سنی ها
۱۳۸	امامت علی علیه السلام و سایر ائمه در احادیث اهل سنت
۱۴۳	معرفی کتاب های اهل سنت درباره اسامی ۱۲ امام
۱۴۴	حضرت مهدی در کتب اهل تسنن
۱۴۹	امامت در بیان مقدس اردبیلی
۱۶۱	امامت در احتجاج طبرسی
۱۶۲	خطبه غدیر خم و نصوص امامت
۱۷۰	امامت در کتاب غیبت نعمانی
۱۷۱	معنای ۱۲ ساعت، ۱۲ ماه و ۱۲ امام

- ۱۷۵ ذکر تعیین ۱۲ امام در مصحف فاطمه
- ۱۷۷ حدیث قدسی درباره ۱۲ امام
- ۱۸۰ برکت امام روی زمین
- ۱۸۱ ۱۲ امام از قول ائمه
- ۱۸۵ حدیث معرفت به امام زمان از منابع اهل سنت و جواب شبهه به آن
- ۱۹۰ امامان هدایت و ضلالت
- ۱۹۲ بنی امیه در قرآن و احادیث
- ۱۹۳ اثبات امام زمان از حدیث نجم
- ۱۹۶ جواب شبهه درباره آیه ۷۱ سوره اسراء
- ۱۹۹ پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام هستم؟! ..
- ۲۴۶ خاتمه
- ۲۴۷ منابع و ماخذ
- ۲۵۰ درباره مرکز

پرتوی از امامت در قرآن و سنت و پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام، هستم!!

مشخصات کتاب

سرشناسه: یوسفی پور، عبدالرضا، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: پرتوی از امامت در قرآن و سنت و پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام، هستم!!/ عبدالرضا یوسفی پور (ابن مالک - مداح).

مشخصات نشر: قم: موعود اسلام، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س م.

شابک: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۷-۰۸۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۸] - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع: امامت -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع: امامت -- احادیث

موضوع: امامت -- جنبه های قرآنی

موضوع: امامت -- دیدگاه وهابیه

رده بندی کنگره: ۵/۲۲۳/۵BP ی/۹۳ پ ۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۵۸۳۹

مرکز پخش: قم: خیابان شهدا، کوی ۳۳، پلاک ۲۵

تلفکس: ۷۸۳۱۸۳۲-۰۲۵۱ و تلفن: ۷۸۳۱۸۳۱-۰۲۵۱

همراه ناشر: ۰۹۱۷۷۷۱۹۳۰۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

پرتوی از امامت در قرآن و سنت و پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام هستم؟!

عبدالرضا یوسفی پور

مداح

« ابن مالک »

ص: ۳

فصل اول: آیات و روایات صریح و قاطع اهل تسنن و شیعه در مورد امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام

کثرت فضائل حضرت علی علیه السلام ۱۳

نصوص امامت در کتاب حدیقه الشیعه ۱۴

اثبات آیات امامت... ۱۸

آیه ولایت... ۲۰

آیه ولایت و جواب شبهات ۲۷

آیات امامت... ۳۵

آیه اکمال. ۳۶

آیه ابلاغ. ۴۱

آیه اطاعت... ۴۲

آیه ۲۵ سوره انفال ۴۶

آیات ۱ الی ۴ سوره نجم ۴۷

ص: ۵

آیه ۴۵ سوره زخرف ۴۸

آیه ۷ سوره رعد. ۴۸

آیه ۲۴ سوره صفات ۵۰

آیه ۱۲۴ سوره بقره ۵۰

آیه ۵۵ سوره نور. ۵۱

آیات ۱ الی ۴ سوره نباء ۵۱

یه ۸ سوره تکاثر. ۵۳

آیه ۷۴ سوره مومنون ۵۴

آیات ۱ و ۲ سوره معارج ۵۵

آیه ۱۳۵ سوره طه ۵۷

مختصر احادیث امامت ۵۷

فصل دوم: نصوص و روایات صریحه و روشن تشیع و اهل سنت و جماعت در باب امامت / خلافت / ولایت / امیرالمؤمنان علی علیه السلام

امامت در شواهد التنزیل حاکم حنفی ۶۳

امامت در مناقب اخطب خوارزمی ۷۷

امامت در کفایه طالب گنجی ۸۰

امامت در فرائد السمطین ۸۳

تذکره الخواص و کنز العمال ۸۵

ص: ۶

امامت در خصائص نسائی، معجم الکبیر، معرفه صحابه و روح المعانی ۸۹

امامت در فتح الغدیر شوکانی و مناقب خوارزمی ۹۱

امامت دوازده امام در منابع اهل سنت ۹۴

استشهاد حضرت علی علیه السلام درباره امامت در زمان عثمان ۱۰۱

امامت در حدیث امام صادق علیه السلام ۱۰۶

امامت در حق الیقین علامه مجلسی ۱۰۷

امامت و ویژگی آن ۱۱۱

بررسی حدیث ۱۲ خلیفه در منابع عامه ۱۱۹

احادیث امامت حضرت علی علیه السلام و ۱۱ فرزندش در منابع سنی ها ۱۲۴

امامت علی علیه السلام و سایر ائمه در احادیث اهل سنت ۱۳۰

معرفی کتاب های اهل سنت درباره اسامی ۱۲ امام ۱۳۵

حضرت مهدی در کتب اهل تسنن ۱۳۶

امامت در بیان مقدس اردبیلی ۱۴۱

امامت در احتجاج طبرسی ۱۵۴

خطبه غدیر خم و نصوص امامت ۱۵۵

امامت در کتاب غیبت نعمانی ۱۶۲

معنای ۱۲ ساعت، ۱۲ ماه و ۱۲ امام ۱۶۴

ذکر تعیین ۱۲ امام در مصحف فاطمه ۱۶۸

حدیث قدسی درباره ۱۲ امام ۱۷۰

برکت امام روی زمین ۱۷۳

۱۲ امام از قول ائمه ۱۷۳

حدیث معرفت به امام زمان از منابع اهل سنت و جواب شبهه به آن ۱۷۷

امامان هدایت و ضلالت ۱۸۲

بنی امیه در قرآن و احادیث ۱۸۴

اثبات امام زمان از حدیث نجم ۱۸۵

جواب شبهه درباره آیه ۷۱ سوره اسراء ۱۸۸

پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی فرموده من امام هستم!؟

خاتمه. ۲۳۷

منابع و ماخذ. ۲۳۸

ص: ۸

خدا رحمت کند شهید حاج شیخ احمد کافی خراسانی را که یکی از واعظ و منبری های بی نظیر بود در یکی از سخنرانی هایش می فرمود: معاویه دوست ها، هنوز علی دوست ها را رها نمی کنند. فرقه وهابی ها، به هزار و یک دلیل زیر بار فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام نمی روند. حقیر مدتی است شبکه های ماهواره ای سلفی مثل شبکه منحوس وهابی «کلمه» - «وصال» را نگاه و دنبال کردم به قول مثال: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. شبکه های شیطانی و ضد شیعی و ضد امامت و ضد اهل بیت علیه السلام باعث شدند پردازم. بنده بیشتر به مطالعه کتب اعتقادی و همچنین تحقیق و بررسی حقائق پردازم و به اندازه وسع وجود، جواب هایی در مقابل شبهات و مغلطه های واهی و عبث فرقه ضاله وهابیت بدهم. انشاء الله با چاپ کتاب حاضر توسط انتشارات موعود اسلام، خاری در چشمان وهابی ها شود. اگر خداوند و دعای امام زمان یار بنده حقیر باشد در آینده نزدیک بحول و قوه الهی کتابی در باب شبهات جدید شبکه های وهابی کلمه و... تألیف و نگارش می کنم تا بعضی افراد ساده لوح و کم اطلاع فریب شبهات شیطانی شبکه های وهابی را نخورند و از جاده مستقیم ولایت اهل بیت علیه السلام

منحرف نشوند در پایان از خانم رستم جبری و همسر محترم ایشان بسیار تشکر می کنم که هزینه چاپ و تدوین این کتاب را
تقبل کردند خداوند خیر دنیا و آخرت برای آنها مرحمت کند و والدینشان را بیامرزد.

والسلام

عبدالرضا یوسفی پور معروف به ابن مالک

ص: ۱۰

فصل اول: آیات و روایات صریح و قاطع در مورد امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام

اشاره

ص: ۱۱

کثرت فضائل حضرت علی علیه السلام برای شناخت شخصیت والای بهترین فرد بشریت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید به آخرین کتاب الهی؛ قرآن، و احادیث معتبر عامه و خاصه و اجماع علمای شیعه رجوع کرد و هر کس صرفاً از طریق شناخت حاصل از معاریف دینی می تواند به عظمت مقام روحانی و آسمانی حضرت علی علیه السلام و اولاد اطهرش توجه و عنایتی پیدا کند. حاکم نیشابوری از محمد بن منصور طوسی روایت کرد که از احمد حنبل شنیده است که می گفت: از هیچ یک از اصحاب رسول خدا آن قدر حدیثی در فضیلت آنها نرسیده که از فضائل علی علیه السلام رسیده است. (۱) ابن عبدالبر می گوید: در فضائل اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سند و صحیح به قدر آن چه درباره علی علیه السلام روایت شده درباره هیچ یک از اصحاب روایت نشده است. (۲) همچنین شعیب نسائی؛ که از صاحبان کتب صحاح سته اهل سنت است به مطلب مذکور اشاره کرده است. محب الطبری از قول عمر ابن خطاب روایت نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ جوینده ای، چیزی به دست نمی آورد که مانند فضل علی ابن ابی طالب علیه السلام باشد که او طالبان هدایت خود را به سوی حق

هدایت

ص: ۱۳

۱- سید محمد باقر موسوی همدانی، کتاب علی، ص ۳۱، به نقل از مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۰۷.

۲- ابن عبدالبر، استعیاب، ج ۲، ص ۴۶۶.

نموده و از هلاکت دور می سازد. (۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی جز خدا و من کسی آنچنان که باید و شاید تو را نشناخت. (۲)

نصوص امامت در کتاب حدیقه الشیعه مرحوم مقدس اردبیلی از قول احمد حنبل رئیس فرقه حنابله روایت کرده که ابن عباس گفت: «ما فی القرآن آیه الا و علی راسها و قائدها و شریفها و امیرها»؛ هیچ آیه در قرآن نیست مگر آن که علی رئیس آن است. یعنی عمده در نزول آیه آن حضرت است. قائد آن، به معنی کشنده آن و باعث نازل شدن آن است. شریف آن، یعنی سبب بزرگ شدن آن آیه است. امیر آن، یعنی امر کننده به آن آیه است. همچنین از ابن عباس روایت کرده است که فرمود: «لقد عاتب الله تعالی اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و ما ذکر علی الا بخیر»؛ به راستی خدا در قرآن به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، سخن سخت و از سر خشم، عتاب و حجت گرفتن فرموده است، لیکن از امیرمؤمنان در قرآن جز به نیکی، حرمت، عظمت و کرامت ذکر نکرده است. از ابن عباس روایت شده: «ما نزل فی احد من کتاب الله ما نزل فی علی»؛ نازل نشده در شأن هیچ احدی در قرآن از آیات قرآنی و تأویلات سبحانی آن قدر که درباره شأن و عظمت حضرت علی علیه السلام نازل شده است. ابن عباس می گوید: «ما انزل الله آیه فیها «(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) الا و علی راسها و امیرها»؛ خدا آیه ای از قرآن بر زمینیان فرو نرستاد و نازل نکرد مگر اینکه علی علیه السلام امیر و بزرگ

ص: ۱۴

۱- احمد بن عبدالله محب الدین الطبری، الرياض النضرة، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲- حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲.

آن آیه است؛ یعنی امیر و سرپرست مؤمنان از جانب خدا و رسولش است.^(۱) احمد حنبل و مجاهد که از اکابر اهل سنت و جماعت هستند اعتراف کرده اند که « نزل فی علی سبعون آیه » یعنی هفتاد آیه نزد ما به صحت رسیده که در شأن و فضیلت علی علیه السلام از جانب حق نازل گشته است.^(۲)

علمای سنی مذهب مانند: حافظ ابو نعیم، احمد حنبل، محمد طلحه شافعی، ابن عساکر، محدث شام در تاریخ خود، محمد بن یوسف گنجی شافعی، خواجه کلان سلیمان بلخی حنفی از ابن عباس روایت کرده اند: «نزلت فی علی علیه السلام اکثر من ثلاثمائه آیه فی مدحه»؛ در مدح و فضیلت علی بیش از ۳۰۰ آیه نازل شده است. ابن مغزلی شافعی در کتاب المناقب خود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ان القرآن اربعة ارباع فربع فینا اهل البيت خاصه و ربع فی اعدائنا و ربع حلال و حرام و ربع فضائل و احکام و قصص و الله انزل فینا کرائم القرآن»؛ قرآن چهار بخش است، یک چهارم آن در خصوص ما اهل بیت علیه السلام است، یک بخش درباره دشمنان ماست و بخش دیگر درباره حلال و حرام و یک بخش در خصوص اخلاق، احکام و داستان های پیامبران است. کریم ترین آیات قرآن در شأن ما اهل بیت علیه السلام نازل شده است.

ص: ۱۵

۱- احمد بن محمد مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، ص ۱۳۱؛ مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب «حدیقه الشیعه» ۶۵ آیه، دلیل بر امامت خاصه الهی حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصومش از منابع موافق و مخالف تشریح نموده است.

۲- همان، ص ۱۳۱-۱۳۲.

مرحوم آیت الله محمد سلطان الواعظین شیرازی (خطاب به علمای عامه و سنت) می گوید: در تمام تفاسیر بزرگ و کتب معتبر خودتان، آیات کثیره ای از قرآن مجید که در شأن و مقام با عظمت امیرمؤمنان علی علیه السلام نازل شده را نقل نموده اند که اختصاصی به ما ندارد. (۲) مرحوم دیلمی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در باب موضوع کثرت فضائل علی علیه السلام روایاتی بیان کرده است از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده که فرمود: که برای برادرم علی ابن ابی طالب فضیلت های بی شمار و بی اندازه و فراوان است. هر کس یکی از آن ها را نقل کند و بگوید و اقرار و اعتقاد قلبی به آن داشته باشد خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد و هر کس فضیلتی را از او بنویسد تا آن گاه که آن نوشته باقی باشد فرشتگان برایش طلب آمرزش می کنند و هر کس فضیلتی از فضائل علی علیه السلام نگاه کند گناهی که به وسیله چشم انجام داده خدا ببخشد. به خلیل بن احمد گفتند: چرا علی علیه السلام را مدح و ستایش نمی کنی؟ گفت: چه بگویم در حق کسی که دوستانش فضائل و خوبی های او را از ترس پنهان کردند و دشمنانش به دلیل حسادت از انتشارش جلوگیری کردند در حالی که فضائل آن حضرت همه جا را پر کرده است. (۳) اخطب

ص: ۱۶

۱- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، (قم: طوبای محبت، ۱۳۹۰)، ج ۱، ص ۳-۴.
 ۲- سلطان الواعظین شیرازی، شب های پیشاور، (تحقیق عبدالرضا درایتی)، (قم: دلیل ما، ۱۳۸۹)، ص ۳۸۵؛ عبد الصمد ساکی که اصالتاً ایرانی ولی ساکن عراق است. کتابی به نام «اثبات ولایت در قرآن و سنت» نوشته است که در آن بیش از ۲ هزار و ۲۵ آیه از تفاسیر آیات قرآن و روایات بی شمار و متواتر اهل تشیع و اهل تسنن را جمع آوری نموده است؛ سید جواد رضوی کتابی به نام «سیمای امیر مؤمنان در قرآن» نوشته است که در آن حدود ۳۱۳ آیه؛ به عدد یاران حضرت صاحب الزمان، از آیات قرآن و تفاسیر و روایاتی که تاویل آیات را اشاره کرده در باب فضائل و کرامات و خصائص بی نظیر حضرت علی علیه السلام نقل نموده است.

۳- احقاق الحق، ج ۴، ص ۲، به نقل از امام علی علیه السلام مظلوم تاریخ، رضوانی، ص ۳۲۰.

خوارزمی حنفی از قول ابن عباس روایت کرده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنین علی علیه السلام فرمود: «لو ان البحر مداد و الغیاض اقلام و الانس کتاب و الجن حساب ما احصوا فضائلک یا ابا الحسن»؛ اگر دریاها جوهر و مرکب شوند، جنگل ها و درخت ها تبدیل به مداد و قلم شوند، طایفه اجنه کتاب و حسابگر شوند، نمی توانند تمام فضائل تو را احصاء و شماره کنند. (۱) حاکم حسکانی حنفی سنی در کتاب «شواهد التنزیل» حدود ۲۱۰ آیه قرآن که درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده را بیان کرده است. (۲) از جمله:

عبد الرحمان بن لیلی می گوید: «نزلت فی علی ثمانون آیه صفوا فی الکتاب الله ما یشرکه فیها احد من هذا الامه»؛ درباره علی علیه السلام هشتاد آیه خاص و برگزیده در کتاب خدا (قرآن) نازل شده که هیچ کس از امت اسلام در آن، با او شریک و همتا نمی باشد. (۳)

بعد از این مقدمه که روایات موثق و متواتر از سنی و شیعه در باب فضیلت و شأن مقدس حضرت علی علیه السلام جهت امامت خاصه الهیه ذکر

ص: ۱۷

-
- ۱- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب؛ (ترجمه ابوالحسن حقیقی)، (ساری: شوق، ۱۳۷۸)، ص ۴۷۸، منقبت ۳۴۱.
 - ۲- علماء و اکابر موثق و مشهور دیگر اهل سنت درباره نزول آیات قرآن که در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است کتاب نوشته اند از جمله: «ما انزل من القرآن فی امیر مومنین» از ابو الحسن احمد بن محمد بن میمون قزوینی؛ «ما انزل من القرآن فی امیر المؤمنان» از ابو الفرج اصفهانی؛ «ما انزل من القرآن فی علی» از ابو الحامد مظفر بن ابی بکر احمد حنفی رازی آقسرائی؛ «ما انزل من القرآن فی علی» از عبد العزیز بن یحیی بن احمد جلودی؛ «الایات النازلہ فی اهل بیت» از ابو محمد بن مخام حسن بن محمد مقرئ شافعی؛ «ابانه ما فی التنزیل من مناقب آل الرسول» از احمد بن حسن بن علی ابوالعباس طوسی؛ «ما انزل من القرآن فی امیر المومنین» از ابوبکر مردویه؛ «ما انزل من القرآن فی علی» از هارون بن عمر بن العزیز مجاشعی.
 - ۳- ابوالقاسم حسکانی، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن؛ ترجمه کتاب شواهد التنزیل، (مترجم: یعقوب جعفری)، چاپ دوم، (تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۷)، ص ۲۶.

گردید وارد اصل بحث و کلام می شویم که چگونه می توان در میان این همه آیات و روایات صریحه و صحیحه که در شأن و شخصیت با عظمت و منور حضرت علی علیه السلام است استدلال علیه خصم و اعداء کرد.

اثبات آیات امامت قبل از بحث در آیات صریحه که در مورد امامت علی علیه السلام و ائمه معصومین است به جواب این شبهه و مغلطه که از سوی رسانه های وهابیت و معاندین به ساحت مقدس اهل بیت کرام می پردازیم. آنها می گویند اگر امام علی علیه السلام از طرف خدا و پیامبر امام بوده، چرا خودش اقرار و ابراز به این مقام عصمت آسمانی و امامت الهی نکرده است در جواب باید گفت در کتاب شریف نهج البلاغه و احتجاج حضرت امیر و ائمه علیهم السلام در تفسیر بعضی آیات به این موضوع پرداخته است در اینجا برای نمونه به چند روایت و حدیث اشاره می کنم که حضرت علی علیه السلام بیان داشته من امام معصوم از جانب خدا و رسول برای هدایت بشر و مسلمین هستم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انت الامام ابو الائمة الاحدی عشر الذین هم المطهرون المعصومون»؛ ای علی! تو امام، پدر ائمه و پیشوایان ۱۱ گانه هستی که همگی آنان پاک، مطهر و معصوم از تمام رجس و گناهان باطنی و ظاهری هستند. (۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «انا خاتم الوصیین»؛ من زینت اوصیاء و

ص: ۱۸

۱- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۹۷، باب ۱۶.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفت: «یا علی انا و انت و الائمه من ولدک سادات فی الدنیا و الاخره»؛ ای علی! من و تو پیشوایان و رهبران حقیقی دین و فرزندان معصوم تو، سادات و سروران در دنیا و آخرت هستند. (۲)

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمودند: «فلیوال علیاً بعدی ولیعاد عدوه ولیأتم بالأئمه الهداه من ولده فإنهم خلفائی وأوصیائی وحجج الله علی خلقه بعدی»؛ هر کس ولایت علی بعد از من و ولایت فرزندان او، که حجت و دلیل های محکم الهی بر مردم و خلق هستند را بپذیرد، هدایت یافته است. (۳)

«عن علی علیه السلام قال فی القوله تعالی (وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّوْطِ لَنَا كِبُونَ) قال عن ولایتی»؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره سخن خدا که «هر کس ایمان به آخرت ندارد از صراط مستقیم خارج می شود» فرمود: راجع به ولایت من است. (۴)

علی علیه السلام فرمود پیامبر صلی الله علیه و آله به من خطاب کرد و فرمود: «مرحبا بسید المسلمین و امام المتقین»؛ مرحبا آفرین به سرور بزرگ مسلمانان و امام و پیشوای افراد متقی و پاکدامن. (۵)

ص: ۱۹

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۱۴۵، باب ۴۱.

۳- سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القربی، ص ۹۶، موده ۱۰.

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۱۰.

۵- ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۹.

امیر مؤمنان در احتجاج در مقابل مهاجر و انصار بعد از وفات پیامبر به غاصبین خلافت خطاب کرد و فرمود: «فو الله الذی اکرمنا اهل البیت بالنبوه و الخلافه و جعل منا محمدا و اکرمنا بعده بان جعلنا ائمه للمومنین لا یبلغ عنه غیرنا و لا تصلح الامه و الخلافه الا فینا»؛ به خدا قسم، خدا ما را به پیامبر صلی الله علیه و آله و خلافت کرامت اعطاء کرد و محمد صلی الله علیه و آله را از میان ما برای نبوت و پس از او ما را برای خلافت برگزید و کرامت داد و قرار داد که ائمه مومنین باشیم که جز ما کسی نمی تواند و قادر نیست از آن حضرت تبلیغ کند و مقام امامت و خلافت تنها در میان ما به اصلاح می رسد و خداوند هیچ کس را در امر ولایت با ما شریک نکرده است. (۱)

در این باب احادیث فراوان است که امام علی علیه السلام و ائمه تأکید روشن به امامت الهی بلا فصل خود کرده اند؛ اما اثبات آیات امامت امام علی در قرآن و تفاسیر، که آیه ۵۵ سوره مائده، معروف و مشهور به آیه ولایت است اشاره و تأکید بر امامت خاصه الهی امام علی علیه السلام و یازده فرزند خلفش دارد که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

آیه ولایت

منابع و مأخذهای بسیاری از اهل سنت وجود دارد که شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده (معروف به آیه ولایت) را درباره حضرت علی علیه السلام می دانند.

(۲) از

ص: ۲۰۰

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۸۰؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۸۸؛ محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ۲، ص ۵۰؛ مبارک بن محمد ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛ علی بن احمد واحدی، اسباب نزول، ص ۱۴۸؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، لباب النقول، ص ۹۰؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۸؛ مؤمن شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۰۵؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ص ۱۶۵؛ ابن حجر عسقلانی، الکافی الشاف فی تخریج احادیث الکشاف، ص ۵۶؛ امام فخر رازی، تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۴۳۱؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۲، ص ۳۹۳؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱؛ محمد توفیق، بیت الصدیق، ص ۲۷۳؛ احمد صقر، جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۲۲؛ طبری، احکام القرآن، ج ۳ و ۴، ص ۸۴؛ الخافی الحسینی شافعی، التبر و المذاب، ص ۴۸؛ محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۳۳۴؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۶؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹۱۵؛ یحیی بن حسن ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۴۰؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، باب ۳۹، حدیث ۱۵۳؛ علی بن ابوبکر هاشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷، ص ۱۷؛ ابو الفتوح، تفسیر، ج ۴، ص ۲۴۶.

محتوا و بیان تفاسیر اهل سنت امامت حضرت علی علیه السلام ثابت می شود ولو اینکه آنها قائل به آیات امامت الهی درباره حضرت نیستند. همچنین گواهی سخنان تفسیری ائمه هدی درباره این آیه صراحت دراد که راجع به امامت الهی حضرت علی علیه السلام است .

در تفسیر و شأن نزول آیه فوق از عبایه بن ربیع روایت نموده اند که گفت: روزی عبد الله ابن عباس در حالی که نزدیک چاه نشسته بود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کرد. در آن هنگام شخصی که عمامه بر سر داشت و صورت خود را پوشیده بود وارد شد. ابن عباس نمی گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود، آن شخص گفت: بگو. ابن عباس گفت: ای مرد تو را به خدا سوگند می دهم تو چه کسی هستی؟ ابوذر روپوش از چهره خود برداشت و گفت: ای مردم هر که مرا می شناسد و هر که مرا نمی شناسد، من جناب ابن جناده بدری ابوذر غفاری هستم، شنیدم از پیامبر صلی الله علیه و آله با دو گوش خود و دیدم او را با چشم هایم که فرمود: علی ابن ابی طالب پیشوای نیکان و قاتل کافران

است هر که او را کمک و یاری کند ظفر یابد و هر که از او روی بگرداند زبون و خوار شود. روزی با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر می خواندیم فقیری وارد شد و تقاضای کمک کرد. کسی به وی چیزی نداد. فقیر دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: بار پروردگارا! شاهد باش که من در مسجد رسول خدا اظهار حاجت نمودم کسی چیزی به من نداد. در آن هنگام علی علیه السلام در رکوع بود با اشاره فقیر را خواسته و انگشتر خود را به او صدقه داد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نماز به خدا متوجه شد و عرض کرد: «بار الها موسی کلیم از تو تقاضا کرد: (قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي، وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي)؛ سینه مرا گشاده دار، کار مرا آسان کن، و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند، و وزیری از خاندانم برای من قرار بده، برادرم هارون را، به وسیله او پشتم را محکم گردان و او را در کار من شریک کن. (۱) پس از این پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «اللهم اشرح لي صدري، ويسر لي أمري، واجعل لي وزيرا من اهلي، عليا اشدد به ظهري»؛ پروردگارا سینه مرا گشاده دار، کار مرا بر من آسان گردان، و وزیری از خاندانم برایم قرار بده که علی باشد، بوسیله او پشتم را محکم کن. ابوذر سپس گفت: دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان یافت آن گاه جبرئیل از جانب پروردگار نازل شد و گفت: بخوان این آیه را (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛ سرپرست و رهبر شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می

ص: ۲۲

پردازند. (۱) به این ترتیب، ولایت و رهبری علی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خدا اعلام گردید. (۲)

احمد حنبل می گوید: علی ابن ابی طالب علیه السلام افضل فضلالی صحابه است زیرا آن چه او را حاصل شد از فضائل و کمالات هیچ کس از مهاجر و انصار حاصل نشد و از جمله عبادات مالی و بدنی در یک وقت از او صادر گردید جامع این دو صفت عظیم یعنی زکات دادن در حالت رکوع و نماز در حالت واحد علی ابن ابی طالب علیه السلام است. (۳)

انس بن مالک می گوید: روزی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که آن حضرت از خانه متوجه مسجد شد و علی را در نماز مستحب دید. ناگاه فقیری چیزی طلب کرد و در گدایی زاری نمود، حضرت علی علیه السلام کلام و ناله فقیر را شنید پس اشاره به دست راست از جانب پشت نمود. فقیر متوجه شد که علی علیه السلام خاتم و انگشتر به او بدهد پس آمد و انگشتر را از دست مبارک بیرون آورد و بسیار خوشحال شد. خداوند به جهت تکریم حضرت علی علیه السلام آیه ۵۵ سوره مائده را نازل کرد، بعد از پایان نماز حضرت علی علیه السلام به خانه رفت و به حجره داخل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را احضار کرد و فرمود: امروز از تو چه عملی صادر شده است. حضرت علی علیه السلام قضیه دادن انگشتر را به فقیر در مسجد توضیح داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: گوارا و مبارک باد تو را ای علی، خوشدل و مسرور باش که خدا

ص: ۲۳

۱- مائده / ۵۵.

۲- علی بن احمد واحدی، اسباب نزول، ص ۱۷.

۳- تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۸۱.

عزوجل در حق تو آیه ی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱) نازل و تو را تعظیم و تمجید فرموده است. (۲)

سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد نماز ظهر را خواند و بعد از خواندن بیرون آمد و صحابه متفرق شدند و کسی در مسجد نماند مگر امام علی علیه السلام که در حال نماز بود فقیری وارد مسجد شد کسی را ندید متوجه حضرت علی علیه السلام شد. عرض کرد: یا علی! به آن خدایی که این نماز را برای او می خوانی به من احسانی کن که بسیار دردمند هستم و قوتی ندارم، حضرت دست راست خود را به پشت مبارک نهاد و انگشتر عقیق را که در انگشت داشت به او بخشید. فقیر از آن عطای سخاوت حضرت بسیار خوشحال شد و حضرت را دعای بسیار نمود. حق تعالی آیه ۵۵ سوره مائده را نازل فرمود و پیامبر هم فرمود: ای علی! خدا از این عمل تو به ملائکه مباحثات نمود یا علی بخوان آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۳).

واحدی از ابی بکر تصمیمی و او از ابن عباس روایت می کند که روزی پیامبر از خانه متوجه مسجد شد چون به مسجد در آمد دید که مردم در رکوع و سجودند پس در آن حالت چشم مبارک حضرت بر فقیری افتاد: ای فقیر

ص: ۲۴

۱- مائده/ ۵۵؛ سرپرست و رهبر شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می پردازند.

۲- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۱، ص ۴۴۱، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۱۹.

۳- مائده/ ۵۵؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۹۱۹.

آیا کسی در مسجد چیزی به تو داد آن مسکین گفت: بلی ای پیغمبر انگشتری دادند. فرمود: آن را چه کسی به تو داد؟ گفت: آن جوان که در نماز ایستاده است. فرمود: در چه حالتی به تو داد؟ گفت: یا رسول خدا در حالت رکوع بود که این احسان را به من کرد. حضرت چون حکایت را از این فقیر شنید گفت: الله اکبر و بعد از آن آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱) را تلاوت فرمود. آنگاه فرمود: که الحمد لله الذي جعلها في و في اهل بيتي؛ شکر آن خدایی را که این کرامت را در من و اهل بیت من ظاهر ساخت و این توفیق رفیق خاندان من شد و این شرف در برادر من علی علیه السلام ظاهر گشت. (۲)

در احتجاج از قول شریف امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: منافقین حضور پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: آیا واجب دینی دیگری بر ما هست که هنوز خدا او را نرسانیده تا بدانیم بعد از آن واجب نیست و تکلیفی نداریم. خداوند این آیه را نازل فرمود: (قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ)؛ بگو جز این نیست که شما را به یک نکته سفارش می کنم. (۳) سپس آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۴) نازل شد و اختلافی در میان امت اسلام نیست که این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شد و کسی جز آن حضرت در حال رکوع صدقه و زکات نداده و علت آن که خدا در قرآن نام آن حضرت را

ص: ۲۵

۱- همان.

۲- ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۸۲.

۳- سبا / ۴۶.

۴- مائده / ۵۵.

به صراحت نام نبرده برای آن است که اگر ذکر می نمود منافقین این آیه را از قرآن حذف و تحریف می کردند و همین طور است در آیات دیگر به طریق رمز و اشاره فرموده و ما ائمه رموزات آن را بیان کرده ایم و این معنا لطفی است از جانب خدا تا ندانند معنای آن را آن اشخاصی که در صدد تحریف و اسقاط قرآن هستند و تا ما ائمه هدی آن رموزات و تاویل آیات را به امثال شما برسانیم. (۱)

شیخ مفید از قول ابی اعلاء می فرماید: که گفت: حضور امام صادق علیه السلام رسیدم. عرض کردم: آیا امامان اطاعتشان اجب است؟ فرمود: بله! خداوند درباره ایشان فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)؛ و آن امامان هستند که خداوند آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (۲) در شأن آن نازل کرده است. (۳)

در تفسیر عیاشی به سندی از عمار یاسر روایت نموده که گفت: در حالی که علی ابن ابی طالب علیه السلام در رکوع نماز بود، فقیری از او درخواست کمک نمود، علی بن ابی طالب علیه السلام انگشتر خود را از دست بیرون آورده به فقیر داد، فقیر نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و جریان را نقل کرد، آنگاه به پیامبر صلی الله علیه و آله آیه ۵۵ مائده نازل شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز این آیه را بر ما قرائت کرد. سپس فرمود: «هر کس مرا به پیامبری قبول دارد، علی را باید به امامت قبول

ص: ۲۶

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، (ترجمه بهراد جعفری)، چ ۳، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷)، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲- مائده / ۵۵.

۳- محمد بن محمد مفید، اختصاص، ص ۲۷۷.

کند و امام خود بداند. بارالها هر که از علی پیروی کند و او را دوست دارد، دوست بدار و هر که او را دشمن بدارد، دشمن بدار. (۱)

حال ممکن است برای خواننده این سوال مطرح شود که آیه ۵۵ سوره مائده چه ربطی به مقام امامت و ولایت امام علی علیه السلام دارد. حضرت در رکوع نماز مستحبی به سائل صدقه و زکات داد و این آیه بلاشک از سوی خدا نازل شده و پیامبر به مردم پیام رسانی کرده است. چگونه از متن، ترجمه و شأن نزول و لطایف آیه و ترجمه و متن می توان فهمید راجع به امامت و خلافت الهی حضرت امام علی علیه السلام و ائمه هدی است در ادامه به این موضوع می پردازیم.

آیه ولایت و جواب شبهات

بعد از آن که بر اساس منابع، اثبات تفسیری و روایی شد که آیه ۵۵ سوره مائده در شأن و منزلت حضرت علی علیه السلام است. اکنون به شبهات فرقه وهابیت و سلفی ها پرداخته و به جواب آنها پرداخته می شود.

به نقل از اصول کافی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده آمده که فرمود: «انما یعنی اولی بکم ای: احق بکم و بامورکم من انفسکم و اموالکم، الله و رسوله (وَالَّذِينَ آمَنُوا) یعنی علیا و اولاده الاثمه الی یوم القیامه»؛ ولی در اینجا به معنی سزاوارتر به شما و کارهای شما و جان و مال شما، خدا و رسول او و علی و اولاد او که ائمه می باشند، تا روز قیامت هستند. پس خدا در این آیه آنان را توصیف کرده و فرمود: کسانی که نماز

ص: ۲۷

می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند، (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱) سرپرست و اختیار دار شما - مولا و رهبر شما در امر تشریح و تکوین خدا - پیامبر و مؤمنان: همان کسانی که نماز را اقامه می کنند و زکات می دهند در حالتی که در رکوع هستند، می باشند. (۲)

امام صادق علیه السلام از اجداد مطهرش نقل می کند: چون آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد جمعی از یاران پیامبر در مسجد مدینه جمع شدند بعضی از آنان به بعضی دیگر گفتند: درباره این آیه چه می گوئید؟ بعضی گفتند: اگر این آیه را انکار کنیم آیات دیگر را هم انکار کرده ایم و اگر به این آیه ایمان آوردیم و آن را بپذیریم این عین خواری و ذلت ماست؛ زیرا پسر ابوطالب بر ما مسلط می شود پس گفتند: ما یقین داریم که محمد در آنچه می گوید راستگو است، ما از او پیروی می کنیم ولی از علی علیه السلام در آنچه دستورمان می دهد فرمان نمی بریم. آنگاه آیه (يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا) نازل شد؛ نعمت خدا را می شناسند سپس آن را انکار می کنند و بیشتر آنها حقیقتاً کافر و ناسپاسند. (۳) یعنی ولایت علی علیه السلام را می شناسند ولی بیشترشان به ولایت کافرند. (۴)

در تفسیر البرهان ذیل آیه ۵۵ سوره مائده از قول شیخ صدوق به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که طایفه ای از یهود، مسلمان شدند که از

ص: ۲۸

۱- مائده / ۵۵.

۲- ثقیالاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۸، حدیث ۳.

۳- نحل / ۸۳.

۴- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳.

جمله آنان عبد الله بن سلام بود، خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! حضرت موسی وصیت کرد به یوشع بن نون و او را جانشین خود قرار داد. وصی و جانشین بعد از شما کیست؟! پس از تو ما به چه کسی پناه ببریم، در پاسخ این پرسش آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (۱) نازل شد. آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بلند شوید، همه بلند شدند و به سوی مسجد آمدند. مرد فقیری از سوی مسجد به طرف پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد، حضرت به او فرمود: ای مرد کسی چیزی به تو داد؟ عرض کرد: آری این انگشتر را یک نفر هم اکنون به من داد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی آن را به تو داد؟ عرض کرد: این مردی که مشغول نماز است. حضرت فرمود: در چه حالی آن را به تو داد؟ عرض کرد: در حال رکوع. پس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و اهل مسجد با حضرت تکبیر گفتند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رو به سوی مردم کرد و فرمود: «علی پس از من ولی شماس». آنان نیز گفتند: ما به خداوندی خدا و به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و ولایت امامت علی علیه السلام خوشنود هستیم. (۲)

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی حدود ۴۰ منبع موثق تفسیری و روایی اهل سنت را با نام کتاب نویسنده و شماره جلد و صفحات ذکر می کند که آیه ۵۵ سوره مائده در شأن حضرت علی علیه السلام و امامت و ولایت او نازل گشته است. آیه با کلمه (إِنَّمَا) شروع می شود که به معنی «همانا این است و غیر از این نیست» که سرپرست شما خدا، پیامبر و آن کسانی که ایمان دارند و نماز به پا می دارند و در حالت رکوع زکات می دهند و علما می گویند: لفظ (إِنَّمَا) کلمه حصر است، یعنی این ۳ گروه در محصور و حصار هستند و

ص: ۲۹

۱- مائده / ۵۵.

۲- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۸۰.

حق ولایت در این ۳ دسته محصور شده و قابل انتقال برای هیچ کس دیگر نیست. بعضی از دشمنان ولایت آیه ۵۵ سوره مائده را از روی تزویر و حيله در شأن انصار عباده بن صامت یا عبد الله بن سلام می دانند و گفته اند: چرا آیه جمع به کار برده و به صورت (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ) آمده است. چند جواب علمای شیعه و سنی بیان کرده اند؛ اول از جهت تعظیم و تکریم مقام والای ولایت و اثبات امامت خاصه الهی آن حضرت (امام علی) جمع به کار برده است. ضمناً در حدیث قبل؛ که از کتاب شریف اصول کافی مرحوم کلینی نقل کردم سایر ائمه اطهار هم داخل این آیه هستند و آیه ۵۵ سوره مائده شامل آنان نیز می شود چون امام هستند و از فرزندان مطهر امام علی علیه السلام می باشند. همچنین این آیه عظمت عبادت و حقیقت عبودیت حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار را می رساند که اولاً؛ ولایت آن ها متصل و قرین به ولایت خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، ثانیاً؛ آیه می گوید اهل نماز هستند، یعنی کمال ایمان؛ که خدا آنان را در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرین کرده و جهت ولایت و سرپرستی اهل ایمان و تقوا برگزیده است. بعد آیه می گوید نماز را اقامه می کنند و برپا می دارند؛ یعنی یک نماز کامل و مقبول با تمام شرایط جزئی، اصلی، فرعی، باطنی و ظاهری. یعنی گرفت آنها در حقیقت اصل نماز را به پا می دارند، یعنی یک نمازی که مطلوب خداوند متعال است بر پا می دارند. آیه در ادامه می گوید (وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ)؛ زکات را عطاء می کنند. زکات از کلمه زکی است، از هر عمل پاک و همراه با اخلاص، ایمان و تقوا در جهت رضای پروردگار و بعد اشاره دارد که این زکات؛ که یک قسم آن زکات مالی است، حال چه زکات مستحبی باشد چه زکات واجب را ادا می کنند. یک اشکال مهم به خیال خودشان فرقه گمراه و تاریک سلفی ها (وهابیت) به این آیه می گیرند و آن این است که زکات و

انگشت دادن به فقیر در رکوع نماز با خضوع و خشوع و حضور قلب در نماز سازگاری ندارد آن هم در مورد حضرت علی علیه السلام که در اوج نیایش و راز و نیاز با خدا، قرار داشته و از صمیم وجود ارتباط برقرار می کرده است حتی تیر در پای حضرت فرو رفته، به نماز می ایستد و آن چنان غرق در عبادت می شود که درد و رنج ضربه و زخم تیر را حس نمی کند. (۱)

طبق قولی مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب حدیقه الشیعه در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده نقل کرده اند به اجماع مفسرین سنی و شیعه حضرت علی علیه السلام در حالت رکوع، انگشت را که بعضی نوشته اند انگشت سلیمان بن داود بوده که به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جهت ارث معنوی و یا به وسیله اجنه آورده شده و ایشان به حضرت علی علیه السلام هدیه داده بودند و بعضی ها نوشته اند یک انگشت عادی و معمولی بوده، به فقیر عطا نموده است. بنابراین، این جریان اتفاق افتاده است. (۲)

به اتفاق مفسرین قرآن آیه ولایت (۵۵ سوره مائده) هنگامی که فقیر از حضرت علی علیه السلام درخواست نیاز نمود و آن حضرت انگشت خویش را در حالت رکوع نماز به او عطا نمود و محدثان اتفاق نظر دارند که این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (۳)

و اما درباره جواب شبهه می توان گفت:

ص: ۳۱

-
- ۱- سلطان الواعظین شیرازی، شب های پیشاور، ص ۴۴۷؛ البته بعضی از اکابر شیعه چون شیخ مفید این مطلب را رد کرده اند.
 - ۲- علی بن محمد الجرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۶۰؛ مسعود بن عمر تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۲، ص ۲۸۸؛ محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۶، ص ۱۶۷؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۱۱۶۲؛ محمد بن جریر، تفسیر طبری، ج ۶، ص ۳۸۹؛ تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۸۰؛ علی بن احمد واحدی، اسباب نزول، ص ۱۱۳.
 - ۳- عبدالرحمان بن احمد عضد الدین ایجی، المواقف، ج ۳، ص ۶۱۴.

اولاً: دادن صدقه و کمک به فقیر از عدم حضور قلب و حواس جمعی انسان است.

ثانیاً: فعل کثیر است؛ یعنی حرکت اضافی در نماز است و حرکت اضافی در نماز باعث باطل شدن نماز می شود و این افعال با روح عبادی و افعالی امیر المؤمنان علی علیه السلام قابل قیاس و سازگاری نمی باشد. اما جواب: امیر المؤمنین در نماز، کمک به فقیر می کند و هیچ نقصی به عبادت او وارد نمی شود؛ زیرا شنیدن ناله و کمک خواهی و فریاد رسی به استغاثه او توجه به هوای نفس و خود محوری نیست، بلکه عین توجه به خدا و دستورات خداست، (وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَهُ)؛ گدا را از خود مران. (۱) همچنین، نماز حضرت علی علیه السلام نماز واجب نبوده بلکه نماز مستحبی بوده است.

ثالثاً: حضرت چند عبادت را با هم ترکیب کرده و خدا او را مدح کرده است و در متن و شأن نزول آیه (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ) اشاره به نماز و زکات در حال رکوع شده که تعظیم و خشوع در برابر ذات اقدس احدیت است و فریاد رسی به سائل و گدای نا امید است.

رابعاً: خودتان قائل هستید که خلفاء و زنان و اصحاب پیامبر اگر اجتهاد دینی بکنند اشکال بر اعمال آنان وارد نیست.

معاویه جنگ صفین به پا می کند خون های هزاران صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله چون عمار و یاسر را می ریزد در مقابل خلیفه، داماد، پسر عمو و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله ، امیر مؤمنان علی علیه السلام قد علم می کند و قرار می گیرد که پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن او فرموده است: «حربک حربی و سلمک سلمی و لحمک لحمی و دمک دمی»؛ ای علی جنگ با تو جنگ با من است و صلح

ص: ۳۲

با تو صلح با من است تو گوشت و خون من هستی. (۱) معاویه ای که در قتل امام حسن علیه السلام ؛ سید جوانان اهل بهشت و نوه پیامبر صلی الله علیه و آله شریک است، می گویند: اجتهاد کرده، عالم بوده که اگر در اجتهادش خطا و اشتباه کرده، یک ثواب دارد. اگر درست فتوا داده و اجتهاد نموده، دو ثواب دارد!؟ امیرالمؤمنین در این نماز مستحبی در حال رکوع زکات داده و به فریاد این فقیر رسیده است با این که پیامبر صلی الله علیه و آله او را تأیید کرده و آیه در شأن او نازل شده و اجتهاد دینی نموده است چه آسیب و ضرری به نماز و عبادت حضرت علی علیه السلام وارد می شود.

خامساً: علی علیه السلام در نماز از خود بی خود و بی توجه بود نه از خدا و رضایت باری تعالی.

در کتاب شب های پیشاور به نقل از زمخشری در کشاف آمده است که می گویند ولو این که آیه ۵۵ سوره مائده که معروف و مشهور به آیه ولایت است در مورد امام علی علیه السلام و ائمه اطهار نازل شده است، ولی یک دلیل که آیه جمع به کار برده نه مفرد (الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ) این است که مؤمنان ترغیب و تشویق به دادن زکات و کمک به فقیر شوند. ولو در رکوع نماز باشند. در ادبیات عرب مکرر دیده شده که از مفرد به لفظ جمع تعبیر شده است. به طور مثال: آیه مباحله یا آیه ۱۷۲ سوره آل عمران و یا آیه ۵۵ سوره مائده که شأن نزول درباره یک نفر و یا چند نفر بوده، ولی خداوند در قرآن به دلایلی و حکمت هایی لفظ جمع آورده است؛ ولی در آیه ۵۵ سوره مائده (وَلِيكُمْ) به معنای دوست و یاور و ناصر نیست. چرا؟ چون

ص: ۳۳

۱- علی بن محمد ابن صباح، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۵۸۷؛ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل رسول، ص ۸۳، باب ۱؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۱۲۲، باب ۹؛ محمد بن عیسی ترمذی، الجامع الصحیح، ص ۹۷۹، ح ۳۷۲۶.

دوستی مؤمنان یک حکم عمومی است. ولی در آیه شریفه یک حکم خصوصی و منحصر است با کلمه (إِنَّمَا) که کلمه حصر است آنان را محصور کرده است. آیه ۵۵ سوره مائده راجع به یک فرد معین سخن می گوید که نماز می خواند و در حال رکوع زکات می دهد و می خواهد او را جهت ولایت و سرپرستی امت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کند. البته حضرت علی علیه السلام در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله طبق آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ سوره مائده و احادیث منزلت، وزارت و مقام ولایت داشته است؛ یعنی ولایت، خلافت و رهبری آسمانی و الهیه حضرت علی علیه السلام به فرمان خدا و رسول بالفعل بوده است، رکوع در آیه به معنای خشوع و خضوع نیست. رکوع به معنای خشوع در محل معین است؛ ولی آیه درباره نماز حضرت علی علیه السلام است که رکوع دلالت بر فعل واجب، معین و مشخص نماز دارد یا اینکه می گویند حضرت علی علیه السلام فقیر بوده چگونه پول و ثروت داشته که به فقیر کمک کند؟! حضرت علی علیه السلام از دست رنج خود اموال فراوانی تحصیل کرد و در راه خدا انفاق نموده است تا آنجا که مورخین نوشته اند هزار برده را از دست رنج خود آزاد کرده است. بعلاوه ایشان سهم غنائم جنگی نیز داشته است. ضمناً اطلاق زکات در قرآن فراوان آمده که منظور از آن زکات مستحبی بوده و در بسیاری از سوره های مکی کلمه زکات آمده است. زکات واجب، مسلم بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله مدینه بوده و سوره مائده آخرین سوره طویل قرآن است که به پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. (۱)

مرحوم شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار ۷ معنا برای کلمه مولا ذکر

ص: ۳۴

۱- سلطان الواعظین شیرازی، شب های پیشاور، ج ۲، ص ۷۴۲؛ عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۱، ص ۴۴۳.

کرده که یکی از آنها به معانی سرپرست و اختیار دار بودن است. (۱) سبط ابن جوزی در تذکره الخواص از برای کلمه مولا، ده وجه و معنی ذکر می کند آنگاه می گوید: «و المراد الحدیث الطاعه المحضه فتعین وجه العاشر و هو الاولی و معناه من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به»؛ مراد و منظور مولا- در این حدیث، همان طاعت و پیروی از علی علیه السلام است که مولا، اولویت و سزاواری را می رساند. (۲) بعضی از اهل سنت می گویند: مولا- در این جا به معنای دوستی و یاری است و معنای دیگری در بر ندارد حال ما فرض می گیریم که مولا- به معنی دوستی و محبت و یاری است به قول بعضی از علمای متعصب اهل سنت، قرآن در سوره آل عمران می فرماید: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد. (۳) پس حقیقت ابراز دوستی و نشان دادن محبت به اولیاء الله و خدا پیروی کردن و تابع شدن دستورات آنان می باشد.

آیات امامت

از جمله آیات دیگر که در قرآن در این باره آمده و در تفاسیر شیعه و سنی راجع به خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام است به طور فهرست وار خدمت شما عزیزان عرضه می دارم. آیه ۳ سوره مائده به آیه اکمال معروف است، آیه ۶۷ سوره مائده به آیه ابلاغ معروف است، آیه ۵۹ سوره نساء به آیه اطلاعات معروف است، آیه ۲۵ سوره انفال، آیات ۱ الی ۴ سوره نجم، آیه ۴۵ سوره زخرف، آیه ۷ سوره رعد، آیه ۲۴ سوره صافات، آیه ۱۲۴ سوره

ص: ۳۵

-
- ۱- شیخ صدوق، معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۱.
 - ۲- سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۰، باب دوم.
 - ۳- آل عمران / ۳۱.

بقره، آیه ۵۵ سوره نور، آیات ۱ الی ۳ سوره نباء، آیه ۸ سوره تکوین، آیه ۷۴ سوره مومنون، آیات ۱ و ۲ سوره معارج و آیه ۸۲ سوره طه می باشد. انشاء الله به طور مختصر راجع به هر کدام از این آیات صریح و واضح که درباره ی امامت و خلافت الهی حضرت علی علیه السلام از جانب خدا به سوی خاتم الانبیاء نازل شده که به بشریت برساند مطالبی عرضه می شود.

آیه اکمال

در اینجا به توضیحاتی درباره آیه سوم سوره مائده که معروف است به آیه کمال - یعنی کامل کننده دین اسلام و شریعت مقدس - می پردازیم. آیه می گوید: امروز دین شما کامل و نعمت بر شما تمام شد و از اسلام شما راضی شدم. آیات قبل این آیه راجع به احکام خوردنی های حلال و حرام است؛ اما خداوند این آیه را در وسط متن آیه سوم سوره مائده گنجانده تا دشمنان و حاسدین نتوانند از روی غرض و عناد، این آیه را از قرآن حذف کنند، بعضی از وهابیون و علمای سنت قائل هستند که این آیه در روز عرفه نازل شده است و از قول خلیفه دوم نیز روایت می کنند. حدود ۳۶۰ نفر از مفسران، محدثان و مورخان علمای عامه حدیث غدیر و آیات مربوط آن را نقل کرده اند و علامه امینی تمام مدارک سندی و شواهد نقلی آن را در کتاب شریف الغدیر جمع نموده است. ابن جریر طبری دانشمند معروف سنی در کتاب ولایت از زید ابن رقم نقل می کند که آیه سوم سوره مائده در روز غدیر خم درباره امامت علی علیه السلام نازل شده است. حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی از ابو سعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم علی علیه السلام را به عنوان ولایت و امامت به مردم معرفی

کرد و مردم متفرق نشده بودند تا آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (۱) نازل شد. در این موقع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و بالولایته لعلی من بعدی ثم قال من کنت حضرته فعلی حضرته اللهم و الاله من و الاله و عاد من عادا و انصر من نصره و افضل من فضله»؛ الله اکبر بر کامل شدن دین اسلام و تمام شدن نعمت و خشنودی خدا از رسالت من و امامت و ولایت علی بعد از من. سپس فرمود: هر کس من حضرتی اویم علی حضرتی اوست. خداوندا آن کس که او را دوست دارد دوست بدار و آن کس که او را دشمن بدارد دشمن بدار، هر کس او را یاری کند یاری کن و هر کس دست از یاری او بردارد دست از یاری او بردار. (۲)

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ از ابوهریره روایت کرده است که ابوهریره گفت: بعد از خطبه و سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در وادی غدیر خم و گرفتن پیمان و بیعت از برای علی علیه السلام جهت امامت و رهبری او بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و گفتار عمر ابن خطاب «بخ بخ یا علی ابن ابی طالب اصبحت حضرتی و حضرت کل مسلم و مسلمة»؛ به به ای علی بن ابی طالب! صبح کردیم و شاد شدیم برای این که تو حضرت و سرور تمام زنان و مردان مسلمان شدی. بعد آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (۳) نازل شد. (۴)

اولین افرادی که از صحابه با امیر المؤمنان علی علیه السلام جهت امامت و رهبری بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کردند خلیفه اول و دوم، جناب ابوبکر و عمر بودند. عمر بخ بخ گفت که عرب ها جهت شادباش و تبریک به کسی از

ص: ۳۷

۱- مائده / ۳.

۲- حافظ ابو نعیم اصفهانی، ما نزل من القرآن فی علی، به نقل از شرح احقاق الحق، ج ۶، ص ۳۵۵.

۳- مائده / ۳.

۴- احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۸۴.

روی تعجب و شادی فراوان، بخ بخ می گویند اما ایرانی ها، به به می گویند و اگر لفظ مولا فقط جهت دوستی و یاد آوری محبت علی علیه السلام به مسلمین بود لازم نبود سه روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، ۷۰ هزار صحابه در برخی از تواریخ ۱۱۴ هزار، ۱۲۰ هزار و ۱۲۴ هزار حاجی و صحابه که از راه های دور و نزدیک در التزام رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله به حج رفته بودند و در وادی گرم و سوزناک غدیر جمع نمایند و خطبه ای غرا همراه با آیات و مطالبی که راجع به فضائل و مناقب علی علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان بخواند و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر خم به طور واضح و روشن، امامت و جانشین علی علیه السلام و ائمه طاهرین را بیان کرده است که خطبه شریفه دارای ۵۵ بخش است. خصوصاً مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج به طور مبسوط تشریح نموده است که حتی زنان هم آمدند با امیر المؤمنان علی علیه السلام در غدیر خم بیعت کردند به این نحو که ظرف بزرگی از آب گذاشتند و زنان مسلمان دست های خود را در ظرف آب به نیت بیعت با شاه ولایت می زدند و می رفتند. (۱)

ابن مغازلی از ابو هریره روایت نموده که گفت: هر که در روز ۱۸ ذی الحجه روزه بگیرد. خدا به او ثواب ۶۰ سال روزه را عنایت می کند و آن روز غدیر خم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امام علی علیه السلام از مردم بیعت گرفت و فرمود: هر که من مولای او هستم علی مولای اوست. آنگاه آیه سوم سوره مائده بر پیامبر نازل گشت. (۲)

حاکم ابو القاسم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل به سند خود از ابی صالح از ابن عباس روایت نموده که آیه سوم سوره مائده در حق علی علیه السلام نازل شد پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست او را گرفت و فرمود: «من

ص: ۳۸

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲- ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام ، ص ۱۸، حدیث ۲۳.

کنت مولاہ فہذا علی مولاہ؛ ہر کس من مولای او ہستم علی مولای اوست. آن قدر دست های علی را بلند کرد کہ سفیدی بغل ہر دو نمایان شد. امیر المؤمنان می فرماید آن قدر پیامبر در بالا بردن دست من در جمع مسلمین مبالغہ و تأکید عملی کرد کہ پاہای من از زمین بلند شد. (۱)

خطیب خوارزمی بہ سند خود از ابو ہریرہ روایت می کند کہ گفتہ است اگر امیر مؤمنان در محیطی بیاید من نماز را پشت سر علی می خوانم ولی غذایم را در کنار معاویہ می خورم. (۲) مرحوم سلطان الواعظین شیرازی در کتاب خود مطلبی دربارہ ابو ہریرہ نقل کردہ است کہ او صحابہ منافق بودہ است. (۳) در بعضی از روایات آمدہ است کہ عمر او را تازیانہ زد چون زیاد احادیث جعلی از پیامبر نقل می کرد. دو سال با پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ بود و ۵۰۰۰ حدیث نقل کردہ است. او می گوید: من بخاطر گرسنگی و فرط فقر، دنبال پیامبر اکرم راہ افتادم. (۴) حال آنکہ انسان منافق بہ حقانیت ولایت و امامت علی علیہ السلام دو رنگ اعتراف می کند. اکنون بہ متن روایت او توجہ کنید. او می گوید: پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ بہ مردم در غدیر خم در روز پنج شنبہ امر فرمود تا زیر درختان را از خار و خاشاک پاک کنند و مردم را بہ ولایت علی دعوت فرمود و دست او را گرفتہ بلند نمود چنان کہ مردم سفیدی زیر بغل او

ص: ۳۹

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواہد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۱۳۵.

۳- محمد سلطان الواعظین، شبہای پیشاور، ج ۱، ص ۴۹۹؛ حسین تهرانی، سوالات ما: شامل ۳۱۳ سوال پیرامون مسائل اعتقادی، کلامی، فقہی، تفسیری و تاریخی، (قم: حاذق، ۱۳۸۹)، ص ۴۲۹.

۴- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۵۰، ص ۱۷۲؛ احمد بن محمد ابن عبدربہ، عقد الفرید، ج ۱، ص ۳۴؛ بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۹۱، حدیث ۲۹۴۷۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نہج البلاغہ، ج ۱۶، ص ۱۶۵، خطبہ ۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابہ، ج ۷، ص ۳۶۰؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۰، حدیث ۵۲؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۵۰.

را مشاهده کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سلموا علی علی بامرہ للمومنین»؛ سلام کنید به علی به این صورت : السلام علیک یا امیر المومنین؛ سلام و درود خدا بر تو ای رهبر و بزرگ اهل ایمان. همه مردم و صحابه امر پیامبر را اطاعت کردند و با لفظ امیر المومنین به حضرت علی سلام دادند و بیعت کردند و بعد از آن مردم پراکنده شدند تا آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (۱) بر پیامبر نازل شد. امروز دین اسلام با ولایت و امامت علی علیه السلام کامل شد. (۲)

احمد حنبل رئیس فرقه حنبلی ها روایت می کند که براء بن عازب گفت: با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منطقه غدیر خم فرود آمدیم و در میان مردم ندا کرد: نماز جماعت و میان دو درخت را پاک کردند، حضرت نماز ظهر را خواند، پس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: آیا نمی دانید من به هر مومنی از نفس او اولی هستم؟ گفتند: بلی! پس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر که من حضرتت اویم علی حضرتت اوست. پس عمر آمد و با علی علیه السلام بیعت کرد و گفت: گواری تو باد ای علی، ای پسر ابو طالب که حضرتت هر مومن و مومنه ای شدی. (۳) منابع روایی، تاریخی و تفسیری دیگر اهل سنت نیز آیه اکمال را در نصب امیر المؤمنان علی علیه السلام برای امامت الهیه می دانند.

ص: ۴۰

۱- مائده / ۳.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۱۳۵.

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱.

آیه ابلاغ

از جمله آیات صریح دیگر در مورد امامت خاصه حضرت علی علیه السلام آیه ۶۷ سوره مائده که به آیه ابلاغ معروف و مشهور است.

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت که به تو نازل می شود، ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی و به گوش مردم نرسانی رسالت خود را به اتمام و ابلاغ نرسانده ای. (۲) یعنی ۲۳ سال نبوت تو و سال های طولانی نبوت ۱۲۴ هزار پیامبر و زحمات پیامبری آنان و نتیجه رفت و آمد جبرئیل و فرشتگان وحی بی نتیجه می ماند. اصل اسلام بی نتیجه و بی هدف می شود و بشریت به طور عموم برای همیشه گمراه می شوند و راه نجات و صراط مستقیم را نخواهند شناخت.

ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه از ابو سعید خدری نقل می کند که آیه ۶۷ سوره مائده در خصوص امام علی علیه السلام نازل شده که خدا امر به تبلیغ ولایت علی علیه السلام فرموده است. (۳)

کتاب های عامه بسیاری وجود دارد که آیه ۶۷ سوره مائده را تبلیغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر ولایت حضرت علی علیه السلام می دانند.

ص: ۴۱

۱- از جمله: احمد بن موسی ابن مردویه الاصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی، ص ۲۳۱؛ محاسن التاویل، ج ۴، ص ۳۳؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۵؛ محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۴؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۷۵؛ ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۳۶؛ العاصمی، زین الفتی، ص ۶۲۷.

۲- مائده / ۶۷.

۳- علی بن محمد ابن صباغ، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۲۴۵.

آیه اطاعت

از جمله آیات دیگر قرآن که به طور صریح راجع به امامت و ولایت امام علی علیه السلام و ائمه اطهار است آیه ۵۹ سوره نساء که معروف و مشهور به آیه اطاعت است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنكُمْ) ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و پیامبر و صاحبان امر اطاعت کنید. (۲) خداوند دارای عصمت ذاتی است و هیچ گونه نقص و عیبی به او راه ندارد و پیامبرش نیز معصوم است. خداوند در قرآن درباره می گوید: (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)؛ هر کس پیامبر را پیروی کند بی گمان خدا را اطاعت کرده است. (۳) پس صاحبان امر هم باید معصوم باشند؛ چون اطاعت و فرمانبرداری از آنان قرین و ردیف اطاعت از خدا و رسول است.

در کتاب های روایی و تفسیری شیعه و سنی این آیه را در شأن حضرت علی علیه السلام و ائمه هدی بیان کرده اند. (۴)

ابو حیان اندلسی مغربی در تفسیر بحر المحيط ذیل آیه مذکور آورده است که ابو بکر بن مومن شیرازی در رساله اعتقاد می گوید: آیه ۵۹ سوره نساء در اطاعت از فرامین امام علی علیه السلام و ائمه هدی که هادیان و راهنمای خلق از سوی خدا و پیامبر هستند، نازل شده است. (۵)

ص: ۴۲

۱- عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۶؛ ابن عقده، الولایه؛ حافظ ابو نعیم اصفهانی، ما نزل من القرآن فی علی، به نقل از خصائص، ص ۲۹؛ امام فخر رازی، تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۶۳۶.

۲- نساء / ۵۹.

۳- نساء / ۸۰.

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ص ۱۳۴.
۵- ابو حیان اندلسی مغربی، تفسیر بحر المحيط، ج ۳، ص ۲۷۸؛ امام فخر رازی، تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۳۵۷؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۴؛ غیاث الدین بن هماد الدین، حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۰۳؛ محمد صالح کشفی مرتضوی، مناقب المرتضی، ص ۵۶.

شأن نزول آیه: هنگامی که پیامبر اسلام، علی را در مدینه به جای خودش گذاشت. عرض کرد: یا رسول الله! آیا مرا سرپرست زنان و کودکان نموده ای؟ حضرت فرمود: یا علی! آیا نمی خواهی نسبت تو به من همانند منزلت و قرب هارون به موسی باشد که به او گفت به جای من باش « اخلفنی فی قومی و اصلح » و در آیه (أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱) خدا ولایت عموم مسلمین را به علی واگذار کرده و پیامبر اسلام نیز هنگامی که او را در مدینه بجای خود گذاشت، فرمود: که خدا امر فرموده که مردم از علی اطاعت نمایند.

شخصی محضر امام علی علیه السلام آمد، پرسید: کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره گروه گمراهان و کافران قرار می گیرد چیست؟! و کمترین چیزی که انسان به سبب آن در گروه مؤمنان و صالحان قرار می گیرد چه می باشد؟! امام علی علیه السلام فرمود: اما کمترین چیزی که انسان به سبب آن گمراه می شود این است که حجت، نماینده خدا، خلیفه خدا و شاهد و گواه او را که طاعت و ولایت او لازم است را نشناسد. آن مرد گفت: ای علی! آنها را برای من معرفی کن. علی علیه السلام فرمود: همانا کسانی که خداوند آنان را در ردیف خود و پیامبر قرار داده و فرموده: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲). آن مرد گفت فدایت شوم باز هم روشن تر بفرما. علی علیه السلام فرمود: همان هایی که پیامبر اکرم در موارد مختلف و در خطبه روز آخر عمرش از آن ها یاد کرده و فرموده: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، اهل بیتی ما ان تمسکتُم بهما تزلوا بعدی ابداً»؛ من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم اگر چنگک به دامان آنان بزنید

ص: ۴۳

۱- نساء/ ۵۹.

۲- همان.

هیچ وقت گمراه نخواهید شد. قرآن و اهل بیت. (۱)

ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام سوال کردم معنی آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲) چیست؟ فرمود: منظور خدا از اولی الامر در این آیه امیر مؤمنان علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم او هستند. عرض کردم: مردم می گویند چنانچه این آیه در حق این بزرگواران نازل شده است پس چرا خداوند آنها را با نام و اسامی در قرآن بیان نفرموده اند؟ فرمود: به مردم بگو خدا در قرآن آیه اقامه و وجوب نماز خواندن را نازل کرده ولی تمام احکام و جزئیات مسائل آن را بیان نفرموده است. همچنین مقدار زکات و احکام کلی حج و سایر حدود، تفسیر و روشن کردن آیات را تا زمانی که پیامبر اکرم زنده است به عهده و تکلیف او گذاشته است و همچنین پیامبر این آیه را روشن کرده در آنجا که می فرماید: «هر که من حضرت و سرپرست و بزرگ او هستم علی بعد از من ولی اوست» و با آیه شریفه تطهیر، ما را یاد کرده است که این گونه افراد مطهر و زکی و مبرا از تمام رجس ها و پلیدی های باطنی و ظاهری می توانند منصب خلیفه الله را انجام دهند و حمل امانت الهی کنند و همانا اطاعت آنان با اطاعت از خدا و رسول هم قرین است. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «ایا ناعنی خاصه امر جمیع المومنین الی یوم القیامه بطاعتنا»؛ مقصود از اولی الامر، فقط ما هستیم که خدای متعال همه مؤمنان را تا قیامت به اطاعت از ما امر کرده است. (۴)

ص: ۴۴

۱- کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۷۷.

۲- نساء / ۵۹.

۳- ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴- همان، ص ۲۷۶.

جابر بن یزید الجعفی می گوید از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: هنگامی که خدا بر پیامبرش آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱) را نازل کرد خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم: ای رسول خدا! خدا و رسول را که در این آیه امر به اطاعت آنان کرده شناختیم، اما صاحبان امر و اولی الامر منکم چه کسانی هستند که معرفت به آنان پیدا کنیم و آنان را اطاعت نماییم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر! جانشینان من و پیشوایان مسلمانان هستند بعد از من اولین فرد آنان علی و پس از او حسن، و پس از او حسین، پس از او علی بن حسین، پس از او محمد بن علی، که در تورات به باقر معروف است و ای جابر تو او را درک می کنی و سلام مرا به او برسان. پس از او جعفر بن محمد، پس از او موسی بن جعفر، پس از او علی بن موسی، پس از او علی بن محمد، پس از او حسن بن علی و پس از او کسی هم نام و کنیه من، حجت خدا در زمین و بقیه الله در میان بندگانش، پسر حسن بن علی است. او ائمه مسلمانان خواهد بود و کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او فتح کرده و می گشاید. او کسی است که خداوند او را از شیعیانش و دوستانش غائب و پنهان می سازد که در آن غیبت جز کسانی که دلشان برای ایمان آزموده شده است و بر اعتقاد امامت وی پایدار نمی مانند. (۲) پس روشن و واضح است که آیه ۵۹ سوره نساء که معروف به آیه اولی الامر است فقط شامل اطاعت از خدا و پیامبرش و ۱۲ ائمه هدی است.

ص: ۴۵

۱- نساء / ۵۹.

۲- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۳، حدیث ۳.

از جمله آیات دیگر که راجع به خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام است آیه ۲۵ سوره مبارکه انفال است.

ابن عباس در تأویل و تفسیر آیه (وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)؛ از فتنه ها پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد بلکه همه را فرا خواهد گرفت (۱)، گفت: چون این آیه نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من ظلم علیا مقعدی هذا بعد وفاتی فکانما جحد نبوتی و نبوه الانبیاء قبلی»؛ هر کس به علی در نشستن وی به جای من پس از وفاتم ظلم کند، گویا نبوت من و پیامبران گذشته را انکار و رد کرده است. (۲)

در کتاب ابو عبد الله محمد بن علی سراج در ذیل آیه مذکور از قول صحابی مکرم رسول، عبد الله ابن مسعود نقل می کند که او گفت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای پسر مسعود بر من آیه ۲۵ سوره انفال نازل شد و من آنرا نزد تو به امانت می گذارم، آنچه من می گویم، حفظ کن و به دیگران نقل کن. « من ظلم علیا مجلسی هذا کمن جحد نبوتی و نبوه من کان قبلی »؛ هر کس به علی در نشستن وی به جای من ظلم کند مثل کسی است که نبوت من و تمام پیامبران را انکار کرده است. (۳)

ص: ۴۶

۱- انفال / ۲۵.

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۱۷، حدیث ۲۶۹.

۳- علی بن موسی ابن طاوس، الطرائف، (ترجمه داود الهامی)، چاپ سوم، (قم: دفتر نشر نوید اسلام)، ص ۱۲۴-۱۲۵.

منابع و مأخذهای بسیاری از اهل سنت و شیعه وجود دارد که آیات اول الی چهارم سوره مبارکه نجم را درباره ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام می دانند. (۱)

شأن نزول آیه بدین شرح است: به سندی از ابن عباس نقل می شود که ابن عباس گفت: با عده ای از جوانان بنی هاشم در کنار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشسته بودم. ناگهان ستاره ای از جای خود جست و در زمین فرود آمد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این ستاره در منزل هر کس فرود آمد او بعد از من وصی من است. جوانان بنی هاشم بلند شدند و نگاه کردند، دیدند که ستاره در منزل علی علیه السلام فرود آمده است. گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله در محبت به علی علیه السلام گمراه شده است. خداوند آیه (وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَى، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى)؛ سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند هرگز صاحب شما گمراه نشده و مقصد گم نکرده و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

ص: ۴۷

۱- محمد بن یوسف گنجی، کفایه الطالب، ص ۱۳۱؛ ابن سعید، البحار، ج ۹، ص ۵۲؛ طبرانی، معجم الکبیر، ص ۱۳۰؛ جلال الدین سیوطی، احیاء المیت در حاشیه التحاف، ص ۱۱۳؛ جلال الدین سیوطی، اللآلی المصنوعه، ج ۱، ص ۱۸۵؛ البدخشی، مفتاح النجاء، ص ۹؛ سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الصغیر للطبرانی، ص ۷۸؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰؛ ابن بطریق، العمده، ص ۴۴؛ ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۶۶؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقه، ص ۱۸۴؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۲۶۶؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۹.

آیه ۴۵ سوره زخرف

از جمله آیات دیگر که راجع به خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام است آیه ۴۵ سوره مبارکه زخرف است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر و شأن نزول آیه می فرماید: در شبی که مرا بسوی آسمان ها و عوالم غیب و ملکوت جهت بازدید و معراج از شگفتی های عالم هستی و اسرار خلقت بالا بردند، خداوند بین من و تمام ارواح پیامبران جمع کرد، سپس فرمود: (وَ سِئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا) از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس. (۲) برای چه مبعوث به نبوت شدند و به سوی مردم جهت ارشاد و انذار رفتند؟ می گوید: سوال کردم بر چه مبعوث شدید؟! گفتند: «بعثنا علی شهاده آن لا اله الا الله و اقرار بنبوتک و الولاية لعلی بن ابی طالب»؛ جهت شهادت و اقرار به کلمه لا اله الا الله و اقرار به پیامبری تو و اقرار به ولایت و امامت علی علیه السلام. (۳)

آیه ۷ سوره رعد

از جمله آیات قرآن که راجع به خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام است آیه ۷ سوره رعد است. (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ همانا تو فقط هشدار دهنده ای و برای هر قومی هدایت کننده ای هست.

ص: ۴۸

۱- نجم / ۱-۴.

۲- زخرف / ۴۵.

۳- تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۲۲۱، حدیث ۳۵؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص ۹۸، حدیث ۱۱۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۷۰؛ احمد بن محمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۸.

از ترجمه و مضمون چند تفسیر اهل سنت درباره این آیه که امامت حضرت را مشخص و ثابت می کند خدمت شما محبان حضرتش مطالبی عرضه می دارم. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آب وضو خواست و علی علیه السلام نزد آن سرور بود، پس از وضو دست علی علیه السلام را به سینه خود چسبانید و فرمود: «و لكل قوم هاد انك مناره الانام و غايه الهدى و امير القری»؛ ای علی! تو اصل دین و منار نشانه ایمان و کمال هدایت و رهبر رو سفیدان می باشی. زمانی که این آیه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست خود را بر سینه اش نهاد و فرمود من منذرمن من انگاه دست بر شانه علی نهاد و فرمود تو هادی هستی یا علی، هدایت یافتگان بعد از من بوسیله تو هدایت می شوند. لفظ آیه (لِكُلِّ قَوْمٍ) می گوید که منظور قوم بدون شک مسلمین هستند و بعد عامه بشریت هستند، چون قرآن برای تمام انسانیت و نجات بشریت نازل شده است یعنی در هر عصر و زمان، طبق این آیه باید یک هادی از سوی خدا و رسول اکرم باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله هم فرمود: «بعد از من ۱۲ خلیفه، امیر یا ائمه می آیند که همگی هادی و هدایتگر هستند» و این دلیل بر وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی نیز هست. (۲) منابع سنی و شیعه بسیاری وجود دارد که این آیه را در شأن حضرت علی علیه السلام می دانند.

ص: ۴۹

۱- رعد/ ۷.

۲- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۲؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ج ۴، ص ۳۴۲.

آیه ۲۴ سوره صافات

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۲۴ سوره مبارکه صافات می باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت که پل صراط را روی جهنم نصب می کنند کسی نمی تواند از پل صراط عبور کند مگر اینکه ولایت امام علی را در دنیا پذیرفته باشد. در حدیث دیگر فرمودند: پروردگار امر می کند به دو فرشته که بر پل صراط توقف کنند و نگذارند کسی عبور کند مگر آنکه جواز عبور داشته باشد. گفتند: یا رسول الله جواز عبور چیست؟ فرمود: نامه ای که در آن لا اله الا الله محمد رسول الله و امیر المومنین علی ابی طالب وصی رسول الله و حجت الله علی خلقه نوشته شده است. (۲)

آیه ۱۲۴ سوره بقره

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۱۲۴ سوره بقره می باشد.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ و هنگامی که خدا ابراهیم را با کلماتی بیازمود و او همه را به اتمام رسانید، گفت: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. (ابراهیم) گفت: و از خاندانم (چطور)؟ فرمود: عهد من به ستمکاران نمی رسد. (۳)

ص: ۵۰

-
- ۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ابو الفتوح رازی، تفسیر رازی، ج ۱۹، ص ۱۴؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۴، ص ۴۵؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۴۸؛ غیاث الدین بن همام الدین، حیب السیر، ج ۲، ص ۱۲؛ از کتاب های شیعه: کافی، ج ۱، ص ۱۹۱؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۰ و ...
- ۲- ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۸۹؛ احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۹۵؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابو نعیم اصفهانی، تاریخ، ج ۱، ص ۲۸۱؛ محمد بن یوسف گنجی، کفایه الطالب، ص ۲۴۷؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۸؛ هاشم بن سلیمان بحرانی، غایه المرام، ج ۱، ص ۶۸ و ...
- ۳- بقره/ ۱۲۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لم یسجد احدنا لصنم قط فاتخذنی نبیا و اتخذ علیا وصیا»؛ من به دعوت پدرم حضرت ابراهیم هستم که من و علی علیه السلام هرگز سجده برای غیر خدا نکردیم و خداوند مرا به پیغمبری و علی را به امامت و ولایت من برگزید. (۱)

آیه ۵۵ سوره نور

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۵۵ سوره نور می باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در شأن امام علی علیه السلام و امامان از نسل او نازل شده است. (۲)

آیات ۱ الی ۴ سوره نباء

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیات ۱ الی ۴ سوره نباء می باشد. (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، كَلَّا سَيَعْلَمُونَ)؛ از چه از یکدیگر می پرسند؟، درباره ی آن خبر بزرگ، همان که همواره در آن اختلاف دارند، نه هرگز زود که بدانند. (۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه فرمود: منظور ولایت و امامت علی علیه ص: ۵۱

۱- ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام ، ص ۲۶۷؛ محمد صالح بن عبدالله کشفی ترمذی، مناقب المرتضوی العلوی، ص ۴۱؛ سید بن طاووس، طرائف، ص ۲۰۸؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۳۰۴؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۲۹؛ کافی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۷؛ محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۷، ص ۴۲۹۲؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۴؛ سید بن طاووس، طرائف، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳- نبا/ ۱ - ۴.

السلام است که از آنها درباره آن در قبر سوال می شود و هیچ کس در شرق و غرب عالم در خشکی و دریا از دنیا نمی رود و نمی میرد مگر اینکه فرشتگان سوال و جواب قبر از او درباره ولایت و امامت امام علی علیه السلام و ائمه طاهرین سوال می کنند به روح میت خطاب می کنند و می گویند: «من ربک؟ من دینک؟ من نیک؟ من امامک» (۱).

حضرت علی علیه السلام فرمود: برای خدا آیه و خبری در قرآن بزرگتر از من نیست. از اصبع بن نباته روایت شده که گفت روز جنگ جمل در بصره سواری از لشکر بصره بیرون آمد و آیات ۱ الی ۴ سوره نباء را خواند. حضرت علی علیه السلام جلو او رفت و به او فرمود: آن خبر بزرگ را می شناسی؟ گفت: نخیر. حضرت فرمود: به خدا قسم منم خبر بزرگ که در من اختلاف کردید. به زودی مرا خواهید شناخت آن وقتی که میان بهشت و جهنم بایستم و خلائق را به فرمان خدا قسمت کنم و به جهنم بگویم این برای تو و این برای من، او را بگیر که از دشمنان من است و دست بردار از این شخص که از دوستان من است. ای جهنم! تو را برای دشمنان من خلق کردند که کنار حوض کوثر بایستم و طایفه ای را از حوض کوثر برانم چنانکه در دنیا شتر غریب را از کنار حوض آب برانند، پس از آن شمشیر کشید و مرد بصری را به درک واصل کرد و بجای خودش رجوع کرد.

ص: ۵۲

۱- سید بن طاووس، طرائف، ص ۲۱۲؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۷؛ کافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

آیه ۸ سوره تکاثر

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۸ سوره تکاثر می باشد.

(ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)؛ آنگاه آن روز از نعمت ها بازخواست می شوید. (۲)

صحابه می گویند: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معنای «نعیم» را در آیه سوال نمودیم. فرمود: منظور ولایت و امامت علی علیه السلام است. (۳)

ابو حنیفه از امام صادق علیه السلام درباره حقیقت و تفسیر این آیه سوال کرد. امام فرمود: نظر تو درباره این آیه چیست؟ ابو حنیفه گفت: منظور آب و غذا می باشد. امام فرمود: چنانچه خدا فردای قیامت تو را در موقف حساب و کتاب نگه دارد و از تمامی خوراک ها و آب های گوارا که به تو در دنیا داده سوال کند هر آینه به طول می انجامد. ابو حنیفه سوال کرد پس معنای حقیقی و تفسیر این آیه چیست؟ امام فرمود: منظور ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم. نعمت حقیقی، پیامبر و عترت طاهرین او هستند که به وسیله ما به همه مردم منت نهاده شده است. (۴)

امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت رضا علیه السلام فرمود: هرگز خدا، فردای قیامت از نعمت های مادی مثل خوراکی ها از بندگانش سوال و

ص: ۵۳

۱- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۲، ص ۱۵۴۵، به نقل از تأویل الایات، ج ۲، ص ۷۵۹.

۲- تکاثر/ ۸.

۳- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۹۸-۳۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۴۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ص ۱۱۱؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، باب ۳۵، حدیث ۸؛ عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۸، ص ۳۰۷، حدیث ۱۸؛ جواد رضوی، سیمای امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن، ص ۶۱۳.

۴- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۲، ص ۱۶۴۷.

مواخذه نمی کند، برای انسان ها قبیح و زشت است در مقابل خدمت و خوبی که انجام می دهند منت بگذارند و چگونه برای خدا این منت گذاشتن سزاوار است. او از نعمت حقیقی و معنوی که ولایت و امامت خاصه و الهی ما اهل بیت است از شما سوال می کند. «نعیم» در این آیه دوستی و ولایت ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله است که خدا پس از سوال کردن از توحید و نبوت، از آن پرسش می کند. هر بنده ای که وفات کرد و دوستی ما آل محمد صلی الله علیه و آله را در دل داشته باشد، این ولایت و پذیرفتن دوستی و امامت ما، او را بسوی بهشت جاویدان سوق می دهد شاهد بر این مدعا آیه (وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ) (۱) است. آنان را در عرصه محشر نگه بدارید و متوقف کنید که مسئول هستند و مورد سوال قرار می گیرند و باید در مورد ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و ائمه طاهرین بازجویی شوند. (۲)

آیه ۷۴ سوره مومنون

آیه ۷۴ سوره مومنون

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۷۴ سوره مومنون می باشد.

(وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّراطِ لَنَّا كِبُونَ)؛ و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، حتماً از راه درست منحرف اند.

ص: ۵۴

۱- صافات/ ۲۴.

۲- حافظ ابو نعیم اصفهانی، النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی، ص ۲۸۵، حدیث ۷۹؛ محمد سلطان الواعظین، شب های پیشاور، ج ۲، ص ۶۰۷؛ ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۹۵؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۶؛ کافی، ج ۳، ص ۲۸۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۶؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۶؛ عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۲، ص ۱۶۴۷.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از صراط، ولایت و امامت ما آل محمد است. (۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «ان الله جعلنا ابوابه و صراطه و سبيله و الوجه الذی یاتی منه فمن عدل عن ولایتنا او فضل غیرنا فانهم عن صراط لناکبون»؛ خداوند ما رهبران دینی و الهی را درهای وصول به معرفتش و طراط و طریق و جهتی که از آن به او می رسند قرار داده، بنابراین کسانی که از ولایت ما منحرف گردند، یا دیگری را بر ما برگزینند آنها از صراط حق منحرفند. (۳)

اهل سنت به طرق مختلف از اصبع بن نباته روایت نموده اند که حضرت علی علیه السلام فرمود: آیه ۷۴ سوره مومنون درباره ولایت و امامت ما می باشد و هر کس از طریق ولایت ما بسوی دین خدا نرود از صراط حق منحرف و گمراه شده است. (۴)

آیات ۱ و ۲ سوره معارج

از جمله آیات دیگر که مخصوصا در باب ولایت است آیات ۱ و ۲ سوره معارج می باشد.

شأن نزول آیه: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در محضر ۱۲۰ هزار ص: ۵۵

۱- مومنون / ۷۴.

۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۴۹.

۴- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۲، ص ۹۳۵؛ به نقل از ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۰۰؛ احمد بن موسی ابن مردویه الاصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و منازل من القرآن فی علی، ص ۷۲؛ ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۱۱۰؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۲۴؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲۴؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۱۷.

حاجی و صحابه، امیر المؤمنان را در وادی غدیر خم به امر خدا برای خلافت و امامت معرفی نمود، این خبر به گوش حارث بن نعمان فهری رسید. حضور مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! ما را به گفتن و اقرار به شهادت لا اله الا الله و ان محمد رسول الله دستور دادی و قبول کردیم و زیر بار رفتیم، باز گفتی ۵ وقت نماز بخوانیم، بجا آوردیم. امر به زکات، روزه، حج و سایر واجبات دینی کردی، عمل کردیم. به تمام این دستورات دینی راضی نشدی تا این که بازوی پسر عمویت علی را بلند کردی و او را نصب به امامت بعد از خودت کردی. این کار را از جانب و طرف خودت کردی یا از سوی خدا؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به آن خدایی که جز او خدایی نیست من به امر و فرمان خدا علی را برای امامت و خلافت نصب و تعیین کردم. حارث روی برگردانید و گفت: «اللهم إن كان هذا من الحق فامطهر علينا حجاره من سماء اوائتنا بعذاب الیم»؛ خدایا! اگر آنچه که محمد می گوید درباره امامت علی پسر ابو طالب از طرف توست و حق می باشد پس از آسمان بر ما سنگی ببار یا به عذابی دردناک ما را گرفتار کن. هنوز به مرکب و راحله خودش نرسیده بود که سنگی از آسمان که در حقیقت از سوی غضب خدا می آمد بر سر او اصابت کرد. (۱)

ص: ۵۶

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۱؛ محمد بن احمد قرطبی، جامع الاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۲۷۸؛ احمد بن محمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۵؛ محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۶۲؛ ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۳۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۱۹؛ الغدیر، ج ۱، ص ۲۴۱؛ و ...

از جمله آیات قرآن که درباره امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است آیه ۱۳۵ سوره طه می باشد.

(قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَيَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى)؛ بگو همه در انتظارند پس در انتظار باشید به زودی می دانید که چه کسی از اصحاب راه راست است و چه کسی هدایت یافته است. (۱)

ابن شهر آشوب در ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده است که گفت: به خدا قسم (أَصْحَابُ الصِّرَاطِ)، محمد و اهل بیت او هستند و مراد از (مَنِ اهْتَدَى)، اصحاب با وفای پیامبر می باشند که مسلمانان را به ولایت و امامت علی علیه السلام هدایت می کنند. (۲)

حاکم حسکانی، سمعانی و ابن اثیر در ذیل همین آیه از ابن عباس نقل کرده اند که دلیل بر ولایت و امامت پیامبر و ائمه هدی دارد. (۳)

مختصر احادیث امامت

در اینجا به احادیثی که اشاره به امامت و ولایت امیر المؤمنان علی علیه السلام و ۱۱ فرزند معصومش دارد بیان می کنم. مقاتل بن عطیه کتابی به نام « مؤتمر علماء بغداد » نوشته است که مجالس مناظره و مباحثه علما و آخوند های

ص: ۵۷

۱- طه / ۱۳۵.

۲- محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۷۱.

۳- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۹؛ عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۱، ص ۸۷۳؛ ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۵۹.

شیعه و سنی را راجع به حدیث مشهور ۱۲ خلیفه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نگاشته است که در آن علمای شیعه توانستند اثبات کنند که این ۱۲ خلیفه، ۱۲ امام معصوم از طرف خدا هستند. (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «الخلفاء بعدی اثناء عشر بعدده نقباء بنی اسرائیل و کلهم من قریش»؛ بعد از من ۱۲ خلیفه به عدد نقبای قوم بنی اسرائیل که همگی از طایفه قریش هستند بر شما خلیفه اند. (۲) در بعضی از روایات آمده «کلهم من بنی هاشم»؛ همگی آنان از بنی هاشم هستند، آمده است و همچنین پیامبر این ۱۲ خلیفه را با اسامی ذکر کرده است. بیش از ۲۰ کتب حدیثی اهل سنت، اسامی ۱۲ ائمه معصومین را ذکر کرده اند. (۳) در روایت صحیح اشاره شده است که ۱۲ امام، معصوم و مطهر از تمام گناهان باطنی و ظاهری هستند. به این روایت توجه فرمایید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه منه ولد الحسین مطهرون معصومون»؛ من و علی و حسن و حسین و نه فرزند از حسین، همگی پاکیزگان و معصومان هستیم. (۴)

آیا در قرآن اشاره ای به ۱۲ امام شده است؟ بله، آیه (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ

ص: ۵۸

۱- مقاتل بن عطیه، مؤتمر علماء بغداد، ص ۱۱۵.

۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۲۸.

۳- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲۳۴، حدیث ۵۵۳ و ۵۵۴؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۷، حدیث ۶۲۶؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۸۱؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۵۱۷؛ موفق بن احمد اخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶؛ غیاث الدین بن هماد الدین، حیب السیر، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ منهاج الفاضلین، روضه الحجاب، ص ۲۳۹.

۴- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۸.

عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ) در حقیقت ماه ها نزد خدا از روزی که آسمان ها و زمین را خلق کرده، ۱۲ ماه است. (۱) به تفسیر آیه که مراجعه می کنیم امام می فرماید: منظور از ۱۲ ماه، ۱۲ ماه سال قمری و شمسی نمی باشد؛ زیرا این اسامی را هم یهود و نصارا می فهمند، بلکه منظور آیه ائمه دوازده گانه است که قوام دین به وجود ایشان می باشد. (۲)

شیخ مفید به سند خود از جابر جعفری روایت کرده است که حضرت باقر علیه السلام فرمود: ای جابر منظور از ۱۲ ماه، ۱۲ امام معصوم می باشد و چهار ماه حرام هم امامانی هستند به نام علی که همانند سایر ائمه حرمت دارند. پس دین به ائمه ۱۲ گانه استوار و پا بر جاست. بنفس خود درباره ائمه هدی ظلم و ستم نکنید یعنی به تمام دوازده امام معصوم خود معتقد بوده و از آنها پیروی کنید تا هدایت شوید و به سعادت دو جهان نائل گردید. (۳)

از جمله آیات دیگری که به ائمه ۱۲ گانه شیعه اشاره دارد، آیه ۲۴ سوره مبارکه سجده است. حاکم حسکانی در ذیل آیه (وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ) و از آنان پیشوایان و امامانی قرار دادیم که به امر و دستور ما مردم را هدایت می کردند چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند (۴).

در پایان چند حدیث را خصوصا از منابع و کتب عامه و اهل سنت بیان می گردد. چون فرقه وهابی ها، شیعه را زائیده عبد الله سبا یهودی یا اختراع

ص: ۵۹

۱- توبه / ۳۶.

۲- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۸۹-۹۰.

۴- سجده / ۲۴.

دولت صفوی می دانند و جان، مال، عرض و عرض ی که ۱۲ امام است؟ روایت مجددا بررسی شود در صورتی که متن روایت همین است ذکر نشود با خود حضرت علی جمع ائمه ۱۳ امام می شود ناموس شیعه را مباح و حلال می دانند. به تفسیر آیه زیر توجه فرماید .

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)؛ مسلماً کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند ، آنها را بهترین مخلوقاتند.(۱)

جابر عبد الله انصاری می گوید ما در محضر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که علی علیه السلام وارد شد آن حضرت فرمود: «و الذی نفسی بیده آن هذا و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامه و نزلت (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)»؛ سوگند به آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست این مرد (علی علیه السلام) و شیعیانش فردای قیامت رستگار و عاقبت به خیر هستند. سپس آیه ۷ بینه نازل شد. پس صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله عادت کرده بودند زمانی که حضرت علی علیه السلام می آمد، می گفتند: «جاء الخیر البریه»؛ بهترین مردم آمد.(۲)

ص: ۶۰

۱- بینه / ۷.

۲- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۱؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۶، ص ۳۷۹؛ محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ۵، ص ۴۷۷؛ ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۱؛ موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۱۱۱؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۳۷؛ ابن اثیر، النهایه، ج ۴، ص ۱۰۶؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقه، ص ۱۵۹؛ زرندی حنفی، نظم درر السمطین، ص ۹۲.

فصل دوم: نصوص و روایات صریحه و روشن تشیع و اهل سنت و جماعت در باب امامت – خلافت – ولایت امیرالمؤمنان
علی علیه السلام

اشاره

ص: ۶۱

درباره موضوع امامت، روایات مستند و متواتری در کتاب های تفسیری و روایی اهل سنت است ولی بنده کتاب شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی - از عالمان و مفسران منصف اهل سنت - را مطالعه کردم و متوجه شدم که هدف ایشان، نشر فضائل و مناقبت اهل بیت علیه السلام در میان تفسیر قرآن کریم از لسان روایات صحیح بوده است و تعصب و عناد با خاندان مطهر نداشته است. همچنین ایشان در متن پایانی کلام خود نوشته اند که آنچه در این زمینه به دست من رسید، با شتاب در اینجا آوردم. بطوری که هر چیزی را که درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل یا به آنان تفسیر و یا به آنان حمل شده است را آوردم. هر چند اهل فن در بعضی از اسنادی که آوردم، گفت و گو دارند و من ملتزم به این که همگی صحیح باشد، نبودم و هدف تکذیب کسی بود که ادعا کرده است چیزی از آیات قرآن درباره آنان نازل نشده است.

پس آیات این کتاب را بشمارید تا به حقیقت بهتان و شدت دشمنی و کینه آنها پی ببرید و خدا در هر زمان پناهگاه است، از خداوند می خواهم که با فضل و کرمش ما را در مسامحه در اسناد، مؤاخذة نکند؛ چون قصد تقرب به عترت فاضله را داشتم و از خدا می خواهم که آنان را شفیع ما قرار دهد و ما را در زمره آنان محشور کند، همان گونه که ما را در دنیا با دوست داشتن و محبت آنان کرامت داده است و او به برآوردن این آرزو، و اجابت دعا با فضل خود تواناست. شرط من بر کسی که این کتاب بدست او می

رسد از بزرگان و پیروان آنان تا پایان روزگار این است که مرا دعا کنند که از آتش نجات یابم. (۱)

اکنون نیز وهابیت و شبکه‌های ماهواره ای کلمه، وصال، نور و وابستگان اموی و سلفی مطالب کفر آمیز را بیان می کنند و در اذهان و افکار عده زیادی از مردم خصوصاً نسل جوان تلقین و ترزیق می کنند. هدف بنده از نوشتن مطالب، اثبات ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و ائمه معصومین و همچنین رد تبلیغات شیطانی وهابیت در رسانه ها بوده است.

حاکم حسکانی در کتاب خود حدود ۲۱۰ آیه از آیات نورانی قرآن کریم که در باب فضائل، مناقبت، خصائص، امامت و برتری حضرت علی علیه السلام و ائمه هدی و اهل بیت کرام رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است را جمع آوری کرده است. در اینجا به روایاتی که ایشان در باب نص امامت حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار آورده است که هم تفسیر و تأویل آیات کریمه قرآن است اشاره می کنم.

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید. (۲)

حضرت علی علیه السلام می فرماید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «من أحب أن يركب سفينة النجاة و يستمسك بالعروة الوثقى و يعتصم بحبل الله المتين فليوال علياً و ليأتم بالهداه من ولده»؛ هر کس دوست دارد به کشتی نجات سوار شود و به ریسمان محکم چنگ بزند و به ریسمان خدا پناه برد، علی را دوست داشته باشد و هدایت کنندگان از فرزندان او را پیشوای خود قرار دهد. پس آیه شریفه امامت ۱۲ امام شیعه را ثابت و اشاره می کند.

ص: ۶۴

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۴۰۴.

۲- آل عمران/ ۱۰۳.

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: « نحن جبل الله الذي قال الله (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) الايه فالمستمسك بولايه على بن ابى طالب المستمسك بالبر فمن تمسك به كان مؤمناً و من تركه كان خارجاً من الايمان» ؛ ما همان جبل الله؛ ريسان خدا هستيم که در آيه (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) آمده است. پس کسی که به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام چنگ زده، به نیکویی چنگ زده است. هر کس به آن چنگ زند مؤمن و هر کس آن را رها کند از ایمان بیرون رفته است. پس طبق آیه شریفه هر کس ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و ۱۱ امام دیگر را نپذیرد مؤمن نیست؛ چون بین مسلمانی و مؤمنی فرق است. (۲)

عن ابن عمر قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله قال لى جبرئيل قال الله تعالى: ولایه على ابن ابى طالب حصنى فمن دخل حصن امن من عذابی ؛ پسر عمر می گوید پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: جبرئیل امین به من گفت: خداوند می فرماید ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام حصار و قلعه من است. هر کس در حصار و قلعه من داخل شود از عذاب و غضب من ایمن و آسوده خواهد بود. (۳)

(فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا)؛ به تحقیق به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان سلطنت و پادشاهی بزرگ بخشیدیم. (۴)

جعفر بن محمد علیه السلام درباره (وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا) فرمود: «جعل فيهم ائمه من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله» ؛ خداوند در میان

ص: ۶۵

۱- ابوالقاسم حسکانی، ص ۷۱-۷۲ .

۲- همان جا.

۳- همان جا.

۴- نساء / ۵۴.

آنان، ائمه قرار داده است که هر کس آنان را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است. این آیه نیز بر ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و ۱۱ فرزند معصومش تصریح و تأکید دارد. (۱)

سلیم بن قیس از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «شركائى الذين قرنهم الله بنفسه و بى و انزل فيهم (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲) الایه، فان خفتم تنازعاً فى امر فارجعوه الى الله و الرسول و اولى الامر. قالت يا نبى الله من هم؟ قال: انت اولهم»؛ شریکان من کسانی هستند که خداوند آنان را به خودش و من نزدیک کرده و فرموده است «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کاردارانی که از شما هستند فرمان برید». اگر در کاری نزاع و درگیری داشتید آن را به خدا و پیامبر و صاحبان امر برگردانید. امام علی علیه السلام از پیامبر اسلام سؤال کرد. ای پیامبر خدا! منظور از صاحبان امر در این آیه چه اشخاص و افرادی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اولین آنان تو هستی ای علی. (۳)

مجاهد گفت: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا) یعنی الذين صدقوا بالتوحيد، (أَطِيعُوا اللَّهَ) یعنی فى فرائضه (وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ) فى السننه (وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) قال نزلت فى اميرالمؤمنين حين خلفه رسول الله بالمدينه؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید» یعنی کسانی که توحید و خدا پرستی را قبول کردند، «اطاعت از خدا» یعنی انجام واجبات دینی، «اطاعت از پیامبر» یعنی پیروی و تبعیت از سنت، «و کاردارانی که از شما هستند» درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام

ص: ۶۶

۱- ابوالقاسم حسکانی، ص ۸۱.

۲- نساء / ۵۹.

۳- ابوالقاسم حسکانی، ص ۸۱.

نازل شده است. هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در میان زنان و کودکان در مدینه به عنوان خلیفه و جانشین از طرف خودش قرار داد. حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا مرا بر زنان و کودکان جانشین قرار می دهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا دوست نداری که تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی. هنگامی که به هارون گفت: «اخلفنی فی قومی واصلح»؛ تو در میان قوم، جانشین من باش. لذا خدا فرمود: (أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)، قال هو علی بن ابی طالب و لاه الله الامر بعد محمد فی حیاته حین خلیفه رسول الله بالمدينه، فامر الله بطاعته و ترکه خلافه؛ او علی بن ابی طالب است که خدا او را در زمان حیات و زندگی پیامبر اسلام جانشین و خلیفه او کرد و این زمان بود که پیامبر او را در مدینه جانشین خود نمود و خدا بندگان را فرمان داد که از علی علیه السلام اطاعت کنند و با او مخالفت نکنند. (۱)

ابو بصیر می گوید از امام باقر علیه السلام در مورد (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) سؤال کردم. امام فرمود: درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. ابو بصیر گفت: مردم می گویند چرا خدا اسم و نام علی و ائمه را در قرآن نیاورده است؟ امام باقر علیه السلام فرمود: به آنان بگویند خدا بر پیامبرش نماز را فرستاده ولی در قرآن مشخص نکرده که سه رکعت باشد یا چهار رکعت و خود پیامبر نماز و احکام آن را تفسیر و روشن کرده است و نیز حکم حج را فرستاده ولی نفرموده که هفت بار طواف کنید و خود پیامبر اسلام آن را تفسیر و روشن کرده است و نیز آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) را درباره امام علی، امام حسن و امام حسین نازل کرده است و پیامبر اکرم فرموده است: شما را به کتاب خدا (قرآن) و اهل بیت وصیت می کنم. من از خدا خواسته ام که میان این دو جدایی نیاندازد تا در

ص: ۶۷

حوض بر من وارد شوند و خدا این دعوت من را اجابت کرده است. (۱)

عن ابن عباس قال: فی قوله تعالی (يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ) (۲) قال بولایه علی ابن ابی طالب؛ ابن عباس درباره کلام خدا «خداوند کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و آخرت با گفتار (و اعتقاد) استوار ثابت می گرداند» گفت: قول ثابت و برقرار، یعنی اقرار و اعتقاد راسخ به ولایت و امامت امام علی علیه السلام است. (۳)

عبدالله بن مسعود می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من نتیجه دعای پدرم حضرت ابراهیم هستم. گفتیم: تو چگونه نتیجه دعای پدرت ابراهیم شدی؟ فرمود: خداوند به ابراهیم وحی کرد که من تو را امام و پیشوا قرار می دهم. شادی و خوشحالی ابراهیم را فرا گرفت و گفت: «فقال یا رب و من ذریتی ائمه مثلی»؛ از خانواده ام ائمه و امامانی قرار بده. پس خدا به ابراهیم وحی کرد که ای ابراهیم! من به تو قولی نمی دهم که عمل نکنم. ابراهیم گفت: خدایا آن قول چیست تا به آن عمل نکنی به من وعده نمی دهی؟ خدا گفت: از خانواده و نسل تو کسانی که ظالم و ستمگر باشند، عهد امامت به آنان نمی رسد. ابراهیم گفت: ظالمان چه کسانی هستند؟! خدا فرمود: هر کس به جای من به بتی سجده کند هرگز او را امام و پیشوا قرار نمی دهم و شایسته نیست که امام شود و در این هنگام ابراهیم گفت: «واجبیبی و بنی ان نعبد الاصلنام»؛ من و فرزندانم را از این که بت ها را پرستیم دور کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فانتهد الدعوه الی والی اخی علی، لم یسجد احد منا لصنم قط فاتخذنی الله نبیاً و علیاً وصیاً»؛ این دعا به من و برادرم علی رسید. هیچ

ص: ۶۸

۱- همان ، ص ۸۳.

۲- ابراهیم / ۲۷.

۳- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۷۲.

یک از ما هرگز بتی را عبادت نکردیم. پس خدا، مرا پیامبر و علی را وصی و امام قرار داد. (۱)

(فَو رَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛ پس سوگند به پروردگارت که همه‌ی آنها را بازخواست خواهیم کرد، از آنچه انجام می دادند. (۲)

عن السدی فی قوله تعالی (فَو رَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ) قال عن ولایتہ علی ثم قال (عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ) فیما امرهم به و ما نھام عنه و عن اعمالهم فی الدنیا ثم قال (فَاُضْطَعِبْ مَا تُؤْمَرُ) (۳) قال السدی : قال ابو صالح قال ابن عباس: امر الله آن يظهر القرآن ؛ سدی درباره کلام خدا «پس سوگند به پروردگارت که همه‌ی آنها را بازخواست خواهیم کرد» گفت: از ولایت و امامت علی علیه السلام پرسیده خواهد شد. سپس «از آنچه انجام می دادند» گفت: در آنچه آنان را به سوی آن فرمان داده و آنچه آنان را از آن نهی کرده و از کارهای آنان در دنیا سپس گفت «پس آنچه بدان دستور می یابی آشکار کن». سدی از ابو صالح نقل می کند که ابن عباس گفت : خداوند او را فرمان داده بود که قرآن را آشکار کند و همان گونه که قرآن را آشکار کرد، فضائل اهل بیت خود را نیز آشکار کند. (۴)

(وَلَقَدْ صَيَّرْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا)؛ همانا در این قرآن برای مردم هرگونه مثالی آوردیم. اما بسیاری از مردم ابا کرده، جز کفر و انکار اظهار نداشتند.

ص: ۶۹

۱- همان ، ص ۱۷۳.

۲- حجر / ۹۲-۹۳.

۳- حجر / ۹۴.

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۷۸-۱۷۹.

عن ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین فی قوله تعالی : (فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا) قال بولایه علی علیه السلام یوم اقامه رسول الله ؛ امام باقر علیه السلام فرمود : منظور از اینکه «بسیاری از مردم ابا کرده، جز کفر و انکار اظهار نداشتند» یعنی به ولایت و امامت علی علیه السلام کافر می شوند در آن روزی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را بلند کرد. (۲)

(هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا) ؛ در آنجا ثابت شد که حاکمیت از آن خدای بر حق است. او در پاداش دادن بهتر و در فرجام نیکوتر است. (۳)

عن ابی جعفر محمد بن علی فی قول الله تعالی : (هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ) قال تلك ولایه امیرالمؤمنین التی لم یبعث بنی قط الا بها ؛ امام باقر علیه السلام فرمود : منظور از (الْوَلَايَةُ لِلَّهِ)، ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام است که هیچ پیامبری جزء به آن مبعوث نشده است. (۴)

(وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَ أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي)؛ و برای من وزیری از خاندانم قرار بده ، هارون برادرم را، کمر مرا با او محکم کن و او را در کارم شریک ساز. (۵)

حذیفه بن اسید گفت : پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت : مژده باد! مژده باد! حضرت موسی از خدا خواست که از خانواده اش، هارون را وزیر و جانشین او قرار دهد و من از خدای خود می خواهم که از خاندانم، علی علیه السلام را وزیر من قرار دهد که به وسیله او کمر مرا

ص : ۷۰

۱- اسراء / ۸۹ .

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۹۱ .

۳- کهف / ۴۴ .

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۹۲-۱۹۳ .

۵- طه / ۱۹-۳۳ .

محکم کند و او را در کارم شریک سازد. (۱)

انس بن مالک می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان اخی و وزیری و خلیفتی فی اهلی و خیر من اترک بعدی یقضی دینی و ینجز موعدی علی ابن ابی طالب»؛ برادرم، وزیرم و جانشینم در خانواده ام بهترین کسی است که بعد از خود بر جای می گذارم که قرض مرا بدهد و به وعده های من عمل کند. او علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

(وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى)؛ همانا من (خدا) بسیار آمرزنده ام برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار نیکو کند و آنگاه هدایت شود. (۳)

عن جابر جعفی عن ابی جعفر فی قوله تعالی (ثُمَّ اهْتَدَى) قال الی ولایتنا اهل بیت؛ = جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که منظور از (ثُمَّ اهْتَدَى) یعنی به ولایت و امامت ما اهل بیت هدایت شود. همچنین امام باقر علیه السلام از اجداد پاکش نقل می کند که گفت: روزی رسول خدا بیرون آمد و فرمود خدا می فرماید: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) ثم قال لعلی ابن ابی طالب: الی ولایتک؛ آنگاه به علی بن ابی طالب فرمود: به ولایت و امامت تو هدایت شود تا خدا توبه و عمل صالح آنان را قبول کند. (۴)

(وَمِنَ أَعْرَاضِ عَیْنِ ذِکْرِی فَمَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهُ ضَنکًا وَنَحْسُهُرُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَعْمَى)؛ و هر کس از یاد من روی بگرداند، بی تردید زندگی سختی خواهد

ص: ۷۱

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۹۷.

۲- همان، ص ۲۰۰.

۳- طه/ ۸۲.

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۲۰۰.

داشت و روز رستاخیز نابینا محشورش می کنیم. (۱)

عن ابن عباس فی قول تعالی (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى) ان من ترک ولایه علی اعمامه الله و اصمه؛ ابن عباس درباره کلام خدا «و هر کس از یاد من روی بگرداند، بی تردید زندگی سختی خواهد داشت و روز رستاخیز نابینا محشورش می کنیم» گفت: یعنی هر کس ولایت و امامت علی علیه السلام را در دنیا قبول نکند و نپذیرد خدا او را در عالم آخرت کور محشور می کند. (۲)

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛ و کسانی که می گویند خدایا برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی چشم ببخش و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان. (۳)

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می کند که منظور از (وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) ما خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او هستیم. ابو سعید درباره آیه (هَبْ لَنَا) از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: از جبرئیل سؤال کردم که منظور از همسران ما کیست؟ گفت: خدیجه. منظور از فرزندان ما کیست؟ گفت: فاطمه. منظور از نور چشم ما کیست؟ گفت: حسن و حسین و منظور از (وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۴)

(وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ)؛ و نظر به این که شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند از آنها پیشوایانی گماردیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند.

ص: ۷۲

۱- طه/ ۱۲۴ .

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۲۰۳.

۳- فرقان/ ۷۴ .

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۲۲۳.

امام باقر علیه السلام فرمود: « قال نزلت فی ولد فاطمه خاصه، جعل الله منهم ائمه يهتدون بامرهم »؛ این آیه به طور مخصوص و ویژه درباره فرزندان حضرت فاطمه نازل شده است که خدا از آنان پیشوایان، ائمه و رهبرانی قرار داد که به امر و دستور او (مردم را) هدایت می کنند. (۲) البته در آیه دوازده سوره مائده به دوازده نقیب قوم بنی اسرائیل اشاره شده است و کتاب های معتبر اهل سنت نقل کرده اند آنچه را که سابقاً از لحاظ سنت الهی در ملت ها خصوصاً قوم بنی اسرائیل اتفاق افتاده است در امت اسلام نیز بوقوع خواهد پیوست. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « لياتين على امت كما اتى على بنى اسرائيل حذوا النعل بالنعل »؛ بزودی آنچه را در امت بنی اسرائیل و قوم موسی پیش آمده است در امت من هم پیش خواهد آمد و شما، پای جای پای آنان می گذارید. (۴)

(وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)؛ واز پیامبران ما که پیش از تو فرستادیم سوال کن. (۵)

علقمه اسود و ابن مسعود از پیامبر اسلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابن مسعود! فرشته ای نزد من آمد و گفت: یا محمد (وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا) علی من بعثوا؟ قلت: علی ما بعثوا؟ قال: علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب؛ ای محمد! از ارواح پیامبران گذشته سوال کن که برای چه چیزی به رسالت مبعوث شدند. گفتم: برای چه مبعوث

ص: ۷۳

۱- سجده/ ۲۴ .

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۶۷۶.

۳- همان، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۴- محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۳۵، حدیث ۲۷۷۹؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱، ص

۱۸۳؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۵۴.

۵- زخرف/ ۴۵ .

شدند؟ گفت: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام. (۱)

(وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) و به آنان کتاب و حکمت یاد می داد. (۲) ابن عباس می گوید: منظور از کتاب، قرآن و منظور از حکمت، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۳)

(سَيَأْتِي سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ) پرسنده‌ای از کفار! عذاب حتمی را درخواست کرد که مخصوص کافران است و دفع کننده ای ندارد. (۴)

امام باقر علیه السلام می فرماید: حارث بن عمر فهری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: تو خبر آسمان را برای ما آوردی و ما تو را تصدیق کردیم. گفتی: شهادت به ذکر توحید، خواندن نماز، گرفتن روزه، انجام حج، زکات و جهاد امر کردی انجام دادیم. حال پسر عمویت علی را بر ما امیر و مسلط کردی. آیا این هم از جانب خداوند بود یا از طرف خودت؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از جانب خدا بود. پس حارث برگشت و می گفت: خدایا اگر این حق و از جانب توست برای ما سنگی از آسمان بباران. پس خدا سنگی بر سر او فرود آورد و او را کشت و آیه فوق نازل شد. پس برای کافران و منکرین ولایت و امامت علی علیه السلام از عذاب الهی هیچ راهی و مفری نیست. (۵)

(وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَيَّعًا)؛ و هر کس از یاد پروردگار خود روی برگرداند، او را در عذابی روزافزون بکشاند.

ص: ۷۴

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهدالتنزیل، ص ۲۹۶.

۲- جمعه / ۲ .

۳- ابوالقاسم حسکانی، شواهدالتنزیل، ص ۳۳۹.

۴- معارج / ۲۱ .

۵- ابوالقاسم حسکانی، شواهدالتنزیل، ص ۳۵۱.

ابن عباس درباره تفسیر آیه می گوید: قال ذکر ربه ولایه علی ابن ابی طالب علیه و علی اولاده السلام؛ ذکر و یاد خدا همان ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام است که بر او و فرزندانش درود باد. (۲)

(عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ)؛ برخی از آنان ولایت را تصدیق، و برخی تکذیب می کنند. نه چنین است به زودی می دانند. سپس نه چنین است به زودی می دانند. (۳)

سدی از عبد خیر نقل می کند که علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: صخر بن حرب آمد و نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشست و گفت: امر خلافت پس از تو به چه کسی می رسد؟ گفت: برای کسی که او از من به منزله هارون از موسی است. پس خدا آیات (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ) را نازل کرد. این رد بر آن هاست که به زودی می دانند که خلافت او حق است. هنگامی که در قبرهایشان از آنان پرسیده شود و هیچ مرده ای از آنان در شرق و غرب، بیابان و دریا نمی میرد مگر این که نکیر و منکر از آنان می پرسند و به مرده می گویند: خدای تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست و امام تو کیست؟ (۴)

(ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) سپس در آن روز از نعمت ها بازخواست می شوید. (۵)

عبدالله بن حسن راجع به سخن خداوند (ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)

ص: ۷۵

۱- جن / ۱۷ .

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۵۲.

۳- نبأ / ۱-۵ .

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۷۳.

۵- تکاثر / ۸.

نقل می کند که گفت: ای ابو حفص! بخدا سوگند که از ولایت ما پرسیده می شوید. (۱)

(وَقَفَوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)؛ آنان را نگهدارید که بازخواست خواهند شد. (۲)

قال عن امامه علی بن ابی طالب، قال عن ولایت علی؛ گفت: از ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام از شما سوال می کنند. (۳)

(وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَى، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى)؛ سوگند به ستاره چون پایین می آیند که یار (پیامبر) شما نه گمراه شده و نه سرگشته و از روی هوا و هوس حرف نمی زند. نیست این سخن جز وحی که نازل می شود. (۴)

انس و ابن عباس و سعید ابن جبیر نقل کرده اند که آیه راجع به خلافت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. انس گفت: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ستاره ای فرود آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به این ستاره نگاه کنید در خانه هر کس فرود آمد، او خلیفه من پس از من است. پس نگاه کردیم و دیدیم که در منزل علی بن ابی طالب فرود آمد. گروهی از مردم گفتند: محمد در محبت به علی سرگشته شده است. پس خدا آیات فوق را نازل کرد.

ص: ۷۶

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۹۹.

۲- صافات / ۲۴.

۳- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۴۷۶.

۴- نجم / ۱-۴.

امامت در مناقب اخطب خوارزمی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لکل نبی وصی و وارث و ان علیاً وصی و وارثی»؛ هر پیامبری را وصی و جانشین است و بی شک که علی وصی و جانشین من است. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان اخی و وزیر و خیر من اخلفه بعدی علی ابن ابی طالب»؛ همانا برادر، وزیر و بهترین کسی که پس از خویش بر جای می گذارم علی بن ابی طالب است. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به نور چشمش حضرت فاطمه فرمود: تو را به همسری کسی دادم که اولین، عالمترین، حلیم ترین مسلمانان است. همانا خدا توجهی به اهل زمین فرموده پس مرا از میان ایشان به نبوت مبعوث نمود و در توجه دیگرش از بین مردم شوهر تو علی را برگزید و به من وحی کرد که او را به تزویج با تو در آورم و به عنوان وصی برگزینم. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سیکون من بعدی فتنه فاذا کان ذلک فالزموا علی ابن ابی طالب فانه الفاروق بین الحق و الباطل»؛ پس از من به زودی فتنه و آشوبی رخ خواهد داد. پس ملازم علی بن ابی طالب باشید زیرا او جدا کننده بین حق و باطل است. (۵)

عبدالله بن مسعود می گوید: در بیابانی با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. آن حضرت نفس عمیقی از درون سینه کشید. پس گفتم: ای رسول خدا! چرا چنین نفس عمیق که حاکی از غم و غصه است از شما شنیدم؟ فرمود: زیرا خبر مرگم را

ص: ۷۷

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۱۸.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۸۴، حدیث ۷۴.

۳- همان، ص ۱۱۲، حدیث ۱۲۱.

۴- همان، حدیث ۱۲۲.

۵- همان، ص ۱۰۴، حدیث ۱۰۸.

به من داده اند و نزدیک است از بین شما بروم. عرض کردم: یا رسول الله! آیا خلیفه و جانشینی را برای مردم انتخاب نمی کنید؟ فرمودند: چه کسی را؟ گفتم: ابوبکر. پس حضرت سکوت کردند و من عمر بن الخطاب را برای خلافت بعد از ایشان توصیه کردم. باز سکوت کردند. در مرتبه سوم گفتم: علی بن ابی طالب را خلیفه ی خود گردانید. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أوه و لن تفعلوا إذاً أبداً والله لئن فعلتموه لیدخلنکم الجنة»؛ آه و افسوس که هرگز مردم چنین نمی کنند و او را نمی پذیرند، ولی اگر به خلافت او تن در می دادند بی شک همه را وارد بهشت می ساخت. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله لما خلق السموات و الارض دعا هن فاجبته فعرض علیهن نبوتی و ولایه علی ابن ابی طالب فقبلتا هما ثم خلق الخلق و فوض الینا امر الدین فالسعید من سعد بنا و الشقی بنا نحن المحلون لحلاله و المحرمون لحرامه»؛ همانا زمانی که خدا آسمان ها و زمین را آفرید. آن ها را فرا خواند و ایشان جواب دادند. پس نبوت من و ولایت علی را بر آن ها عرضه کرد و آن ها پذیرفتند. بعد مخلوقات را آفرید و امر دینش را به ما سپرد. پس هر کس خوشبخت شد به واسطه ی ما بود و هر کس بدبخت شد به سبب مخالفت با ما بود. ماییم که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کنیم. (۲)

حسان بن ثابت در روز عید غدیر خم با اجازه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابیاتی سرود که به خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام اشاره دارد. «فقال له هم یا علی فانتی، رضیتک من بعدی اماماً و هادياً»؛ پیامبر به علی فرمود: برخیز ای

ص: ۷۸

۱- همان، ص ۱۱۴، حدیث ۱۲۴.

۲- همان، ص ۱۳۴، حدیث ۱۵۱.

علی! زیرا من از این که تو امام و هادی باشی راضی هستم. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل به نزد من شرفیاب شد در حالی که بال های خویش را گشوده بود. دیدم بر یکی از بال هایش لا اله الا الله محمد النبی و در بال دیگرش لا اله الا الله علی الوصی نوشته شده است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آن هنگامی که مرا در آسمان در شب معراج و از آسمانی به آسمانی سیر و گردش می دادند به سدره المنتهی رسیدم. در برابر پروردگار خویش ایستادم و او به من فرمود: ای محمد! گفتم: بله. فرمود: خلقم را آزمودی پس کدام یک از آنان را گوش به فرمان دیدی؟ گفتم: خدایا! علی را از همه مطیع تر دیدم. پس خدا گفت: راست می گویی. ای محمد! آیا برای خودت خلیفه و جانشینی انتخاب کرده ای که بعد از خودت آن چه را که خلق نمی دانند از کتاب و احکام دین به آنها یاد دهد؟ گفتم: خدایا تو برای من جانشین و خلیفه انتخاب کن. خدا فرمود: من علی را برای تو انتخاب کردم پس او را خلیفه و جانشین خود قرار بده که علم و حلم خود را به او داده و علی هست که حقیقتاً امیرالمؤمنین است. هیچ کس قبل از او به نام امیرالمؤمنین دست نیافته و پس از او کسی بدان نائل نمی شود. علی پرچم هدایت و امام هر کس است که مرا اطاعت کند. او نور دوستان من است. او کلمه ای است که پاکان و متقین بر آن ملزم شده اند. هر کس او را دوست بدارد من را دوست داشته و هر کس از علی بغض و کینه به دل داشته باشد دشمن من است. پس علی به این فضائل بشارت بده. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یک صبح جبرئیل بر من نازل شد در حالی که ص: ۷۹

۱- همان، ص ۱۳۵، حدیث ۱۵۲.

۲- همان، ص ۱۴۸، حدیث ۱۷۲.

۳- همان، ص ۳۰۳، حدیث ۲۹۹.

بسیار خوشحال و خرم بود. پس به او گفتم: جبرئیل امروز خیلی شاد هستی. پس جبرئیل گفت: ای محمد! چگونه شاد نباشم در حالی که خدا کرامتی به برادرت، وصیت و امامت علی بن ابی طالب عنایت کرده است. گفتم: جریان از چه قرار است؟ جبرئیل گفت: خدا در شب گذشته در برابر ملائکه و حاملان عرش به علی افتخار و مباحثات کرد و فرمود: ای فرشتگان من نگاه کنید به حجت و دلیل من پس از پیامبر بر بندگانم که چگونه صورت خودش را به خاک گذاشته و برای بزرگی من تواضع می کند. شاهد باشید که او (علی) امام خلایق، مولا و سرپرست مؤمنان می باشد. (۱)

ابوطیفیل گوید: در روز شورا بعد از مردن عمر بن الخطاب کنار در ایستاده بودم که ناگهان صداها بلند شد. پس در آن بین صدای حضرت علی علیه السلام را شنیدم که می فرمود: مردم با ابوبکر بیعت کردند در حالی که من از او در امر خلافت شایسته تر بودم با این حال، حرف شنوی کرده و از ترس این که مبادا مردم یک باره کافر شوند صبر کردم. سپس ابوبکر برای عمر بیعت گرفت با وجودی این که من از عمر برای خلافت شایسته تر بودم ولی باز از ترس کافر شدن یک باره مردم صبر کردم. (۲)

امامت در کفایه طالب کنجی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « اوصی من آمن بی و صدقنی بولیه علی ، الا ان ولیه علی ولایتی و ولایتی ولیه ربی »؛ هر کس که به من ایمان دارد و مرا تصدیق می کند به ولایت علی بن ابی طالب وصیت و سفارش می کنم. پس هر کس ولایت او را قبول کند، ولایت مرا قبول کرده و هر کس ولایت مرا

ص: ۸۰

۱- همان، ص ۳۱۹، حدیث ۳۲۳.

۲- همان، ص ۳۱۳، حدیث ۳۱۴.

قبول کند، ولایت خدا را قبول کرده است. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « فلا تخالفوه فی الحکمه »؛ بعد از من از حکم و دستورات حضرت علی علیه السلام تخلف و سرپیچی نکنید. (۲)

حدیقه بن یمان می گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم آیا جانشین و خلیفه مشخص نمی کنید؟ حضرت فرمود: اگر ولایت علی را بپذیرید او را هدایت یافته و هدایتگر می یابید که شما را به صراط مستقیم هدایت می کند. (۳)

از ابن عباس روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روزی بر مردم بیاید که جز ما چهار نفر کس دیگری سواره نباشد. پس عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما این چهار تن چه کسانی هستند؟ فرمود: من که بر براق سوادم، برادرم صالح پیامبر که بر شتر خدا که قومش آن را پی کردند و عمویم حمزه که بر شتر من عضبا سوار است و برادرم علی که بر شتری از شتران بهشت سوار است. پس منادی از درون عرش صدا می زند که او نه ملکه مقرب است، نه نبی مرسل است و نه حامل عرش، بلکه او علی ابن ابی طالب وصی رسول خدا، امیر مؤمنان و رهبر پیشانی سفیدان به سمت بهشت نعیم است. (۴)

ابن عباس می گوید: به زودی فتنه ای پیا شود پس بر شما باد چنگ زدن به قرآن و علی بن ابی طالب زیرا که من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: « هذا أول من آمن بی وأول من یصافحنی یوم القیامه، وهو فاروق هذه الأمه

ص: ۸۱

۱- محمد بن یوسف گنجی، کفایه الطالب، ص ۶۵.

۲- همان، ص ۹۹.

۳- همان، ص ۱۴۱.

۴- همان، ص ۱۵۸.

يفرق بين الحق والباطل و هو يعسوب المؤمنين والمال يعسوب الظالمين، و هو الصديق الأكبر و هو بابي الذي أوتي منه و هو خليفتي من بعدى؛ على اولین کسی است که ایمان آورده و با من دست داد و اوست که جدا کننده حق و باطل بین امت است و او رئیس بزرگ مؤمنین، در حالی که رئیس ظالمین مال دنیا است و اوست صديق اکبر و اوست درب من که از آن بر من وارد می شوند و او خلیفه من پس از من است. (۱)

سلمان فارسی می گوید : به پیامبر اعظم عرض کردم هر پیامبری، وصی و جانشینی دارد. وصی و جانشین شما چه کسی است؟ آن حضرت در جواب سوال من سکوت کردند اما روز بعد مرا دیدند و صدا زدند: ای سلمان! پس به سرعت به نزد آن حضرت شتافتم و عرض کردم: لبیک یا رسول الله! فرمودند: آیا می دانی وصی موسی چه کسی بود؟ عرض کردم: بله، یوشع بن نون بود. فرمود: به چه دلیلی او به مقام وصایت و خلافت رسید؟ عرض کردم: چون در آن زمان از همه امت عالم تر بود. حضرت فرمودند: پس وصی من، موضع سر من و بهترین کسی که پس از خودم برای شما باقی می گذارم که وعده های مرا عملی کرده و دیونم را پردازد علی بن ابی طالب است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من نبی الا و له نظیر فی امته و علی نظیری»؛ هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای او نظیر و همانندی در امتش باشد و نظیر و همانند من در این امت علی است.

ص: ۸۲

۱- همان، ص ۱۶۲.

۲- همان، ص ۲۵۹.

امامت در فرائد السمطين

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من احب آن یستمسک بدینی و یرکب سفینه النجاه بعدی فلیقتد بعلی بن ابی طالب ولیعاد عدوه ولیوال ولیه فانه وصیی و خلیفتی علی امتی فی حیاتی و بعد وفاتی و هو امام کل مسلم و امیر کل مومن بعدی قوله قولی و امره امری و نهیه نهیی و تابعه تابعی و ناصره ناصر و خاذله ای خاذلی»؛ هر کس دوست دارد به دین من چنگ زند و پس از من بر کشتی نجات سوار شود. پس به علی اقتداء کند با دشمنش دشمنی و با دوستش دوستی کند؛ زیرا او در حیات و پس از مرگم وصی و خلیفه ی من بر امتم می باشد. او پس از من امام هر مسلمانی و امیر هر مؤمنی است. گفتار او، گفتار من و امر و نهیش، امر و نهی من است. یاور او، یاور من و رها کننده او، رها کننده من است. (۲)

از سلمان فارسی درباره حضرت علی علیه السلام سؤال شد. پس در جواب گفت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «علیکم به علی ابن ابی طالب فانه حضرتکم فاحبوه و کبیرکم فاتبعوه، و عالمکم و قائدکم الی الجنه فعزروه، فاذا دعاکم فاجیبوه و اذا امرکم فاطیعوه»؛ بر شما باد به علی بن ابی طالب! زیرا او سرپرست شماست، پس دوستش بدارید و بزرگ شماست، پس پیرویش کنید. عالم و رهبر شما بسوی بهشت است پس تکریمش کنید و زمانی که شما را خواند، او را اجابت کنید و زمانی که امر کرد، اطاعت کنید. (۳)

ابوذر غفاری گوید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا خاتم النبیا و انت

ص: ۸۳

۱- احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۶۴.

۲- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۶۴.

۳- همان، ص ۸۹.

یا علی خاتم الاوصیا الی یوم الدین»؛ من خاتم پیامبران و تو ای علی خاتم و بزرگ اوصیا هستی. (۱)

ابن عباس نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمودند: «هذا علی بن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی و هو منی بمنزله هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی و قال یا ام سلمه اسمعی اشهدی هذا علی امیر المؤمنین و سید المرسلین و عیبه علمی و بابی الذی اوتی منه اخی فی الدنیا و خدنی فی الاخره و معی فی السّتام الاعلی»؛ این علی بن ابی طالب علیه السلام است که گوشت و خورش از گوشت و خون من بوده و او نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی است با این فرق که بعد از من پیامبری نیست. ای ام سلمه شاهد باش که این امیرالمؤمنین و سرور مسلمانان و گنجینه علم و دانش من و دروازه من است که از آن فیض الهی داده می شود و برادر من در دنیا و آخرت بوده و همراه من در محل مرتفع بهشت خواهد بود. (۲) ای ام سلمه! خدا برای هر پیامبری خلیفه و جانشینی اختیار فرموده است. پس من پیامبر این امت و علی وصی من در خاندان، اهل بیت و امت من پس از من است. (۳)

ابن عباس می گوید پیامبر خطاب به علی در حدیث مفصلی فرمود: «و انت امام امتی و خلیفتی علیها بعدی سعد من اطاعک و شقی من عصاک»؛ تو امام امت من و خلیفه بر آنان بعد از من هستی. خوشبخت کسی است که از تو اطاعت کند و بدبخت کسی است که از تو نافرمانی کند.

ص: ۸۴

۱- همان، ص ۱۵۱.

۲- همان، ص ۱۵۵.

۳- همان، ص ۲۴۶.

تذکره الخواص و کنز العمال

ابو سعید خدری و ابن عباس روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توضیح و تفسیر آیه (إِنَّهُمْ مَشْتُولُونَ) (۲) فرمودند: «ای یسالون عن الاقرار بولایه علی»؛ از اقرار به ولایت و امامت علی علیه السلام می پرسند. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان يجوز علی الصراط کالریح العاصف و یلج الجنه بغير حساب فلیتول ولی و وصی و صاحبی و خلیفتی علی اهلی علی بن ابی طالب»؛ هر کسی که دوست دارد از روی پل صراط با سرعت باد بگذرد و بدون حساب وارد بهشت شود، پس ولایت ولی، وصی، یار و خلیفه ی من بر خاندانم؛ یعنی علی علیه السلام را بپذیرد. (۴)

تعدادی از مردم راجع به حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی اقدمکم»؛ از همه شما جلوتر است. «افضلکم اسلاماً و افر کم ایماناً»؛ در اسلام و ایمانش از همه افضل تر است تا می رسد به اصل مطلب «و هو خلیفتی فی اهلی و امینی فی امتی»؛ او خلیفه من و امین امت من است. (۵) «اولی الناس بکم بعدی یعنی علیاً»؛ زیرا علی علیه السلام پس از من اولویت و برتری بر همه مردم دارد. (۶)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «کناری ان لنا فی هذا الامر حقاً فاستبددتم علینا»؛ ما برای خود در این امر خلافت حقی قائل بودیم لکن شما در این کار ص: ۸۵

۱- همان، ص ۱۸۲ .

۲- صافات / ۲۴ .

۳- سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ج ۱، ص ۱۹۱.

۴- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۲.

۵- همان، ج ۲، ص ۴۱۷.

۶- علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «انت ولی کل مومن بعدی الا و انت خلیفتی»؛ ای علی! تو سرپرست و رهبر هر مؤمنی بعد از من هستی و بدان تو خلیفه منی. (۲) همچنین فرمودند: «مرحباً بسید المسلمین و امام المتقین»؛ آفرین بر آقا و بزرگ مسلمانان و امام و پیشوای پرهیزگاران. (۳) (مطالب السؤل محمد بن طلحه شافعی ص ۷۰)

ابوذر می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من ناصب علیاً الخلفه بعدی فهو کافر و قد حارب الله و رسوله و من شک فی علی فهو کافر»؛ هر کس بعد از من در امر خلافت با علی درگیر شود، بی شک کافر بوده و به جنگ خدا و رسول او رفته و هر کس درباره حقانیت علی شک کند او هم کافر است. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی انک سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین و یعسوب المومنین»؛ ای علی! تو سرور مسلمانان و امام پاکان و رهبر پیشانی سفیدان و بزرگ مؤمنان هستی. (۵)

سلمان فارسی می گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: هزار سال پیش از خلقت آدم، من و علی نوری در برابر خدا بودیم و در حال تسبیح و ستایش او، پس چون خدا آدم را آفرید آن نور را پشت او قرار داده و همواره این نور یکی بود تا این که در صلب عبدالمطلب نور من از نور علی جدا شد.

ص: ۸۶

۱- ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- محمد بن احمد دمشقی باعونی شافعی، جواهر المطالب، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳- کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل رسول، ص ۷۰.

۴- ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۵۸.

۵- همان، ص ۸۰.

خدا پیامبری و نبوت را در من و خلافت و امامت را در علی قرار داد. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: «تختموا بالعقیق فانه اول حجر شهد الله بالوحدانیه ولی بالنبوه و لعلی بالوصیه و لولده بالامه و لشیعه بالجنه»؛ با سنگ عقیق برای انگشت خود انگشتی بساز؛ زیرا که او اولین سنگی است که به وحدانیت خدا، نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وصایت علی علیه السلام و امامت فرزندان او و ورود شیعیان او به بهشت شهادت داده است. (۲)

یحیی بن عروه مرادی می گوید: فقال سمعت علیاً یقول قبضی النبی و انا اری انی احق بهذا الامر؛ از امام علی علیه السلام شنیدم که فرمودند: نبی خدا از دنیا رفتند و من خود را از همه به امر ولایت سزاوارتر می دانستم. (۳)

انس بن مالک می گوید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای وضو آبی طلبید و پس از خواندن دو رکعت نماز فرمودند: «یا انس اول من یدخل علیک من هذا الباب امیر مؤمنان و سیدالمسلمین و خاتم الوصیین»؛ ای انس! اولین کسی که از این در وارد می شود امیر مؤمنان، خاتم اوصیا و بزرگ مسلمانان و رهبر پیشانی سفیدان است. انس می گوید: در دلم آرزو کردم که ای کاش مردی از انصار وارد شود. دیدم علی بن ابی طالب وارد شد. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای لا- ینبغی أن اذهب الا و انت خلیفتی»؛ سزاوار نیست که من بروم مگر این که ای علی تو خلیفه من باشی. (۵)

بریده می گوید: امرنا رسول الله آن نسلم علی علی بامرہ المومنین؛ پیامبر

ص: ۸۷

۱- همان، ص ۹۴.

۲- همان، ص ۲۲۸.

۳- ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۱۱۲.

۴- ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷.

۵- ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۷.

اسلام صلی الله علیه و آله به ما امر کرد که به علی به عنوان امیر مؤمنان سلام کنیم. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خیر من یمشی علی الارض بعدی علی ابن ابی طالب و خیر من اخلف بعدی من علی ابن ابی طالب و یا خیر من اترک بعدی»؛ بهترین کسی که بعد از من بر روی زمین راه می رود، علی بن ابی طالب علیه السلام است و آن که پس از من بهترین افراد است و بهترین کسی که به یادگار می گذارم علی علیه السلام است. (۲)

عنه می گوید: بایعنا رسول الله علی قول آن لا اله الا الله وحده لا شریک له و آن محمد نبیه و علیاً وصیاً؛ ما با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس قول «لا اله الا الله وحده لا شریک له» و اقرار به نبوت پیامبر و وصایت علی بیعت کردیم پس هر کدام را که ترک کنیم کافر شده و از دین خارج شده ایم. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر دوش علی علیه السلام دست گذاشت و با صدای بلند فرمود: «هذا امام البرره ، قاتل الفجره»؛ این علی، امام نیکان و کشنده بدکاران است. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مکتوب علی ساق العرش لا اله الا الله وحده لا شریک له و محمد عبدي و رسولی أیدته بعلی بن أبی طالب»؛ بر بالای عرش این کلمات نوشته شده که به جز خدای یکتای بدون شریک، خدای دیگری نیست. محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول من است که او را با علی بن ابی طالب تأیید نمودم. (۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مکتوب علی باب الجنّه لا اله الا الله محمد

ص: ۸۸

۱- احمد بن موسی ابن مردویه الاصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و منازل من القرآن فی علی، ص ۵۵.

۲- همان، ص ۱۰۴.

۳- سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القریبی، ص ۱۶، الموده الرابعه.

۴- علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ص ۱۵۳، حدیث ۲۵۲۷.

۵- همان، ص ۱۵۸، جزء ۶.

رسول الله علي أخو رسول الله؛ بر درب بهشت کلمات خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد پیامبر خداست و علی برادر پیامبر خدا نوشته شده بود. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انت وصی و ابو ولدی و خلیفتی علی امتی فی حیاتی و بعد موتی»؛ ای علی! تو جانشین من، پدر فرزندان من و خلیفه من در زمان زنده بودن و بعد از مردن من هستی. (۲)

ابن عباس نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی تو خلیفه من در میان امتم می باشی و نسبت به من همچون شیث نسبت به آدم هستی. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روزهای نخستین رسالتش، علی علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین برگزید به تفاسیر شیعه و سنی در ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعراء که معروف به آیه انذار یا قضیه یوم الدار است مراجعه فرمایید.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فاخذ برقبتی ثم قال آن هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم»؛ نبی اکرم صلی الله علیه و آله دست بر گردن من گذاشت و در میان انبوه خویشان فرمود: این علی! برادر، جانشین و خلیفه من بر شماست. (۴)

امامت در خصائص نسائی، معجم الکبیر، معرفه صحابه و روح المعانی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انت خلیفتی یعنی فی کل مومن من بعدی»؛ تو خلیفه من هستی یعنی بر تمام مؤمنان جهان که بعد از من و تو می آیند خلیفه و امام هستی.

ص: ۸۹

۱- همان، ص ۱۵۹.

۲- عبدالحسین شرف الدین، المراجعات، ص ۳۳۹.

۳- همان، ص ۳۳۸.

۴- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انت امام کل مومن و مومنه و ولی کل مومن و مومنه بعدی»؛ تو امام و سرپرست تمام مؤمنان اعم از زنان و مردان بعد از من هستی. یعنی مؤمنان زمان حضرت تا خاتمه عمر دنیا. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من کنت اولی به من نفسه فعلی ولیه»؛ هر کس مرا نسبت به خودش اولی و سزاوارتر می داند علی ولی و اولی و سزاوار بر اوست. حق حاکمیت و امر و نهی بر او دارد. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فهو اولی الناس بکم بعدی»؛ علی پس از من بر همه مردم نسبت به جان و مالشان افضلیت و اولویت دارد. یعنی جان ها و مال ها باید فدای علی کنند. (۴)

بسیاری از علمای اهل سنت کلمه و واژه حضرت را به معنای اولی یعنی سزاواری و اطاعت محض دینی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ولی بعد از او می دانند. برای نمونه به چند قول از علمای سنی در این باب توجه فرمایید:

شهاب الدین آلوسی مفسر مشهور سنی با تصریح بر معنای اولی می نویسد: «النبی اولی بالمومنین ای احق و اقرب الیهم من انفسهم او اشد ولائیه و نصره»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنین اولی است یعنی سزاوارتر و نزدیک تر از مردم به خودش است. (۵)

بغوی شافعی می گوید: «فی نفوذ حکمه فیهم و وجوب طاعته علیهم و قال ابن عباس و عطاء یعنی اذا دعاهم النبى و دعتهم انفسهم الی شی کانت طاعه النبى اولی بهم من انفسهم»؛ منظور نفوذ حکم در آن ها و واجب بودن اطاعت آنان است. ابن عباس گفت: چون پیامبر چیزی از آنان بخواهد اما

ص: ۹۰

۱- احمد بن شعيب نسائي، خصائص، ج ۱، ص ۵۰.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۶۱.

۳- طبرانی، معجم الکبیر، ج ۵، ص ۴۹۷۱.

۴- معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۷۲۳، حدیث ۶۵۰۱.

۵- محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۱۶، ص ۴۲.

خودشان به چیز دیگری تمایل داشته باشند، اطاعت آنان از حضرت سزاوارتر است. (۱)

امامت در فتح الغدیر شوکانی و مناقب خوارزمی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی منی مثل راسی من بدنی»؛ نسبت علی به من مثل سر به بدنم می باشد. (۲)

جابر بن عبد الله می گوید رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حق علی ابن ابی طالب علی هذه الامه کحق الوالد علی ولده»؛ حق و حقوق علی بر امت اسلام همچون حق پدر بر فرزند است. یعنی بزرگ، مولا، سرور و پدر روحانی و معنوی امت می باشد. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان رب العالمین عهد الی عهدا فی علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آله فقال: انه رایه الهدی و منار الایمان و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعنی»؛ خداوند تعالی درباره علی علیه السلام به من فرموده است: او پرچم هدایت، نشانه ایمان، پیشوای دوستان خدا و پرتو روشنایی بخش همه کسانی است که خدا را اطاعت می کنند. (۴)

حضرت آدم بر ساق عرش نگاه کرد دید بر عرش نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی مقیم الجنة من عرف حق علی زکی و طاب و من انکر حقه، لعن و خاب، اقسمت بعزتی آن ادخل الجنة من اطاعه و آن عصیانی و اقسمت بعزتی آن ادخل النار من عصاه و آن اطاعنی»؛ خدایی جز

ص: ۹۱

۱- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۵۰۷.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۱۷۸، حدیث ۱۶۷.

۳- همان، ص ۴۵۴، حدیث ۳۰۶.

۴- همان، ص ۴۵۶، حدیث ۳۱۱.

خدای یکتا نیست، محمد پیامبر خدا و علی مقیم بهشت است. هر کس حق علی را بشناسد پاک و پاکیزه خواهد بود و هر کس حق علی را منکر شود ملعون بوده و به مقصد نمی رسد. به عزتم سوگند می خورم هر کس از علی اطاعت کند او را به بهشت می برم ولو این که از من سرپیچی کرده باشد و به عزتم سوگند می خورم هر کس زیر بار دستورات علی نرود او را وارد جهنم می کنم ولو این که از من اطاعت کرده باشد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا عمار انه سیکون فی امتی بعدی هنات واختلاف حتی یختلف السیف بینهم حتی یقتل بعضهم بعضا ویتبرء بعضهم من بعض، فإذا رأیت ذلک فعلیک بهذا الذی عن یمینی - یعنی علیا - وان سلک کلهم وادیا وسلک علی وادیا فاسلک وادی علی واخل الناس طرا. یا عمار، ان علیا لا یزلیک عن هدی. یا عمار، ان طاعه علی من طاعتی. وطاعتی من طاعه الله عزوجل»؛ ای عمار پس از من در میان امتم حوادث ناگواری پدید خواهد آمد تا جایی که میانشان شمشیر رد و بدل می شود و برخی شان دیگر را می کشند و از یک دیگر بیزاری می جویند. وقتی چنین چیزی را دیدی همراه با این که موی جلو سرش ریخته و در سمت راست من نشسته یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام باش. اگر همه مردم یک سو رفتند و علی یک سوی دیگر تو در راه علی گام بردار و مردم را رها کن؛ چرا که علی تو را از هدایت باز نمی گرداند و به هلاکت نمی کشد. ای عمار! فرمان برداری از علی فرمان برداری از من است و فرمان برداری از من اطاعت از خداست. (۲)

عبد الله می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یجوز احد الصراط الاومعه براه بولایه و ولایه اهل بیت»؛ کسی از صراط نمی گذرد مگر این که از عهد

ص: ۹۲

۱- همان، ص ۴۶۷، حدیث ۳۲۰.

۲- همان، ص ۲۵۱، باب جهاد حضرت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من احب آن یحیی حیاتی و یموت مماتی و یدخل الجنه التي وعدنی ربی فلیتول علی ابن ابی طالب و ذریته ائمه الهدی و مصابیح الدجی من بعده فانهم لن یخرجکم باب الهدی الی الضلاله»؛ هر کس دوست دارد چون من زندگی کند و چون من بمیرد و به بهشتی که خدا وعده داده وارد شود، ولایت علی بن ابی طالب و فرزندان او را که امامان هدایت و چراغ های هدایت بعد از او هستند را بپذیرد؛ چرا که آن ها شما را از راه هدایت به سوی گمراهی نمی کشانند. (۲)

سلمان فارسی می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی! انگشتر را در دست راست بگذار تا از مقربان درگاه خدا باشی. علی علیه السلام گفت: مقربان کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. پرسید: ای پیامبر! چه انگشتر در دست کنم؟ فرمود: «بالعقیق الاحمر فانه جبل اقر الله بالوحدانیه ولی بالنبوه و لك بالوصیه ولولدك بالامامه و لمحبيك بالجنه و لشيعه ولدك بالفردوس»؛ عقیق سرخ، چون کوهی است که به یگانگی خدا، نبوت من، وصایت و امامت تو ای علی، امامت فرزندان معصوم تو، بهشت رفتن برای دوستان تو و بهشت فردوس برای شیعیان فرزندان (ائمه هدی) اقرار می کند و اقرار کرده است. (۳)

ابن عباس می گوید رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یحشر الشاک فی علی من قبره فی عنقه طوق من نار فیه ثلاث مائه شعله علی کل شعله الشیطان یلطح وجهه حتی یوقف موقف الحساب»؛ کسی که در حقانیت علی علیه السلام شک

ص: ۹۳

۱- همان، ص ۷۳ و ۷۵.

۲- همان، ص ۷۹-۸۰، حدیث ۵۵.

۳- همان، ص ۴۶۷، حدیث ۳۳۵.

داشته باشد روز قیامت در حالی از قبرش بیرون می آید که حلقه ای از آتش بر گردن دارد آن حلقه دارای ۳۰۰ شعله است و بر هر شعله شیطانی است که چهره اش را آلوده می کند تا به جایگاه و موقف حساب برسد. (۱)

ابو حاتم محمد بن محمد طالقانی از امام حسن عسکری علیه السلام که آن حضرت از پدرش امام هادی، او از امام جواد تا امام حسین علیه السلام اجمعین از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «یا ابا الحسن کلم الشمس فانها تکلمک. قال علی علیه السلام السلام علیک ایها العبد المطیع لله و رسوله. فقالت الشمس السلام علیک یا امیر المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین»؛ ای ابو الحسن! با خورشید حرف بزن که خورشید با تو حرف می زند. علی علیه السلام خطاب به خورشید کرد و گفت: سلام بر تو ای خورشید، بنده مطیع خدا. آن گاه خورشید گفت: سلام بر تو ای علی! امیر و سرور تمام مؤمنان، امام و پیشوای پاکان و رهبر پیشانی سفیدان در قیامت. (۲)

امامت دوازده امام در منابع اهل سنت

در اینجا به مباحثی در ارتباط با اثبات امامت ائمه دوازده گانه در منابع اهل سنت می پردازیم.

شیخ الاسلام حموئی از قول سعید ابن جبیر از ابن عباس نقل می فرماید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الاینها بعدی الاثنا عشر اولهم علی و آخرهم ولدی المهدی فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلف المهدی و تشرق الارض بنور ربها و یبلغ سلطانه المشرق و

ص: ۹۴

۱- همان، ص ۴۸۰، حدیث ۳۴۷.

۲- همان، ص ۱۲۸-۱۳۰، حدیث ۱۲۳.

المغرب»؛ همانا جانشینان و حجت های خدا بر مردم بعد از من، دوازده نفرند: اول آن ها علی و آخر آن ها مهدی که فرزند من است. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انا سید النبیین و علی سید الوصیین و آن اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی و آخرهم المهدی»؛ من آقای پیامبران و علی آقای جانشینان من است. بدرستی که بعد از من اوصیاء الهی دوازده نفرند: اول آن علی و آخر آن ها مهدی است. (۲)

شیخ صلاح الدین صفدی در کتاب «شرح الدائرة» می گوید: ان المهدی الموعود هو الامام الثانی عشر من الائمة: اولهم سیدنا علی و آخرهم المهدی رضی الله عنهم؛ همانا مهدی موعود، امام دوازدهم از ائمه می باشد که اول آنها علی علیه السلام و آخر آن ها حضرت مهدی می باشد. (۳)

قاضی فضل ابن روز بهان، از بزرگان اهل سنت در کتاب «ابطال ابطال» اشعاری را در فضایل دوازده امام معصوم شیعه نوشته است. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا حسن و حسین هر دو امام می باشند و سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدر آنان علی علیه السلام بهتر از آنان است. (۵) این روایت را علمای شیعه و سنی به طور کثیر نقل کرده اند.

از سلمان فارسی روایت شده است که بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم. دیدم حسین بن علی بر پاهای آن حضرت نشسته و حضرت رسول صورت و دهان او را می بوسد و می فرمود: تو آقایی، پسر آقایی، برادر آقایی و تویی

ص: ۹۵

۱- ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲، حدیث ۵۶۲؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۲، ص ۳۱۶، حدیث ۹۱۱.

۲- همان، ص ۳۱۳، حدیث ۵۶۴؛ همان، ج ۳، ص ۳۸۹، حدیث ۵.

۳- محمد سلطان الواعظین، گروه رستگاران، یا، فرقه ناجیه، (تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۹)، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴- همان جا.

۵- محمد بن یزید ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۹، ص ۱۸۳.

امام، پسر امام، برادر امام و تویی حجت، پسر حجت، برادر حجت و تویی پدر حجت های ۹ گانه که نهمی آن ها قائم مهدی می باشد. (۱) این روایت امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه را به وضوح اشاره و بیان دارد.

از ابن عباس روایت شده است که شخصی به نام نعتل یا جندل که یهودی بود. محضر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و سوالاتی کرد و جواب های کافی شنید و اسلام را پذیرفت. از جمله سؤالاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله کرد این بود که گفت: ای پیامبر! مرا خبر بده از وصی و جانشین خودت؛ زیرا هیچ پیغمبری از طرف خدا نیامده مگر این که برای آن پیامبر، خلیفه و جانشین بوده چنان چه وصی پیامبر ما، حضرت موسی بن عمران، جناب یوشع بن نون بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وصی و خلفای من علی و دو فرزندش حسن و حسین و ۹ فرزند از نسل حسین است. نعتل یهودی گفت: ای محمد! اسامی و نام های خلفا و ائمه الهی را برای من واضح بیان کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از حسین فرزندش علی، بعد از علی فرزندش محمد، بعد از محمد فرزندش جعفر، بعد از جعفر فرزندش موسی، بعد از موسی فرزندش علی، بعد از علی فرزندش محمد، بعد از محمد فرزندش علی، بعد از علی فرزندش حسن، بعد از حسن فرزندش محمد که مهدی است و این ها دوازده نفرند. نعتل یهودی سوال کرد: ای پیامبر! علی و امام حسن و امام حسین چگونه از دنیا می روند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اما علی به ضرب شمشیر که بر فرق سرش می زنند و حسن به زهر ستم و حسین را سر از بدن جدا می نمایند. عرض کرد: مکان و منزل آن ها کجاست؟ فرمود: در بهشت با من هم درجه می باشند. آن گاه نعتل عرض کرد: اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و

ص: ۹۶

۱- ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳، حدیث ۵۶۳؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۲، ص ۳۱۶.

اشهد انهم الاوصياء بعدك؛ شهادت می دهم که جز خدای یکتا خدایی نیست و تو پیامبر خدا هستی و به اوصیاء و امامان بعد از تو گواهی می دهم. آن گاه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: من در کتاب های قدیمی و پیشین یافتم و همچنین موسی با ما عهد نمود که در آخر الزمان پیامبری بیرون می آید که او را احمد و محمد می خوانند و او خاتم الانبیاء است که بعد از او پیامبری نخواهد بود و اوصیاء بعد از او دوازده نفرند که اول آن ها پسر عمویش و دامادش می باشد و وصی دوم و سوم او دو برادر هستند که از اولاد او هستند. امت آن پیامبر، وصی اول او را (علی) با شمشیر و وصی دوم را با زهر و وصی سوم را با جماعتی از اهل بیتش با شمشیر و لب تشنه در مکان غربت به قتل می رسانند و او را مانند بره گوسفند ذبح می کنند و سر می برند و بر کشته شدن برای بلند شدن درجات خود و اهل بیت و ذراری خود و برای نجات دادن دوستان و پیروانش از آتش صبر می کند و نه نفر از اوصیای آن ها از اولاد وصی سوم (حسین) می باشند. پس این ها به عدد اسباط، دوازده نفرند. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا اسباط را می شناسی؟ عرض کرد: بله آن ها دوازده نفر بودند. اول آن ها لاوی بن برخیا بود که از میان بنی اسرائیل غیبت فرمود. پس از آن برگشت و خدا شریعت خود را به وسیله او ظاهر ساخت. پس از آن که مندرس و کهنه گردید و با قسطیا پادشاه زمان جنگ نمود تا آن که پادشاه کشته گردید. حضرت فرمودند: آن چه در بنی اسرائیل واقع شده در این امت نیز واقع می شود مانند پا جای پای آن ها می گذارید و دوازدهمین وصی من که از اولاد من است غایب و پنهان می شود تا آن که دیده نمی شود.

در روایت دیگر شبیه به روایت فوق از جابر ابن عبدالله انصاری نقل شده که گفت: جندل بن جناده بن جبیر یهودی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد. سؤالاتی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله جواب کافی و قانع کننده به او داد. فوری یهودی به اسلام مشرف شد. آن گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: شب گذشته حضرت موسی را در خواب دیدم که به من فرمود: اسلام را به دست محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران قبول کن و به اوصیاء و جانشینان بعد از او متوسل شو. بعد به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت خلفاء و اوصیای خودت را معرفی کن تا به آن ها متوسل شوم. حضرت فرمود: اوصیاء و جانشینان من دوازده نفرند. جندل گفت: من هم در تورات این طور دیدم ولی تمنا دارم اسامی و نام های آن ها را برای من بیان کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اولهم سید الاوصیاء ابو الائمة علی ثم ابناه الحسن و الحسین فاستمسک بهم ولا یغرنک جهل الجاهلین»؛ اول آن ها سید و سرور امامان علی و پس از آن به فرزندان او، حسن و حسین متوسل بشو و جهل نافهم ها به امامت تو را مغرور نکنند که ولایت و امامت حقه الهی آنان را رد می کنند و می گویند: امامت در قرآن و سنت نیامده است. تو این سه نفر را ملاقات می کنی و وقتی زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام به دنیا آمد. مدت عمر تو رو به اتمام است و آخرین رزق و روزی تو از دنیا شربت شیری خواهد بود. آنگاه جندل گفت: من در کتاب تورات و کتب انبیاء اسم علی و حسن و حسین را به نام ایلیا، شبر و شبیر یافتم. آرزو دارم اسامی ائمه و خلفای دیگر را برای من بازگو کنی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « فالامام ابنه علی و یلقب بزین العابدین فبعده ابنه محمد یلقب بالباقر فبعده ابنه جعفر یدعی بالصادق فبعده ابنه موسی یدعی بالكاظم فبعده ابنه علی یدعی بالرضا فبعده ابنه محمد یدعی بالتقی والزکی فبعده ابنه علی یدعی بالتقی و الهادی فبعده ابنه الحسن یدعی بالعسکری فبعده ابنه محمد یدعی بالمهدی و القائم و

ص: ۹۸

۱- همان، ص ۱۳۲؛ همان، ج ۳، ص ۲۸۲؛ حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۵۶؛ محمد سلطان الواعظین، گروه رستگاران، یا، فرقه ناجیه، ج ۲، ص ۱۶۵۶.

الحججه فيغيب ثم يخرج فاذا خرج يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛ بعد از امام حسين فرزندش زين العابدين، بعد فرزندش باقر، بعد فرزندش صادق، بعد فرزندش موسی کاظم، بعد فرزندش علی رضا، بعد فرزندش تقی جواد، بعد فرزندش علی الهادی، بعد فرزندش حسن عسکری و بعد فرزندش قائم مهدی خواهد بود که خلفاء و ائمه بعد از من هستند. که حضرت مهدی صاحب الزمان غیبت می کند و از چشم مردم پنهان می شود بعد خروج می کند و زمین پر از ظلم و ستم را از عدل، داد و قسط پر می کند. خوشا بحال صابرين در دوران غیبت مهدی. خوشا بحال استقامت کنندگان در محبت و اعتقاد به مهدی در دوران غیبتش. آن ها کسانی هستند که خدا در قرآن در آیه ۲ سوره بقره و آیه ۲۲ سوره مجادله آنان را تعریف و تمجید کرده است. (۱)

یک یهودی محضر مقدس امام علی علیه السلام آمد سوالاتی کرد و حضرت جواب دادند. آن گاه سوال کرد خبر بده مرا که امت اسلام بعد از پیامبرشان چند امام و پیشوا دارند؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: «لهذه الامه بعد نبیها اثنا عشر اماماً لا یضرهم خلاف من خالفهم»؛ برای امت اسلام بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دوازده امام می باشد که مخالفت ضرر به امامت آنان نمی رساند. یهودی عرض کرد: راست گفتی یا علی! امام علی علیه السلام فرمود: «و الذی یسکن معه فی الجنه هولاء الاثمه الاثنا عشر اولهم انا و آخرنا القائم المهدی»؛ اما بهشتی که در آن دوازده امام معصوم قرار دارند که اولین آنها من هستم و آخرین نفر آن مهدی است، بالاترین و نزدیک ترین بهشت ها به عرش خدا می باشد. یهودی عرض کرد: راستی گفتی یا علی! یک سوال دیگر دارم مرا

ص: ۹۹

۱- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۸۵؛ محمد سلطان الواعظین، گروه رستگاران، یا، فرقه ناجیه، ج ۲، ص ۱۶۶۲.

با خبر کن چه اندازه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می کنی؟ آیا می میری یا کشته می شوی؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: زندگی من بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، ۳۰ سال خواهد بود و شقی ترین مرد دنیا این ریش مرا به خون سرم رنگین می کند. یهودی فوراً اسلام آورد و به یگانگی خدا، رسالت پیامبر و امامت حضرت علی علیه السلام شهادت داد. (۱)

خوارزمی در کتاب مقتل الحسین از ابی سلمی روایت کرده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: شب معراج به ملکوت و عوالم غیب بالا رفتم. خداوند به من خطاب کرد: «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمِآءٍ أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (۲) قلت: و المومنون. قال صدقت یا محمد؛ «پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد». عرض کردم: همه مؤمنان ایمان آوردند؟ خطاب رسید: راست گفتی ای محمد! آن گاه فرمود: ای محمد! من به سوی اهل زمین توجه خاصی کردم پس تو را از میان آن ها انتخاب نمودم. پس برای تو اسمی از اسماء خودم شکافتم. در مرتبه دوم توجه نمودم پس علی را اختیار نمودم. پس من اعلی هستم و او علی می باشد. من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد حسین را از سنخ نوری از نور خودم خلق نمودم و ولایت شما ها را بر اهل آسمان ها و زمین عرضه نمودم. هر کس قبول نمود در نزد من از اهل ایمان محسوب می شود و هر کس انکار نمود نزد من از جمله کافران است. (۳)

ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم مرا بندگی کند در حالتی که انکار کننده ولایت و امامت شما باشد من او را نمی آمرزم تا آن که ولایت و

ص: ۱۰۰

۱- همان جا.

۲- بقره/ ۲۸۵.

۳- همان، ص ۳۸۰؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۱؛ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷ و ۳۶، ص ۲۰۰ و ۲۱۶.

امامت شما را اقرار کند و قبول نماید. ای محمد! آیا دوست داری امامان از فرزندان را ببینی؟ عرض کردم: بله. پس خدا فرمود: «فقال لی التفت عن یمین العرش فالتفت : فاذا انا بعلی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدي فی ضحضاح من نور قیاماً یصلون وهو فی وسطهم یعنی المهدي كانه كوكب دري و هو الشائر من عترتك و عزتی و جلالی انه الحجه الواجبه لاولیائی و المنتقم من اعدائی»؛ وقتی به سمت راست عرش نگاه کردم دیدم علی، فاطمه، حسن و حسین، امام زین العابدین تا امام زمان که درنوری بسیار ایستاده و نماز می خوانند و حضرت مهدی در میان آن ها مانند ستاره درخشان ظاهر بود. فرمود: ای محمد! این ها حجت های من هستند و او خونخواهی از عترت تو می نماید و از عترت تو می باشد. به عزت و جلال خودم سوگند که مهدی حجت واجبه بر دوستان من است و انتقام گیرنده از دشمنان من می باشد. (۱)

استشهاد حضرت علی علیه السلام درباره امامت در زمان عثمان

یکی از احتجاجات و استشهادات امیرالمومنین علی علیه السلام در زمان خلافت خلیفه سوم عثمان است که نقل آن بسیار واجب و مفید است که حضرت امامت و ولایت خود را از لسان قرآن و روایات در مقابل عده ای از مهاجر و انصار بیان فرموده است که قسمتی از دفاعیات علمی حضرت علی علیه السلام به شما خوانندگان و طالبان حقایق بیان می کنم.

ص: ۱۰۱

۱- محمد سلطان الواعظین، گروه رستگاران، یا، فرقه ناجیه، ج ۲، ص ۱۶۶۶؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۳۸۰، حدیث ۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۰، حدیث ۶۷؛ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۴۸.

سلیم بن قیس هلالی می گوید: در زمان خلافت عثمان جماعتی از مهاجرین و انصار را دیدم که در مسجد مدینه نشسته و از فضایل خود صحبت و مذاکره می کردند و علی علیه السلام را در میان آنان دیدم که ساکت نشسته است تا آن که آن ها به علی علیه السلام عرض کردند شما هم حرف بزنید. حضرت علی علیه السلام فرمود: ای جماعت قریش و انصار از شما سوال میکنم که آیا این فضلی که خدا به شما لطف کرده از خودتان است یا بوسیله غیر به شما رسیده است؟ عرض کردند: خدا بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاده است. آیا شما می دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انی و اهل بیتی کنا نوراً یتسعی بین یدی الله قبل آن یخلق الله آدم باربعه عشر الف سنه؟»؛ من و اهل بیتم نوری بودیم در حضور خدا قبل از این که خدا آدم را خلق کند به مدت ۱۴ هزار سال شتاب می نمودیم. چون حضرت آدم را آفرید و این نور را در صلب و کمر آدم قرار داد و او را به زمین فرستاد. پس از آن در کشتی در کمر نوح قرار داد، پس از آن در آتش (نمرودی) در کمر ابراهیم قرار داد و مدام ما را که به صورت نور بودیم از کمر های کریم و رحم های طاهره از پدران و مادران انتقال می داد و هیچ یک از ما اهل بیت پیامبر از حرام بوجود نیامدیم. گروه سابقین مهاجر و انصار گفتند: بلی چنین است ای علی!

پس از آن فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که خدا در قرآن در بیش از یک آیه سابق را بر مسبوق فضیلت داده است. در آنجا که خدا می فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^(۱) سئل عنهم رسول الله فقال انزلها الله عزوجل في الانبياء الله و رسله و علی وصی افضل الاوصیاء قالوا: نعم؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کردند که تفسیر این آیه چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدا این آیه را درباره انبیاء و اوصیاء انبیاء نازل گردانیده است. پس من از تمام پیامبران

ص: ۱۰۲

افضل و بهتر هستم و علی وصی من از همه اوصیاء افضل و بهتر می باشد. مهاجر و انصار عرض کردند: بله.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای جماعت مهاجر و انصار شما را به خدا آیا می دانید آیات (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱)، (إِنَّمَا وَرَثَتُكُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا) (۲) و (وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَمَّا رَسُوْلُهُ وَ لَمَّا أَلْمَزُوا مِنْكُمْ) (۳) نازل شد و خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرد که یاد دهد اولی الامر را چه کسانی هستند؟ همانطور که برای آن ها نماز، زکات و حج را تفسیر کرد و یاد داد، امر ولایت و امامت را تفسیر و روشن کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مرا بر مردم در غدیر خم نصب فرمود و برای خلافت و امامت قرار داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم به درستی که خدا مرا فرستاد به رسالتی که سینه من تنگ شد و گمان کردم که مردم مرا تکذیب می نمایند. پس خدا مرا وعده داد که نگهداری می فرماید پس از آن فرمود: آیا می دانید که خدا حضرتی من و من حضرتی مومنین هستم و من اولی به تصرف در امور امت از نفس های آن ها هستم. عرض کردند: بله یا رسول الله! پس از آن در حالی که دست من در دستش بود فرمود: هر کس را من اولی در تصرف امور دین و دنیای او هستم پس علی هم اولی است. سلمان از جا بلند شد و عرض کرد: ای پیامبر! ولایت علی چه چیزی است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ولایت علی همانند ولایت من است. کسی که من اولویت در تصرف نفس و جان او دارم پس علی نیز چنین تصرف و ولایتی دارد. پس آیه سوم سوره مائده نازل شد. آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الله اکبر با کمال الدین و

ص: ۱۰۳

۱- نساء / ۵۹.

۲- مائده / ۵۵.

۳- توبه / ۱۶.

اتمام النعمه و رضاء ربی برسالتی و ولایه علی بعدی؛ خدا بزرگ است که دین اسلام را کمال، نعمت را تمام و به پیامبری من و امامت و ولایت علی بعد از من راضی شد. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد: آیا این آیات فقط مخصوص علی است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بله این آیات درباره علی و درباره اوصیای من تا روز قیامت می باشد. عرض کردند: برای ما اوصیاء و جانشینان خودت را بیان کن. فرمود: علی برادر، وارث، وصی من و ولی هر مومن بعد از من می باشد. پس از او دو فرزند من حسن و حسین و پس از آن ۹ نفر از اولاد حسین علیه السلام می باشند. قرآن با آن ها و آن ها با قرآن هستند که قرآن از آن ها جدا نمی شود و آنها هم از قرآن جدا نمی شوند تا بر من فردای قیامت بر حوض کوثر وارد شوند. بعد حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا می دانید ای مهاجر و انصار هنگامی که آیه ۳۳ سوره احزاب نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله من، فاطمه و حسن و حسین را جمع نمود و پس از آن کساء یمانی را بر ما انداخت و گفت: خدایا این ها اهل بیت من هستند. گوشت آن ها گوشت من است مرا ناراحت می کند وقتی اهل بیت من ناراحت شوند، من را خسته می کند وقتی اهل بیت من خسته شوند. از آن ها پلیدی را دور کن و آن ها را نیکو پاک گردان. ام سلمه زن پیامبر عرض کرد: ای پیامبر! من هم جزء اهل بیت هستم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عاقبت تو بر خیر است. جمعی از مهاجر و انصار گفتند: گواهی می دهیم ای علی این واقعه را ام سلمه برای ما نقل کرد.

دوباره امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: که شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید که در غزوه تبوک وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا در مدینه خلیفه خود قرار داد من گفتم: ای پیامبر! مرا بر زنان و کودکان خلیفه قرار دادی؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب من فرمود: امر مدینه مگر به من یا به تو اصلاح نمی شود و تو به من به منزله هارونی از موسی الا آن که بعد از من پیغمبری

نخواهد بود یعنی اگر قرار بود بعد از من پیامبری باشد تو آن پیغمبر بعد از من خواهی بود. حاضرین خطاب به علی علیه السلام کردند و گفتند: بله راست فرمودی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام دوباره فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)؛ ای اهل ایمان از خدا بترسید و با صادقین و راستگویان باشید. (۱) درباره چه کسی نازل شده است؟ و سلمان فارسی وقتی این آیه نازل شد به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرضه داشت: ای پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه شریف خطاب عام است یا خاص؟ فرمود: اما کسانی که مأمور به این کار هستند عموم اهل ایمان هستند ولی راستگویان افراد خاص و مخصوص امت می‌باشند و صادقین خاص درباره امامت برادر علی و اوصیاء من تا روز قیامت هستند. حاضرین گفتند: بلی راست فرمودی ای علی!

دوباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به گروهی از مهاجر و انصار کرد و فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید وقتی خدا آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (۲) الی آخر السوره. سلمان بلند شد و گفت: ای رسول خدا! چه کسانی هستند که شما شاهد بر آنان هستید و آن‌ها شاهد بر اعمال امت هستند که خداوند آن‌ها را برگزیده و انتخاب کرده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن‌ها با من ۱۳ نفر هستند. سلمان گفت: ای پیامبر! آن افراد خاص الهی را معلوم کن. حضرت فرمود: من هستم و برادر علی و ۱۱ نفر از اولاد من. همگی از مهاجر و انصار آن عده که بودند فرمایشات حضرت علی علیه السلام را تصدیق کردند.

ص: ۱۰۵

۱- توبه / ۱۱۹.

۲- حج / ۷۷.

حضرت علی علیه السلام فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید که پیامبر در جاهای زیاد و متعدد خصوصاً در آخرین خطبه و سخنرانی خود فرمود: «انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي فتمسكوا بهما لن تضلوا»؛ من از میان شما می‌روم ولی دو چیز گرانبها و پر ارزش برای شما به یادگار می‌گذارم: کتاب خدا قرآن و اهل بیت از عترتم. هر کس به این دو چنگک بزند و متوسل شود هیچ وقت گمراه نمی‌شود. حاضرین گفتند: راست فرمودی ای علی! (۱)

امامت در حدیث امام صادق علیه السلام

راوی می‌گوید خدمت امام جعفر صادق علیه السلام آمدم و گفتم: حدیثی کن مرا به چیزی محکم که آن چیز پایه اسلام باشد و زمانی که به آن عمل کنم پاک شود عمل من و ضرری به من نرسد جهل آن چیز که نمی‌دانم. امام فرمود: «شهاده أن لا اله الا الله و أن محمد رسول الله و الاقرار بما جاء به من عند الله و حق فی الاموال من الزكاه و الاقرار بالولاية التي امر الله بها ولايه آل محمد قال رسول الله من مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية قال الله عزوجل (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲) فكان علی صلوات الله علیه ثم صار من بعده حسن ثم حسین ثم من بعده علی ابن الحسین ثم من بعده محمد بن علی و هكذا يكون الامران الارض لانصلح الا بامام و من مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية و احوج ما يكون احدكم الى معرفته اذا بلغت نفسه ههنا و اهوى بيده الى صدره يقول حينئذ لقد كان علی امر حسن»؛ شهادت به یکتایی خدا و رسالت پیامبر و اعتراف به آن چه از طرف

ص: ۱۰۷

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۸۰.

۲- نساء/ ۵۹.

خدا نازل شده و حق در اموال از دادن زکات و اعتراف به امامت و ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله که خدا امر به آن ها فرموده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد به حال جاهلیت مرده است و خدا می فرماید: از خدا و پیامبر و صاحبان امر اطاعت کنید که آن ها علی، حسن و حسین، زین العابدین، محمد باقر و همچنین است که اهل زمین اصلاح نمی شوند مگر به امام و کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد به عصر جاهلیت مرده است و سخت ترین موقعی که بر انسان می گذرد وقت مرگ است که جان انسان به گلویش می رسد و امام صادق علیه السلام اشاره کرد به گلویش و فرمود: آن موقع آن شخص که امام خود را در دنیا شناخته بر حال نیکو خواهد بود.^(۱)

امامت در حق الیقین علامه مجلسی

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی دوم - از اکابر و اعظم شیعه - کتابی نوشته است و به قول یکی از مستشرقین اگر قلم علمی و آثار کتبی این عالم بزرگ شیعه نبود شیعه از جهات علمی رشد نمی کرد و آثار فقهی و روایی اهل بیت رسالت نابود می شد.^(۲) نام یکی از کتاب های او حق الیقین است که توصیه می شود خصوصاً نسل جوان شیعه این کتاب را دقیق مطالعه کنند که در اثبات توحید، نبوت، امامت و معاد تألیف نموده است. باب پنجم این کتاب در موضوع اثبات و ادله قوی امامت خاصه الهیه ائمه هدی بعد از رسول صلی الله علیه و آله می باشد.

ص: ۱۰۷

۱- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۱۱۷؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۵۸؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲- حاج شیخ احمد کافی خراسانی (سخنران)، ۱۳۵۷، هوا و هوس، [نوار]، اصفهان.

علامه مجلسی می فرماید: منظور و مراد از امام، کسی است که مقتدا و پیشوای امت در جمیع امور دنیا و دین باشد به نحوی که پیغمبر صلی الله علیه و آله عمل می کرد. امت اسلام اختلاف کرده اند که امام باید باشد یا نه؟ اما فرقه ناجیه امامیه شیعه اثنی عشر اعتقاد دارند که وجود امام در دین و دنیای مردم واجب است و یک امر شرعی و عقلائی است و اعتقاد شیعه این است که بر خدای عالم، نصب و قرار دادن امام معصوم بعد از پیامبر واجب بوده است.

دلیل اول: همان طور که فرستاده شدن ۱۲۴ هزار پیامبر برای هدایت و رشد بشر و نجات انسان از جهل و گمراهی بر خدا واجب بود که حجت را بر بشر تمام کند و انسان هیچ عذر و بهانه ای برای انجام معاصی نداشته باشد. بعد از پیامبران، خلفا و جانشینان پاک آنان - که امام معصوم باشد- قرار داد که نظم در امورات دینی و شرعی و دنیایی بشر ایجاد کنند و احکام و حدود الهی را بیان و پیاده کنند.

دلیل دوم: قرار دادن امام معصوم لطف و عنایت است و این لطف بر خدای لطیف و رحیم واجب است و در کل زمان ها بشر نیاز به یک رهبر و حاکم مطلقاً عالم، عادل، عامل از سوی خدا و پیامبر دارد که اختیار دین و دنیای بشر به دست اوامر و نواهی او باشد.

دلیل سوم: آن چه حتی مخالفان شیعه معترفند و اعتقاد دارند که عادت الهی و حمکت خدا در جمیع پیامبران از حضرت آدم تا خاتم آن بوده که تا خلیفه ای از برای آنان تعیین و مشخص نمی کرد، آن پیامبر از دنیا نمی رفت. پیامبری که حتی در جمیع جنگ ها و سفر های جزئی از مدینه خارج می شدند، رئیس و جانشین مشخص می کرد و در جمیع شهر های اسلامی حاکمی نصب می نمود و امر مردم را به خودشان واگذار نمی کرد؛ پس چگونه در این جدایی طولانی و سفر بی منتهای عالم آخرت که پیامبر از دنیا

می رود امورات دین و دنیای مسلمین را معطل و عبث رها می کند و می رود.

دلیل چهارم: اگر انتخاب امام به دست مردم بوده است؛ پس پیامبران را هم باید انتخاب می کردند. وقتی مردم خلیفه، حاکم و رئیسی برای دهاتی یا شهری انتخاب می کردند، هزاران خلاف و بی نظمی از آن رئیس ظاهر می شود؛ چون مقام عصمت کلی و ذاتی ندارند و مردم هم علم به وجود باطنی او ندارند و خداست که آشنا و آگاه به امام معصوم است که می تواند بار امانت الهی را بر دوش بکشد و هادی برای مردم باشد.

دلیل پنجم: اگر دهقانی در یک کوره دهات بیمار شود برای رعیت خودش نماینده ای انتخاب می کند که کار زراعت و نیاز های مادی مردم بر هم نخورد و چگونه روا و جایز باشد پیامبر آخرالزمان از دنیا برود و برای دین، امت، کتاب، سنت و رعیت خود کسی را به عنوان جانشین و خلیفه از طرف خدا و خودش انتخاب نکند. پیامبری که در آداب و سنن در هر کاری از خوردن، آشامیدن، جماع کردن، بیت الخلا-رفتن، مسواک زدن، آداب معاشرت، واجبات، مستحبات، مکروهات، قضاوت، معاملات مطالب زیادی بیان و تشریح کرده و آن احکام متصل به وحی و پیام خدا بوده است؛ چگونه حافظ و نگهبانی برای امر شریعت اسلام نگذارد تا مفسدین و مغرضین حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال نکنند و نتوانند در آیات قرآن، احکام و روایات تحریف و دستکاری کنند و هر کس از روی میل و هوا و هوس خودش احکام الهی را تغییر ندهد. بعد از پیامبر به طور روزمره برای مسلمین سوالات و مجعولات دیگر از باب فهم احکام، مسائل فقهی، قضاوت، دانستن علوم و تفاسیر قرآن و روایات پیش می آمد که می توانند به غیر از خلیفه و جانشین پیامبر که که قلبش متصل به نور الهی و فهم خدایی است جوابگوی

کافی و عموم مردم از مسلمان و غیر مسلمان حتی باشد که دنبال و جستجوی حقایق هستند که تاریخ اسلام گواهی می دهد بعد از وفات پیامبر اسلام، دانشمندان و عالمان یهودی و مسیحی نزد خلفاء می آمدند و ابوبکر، عمر و عثمان از جواب سؤالات علمی و دینی آنان عاجز می ماندند. (۱)

در آیات بسیاری از قرآن آمده که خدا در مصحف شریف همه چیز را گفته و بیان نموده است و چگونه است که مسئله امامت که موضوع بسیار حیاتی و مهم برای مسلمین و هدایت بشر است بیان نکرده و آیه ای نفرستاده باشد. امروزه در شبکه های ماهواره ای چون شبکه های سلفی مثل کلمه، نور، وصال فارسی و وصال حق شبهه می اندازند که یک آیه به طور شفاف و روشن درباره امامت نیست. قرآن شأن نزول، آیات محکم و متشابه، ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ دارد همچنین قرآن تمام جزئیات احکام و علوم اسلام و مباحث اختلافی امروز و دیروز مسلمین مثلاً مسئله امامت را به این نحو بیان نکرده که ۱۲ امام می آیند اولشان علی پسر ابوطالب داماد پیامبر، پسر عموی اوست تا امام ۱۲ را این طور شرح دهد. اگر قرآن برنامه اش درباره امامت در آیات به این شکل بود دیگر شأن نزول آیه چه معنا داشت. اگر بر فرض قرآن اسامی ائمه را به طور واضح بیان می کرد از کجا معلوم دشمنان ولایت خصوصاً اموی ها آن آیه را به طور کامل از قرآن حذف نمی کردند. قرآن می گوید پیامبر تا زنده است باید آیات را از جهت تفسیر تبیین و روشن کند. آیا آیه (أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲) را برای مسلمانان توضیح داده یا نه؟ آیا به وظیفه خودش عمل کرده یا نه؟ نماز چهار هزار مسئله و احکام اصلی و فرعی دارد آیا در قرآن بیان شده است؟ آیا احکام روزه، حج، زکات به طور کامل در

ص: ۱۱۰

۱- علامه مجلسی، حق الیقین، چ ۲، (قم: موسسه انتشاراتی امام عصر، ۱۳۸۸)، ص ۴۸-۵۴.

۲- نساء/ ۵۹.

قرآن بیان شده یا نه؟ اگر تمام احکام و جزئیات اسلام در قرآن بیان شده بود پس دیگر آیه (فَسَيَلُؤْاْ أَهْلَ الذِّكْرِ) (۱) چه معنا می دهد؟ خود حدیث ثقلین شاهد بر این مدعای ماست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کتاب الله و عترتی»، قرآن و اهل بیت من می توانند هادی راه شما باشند. خدا برای هدایت دینی بشر فقط انزال کتاب نکرده، فقط ۱۰۴ کتاب آسمانی نازل نکرده است بلکه ۱۲۴ هزار رجال الهی فرستاده است. اگر تمام مسائل و موضوعات در قرآن آمده بود دیگر نیاز به مفسر و رجال الهی نبود. قرآن می گوید: (مِمَّا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (۲)، (وَ لَمَّا رَطِبِ وَ لَمَّا يَابَسِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (۳)؛ در کتاب (قرآن) از هیچ چیز تقصیر و کوتاهی نکردیم. هیچ خشک و تری نیست مگر آن که در کتاب، روشن و آشکار می باشد. (وَ كُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا) (۴)؛ هر چیزی را تفصیل داده ایم و بیان کرده ایم. آیا می شود که قرآن موضوع امامت را بیان نکرده باشد؟

امامت و ویژگی آن

خدا در قرآن می فرماید: (وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)؛ و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و بر می گزیند و آنها را اختیاری نیست. خدا منزله و فراتر از چیزی است که (با او) شریک می کنند. (۵)

ص: ۱۱۱

۱- انبیاء / ۷.

۲- انعام / ۳۸.

۳- انعام / ۵۹.

۴- اسراء / ۱۲.

۵- قصص / ۶۸.

همان طور که در آیه فوق اشاره شد، خداوند هر چه بخواهد خلق می کند و بر می گزیند و دیگران اختیاری برای انتخاب کردن وصایت برای پیامبران را ندارند و قدرت معنوی جهت تشخیص انتخاب آنان ندارند. اگر قرار بود که مردم پیامبران و امامان معصوم را انتخاب کنند دیگر نیاز به هدایت ائمه نداشتند. کسی که خودش در ظلمات گمراهی است، قدرت های شیطانی بر او مسلط است، عقلش محدود است و هیچ روزنه ای از جهات باطنی به عالم معنا و ملکوت ندارد؛ چگونه می تواند تشخیص انتخاب معنوی برای امام داشته باشد که بر گزیده خداست. دین اسلام، دین آسمانی و الهی است و سایر احکام، حدود و ویژگی های آن هم الهی است و رجال و پیام آوران آن هم باید از سوی خدا برای هدایت مردم بیایند. کسانی که خودشان به وسیله خدا هدایت و تربیت شده اند می توانند مردم را هدایت و رهنمود کنند.

همچنین خدا می فرماید: (وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَيَّ رَجُلٍ مِّنَ الْقُرْآنِ عَظِيمٍ، أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسِمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سِيخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ)؛ (کفار قریش) و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ (ولید بن مغیره و عروه بن مسعود) از آن دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است، مگر این ها رحمت خدا را تقسیم می کنند؟ این ماییم که معیشت آنها را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم و بعضی از آنها را بر بعضی مراتبی برتری دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند (و چرخه ی زندگی بگردد)، و رحمت پروردگار تو از آنچه می اندوزند بهتر است.

مرحوم علامه مجلسی در ذیل آیه فوق می فرماید: خدا مال دنیا را که اعتباری ندارد تقسیم و تدبیرش را واگذار به مردم نمی کند، چگونه نبوت و

امامت را که سلسله و تکمیل کننده است را به مردم دنیا آن هم مردم جاهلیت عرب واگذار می کند. حال، امام از دیدگاه قرآن و خدا باید چه شرایطی داشته باشد؟

شرط اول: آن که امام باید افضل و بالاتر از تمام جهات خصوصاً در علم از عامه مردم باشد. چون خدا می فرماید: (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ لِحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ)؛ پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی یابد مگر آن که هدایتش کنند؟ شما را چه شده است، چگونه داوری می کنید؟^(۱)

شرط دوم: از عقاید و اجماع علمای شیعه و امامیه برای امام این است که از تمام گناهان باطنی و ظاهری معصوم و پاک باشد. امام، امین خدا بر دین و دنیای مردم است. پس هر گاه خود در احکام الهی خیانت کند، نه تنها قابل امامت بلکه محل ملامت خواهد بود. چون خدا می فرماید: (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ عهد و پیمان الهی امامت به ستمکاران نمی رسد.^(۲)

شرط سوم: امام باید هاشمی باشد و هیچ شبهه ای در نسل و خاندانش نباشد. پدر و مادرش از اشقیاء و مفسدین نباشد و از عیوبات ظاهری که موجب نفرت مردم از امام می شود در او نباشد. مثل: خوره، پیسی، کوری، گنگی، درشت خویی، کج خلقی، بخل، پستی نفس، دنائت صنعت (شغل های پست و مکروه مثل جولائی، حجامی) و کارهایی که دلیل بر جهالت و ضعف عقل می کند.

شرط چهارم: امام باید شجاع و دلیر باشد که بتواند به جنگ اهل باطل

ص: ۱۱۳

۱- یونس / ۳۵.

۲- بقره / ۱۲۴.

رود و مردم را هم نیز تشویق و ترغیب به جنگ با اهل باطل کند.

شرط پنجم: در جمیع صفات کمال انسانی و دینی از همه مردم افضل باشد.

شرط ششم: قرب و منزلت او در درگاه خدا از همه بیشتر باشد.

شرط هفتم: صاحب معجزه باشد.

شرط هشتم: امامت او عام باشد و امامت منحصر به او باشد. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: امام ده علامت و نشانه دارد: پاکیزه و ناف بریده و ختنه کرده متولد می شود. چون از شکم مادر به زیر آمد، دست ها را به زمین می گذارد و صدا به شهادتین بلند می کند. محتمل (جنب شدن در خواب) نمی شود و خباثت جنابت در او به هم نمی رسد. دیده اش به خواب می رود ولی دلش به خواب نمی رود؛ یعنی آنچه واقع می شود در آن حال می داند. خمیازه نمی کند. از پشت سر می بیند همان طور که از جلو رو می بیند. از مدفوعی که از او جدا می شود بوی مشک و عطر خوش از آن می آید و زمین مأمور است مدفوع او را فرو ببرد. چون زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می پوشد بر قدش درست می آید. فرشته با او تا آخر عمرش حرف می زند. (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: امام در حکمت و علم داناترین مردم است و به دقایق امور از همه جلوتر است. پاک ترین، با صبر ترین، سخی ترین و شجاع ترین از همه مردم است. عبادت امام از همه بیشتر است. سایه ندارد که شاید گاهی این طور است. بول و غایط او را کسی نمی بیند. وظیفه مردم است که جان خود را فدای جان امام بکنند و امام اولی و بالاتر است از جان همه ی مردم است. امام از پدر و مادر انسان به انسان و کلیه بشر، مهربان و مشفق

ص: ۱۱۴

۱- علامه مجلسی، حق الیقین، ص ۴۸-۵۱.

۲- همان، ص ۵۴-۶۲.

است. تواضع و فروتنی امام از همه مردم بیشتر است. آن چه را که او به مردم از لحاظ دینی امر می کند خود بیشتر و زودتر عمل می کند و آن چه را که به مردم می گوید نکنید خود زودتر و بیشتر ترک می کند. دعای امام مستجاب است حتی اگر به سنگی دعا کند سنگ دو نیم می شود. حربه ها و اسلحه پیامبر صلی الله علیه و آله در نزد امام است خصوصاً شمشیر ذوالفقار که از آسمان به زمین آمد و همچنین نامه و لوحی که اسامی جمیع شیعیان تا روز قیامت در آن ثبت است و نامه و لوحی دیگر که نام های دشمنان تا روز قیامت در آن نوشته شده است پیش امام می باشد و جامع آن نامه ای به طول هفتاد زرع است و در عرض پوست گوسفندی و چون پیچیده می شود به گندگی ران شتر می شود و در آن هر حکمی از احکام دین اسلام که فرزند آدم به آن نیاز دارد نوشته شده است و نزد او می باشد جفر بزرگ و جفر کوچک که یکی از پوست بز است و دیگری از پوست گوسفند و در آن ها احکام حدود و غیر آن ها است. حتی حکم خراش پوست بدن که کسی آن را مجروح کرده باشد و گناهی که حد و مجازات آن یک تازیانه یا نیم تازیانه و یا ثلث تازیانه است و این مطلب را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله املاء فرمود و امیر مؤمنان به خط خود نوشته است و مصحف حضرت فاطمه نزد امام است و در آن ها نام ها و احوال پادشاهان تا روز قیامت که در دنیا می آیند نوشته است. (۱)

جریان مصحف فاطمه زهرا از این قرار است که چون پیامبر اکرم از دار دنیا رفتند اندوه و غم بزرگی خصوصاً از جفای امت بی وفا و ظلم منافقین به حضرت زهرا دست داد. خدا حضرت جبرئیل فرشته وحی را برای آرامش حضرت زهرا فرستاد که خبرها و حوادث آینده بشر را برای آن صدیقه شهیده بیان کند و حضرت علی آن را مکتوب می کرد و در آن خبرهای

ص: ۱۱۵

در حدیث دیگر آمده است که میان خدا و امام برگزیده از طرف خدا عمود و ستونی از نور است که در آن عمود، احوالات بندگان خدا را می بیند و آن چه بر او مشتبه شود در آن نظر می کند و می داند. (۲)

امام کاظم علیه السلام فرمود: امام معصوم از طرف خدا را به چند خصلت می توان شناخت:

اول: آن که امام پیش از او، نص و بیان بر امامت او کند چنان چه پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلافت حضرت امیر علیه السلام کرد.

دوم: هر چه از امام پرسند جواب دقیق، کامل و شفاف دهد و اگر از او پرسند خود ابتدا کند.

سوم: مردم را به آینده خبر می دهد.

چهارم: تمام لغت ها و زبان ها را می داند و هر کس را به زبان خودش جواب می دهد. پنجم: آن که کلام و زبان هیچ مرغ و هیچ حیوانی بر او نا مفهوم نیست و همه را می داند. (۳)

بدان که هر معجزه و قدرت معنوی و تصرف که خدا به پیامبران لطف و عنایت کرده همان کرامات را به ائمه هدی لطف و عنایت کرده است و همچنین کتاب های آسمانی همانند: صحف آدم، صحف شیث، صحف ادریس، صحف ابراهیم، الواح موسی، تورات، انجیل، زبور در نزد امام معصوم و خلیفه بر حق پیامبر است. آثار جمیع پیامبران مانند: عصای موسی، پیراهن ابراهیم و یوسف، سنگ موسی که ۱۲ چشمه از آن جاری شد،

ص: ۱۱۶

۱- همان جا.

۲- همان جا.

۳- همان جا.

انگشتر سلیمان، بساط و سایر آثار پیامبران در پیش امام معصوم است و اکنون در نزد امام زمان حضرت مهدی است. خدا، ابر را مسخر و رام امام کرده است که می تواند بر آن سوار شود که بتواند ملکوت و عجایب خلقت را ببیند و گردش کند. هفتاد و دو اسم اعظم خدا را می داند که بر هر چه بخواند البته مستجاب و قبول می شود و یکی از آن اسماء اعظم الهی را اصف بن برخیا بلد بود که به قدرت اسم اعظم الهی تخت بلقیس پادشاه را که دو ماه فاصله بود به یک چشم بر هم زدن نزد حضرت سلیمان حاضر کرد. گاهی امام صدای فرشتگان را می شنود و با روح القدس که فرشته ای بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل است در ارتباط است و گاهی الهام و وحی خدا به دل و قلب ایشان القا می شود و در احادیث بسیار وارد شده است که عمده و بیشتر علم اهل بیت و ائمه از دریای نامتناهی علم الهی فایز می شود. ملائکه و روح در شب قدر بر امام زمان نازل می شود و بر آن حضرت سلام می کنند و آن چه از امور آن سال در آن شب قدر مقدر و تقدیر شده است بر امام عرضه می کنند. علوم گذشته و آینده و هر علمی که از آسمان به زمین آمده نزد ائمه می باشد و ائمه اطهار وارث تمام علوم پیامبران هستند. اهل بیت و امامان معصوم به هر کس نگاه کنند از صورت او ایمان، کفر و نفاق را می دانند. در هر درخت و برگ و ریگ و سنگی که امام نظر کند، از آن علمی بر او ظاهر می شود و خدا تمام قرآن، علم ظاهر و باطن آن که هفتاد بطن است را مخصوص امام معصوم و برگزیده خودش قرار داده است. لباس ها، حربه ها، زره ها، مرکب ها، انگشترها و جمیع اسباب ظاهری و باطنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام رسیده و نزد سایر ائمه محفوظ و مضبوط است. صندوقی از پوست نزد ایشان است که علم پیغمبر، اوصیاء و علما گذشته همه در آن ضبط است و آن را «جفر و ابیض» می گویند و صندوقی

دیگر نزد امام می باشد که جمیع اصلحه حضرت در آن قرار دارد و آن را «جفر احمر» می گویند و امام زمان آن را خواهد گشود. در احادیث زیاد ذکر شده است که ارواح امامان از نور مقدس آفریده شده است. بدن ها و دل های ایشان از طینت عرش آفریده شده است. چون خدا بخواهد امام را خلق کند فرشته ای را مأمور می کند که شربت آبی از عرش بردارد و نزد پدر امام ببرد. پدر آن را می آشامد و از آن آب که از غسل شیرین تر، از کره نرم تر، از شیر سفید تر و از برف سرد تر است نطفه امام تشکیل می شود و پدر امام اراده نزدیکی به همسر پیدا می کند و نطفه امام در رحم مادر منعقد می شود و چون چهل روز بگذرد روح به امام دمیده می شود. بعد از چهار ماه در رحم مادر سخن مردم را می شنود و می فهمد و پس فرشته ای بر بازوی امام (و تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ) (۱) می نویسد. در شکم مادر ذکر خدا می کند و سوره قدر و سایر آیات تلاوت می کند. چون متولد می شود مربع نشسته از جانب پا به زیر می آید چون به زمین می آید رو به قبله می کند و دست ها را بر زمین می گذارد و سر به جانب آسمان بلند می کند و صدا به گفتن شهادت توحید رسا می کند پس فرشته آیه فوق را میان دو دیده اش و دو کتفش نقش می کند. پس ندایی از میان عرش به او می رسد بر حق ثابت باش که تو را برای امر بزرگی خلق نموده ام. تو برگزیده منی از خلق من، محل راز من، صندوق علم منی بر وحی من و خلیفه منی در زمین من هستی. برای تو و کسی که تو را دوست دارد رحمت خود را واجب کرده ام و بهشت خود را به او بخشیده ام. به عزت و جلال خود قسم یاد می کنم هر که با تو (امام) دشمنی کند او را در بدترین عذاب خود بسوزانم هر چند او را در دنیا روزی زیاد داده باشم. خانه امام، محل نزول ملائکه است در آن

ص: ۱۱۸

شبی که امام متولد می شود نوری در آن خانه ساطع می گردد. پدر و مادر امام آن نور را می بینند چون از رحم مادر به زمین بیاید رو به قبله کند و سه مرتبه عطسه کند و انگشت به حمد الهی بلند کند. ناف بریده و ختنه کرده و دندان هایش همه رویده باشد. یک شبانه روز نور زردی مانند طلا از دست هایش نور افشانی کند. (۱)

بررسی حدیث ۱۲ خلیفه در منابع عامه

روایات کثیری از منابع موثق روایی اهل سنت، اشاره به ۱۲ خلیفه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده است. در اینجا بررسی می کنیم که ۱۲ خلیفه ای که روایات اهل سنت نقل کرده اند، چه کسانی هستند؟ آیا همان ۱۲ امام معصوم هستند که شیعه ۱۲ امامی به آن اعتقاد دینی دارند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الائمة بعدی اثنی عشر من اهل بیتی»؛ پیشوایان و رهبران دین بعد از من ۱۲ نفر از اهل بیت و عترت من هستند. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان عده الخلفاء بعدی عده نباء موسی»؛ تعداد جانشینان و خلفاء بعد از من به تعداد نباء قوم حضرت موسی است که ۱۲ نفر بودند. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان هذا الامر عزیز منیعا حتی یمضی فہیم اثنی عشر خلیفہ»؛ همانا دین اسلام و اهل آن عزیز و محترم خواهند بود تا این که ۱۲ خلیفه بیایند. پس چرا اسلام و اهل اسلام الآن در فشار و سختی هستند؟ بخاطر این که دوازدهمین نفر آن ها حضرت مهدی نیامده است که آرزوی

ص: ۱۱۹

۱- علامه مجلسی، حق الیقین، ص ۵۴-۵۹.

۲- شیریه بن شهردار دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳- جلال الدین سیوطی، جامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۵۰؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، حدیث ۱۴۹۷۱.

قرآن، اسلام، اهل بیت و تمام انبیاء و صلحاء عالم را برآورده کند و به امر حق به اجرای عدل و حاکمیت حقیقی اسلام و قرآن پردازد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بعدي اثني عشر خليفه كلهم من بني هاشم»؛ بعد از من ۱۲ خلیفه می آیند که همه از قوم بنی هاشم هستند. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تهلک هذه الامه حتی یکون منها اثني عشر خليفه کلهم يعمل بالهدی و دین الحق»؛ امت به طور کل از بین نمی رود تا این که ۱۲ خلیفه بیایند که همگی آنان به دین حق عمل می کنند و اهل هدایت هستند. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یزال الاسلام عزیزاً الی اثني عشر خليفه»؛ اسلام به دوازده خلیفه عزیز خواهد بود. (۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یزال امتی علی الحق ظاهرین حتی یکون علیهم اثني عشر امیراً کلهم من قریش»؛ دین اسلام و امت از بین نمی رود تا این که ۱۲ امیر که همگی از قبیله قریش هستند بیایند. ائمه ۱۲ گانه ما همگی از قریش و بنی هاشم و از اهل بیت پیامبر بوده اند. (۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یزال الدین قائماً حتی تقوم الساعه و یکون علیهم اثني عشر خليفه»؛ این دین تا روز قیامت از بین نمی رود تا این که ۱۲ خلیفه ص: ۱۲۰

۱- ابن بطریق، العمده، ص ۴۲۱، حدیث ۸۷۷.

۲- سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القربی، ص ۹۴، موده ۱۰؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۳۰۸ و ۵۳۳، باب ۵۶ و ۷۷.

۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۲؛ ابن اثیر، النهایه، ج ۶، ص ۲۴۸؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقه، ص ۱۲.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

۵- طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۵۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یکون خلفائی اثنی عشر خلیفه»؛ خلفاء و جانشینان من ۱۲ خلیفه هستند. (۲)

آیا می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را با نام و خصوصیات برای امت معرفی نکرده باشد تا حجت بر آنان تمام شود و هیچ گونه عذر و بهانه ای نداشته باشند و منکر امامت و خلفای خدا و پیامبر نشوند؟ چرا بیان کرده که در صفحات قبل بنده روایات را از منابع مختلف شیعه و سنی آورده ام.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یملک من ولدی اثنی عشر خلیفه»؛ از فرزندان من ۱۲ خلیفه می شوند و حکم حاکمیت بر دین و دنیای مردم از طرف خدا و من دارند یعنی ولایت دارند. (۳)

خداوند در قرآن می فرماید: (وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا)؛ و همانا خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها ۱۲ سرپرست برانگیختیم. (۴) طبق شرح آلوسی مفسر معروف مصری اهل سنت این عده نقباء بنی اسرائیل وزرای حضرت موسی بودند که بعداً به مقام نبوت و پیامبری رسیدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من ۱۲ خلیفه یا امیر می آیند که همگی از قریش، بنی هاشم، اهل بیت من و فرزندان من هستند که به تعداد نقباء موسی هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله اصطفی کثیره من اسماعیل و اصطفی قریشاً من کثانه و اصطفی من قریش بنی هاشم و اصطفانی من بنی هاشم»؛

ص: ۱۲۱

۱- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

۲- محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۲۹.

۴- مائده/ ۱۲.

خداوند از فرزندان اسماعیل کنانه را برگزید و از فرزندان کنانه، قریش را برگزید و از فرزندان قریش، بنی هاشم را برگزید و مرا از فرزندان بنی هاشم برگزید. (۱)

جابر ابن سمره نقل می کند که خلافت و زمان حکومت ۱۲ خلیفه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مژده آمدن آن ها را بعد از وفات خودش داده است تا پایان عمر دنیا و تا قبل از آستانه وقوع ساعت قیامت بیان کرده است. همچنین به لفظ کلمه حدیث توجه کنید: «فاذا اهلکوا ما جت الارض باهلها»؛ نابودی اهل کره زمین مطلق است به از بین رفتن ۱۲ خلیفه که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آیند. (۲)

حال نظر و رأی علمای اهل سنت راجع به حدیث ۱۲ خلیفه و امیر که بعد از مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آیند چیست؟ اولاً- اگر منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از ۱۲ خلیفه که فرموده اند: «کلهم من قریش»؛ همگی آنان از قریش هستند، خلفای راشدین باشد که تعداد آنان ۴ نفر بیشتر نمی باشد. اگر منظور پیامبر صلی الله علیه و آله خلفای بنی امیه هستند که تعداد آن ها ۱۲ نفر بیشتر است و اگر منظور خلفای بنی عباس باز تعداد نفرات آنان از ۱۲ نفر بیشتر است و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یزال الدین قائما حتی تقوم الساعة و یكون علیهم اثنی عشر خلیفه»؛ مدت امامت ۱۲ خلیفه تا پایان عمر دنیا است. بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کلهم یعمل بالهدی و دین الحق»؛ این ۱۲ نفر کاملاً صالح و هادی و هدایتگر هستند اما در میان خلفاء که اهل سنت خلافت برای آنان قائل هستند به غیر از امیر مؤمنان و امام مجتبی همه آنان دچار خلاف عمل به

ص: ۱۲۲

-
- ۱- صحیح مسلم، ج ۲، ضمن کتاب الفضائل؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۵۲ و همچنین مراجعه کنید به ج ۱۳، ص ۱؛ ج ۱۹، ص ۶۲۸؛ ابن بطریق، العمده، ص ۴۱۶ و ۴۲۲.
 - ۲- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴ و ۶؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۵.

قرآن، سنت و اعمال فسق و فجور مبتلا- بودند و تاریخ شاهد و گواه بر این مطلب است. البته تعدادی روایات از اهل سنت رسیده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من خلفای ضالین و گمراه هم می آیند و در ذیل تفسیر آیه ۶۰ سوره اسراء رؤیای پیامبر که راجع به قوم بنی امیه است، مطالب زیادی بیان شده است. چرا؟ چون قرآن، امام را به دو گروه تقسیم می کند. قرآن راجع به ائمه ضاله می فرماید: (أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْفِتْنِ)؛ ائمه و پیشوایانی هستند که به آتش جهنم دعوت می کنند(۱) و همچنین راجع به ائمه هدی می فرماید: (أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا)؛ پیشوایان و امامانی که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کنند.(۲)

ابن جوزی درباره حدیث ۱۲ خلیفه که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می آیند می گوید: من بررسی پیرامون این حدیث را به درازا کشاندم و از آن پرس و جو کردم و بالاخره به نتیجه معنای حدیث نرسیدم.(۳)

گروهی از مفسرین حدیث ۱۲ خلیفه گفته اند: گمان می رود پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث از عجایبی فتنه انگیز بعد از خود خبر داده که مردم با گرایش به ۱۲ نفر خلیفه معاصر به افتراق و جدایی افتاده اند.(۴)

ابن حجر عسقلانی می گوید: منظور از حدیث ۱۲ خلیفه، وجود ۱۲ خلیفه تا قیامت در سراسر دوران اسلام است هر چند عصر و زمان آن ها به هم پیوسته نباشد.(۵)

سیوطی، ابن حجر مکی، قاضی عیاض و ابن عربی اعتقاد دارند ۱۲ خلیفه

ص: ۱۲۳

۱- قصص / ۴۱.

۲- انبیاء / ۷۳.

۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۸۱.

۴- همان، ج ۱۶، ص ۳۳۹؛ جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

۵- همان، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است بعد از من می آیند خلفاء چهار گانه و تعدادی خلفاء بنی امیه و بنی عباس هستند. (۱) با این که پیامبر صلی الله علیه و آله در متن حدیث ۱۲ خلیفه فرموده است: کلیه افراد از این خلفاء، از قریش، بنی هاشم و اولاد پیامبر، فاطمه، امیرالمؤمنان و از صلب امام حسین هستند. طبق روایات مستند کثیره از منابع روایی موثق اهل سنت و اهل شیعه اثنی عشری، آن خلفایی که ابن عربی، ابن حجر و غیره از علمای عامه شمرده اند این مطلب به چشم نمی خورد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «إن الأئمة من قریش غرسوا فی هذا البطن من هاشم لا تصلح علی سواهم و لا تصلح الولاه من غیرهم»؛ امامان از قریش، درخت وجودشان در سرزمین وجود از بنی هاشم کشت شده و این مقام در خور صلاحیت دیگران نیست و دیگران شایستگی این مقام را ندارند. (۲)

احادیث امامت حضرت علی علیه السلام و ۱۱ فرزندش در منابع سنی ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا معاشر اصحابی إن مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح و باب حطه بنی اسرائیل فتمسکوا باهل بیتی الائمه الراشدین من ذریتی فانکم لن تظلوا ابداً - فقیل یا رسول الله الائمه بعدک قال : اثنی عشر من اهل بیتی اوقال عترتی»؛ ای اصحاب من! مثال اهل بیت من در میان شما مثل کشتی حضرت نوح و باب حطه در بنی اسرائیل است. پس به اهل بیت من از ائمه راشد از فرزندان من متوسل و متمسک شوید تا هیچ وقت گمراه نشوید. اصحاب گفتند: ای پیامبر! ائمه بعد از تو چه کسانی هستند؟ فرمود :

ص: ۱۲۴

۱- همان، ج ۱۶، ص ۳۴۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

حدیث فوق معنا و مفهوم و تفسیر حدیث خلفای بعدی اثنی عشر را بیان کرد و احادیث زیاد در این باب است که برای نمونه نقل می شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الائمه من ولدی فمن اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله هم العروه الوثقی و الوسيله الی الله»؛ ائمه و امامان از فرزندان من هستند پس کسی که اطاعت آنان کند، محققاً اطاعت خدا نموده و هر کس نافرمانی از آنان کند، نافرمانی از خدا کرده است. آنان همان رشته و ریسمان محکم الهی و وسیله به سوی تقرب به خدا هستند. (۲)

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دوست دارد زندگیش با زندگی من هماهنگ باشد، مردنش همانند مردن من باشد و خدا او را وارد بهشت عدن که با قدرت خویش او را غرس کرده وارد شود باید از ائمه و امامان اهل بیت من بعد از من اقتداء و پیروی کند و باید ولایت و دوستی علی علیه السلام را پیشه خود کند. همانا آنها (ائمه و رهبران) از طینت و سرشت من (پیامبر) خلق شده اند. فهم و علم من روزی آنان شده است. وای بر گروهی از امتم که فضائل و برتری آنان را بر دیگران منکر شوند و آنان را قطع کنند خداوند شفاعت مرا شامل آنان نگرداند. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من أحب أن يحيى حياتي و يموت ميتتي و يدخل الجنة التي وعدني ربى بها و هي جنة الخلد فليتوال علي بن أبي طالب و ذريته من بعده، فانهم لن يخرجوه من باب هدى، و لن يدخلوهم في باب

ص: ۱۲۵

۱- میر حامد حسین کنتوری، عبقات الانوار، ص ۹۸۰.

۲- سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القربی، موده ۲.

۳- طبرانی، معجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۲۰؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۱؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۸؛ محمد بن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۵۱؛ علی بن ابوبکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۰۸.

ضلاله»؛ هر کس دوست دارد مرگ و زندگیش همانند من باشد و وارد بهشت شود، پس باید دوستی و ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام و فرزندان او بر عهد و گردن بگیرد. چون ائمه هدی شما را از راه مستقیم به سوی گمراهی نمی برند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انا و انت و الائمہ من ولدک سادات فی الدنیا و ملوک فی الاخره. یا علی مثلک و مثل الائمہ من ولدک بعدی مثل سفینه نوح من ركب فیها نجی و من تخلف عنها غرق. من احب آن یركب سفینه النجاه و یستمسک بالعروه الوثقی و یعتصم بحبل الله المتین فلیوال علیاً بعدی ولیوال عدوه و لیاتم بالائمہ الهداه من ولده فانهم خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی خلقه بعدی و سادات امتی»؛ ای علی! من و تو و ائمه از فرزندان تو، سروران در دنیا و پادشاهان در آخرت هستیم. ای علی! مثل تو امامان از فرزندان تو بعد از من، مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود، نجات پیدا کند و هر کس زیر بار نرفت، غرق شود. هر کس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به ریسمان محکم الهی چنگ بزند پس باید بعد از من با ولایت و دوست علی پیوند کند و با دشمنانش دشمنی کند و به ائمه و امامان هدایت از فرزندان علی اقتدا کند؛ زیرا آنان خلفاء، جانشینان و حجت و دلیل های الهی برای هدایت بشر و خلائق بعد از من هستند و آنان بزرگان امت هستند.

ص: ۱۲۶

۱- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۳۴؛ توفیق ابوعلم، اهل البيت، ص ۴۲۹؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۰۴.

ابن مغازلی با ذکر سند و سلسله روایان از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تختمو بالعقیق فانه اول حجر شهد الله بالوحدانیه ولی بالنبوه و لعلی بالوصی و لولده بلامامه»؛ الآن جبرئیل به نزد من آمد و گفت: انگشتر و خاتم عقیق در دست کنید که عقیق، اول سنگی است که به یکتایی خدا، به پیامبری من، وصایت علی، امامت فرزندان علی و به بهشتی بودن پیروان و شیعیان علی گواهی داده است. حضرت علی علیه السلام فرمود: روزی من در خواب بودم. پس پیامبر داخل گردید و با پای خودش من را تکان داد و فرمود: برخیز، پدر و مادرم به فدایت! هم اکنون جبرئیل به نزد من آمد و گفت: علی را بشارت ده که خدا تعالی امامان را از صلب او قرار داده و بدون شک خدا او، فرزندان او، دوستان او و پیروانش را همه بیامرزد و کسی که بر او طغیان و سرکشی کند، حقیقت را حبس نماید و از بیان حق و حقوق علی بخل کند در آتش جهنم فرو خواهد رفت. (۲)

در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی طوبی لمن أحبک ... و قد عرفوا حق ولایتک ... و علی ائمه من ولدک عاملون بما امرهم الله فی کتابه و بما امرتهم انا و بما تامرهم انت بما یامرهم اولوا الامر من الائمة من ولدک بالقرآن و سنتی»؛ ای علی! خوش به حال کسانی که تو را دوست دارند... و آن ها کسانی هستند که حق ولایت تو را می شناسند... و همچنین ولایت و امامت فرزندان تو را پذیرفته اند و قبول دارند. همان هایی که خدا در کتاب قرآن امر به اطاعت آنان کرده است که من و تو، صاحبان امر (اولی الامر) از ائمه که از فرزندان تو باشند هستیم که صاحبان امر با قرآن و سنت هستند.

ص: ۱۲۷

-
- ۱- ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲۴۳؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۳۱، باب ۴؛ مولوی ابو محمد بصری، انتهاء الافهام، ص ۲۰۶؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۸۲.
 - ۲- مولوی ابو محمد بصری، انتهاء الافهام، ص ۱۹؛ موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۲۳۴، باب ۱۹؛ ابن ابی فوارس، اربعین، ص ۱۴۹؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۸۸.

از جابر روایت شده که گفت: در یکی از باغ های مدینه همراه پیامبر بودم. پس در حالی که دستش در دست علی بود به درخت خرمایی بر خوردیم که فریاد زد: «هذا محمد سید الانبياء و هذا علی سید الاولیاء ابوالائمہ الطاهیرین»؛ این محمد آقای پیامبران است و این علی آقای اولیاء پدر ائمه الطاهیرین است. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انت وصی و انت الامام ابوالائمہ الاحدی عشر الذین هم مطهرون المعصومون»؛ ای علی تو وصی من و تو امام و پدر ۱۱ ائمه هستی که همگی آنان پاک و معصوم هستند. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه بهجه القلبی و ابناوهم ثمره فوادی و بعلها نور بصری و الائمہ من ولدها امناء ربی و حبله المدود بینہ و بین خلقه من اعتصم بهم نجا و من تخلف عنهم هوی»؛ فاطمه سرور قلب من، دو پسرش میوه دل من، شوهرش نور دیدگان من و امامان از فرزندان شان، امینان پروردگار من و ریسمان و رشته کشیده بین خدا و خلقش هستند. کسی که به آن ها متوسل شود نجات پیدا کرده و هر کس از آن ها تخلف کند تباه شده است. (۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه کبری فرمود: «انه لما حملت خدیجه بفاطمه کانت تکلمها ما فی بطنها ... فقال النبی: ابشری یا خدیجه هذه بنت جعلها الله ام احد عشر من خلفایی یخرجون بعدی و بعد ابیها»؛

ص: ۱۲۸

۱- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۰۹؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۱۵۷، باب ۴۴.

۲- جلال الدین سیوطی، جامع الصغیر، ص ۲۵۹؛ علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفاء: باخبار دار المصطفی، ص ۷۳.

۳- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۹۷، باب ۱۶.

۴- علامه جارالله زمخشری، مناقب، ص ۲۱۳؛ موفق بن احمد اخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن ابی فوارس، اربعین، ص ۱۴؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۶۶؛ علامه ابن حسنویه، بحر المناقب، ص ۱۰۶؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۷۹؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۹۳، باب ۱۵.

بشارت باد تو را ای خدیجه! این بچه در شکم تو دختری می باشد (یعنی حضرت فاطمه) که خداوند او را مادر ۱۱ نفر از خلفاء من بعد از من قرار داده و پس از من پدرشان علی ابن ابی طالب مقام خلافت و امامت را دارد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود: «انک سید ابن سید ابوالساداه و انت امام ابن امام ابوالائمه و انت حجه ابن حجه ابو حجج تسعه من صلبک تا سعهم قائمهم، و هو امام کل مسلم و امیر کل مومن بعدی ... الحسن و الحسين اماما امتی بعد ابیها و سید اشباب اهل الجنه و امهما سیده نساء العالمین و ابوهما سید الوصیین و من ولد الحسين تسعه ائمه تاسعهم القائم من ولدی»؛ تو آقا، فرزند آقا و پدر آقایان هستی و تو امام، فرزند امام و پدر امامان می باشی و تو حجت، فرزند حجت و پدر ۹ حجت از صلب و نسل خود خواهی بود که نهمین آنان قائم است... حسن و حسین بعد از پدرشان (علی) امامان امت من هستند و سید و سرور جوانان اهل بهشت و مادرشان سرور زنان عالم و پدرشان سرور اوصیاء و از فرزندان حسین ۹ نفر جزء امامان و ائمه هستند که نهمین آن قائم (حضرت مهدی) از فرزندان من است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آن چه را برای تو املاء می کنم، بنویس. علی علیه السلام فرمود: ای پیامبر! از فراموشی بر من می ترسی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه! از فراموشی بر تو خوفی ندارم و از خداوند خواسته ام که تو را از فراموشی حفظ کند ولی برای شرکای خودت بنویس. علی علیه السلام فرمود: شرکای من چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از فرزندان همان

ص: ۱۲۹

-
- ۱- نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۲؛ میر حامد حسین کنتوری، عباقات الانوار، ج ۳، ص ۲۳۹.
 - ۲- موفق بن احمد اخطب خوارزم، مقتل الحسين، ج ۱، ص ۱۴۶؛ سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القریبی، موده ۱۰؛ غیاث الدین بن همام الدین، حبيب السیر، ج ۲، ص ۱۰۳؛ احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقض الشیعه القدریه، ج ۴، ص ۲۱۰.

هایی که امت من، به احترام آنان، از آب باران سیراب می شوند و به خاطر آنان، دعایشان قبول می شود و خداوند به برکت آنان، بلا از ایشان دور می کند و رحمت از آسمان فرود می آید و با دست اشاره به امام حسن علیه السلام کرد و فرمود و این اولین فرزند تو برای امامت است بعد از خودت سپس اشاره کرد به امام حسین علیه السلام و فرمود این دومین فرزندت برای امامت و دیگر امامان از فرزندان او هستند. (۱)

امامت علی علیه السلام و سایر ائمه در احادیث اهل سنت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فانه وصی و خلیفتی علی امتی فی الحیاتی علی امتی فی حیاتی و بعد وفاتی و هو امام کل مسلم امیر کل مومن بعدی و الحسن و الحسین اماما امتی بعد ابیهما و سید اشباب اهل الجنة و امهما سیده نساء العالمین و ابوهما سید الوصیین و من ولد الحسین تسعه ائمه تاسعهم القائم من ولدی»؛ همانا وصی و جانشین امت من، در زندگی و مرگ من علی است و او امام کل مسلمانان و امیر و بزرگ تمام مؤمنان بعد از من است و حسن و حسین دو امام امت من بعد از پدرشان علی هستند و آنان بزرگ جوانان اهل بهشتند و پدر آنان، سید اوصیاء است و مادرشان فاطمه، سرور زنان عالم است و از فرزندان حسین، ۹ نفر امام هستند که نهمین آنان قائم حضرت مهدی از فرزندان من است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله عزوجل نظر الی الارض ثالثه فاختر منها احد عشر اماما من اهل بیتی فهم خیار امتی و منهم احد عشر اماما حتی انه ص: ۱۳۰»

۱- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲۵۹؛

۲- همان، ج ۱، ص ۵۶.

كلما هلك واحد قام واحد كمثل النجوم السماء كلما غاب نجم طلع نجم ائمه هادين مهديين و هم حجج الله في ارضه و شهاده على خلقه من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله هم مع القرآن و القرآن معهم لا يفارقهم حتى يردوا لحوض اولهم ابن عمى على ابن ابى طالب و هو خيرهم و افضلهم ثم ابنى الحسن ثم الحسين و امهم فاطمه ابنتى و تسعه من ذريتها ولد الحسين؛ همانا خدا از بين اهل بيت من، ۱۲ امام انتخاب کرد که آن ها بهترين افراد امت و همانند ستارگان آسمان هستند که هر ستاره اى غروب کند، ستاره اى ديگر جاى آن را مى گيرد. آنان حجت الهى در روى زمين و شاهد بر خلق هستند. اطاعت آنان، اطاعت خدا و معصيت آنان، معصيت خداست. آنان با قرآن و قرآن با آنان است و از قرآن جدا نمى شوند تا بر حوض كوثر بر من وارد شوند. اول آنان پسر عمويم على که از آنان افضل است بعد فرزندش حسن و حسين و ۹ فرزند حسين، امام و ائمه هدى بعد از من هستند. (۱)

سليم ابن قيس از عبد الله ابن جعفر ابى طالب روايت طولانى آورده که پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله در پاسخ از آيه (وَ مَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي اَرَيْنَاكَ اِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ) (۲) فرمود: ديدم ۱۲ نفر از امامان گمراهى و ضلالت بر بالای منبر من جست و خيز مى کنند و امت من را به عقب گرد وادار مى کنند و در بين اين عده ۲ نفر از دو قبیله مختلف از قبایل قریش و ۳ نفر از بنى امیه و ۷ نفر از فرزندان حکم بن ابى العاص هستند. آن گاه فرمود:

ص: ۱۳۱

۱- نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۵، ص ۴۰؛ حسين تهرانی، سوالات ما، ص ۲۵۹.

۲- اسراء / ۶۰.

«و ضرب بيده علي منكب علي فقال ايها الناس انا اولي بالمومنين و من انفسهم ليس لهم معي امر و علي من بعدى اولي بالمومنين من انفسهم ليس لهم معي امر ثم ابني الحسن فاذا استشهد الحسن فابني الحسين اولي بالمومنين منهم بانفسهم فاذا استشهد الحسين فابني علي ابن الحسين اولي بالمومنين منهم بانفسهم- ثم يكون في عقب محمد رجال واحد بعد واحد و ليس منهم الا- و هو اولي بالمومنين منهم بانفسهم ليس لهم معي امر كلهم هادون مهتدون»؛ آیا من نسبت به مومنين اولي بر جانشان نيستم؟ همه گفتند: آری ای پیامبر! اين علي بعد از من اولي بر جان های مردم است بعد از او حسن و حسين ، علي ابن الحسين و محمد بن علي و سپس در پشت و عقب آل محمد مردانی يکي پس از ديگري بر جان های مردم اولي هستند و آنان به هدايت خدا هدايت يافته و هدايتگر هستند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : «انا واردکم علی الحوض و انت يا علی السائق و الحسن رائد و الحسين الامر و علی ابن الحسين الفارط و محمد بن علی الناشر و جعفر ابن محمد السائق و موسى بن جعفر محصى المحبين و المبغضين و قاصع المنافقين و علی ابن موسى مزین المومنين و محمد ابن علی منزل اهل الجنة درجاتهم و علی ابن محمد خطيب شيعه و مزوجهم حور العين و الحسن بن علی سراج اهل الجنة يستضيئون به و المهدي شفيعهم يوم القيامة حيث لا ياذن الله الا- لمن يشاء و يرضى»؛ من بر سر حوض کوثر بر شما وارد می شوم و تو ای علی ساقی هستی، و حسن حمایت کننده، و حسين فرمان

ص: ۱۳۲

۱- کتاب سليم بن قيس هلالی، ص ۲۳۱؛ الغدير، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۱.

دهنده، و علی بن الحسین تقسیم کننده، و محمد بن علی نشر دهنده، و جعفر بن محمد بسیج کننده، و موسی بن جعفر شمارش کننده محبان و مبغضان و بازدارنده منافقان، و علی بن موسی زینت کننده مؤمنین، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزلگاه های شان و درجات شان، و علی بن محمد خطیب و سخنور شیعیانش و تزویج کننده آنها با حورالعین، و حسن به علی چراغ اهل بهشت که از آن روشنی می گیرند، و مهدی شفاعت کننده آنها در روز قیامت است. روزی که خداوند اجازه شفاعت را نمی دهد جز به کسی که به شفاعت او راضی باشد. (۱)

از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده که گفت: هنگامی که خداوند آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۲) را بر پیامبرش نازل فرمود. گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم اکنون می خواهیم بدانیم که مراد و منظور از « اولی الامر » که خداوند اطاعتش را به اطاعت شما مقرون فرموده چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر! آن ها خلفاء و جانشینان و ائمه هدی بعد از من هستند. اولین آن ها علی است پس از او حسن و حسین و پس از او علی بن الحسین ، محمد بن علی که در تورات به باقر معروف می باشد ، جعفر بن محمد ، موسی بن جعفر ، علی بن موسی ، محمد بن علی ، علی بن محمد ، حسن بن علی که به ترتیب یکی پس از دیگری امام واجب الاطاعت خواهند بود و سپس هم نام و هم کنیه من، حجت خدا در زمینش، بقیه الله در بین بندگانش محمد بن الحسن بن علی

ص: ۱۳۳

۱- موفق بن احمد اخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۴.

۲- نساء / ۵۹.

همان کسی که خدا شرق و غرب زمین را بدستش می گشاید و آن چنان از بین شیعیان خود غائب و پنهان گردد که کسی در عقیده به امامتش ثابت نماند جزء کسانی که خدا قلبشان را به نور ایمان آزمایش فرموده است. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انت خلیفتی من بعدی و امیر المؤمنان و امام المتقین و حجه الله علی خلقه و یکون بعدک احد عشر اماماً من اولادک و ذریعتک واحداً بعد واحد الی یوم القیامه هم الذین قرن الله طاعتهم بطاعته و بطاعتی. قال ابنی هذا ثم وضع یدہ علی راس (الحسن) ثم ابنی هذا، ثم وضع یدہ علی راس الحسین، ثم سمیک یا علی و هو سید الزهاد و زین العابدین ثم ابنه باقر، سمی باقر علمی و خازن وحی الله تعالی ثم یکمل احد عشر اماماً معهم ولدک مهدی امتی محمد، الذی یملا الله الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ ای علی! تو خلیفه من بعد از من، امیر مؤمنان، امام پاکان، حجت خدا بر مردم و ۱۱ امام از اولاد تو هستند که یکی بعد از دیگری تا روز قیامت می آیند و آنان کسانی هستند که اطاعتشان قرین اطاعت خدا و من می باشد. علی علیه السلام فرمود: نام آنان را ببر. فرمود: پسرت حسن، بعد از او حسین، بعد علی بن الحسین، محمد بن علی الباقر، ۱۱ امام که تکمیل شد، یازدهمین نفر آن مهدی صاحب الزمان است که زمین را از عدل و داد پر می کند بعد آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

ص: ۱۳۴

۱- غیاث الدین بن هماد الدین، حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۰۳؛ میر حامد حسین کنتوری، عبقات الانوار، ج ۳، ص ۲۳۸.

معرفی کتاب های اهل سنت درباره اسامی ۱۲ امام

مرحوم سید ابن طاوس می گوید: کتابی از ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن عیاش دیدم که اسم آن کتاب « مقتضب الاثر فی الامامه الاثنی عشر » بود و در حدود چهل ورق داشت و در آن از پیامبر صلی الله علیه و آله روایاتی ذکر شده است که در آن ها به امامت ائمه ۱۲ گانه و اسامی مقدس آن ها تصریح گردیده است. مرحوم سید ابن طاوس می گوید: اگر کسی طالب و جویای معرفی و شناخت ائمه هدی ۱۲ گانه است به کتاب های مناقب اخطاب خوارزمی حنفی ، ینابیع الموده قندوزی حنفی ، فرائد السمطین حموی ، مناقب ابن مغازلی شافعی ، موده القربی میر سید علی همدانی شافعی ، تذکره سبط ابن جوزی و کتاب های دیگر از علمای بزرگ اهل تسنن مراجعه نماید. مرحوم سید ابن طاوس می گوید: کتابی دیدم از تألیف بزرگان مذاهب ۴ گانه که اسم آن کتاب « تاریخ اهل بیت من آل رسول الله » و به روایت نصر بن جهضی که استاد جناب بخاری و مسلم بوده است و باز کتاب دیگری دیدم از علمای اهل تسنن که نام آن کتاب « تاریخ موالید و وفات اهل بیت و این دفنوا » که به روایت « ابن خشاب نحوی » که در رابطه با اسامی ۱۲ امام از آل محمد بود . در کتاب ها و تألیفات آن ها غیر از این ها روایات دیگری هم دیدم که ذکر آن ها به طول می انجامد تعدادی از آن ها متضمن شهادت بر ادله فرقه شیعه در رابطه با تعیین ۱۲ امام و بنی اسرائیل است . حتی سید ابن طاوس روایات جالبی از احادیث اهل سنت و جماعت درباره امام زمان حضرت مهدی بیان کرده است.

ص: ۱۳۵

۱- محمد بن اسحاق حموی، منهج الفاضلین، ص ۲۳۹؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۶۸؛ حسین تهرانی، سوالات ما، ص ۲۶۴.

از ام السلمه زن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که می گوید: شنیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛ مهدی از عترت و خاندان مطهر من و از فرزندان فاطمه زهرا است. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی حق و هو من ولد فاطمه»؛ مهدی حق است و او از فرزندان فاطمه است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لو لم یبق من الدهر الا الیوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً»؛ اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد مردی از اهل بیت من از طرف خدا مبعوث می شود و زمین را پر از عدل و عدالت می کند. (۳)

در روایت دارد: امام زمان نامش نام پیامبر صلی الله علیه و آله است که طبق متن حدیث که پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فارسی فرمود: نامش نام من است. سلمان پرسید: ای رسول خدا! مهدی از کدام فرزندان شما است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر سر امام حسین علیه السلام گذاشت و فرمود از این پسر. (۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملا الارض قسط و عدلاً»؛ مهدی از من است، پیشانی او بلند و وسط بینی اش کمی

ص: ۱۳۶

-
- ۱- محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخاری، ج ۴، ص ۴۰۶؛ سلیمان بن اشعث ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۱.
 - ۲- محمد بن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۲۴.
 - ۳- سلیمان بن اشعث ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.
 - ۴- احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۳۶؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی طاووس اهل الجنة»؛ مهدی طاووس بهشتیان است. (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در حالی که به پسرش امام حسین علیه السلام نگاه می کرد فرمود: «ان ابنی هذا سید کما سماء النبی و سیخرج من صلبه رجل باسم نیکم یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق یملا الارض عدلا»؛ این پسر من سید و آقای شماست چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله او را نام گذاشته به زودی از صلب او مردی بیرون می آید که هم نام پیامبر شماست و از لحاظ قیافه شبیه پیامبر شما بوده ولی از جهت خلق شبیه او نیست زمین را از عدل پر می کند. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بلاهای سختی بر امت من وارد می شود به طوری که کسی برای خود راه نجات و پناهگاهی پیدا نمی کند که از ظلم و ستم به آن پناه ببرد در زمان آشفته دنیا، خدای متعال مردی را از عترت من برمی گزیند که زمین را پر از عدل و داد می کند. همان طور که پر از ظلم و نکبت شده است. اهل آسمان و زمین از او راضی می باشند. نعمت و رحمت خدا برای مردم از آسمان می بارد. زمین نعمت های خود را بیرون می ریزد و آسایش امت اسلام کاملا تامین می شود. دنیا به صلح و صفا تبدیل می شود به طوری که زنده ها، مرده ها را آرزو می کنند که کاش آن ها هم در این

ص: ۱۳۷

۱- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ سلیمان بن اشعث ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ص ۱۸۱؛ علی بن محمد ابن صباغ، الفصول المهمه فی معرفه الائمة، ص ۲۹۳.

۳- ابن بطریق، العمده، ص ۲۲۵.

از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که نبی فرمود: «المهدی من ولدی وجهه كالقمر الدری واللون منه لون العربی و الجسم جسم اسرائیلی یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً یرضی بخلافته اهل السموات و الارض و الطیر فی الجو و یملک عشرين سنه»؛ مهدی فرزند من صورتش همانند ماه تابان، رنگ بدنش عربی و اندامش اسرائیلی است. زمین را پر از عدل می کند. اهل آسمان و زمین حتی پرندگان در آسمان از خلافت و حکومت او راضی خواهند بود و ۲۰ سال حکومت می کند. (۲)

احمد حنبل از ابو سعید خدری روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از خاندان من هفت یا ۹ سال حکومت می کند و زمین را پر از عدل می کند. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی که از من و اولاد من است و نامش همنام من است بیاید و زمین را پر از عدل کند. (۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أبشركم بالمهدی یبعث فی أمتی علی إختلاف من الناس وزلازل فیملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً یرضی عنه ساکن السماء وساکن الأرض یقسم المال صحاحاً فقال له رجل: ما صحاحاً»؛

ص: ۱۳۸

۱- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۴۳۱؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقه، ص ۹۷.

۲- احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۳۶.

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۸.

۴- منصور علی ناصف، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ص ۳۴۳.

شما را بشارت به آمدن مهدی در اتم می دهم. زمانی می آید که امت در شدت اختلاف و درگیری است و زمین را پر از عدل می کند. ساکنان زمین و آسمان از حکومت او خوشنود می شوند. امام زمان به منادی دستور می دهد کسانی که به مال احتیاج دارند بیایند هیچ کس جز یک نفر که او هم بعداً پشیمان می شود نخواهد آمد. (۱)

علی ناصف روایت کرده اند که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام رسیدم. در بستر بیماری بودند و در همان بیماری از دار دنیا رفتند. دیدم حضرت فاطمه بر بالین آن جناب نشسته و گریه می کند تا آن جا که صدایش به گریه بلند شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او نگاه کرد و فرمود: به آن خدایی که مرا مبعوث کرد، مهدی این امت از حسین توست، وقتی ظهور می کند که دنیا دچار هرج و مرج شده باشد و راه نجات از هر سو بریده و مردم یک دیگر را غارت می کنند. نه به اطفال رحم می کنند و نه به بزرگ احترام می نمایند در این هنگام است که خدا کسی را مبعوث می کند که تمامی دژهای ظلمت را فتح می کند، دل های بسته شده را باز می کند و در آخر الزمان به دین اسلام قیام می کند همان طور که من قیام کردم و زمین را پر از عدل و داد می کند. (۲)

مرحوم سید ابن طاوس می گوید: خلاصه روایات و احادیث در میان مکتب عامه و اهل سنت درباره مهدی فراوان است که اغلب آن ها اعتراف کرده اند که این احادیث مهدی از احادیث مشهور و یا متواتر است. حافظ ابو

ص: ۱۳۹

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷؛ مناوی، کنوز الحقایق، ص ۱۵۲؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۳۵.

۲- منصور علی ناصف، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج ۵، ص ۳۴۱.

نعیم در کتابی که ۲۶ ورق است ۴۰ حدیث از احادیث را جمع کرده و آن را « ذکر المهدی و نعوته و حقیقه مخرجه » نامیده است. یکی از علمای شیعه نیز کتابی تألیف کرده و من آن کتاب را پیدا کردم و مطالعه نمودم و نام کتاب را « کشف المخفی فی مناقب المهدی » و در این کتاب ۱۱۰ حدیث از طریق رجال عامه روایت کرده است. جلد دوم سنن ابن ماجه قزوینی (سنی) را بدست آوردم روایات زیادی درباره ملاحم (پیشگویی ها) در باب ظهور حضرت مهدی با سلسله سند نقل کرده که وی از فرزندان حضرت فاطمه است. احادیثی که علمای سنی درباره امام زمان حضرت مهدی روایت کرده اند ۱۵۶ حدیث است. مرحوم مجلسی می گوید: کنیه امام حسن عسکری علیه السلام، ابو محمد و کنیه عبد الله پدر پیغمبر هم ابو محمد بوده و کنیه هم داخل در عنوان اسم است. نصر بن علی جهضمی به روایت علمای چهار مذهب اهل سنت احوال چهار نفر از وکلای حضرت مهدی را نقل کرده و ابو حاتم سیستانی که از علمای بزرگ اهل سنت می باشد کتابی به نام المعمرین نوشته است یعنی کسانی که در میان انسان ها زیاد عمر کرده اند. اگر منکر عمر امام زمان حضرت مهدی هستند دشمنانش کتاب عالم سنی را بخوانند. پس به قضیه اصحاب کهف هم توجه داشته باشند که ۳۰۹ سال بدون اینکه آب و غذا مصرف کنند خوابیدند و زنده ماندند و تا زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باقی بودند چنان که ثعلبی عالم بزرگ سنی روایت کرده پیامبر عده ای از اصحاب را فرستاد تا به آن ها سلام کنند.

امامت در بیان مقدس اردبیلی

مرحوم آیت الله ملا احمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی از علمای بزرگ شیعه است که کتابی بنام حدیقه الشیعه در باب اثبات ولایت و امامت ائمه طاهرین نوشته است. ایشان می گویند: به غیر از طایفه امامیه (یعنی شیعه) کسی اعتقاد به ۱۲ خلیفه معصوم ندارد که ۱۲ ائمه از قریش و از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشند. بعضی از معاندین و منکرین امامت، احادیثی که درباره ۱۲ خلیفه و امام است به ۳ خلیفه ابوبکر، عمر، عثمان و بعد امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین و شش کس از خلفای بنی امیه تصور کرده اند. چنان که در کتاب های فصل الخطاب خواجه پارسا، تاریخ خلفای ابوبکر سیوطی و دیگر کتب اهل سنت نوشته شده است معلوم است که اگر کسی را بویی از مسلمانی به مشام رسیده باشد یزید پلید و ولید بن یزید را خلیفه بهترین پیامبران نخواهد نامید. بعضی از مخالفین شیعه به پایان رسیدن این ۱۲ خلیفه را که پیامبر مژده آمدن آن ها را برای هدایت بشر، بیان و اقامه احکام واقعی اسلام و قرآن خبر داده به انتخاب ۷ کس از بنی امیه و بنی عباس تصور کرده اند.

احمد حنبل در مسند خود از ابن عباس روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عم یملک من ولدی اثنا عشر خلیفه ثم یخرج المهدی من ولدی یصلح الله امره فی لیله واحده»؛ ای عمو! خداوند زمین را برای ۱۲ خلیفه از فرزندان من مالک خواهد کرد سپس مهدی را خارج می کند و خدا کار حکومت او را در یک شب اصلاح و آماده می کند. از جمله ادله عقلی و نقلی برای اثبات امامت ائمه ۱۲ گانه این است که صاحبان شریعت در دنیا

ص: ۱۴۱

همانند حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی هر کدام به اندازه ۱۲ نفر جانشین و خلیفه از طرف خدا داشته اند و هرگاه سنت الهی در عدد اوصیای پیامبران آن هم پیامبران اولوالعزم جاری و ثابت باشد. پس باید عدد این ۱۲ خلیفه الهی پیامبران در خاتم پیامبران هم طبق قول قرآن ثابت باشد و طبق این آیه شریفه که می گوید: (سُبْحٰنَ اللّٰهِ الّٰتِیْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ وَا لَنْ تَجِدَ لِسُبْحٰنِهِ اللّٰهَ تَبْدِیْلًا)؛ سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت. (۱) و خدا از پیامبران پیمان و قول شدید گرفت (وَلَقَدْ أَخَذَ اللّٰهُ مِیْثَاقَ بَنِیْ إِسْرَءِیْلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنِیْ عَشَرَ نَقِیًّا)؛ و همانا خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها ۱۲ سرپرست برانگیختیم. (۲) وقتی این پیمان الهی در قوم موسی باشد پس چگونه می شود که این پیمان الهی برای ۱۲ خلیفه و امین امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نباشد؟! و از جمله آیات دیگر که مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب شریف حدیقه الشیعه برای اثبات ۱۲ ائمه هدی بیان کرده است. آیات (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى اُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهٖ یَعْدِلُونَ، وَ قَطَعْنَا هَمُّ اِثْنِیْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا)؛ و از قوم موسی گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و بدان داوری می نمایند و آنان را به دوازده قبیله که هر یک شاخه ای بود تقسیم کردیم. (۳) پس همان طور که در قوم موسی تعداد ۱۲ نفر خلیفه امین ثابت و برقرار بود در امت بهترین پیامبر هم همین سنت و رویه الهی پا برجا است.

ص: ۱۴۲

۱- فتح/ ۲۳.

۲- مائده/ ۱۲.

۳- اعراف/ ۱۵۹-۱۶۰.

ادله دیگر برای اثبات امامت ۱۲ ائمه هدی، خدا شب و روز آفریده و هر یک از شب و روز در حالت اعتدال از ۱۲ ساعت زیاد و کم نیست و در مصالح و مهمات دینی بندگان نیز که محتاج به امامان هدایت از سوی خدا هستند و بدون آن ها نظم دین و دنیا و آخرت بشر به هم می خورد. خدا این بزرگان را به اندازه ۱۲ ماه سال بعد از پیامبر فرستاده است.

یکی دیگر از ادله و برهان مرحوم مقدس اردبیلی این نکته لطیف و ظریف است که ایمان و اسلام بر دو اصل بنا است: شهادت به وحدانیت خدا و شهادت به نبوت پیامبری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این دو اصل، هر یک از ۱۲ حرف ترکیب یافته و وصی و امام معصوم، حافظ آن دو رکن است. اسلام گواهی به توحید و نبوت است و واجب شد که عدد آن هایی که حفظ دو اصل اسلام و ایمان می کنند با تعداد عدد حرف آن دو اصل موافق و برابر باشد. بعضی از محققین گفته اند در تطبیق عالم بالا (علوی) به عالم پست (سفلی) این نکته مندرج است چنان که فلک هشتم مشتمل بر ۱۲ برج است. پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله فلک و امامان و جانشینان معصوم او بجای بروج ۱۲ گانه هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله در ليله العقبی که از انصار بیعت می گرفت فرمود: «اخرجوا الی منکم اثنی عشر نقیباً کتباء بنی اسرائیل»؛ بیرون کنید از میان خود برای من ۱۲ نقیب چنان چه نقباء بنی اسرائیل به این تعداد بودند. پس بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای هدایت بشر و اتمام حجت بر انسان این ۱۲ نقیب، امین، و معصوم را انتخاب کرده است. انحصار امامت هم فقط در طایفه قریش است طبق روایات اهل سنت که «الائمة من قریش» توضیح داده شد. مالک بن نضر، لقبش قریش بود از او تا پیامبر اسلام، ۱۲ نفر است و

از پیامبر تا امام زمان حضرت مهدی ۱۲ نفر است. پس پیامبر اکرم در این میان به منزله مرکز دایره می باشد. صاحب کشف الغمه می گوید: اهل سنت در رابطه با این حدیث مشهور و معتبر نبوی در باب ۱۲ خلیفه از قریش که بعد از او می آیند یکی از روش ها را باید قبول کنند: یا دوازده کس از دو طایفه بنی امیه و بنی عباس باید بعنوان ۱۲ خلیفه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت با این که خلیفه و حاکم بنی امیه و عباس از ۵۰ نفر زیاد تر است و همگی آنان قریشی نبودند و از عترت آل رسول هم نبودند و اعمال فسوق و فجور پیشه آنان بوده است و بهترین راه که می توانند برای شناخت ۱۲ خلیفه و امیر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بدست بیاورند نصوص و براهین عقلی و نقلی تشیع می باشد. (۱)

مرحوم مقدس اردبیلی چهارده حدیث زیبا و با ادله دربارہ نص امامت ائمه هدی بیان کرده که خدمت شما محبان اهل بیت عرض می شود. در ابتدا متن عربی حدیث تقدیم می گردد خصوصاً جهت افرادی که می خواهند از این متون عربی جهت مناظره و مجادله با اعداء و دشمنان اهل بیت بهره ببرند.

«قدم يهودی الی رسول الله یقال له نعتل فقال یا محمد انی اسئلك عن اشیاء تلجلج فی سدری فان اجبتنی عنها اسلمت علی یدک قال سل یا ابا عمار - فاخبرنی عن وصیک من هو؟ فما من نبی الا و له وصی و آن نبینا موسی بن عمران وصی الی یوشع بن نون فقال: نعم ان وصی و الخلیفه من بعدی علی ابن ابی طالب و بعد سبطای الحسن و الحسین یتلوه تسعه من صلب الحسین ائمه ابرار و قال یا محمد فسمهم لی قال: اذا مضی الحسین فابنه علی فاذا مضی علی فابنه محمد فاذا مضی جعفر فابنه موسی فاذا مضی موسی فابنه

ص: ۱۴۴

علی فاذا مضی علی فابنه محمد فاذا مضی محمد فابنه علی فاذا مضی علی فابنه الحسن و بعد الحسن الحجه بن الحسن ابن علی فهذه اثنا عشر اماما! علی عدد نقباء بنی اسرائیل. فاین مکانهم فی الجنه قال معی فی درجتی قال اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و اشهد انهم الاوصیاء بعدک و لقد وجدت هذا فی الکتب المتقدمه و فیما عهده الینا موسی ابن عمران انه اذا کان آخر الزمان یرج نبی یقال له احمد خاتم الانبیاء لابنی بعده یرج من صلبه ائمه ابرار عدد الاسباط؛ شخص یهودی محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد که او را نعتل می گفتند. گفت: ای محمد! از تو چند سوال می پرسم اگر جواب دادی مسلمان می شوم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بپرس. سوال کرد: خبر بده وصی و جانشین بعد از تو چه کسی است؟ چون هیچ پیامبر نبوده مگر این که بعد از خودش خلیفه و جانشین داشته است. پیامبر ما موسی وصیت کرد که بعد از خودش جناب یوشع ابن نون وصی و خلیفه باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وصی من علی پسر ابوطالب بعد دو فرزندش حسن و حسین و ۹ نفر که از صلب و کمر حسین خارج می شوند. یهودی گفت: نام آن ها را برای من بگو. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از حسین، علی (زین العابدین)، بعد پسرش محمد (باقر)، بعد پسرش جعفر (صادق)، بعد پسرش (موسی)، بعد پسرش علی (رضا)، بعد پسرش محمد (جوادی)، بعد پسرش علی (هادی)، بعد پسرش حسن (عسکری) بعد پسرش حجت (امام زمان) و این ها ۱۲ امام به عدد و اندازه نقباء بنی اسرائیل هستند. یهودی سوال کرد: مکان و منزل این ۱۲ امام در بهشت کجاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: که در بهشت هم درجه و منزل با من هستند. نعتل یهودی گفت: شهادت و گواهی می دهم نیست خدایی جز خدای یکتا

و شهادت می دهم تو پیامبری و به امامان بعد از تو شهادت می دهم. هر آینه به تحقیق یافتم و در کتاب های قدیمی دیدم و در عهد و پیمانی که از ما گرفت. حضرت موسی فرمود: که در دوره آخر الزمان مردی بیاید و ظاهر شود که او پیامبری است که نام او احمد باشد و او خاتم و پایان دهنده تمام پیامبران الهی است و بعد از او پیامبری نیست و از کمر و صلب او خارج شود ائمه و پیشوایان نیکان و پاکان دین به عدد و اندازه اسباط بنی اسرائیل که ۱۲ نفر بودند. (۱)

ابن مسعود به اسنادش می گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: « الاثمه بعدی اثنا عشر تسعه من صلب الحسين التاسع مهديهم »؛ ۱۲ امام بعد از من می آیند. ۹ نفر آن از صلب امام حسین هستند. (۲)

ابو سعید خدری می گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: « الاثمه بعدی اثنا عشر تسعه من صلب الحسين التاسع قائمهم فطوبى لمن احبهم و الويل لمن ابغضهم »؛ امامان بعد از من ۱۲ نفرند. ۹ امام از صلب حسین است. نهمین نفر آنان قائم ایشان است. خوش به حال کسی که آن ها را دوست دارند و وای بر حال کسی که ایشان را دشمن دارد.

انس بن مالک می گوید: «صلى بنا رسول الله. صلوه الفجر ثم اقبل علينا فقال معاشر اصحابي من احبنا اهل البيت حشر معنا و من استمسك بالاوصياء من بعدى فقد استمسك بالعروة الوثقى فقال اليه ابوذر فقال يا رسول الله فكم الاثمه بعدك؟ قال عدد نقباء بنى اسرائيل فقال كلهم من اهل بيتك فقال

ص: ۱۴۶

۱- احمد بن محمد مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، ص ۴۸۲.

۲- همان، ص ۴۸۳.

كلهم من اهل بيتي تسعه من صلب الحسين المهدي منهم»؛ با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح خواندیم و بعد فرمود: ای اصحاب من اهل بیت مرا دوست بدارید که حشر آنان با من هست و به دامان امامان و اوصیاء بعد از من چنگ بزنید که آنان ریسمان و رشته های محکم الهی هستند. ابوذر بلند شد و گفت: ای پیامبر! ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: به اندازه نقباء بنی اسرائیل. باز سوال کرد آیا تمام آنان از اهل بیت تو هستند؟ فرمود: همه آنان از اهل بیت من هستند و ۹ نفر از صلب حسین هستند که نُهمی آن قائم (حضرت مهدی) می باشد. (۱)

عمر بن الخطاب گفت: من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که گفت: امامان بعد از من ۱۲ نفرند که ۹ نفر آنان از صلب حسین است و مهدی از من در این امت است. هر کس از امت بعد از من به آنان توسل داشته باشد همانا به ریسمان محکم الهی چنگ زده است. (۲)

از بنی سعید روایت شده که می گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواندیم رو به ما کرد و فرمود: «ان مثل اهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح و باب حطه في بني اسرائيل فتمسكوا باهل بيتي بعدى و الائمة الرشدين من ذريتي فانكم لن تظلوا ابداً فقيل يا رسول الله كم الائمة بعدك؟ قال: اثنا عشر من اهل بيتي او قال عترتي»؛ مَثَل اهل بيت من درمیان شما همانند کشتی حضرت نوح و باب حطه در بنی اسرائیل است. به اهل بیت بعد از من متوسل شوید که ائمه بزرگان از ذریه و نسل من هستند تا هیچ وقت گمراه نشوید. سوال کردند: ای پیامبر! ائمه

ص: ۱۴۷

۱- همان.

۲- همان، ص ۴۸۴.

بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: ۱۲ نفر از اهل بیت و عترت من. همچنین فرمود: «الائمة بعدی اثنا عشر تسعه من صلب الحسين تاسعهم قائمهم الا- ان مثلهم فيكم مثل سفينه نوح من ركبها نجى و من تخلف عنها هلك و مثل باب حطه فى بنى اسرائيل»؛ ائمه و امامان بعد از من ۱۲ نفرند که نهمی آن از صلب و فرزندان حسین، قائم است و بدانید مثال آنان مثل کشتی نوح است که هر کس سوار بر آن شد نجات پیدا کرد و هر کس تخلف نمود هلاک شد و مثال آنان همانند باب حطه بنی اسرائیل است. (۱)

از عبد الله ابن عباس روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله تبارك و تعالى اطلع على الارض اطلاعه و اختارنى منها فجعلنى نبياً ثم اطلع الثانية فاختر منهنم عليا فجعله اماماً ثم امرنى ان اتخذه اخاء اوصيا و خليفه و وزيراً ، فعلى منى و انا من على و هو زوج ابنتى و ابو سبطى الحسن و الحسين الا- و ان الله تبارك و تعالى جعلنى و اياهم حججا على عباده و جعل من صلب الحسين ائمه يقومون بامرى و يحفظون وصيتى ، التاسع منهم قائم اهل بيتى مهدى امتى و اشبه الناس بى فى شمائله و اقواله و افعاله يظهر بعد غيبه طويله و حيره مضله فيعلن امر الله و يظهر دين الله و يويد بنصر الله و ينصر بملائكه الله فيملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛ خداوند توجهی به اهل زمین کرد و مرا از تمام خلائق برگزید و پیامبر کرد. توجه دوم نمود و علی را انتخاب کرد و او را امام قرار داد. سپس مرا امر کرد که علی را به عنوان برادر، وصی، خلیفه و وزیر خود قرار بدهم؛ زیرا علی از من

ص: ۱۴۸

۱- همان جا.

و من از علی هستم. او همسر دختر من و پدر دو فرزند من، حسن و حسین است. آگاه باشید خدا من و حجت های بعد از من را دلیل و راهنما بر بندگانش قرار داد و از صلب حسین امامان قرار داد مع آنان امر مرا اقامه می کنند و حافظ وصیت من هستند. نهمین آنان قائم، از من و اهل بیت من، راهنمای امت من، شبیه ترین مردم در چهره و قول و عمل به من است. بعد از غیبت و پنهانی طولانی و حیرت ظاهر و پیدا می شود و دین خدا را با کمک ملائکه نصرت می دهد و زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده است. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من فقد الشمس فليستمسك بالقمر، و من فقد القمر فليستمسك بالفرقدين، فاذا فقدتم الفرقدين فتمسكوا بالنجوم الزاهره بعدى ... فقلت بين لى يا رسول الله ما الشمس و القمر و ما الفرقدان و ما النجوم الزاهره؟ فقال: انا الشمس و على القمر فاذا فقدتمونى فتمسكوا به بعدى و اما الفرقدان فالحسن و الحسين اذا فقدتم القمر فتمسكوا بهما و اما النجوم الزاهره، فهم الاثمه التسعه من صلب الحسين التاسع مهديهم. ثم قال: انهم هم الاوصياء و الخلفاء بعدى الاثمه الابرار عدد اسباط يعقوب حواری عيسى فقلت فسمهم لى يا رسول الله قال اولهم و سيدهم على ابن ابى طالب و بعده سبطاى و بعد هما على زين العابدين و بعده محمد بن على باقر العلوم النبیین ثم ابنه الصادق جعفر بن محمد و ابنه الكاظم سمي موسى بن عمران و الذى يقتل بارض الغربه على ابنه، ثم ابنه محمد و الصادقان على و الحسن و الحجج القائم المنتظر فى الغيبه فانهم عترتى من لحمى و دمى علمهم علمى و حكمهم

ص: ۱۴۹

۱- همان، ص ۴۸۵.

حکمی من آذانی فیهم فلا انا له الله شفاعتی»؛ وقتی خورشید را از دست دادید به ماه متوسل و متمسک بشوید هر گاه ماه را از دست دادید به فرقدان متوسل شوید و هر گاه فرقدان را از دست دادید به نجوم متوسل شوید. سوال کردند: خورشید، ماه، فرقدان و نجوم چه کسانی هستند؟ پس فرمود: خورشید من هستم و علی ماه است. زمانی که من و علی را از دست دادید به فرقدان متوسل شوید که حسن و حسین باشند. زمانی که ماه و فرقدان که همانا علی و حسن و حسین هستند از دست دادید به ستارگان متوسل شوید که آن ها ۹ امام از کمر و پشت حسین هستند و نهی آنان مهدی است. سپس پیامبر فرمود: همانا آنان اوصیاء، خلفا و ائمه و امامان بعد از من هستند که پیشوای پرهیزگاران هستند و عدد آن ها به اندازه اصحاب عیسی بن مریم و فرزندان یعقوب است. اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: ما را از نام آنان با خبر کن. حضرت فرمود: اول آنان علی پسر ابوطالب سپس دو فرزندش حسن و حسین، بعد زین العابدین، محمد باقر، جعفر صادق، موسی کاظم و علی رضا که در دیار غربت به قتل می رسد، بعد جواد محمد، بعد صادق یعنی امام علی الهادی و حسن العسکری و حجت قائم منتظر مهدی موعود که غیبت می کند و در انتظار فرج به سر می برد. آنان از عترت من هستند. گوشت آنان گوشت من، خون آن ها خون من، علم و دانش آنان علم و دانش من است. هر کس آنان را اذیت کند به خدا شفاعت من در روز قیامت نمی رسد. (۱)

ابو هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد هر پیامبری وصی و اسباط داشته است. وصی و اسباط شما کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت کرد و محزون شد. ابو

ص: ۱۵۰

هریره گفت: پناه می برم از غضب خدا و رسول! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله بعث اربعة آلاف نبی و كان لهم اربعة آلاف وصی و ثمانیه آلاف سبط. فوالذی نفسی بیده لانا خیر النبیین و وصی خیر الوصیین و ابنای سبطای خیر الاسباط ثم قال الحسن و الحسین سبطای من هذه الامه و آن الاسباط كان من ولد یعقوب و كانوا اثنا عشر رجلاً و ان الائمة بعدی اثنا عشر من اهل بیتی علی اولهم و اوسطهم محمد و آخرهم مهدی هذه الائمة الذی یصلی عیسی بن مریم خلقه الا من تمسک بهم فقد تمسک بحبل الله»؛ همانا خدا ۴ هزار پیامبر و ۴ هزار وصی و جانشین و ۸ هزار سبط (یعنی فرزندان) مبعوث کرد. من، بهترین پیامبر و جانشین من، بهترین وصی و فرزندان من، بهترین فرزندان هستم. سپس فرمود: حسن و حسین اسباط این امت و اسباط من به اندازه عدد فرزندان یعقوب پیامبر است که ۱۲ مرد بودند و ائمه و امامان بعد از من نیز ۱۲ نفر از اهل بیتم هستند که اول آن ها، علی است. وسط آن ها، محمد و آخرین نفر آن ها مهدی در این امت است که حضرت عیسی در عقب او نماز می خواند. هر کس به این ۱۲ نفر تمسک و توسل بجوید، به ریسمان محکم الهی تمسک و توسل جسته است و هر کس از آن ها دست بردارد از تمسک و اعتصام به ریسمان و حبل الله الهی دست برداشته است. (۱)

زمانی امام حسن و حسین مریض شدند و پیامبر اکرم برای آن دو دعا کرد « ثم وضع یدیه علی کتف الحسن فقال: انت الامام و انت ولی الله و وضع یدیه علی صلب الحسین فقال: انت الامام و ابو الائمة التسعه من صلبک ائمه ابرار و التاسع قائمهم من تمسک بک و بالائمة من ذریتک کان معنا یوم

ص: ۱۵۱

القیامه و کان معنا فی الجنه فی درجاتنا؛ سپس دست خود را بر کتف امام حسن گذاشت و فرمود: تو امام و ولی خدایی. سپس دست بر کمر امام حسین گذاشت و فرمود: تو امام و پدر ۹ امامی که از صلب و پشت تو هستند و همگی آنان پیشوایان و امامان نیکان و پاکان هستند. نهمین نفر آن ها قائم است هر کس در دنیا متوسل و دست به دامان این امامان شود فردای قیامت با من است و در بهشت، در درجه و رتبه من با من می باشد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که به سوی آسمان عروج کردم و بالا-رفتم در شب معراج دیدم که در ساق عرش به نور کلمه طیبه نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، ایدته بعلی و نصرته به، ثم الحسن و الحسین رایت علیا علیا علیا و رایت محمداً مرتین و جعفرأ و موسی و الحسن و الحجه اثنا عشر مکتوباً بالنور. فقلت یا رب! اسامی من هولاء الذین قرنتهم بی؟ فنودیت: یا محمد هم الائمة بعدک و الاخيار من ذریتک»؛ نیست خدایی جز خدای یکتا، محمد پیامبر خدا و او را با علی یاری کردم و نصرت دادم و سپس دیدم نام حسن و حسین و ۳ علی و ۲ محمد و جعفر و موسی و حسن و الحجه و این ۱۲ اسم در ساق عرش با نور مکتوب و نوشته شده بود. گفتم: ای خدا! این اسامی و نام ها چیست که قرین و قریب نام من و توست؟ ندا رسید ای محمد! این نام های ائمه و امامان بعد از تو از فرزندان نیکوکار و با تقوای توست.

ص: ۱۵۲

در روایت دیگر آمده است زمانی که جبرئیل امین جریان قتل و شهادت امام حسین را برای پیامبر باز گو کرد. پیامبر گریان شدند. جبرئیل گفت: ای پیامبر! گریان و محزون نباش. خدا به وسیله قائم اهل بیت از دشمنان حسین انتقام و قصاص می گیرد. پیامبر فرمود: «حیبی جبرئیل و من قائمنا اهل البيت؟ قال: هو التاسع من ولد الحسين كذا اخبرني ربي عزوجل انه سيخلق من صلب الحسين ولد سماه عنده علياً ثم يخرج من صلب علي ابنة و سماه عنده محمداً ثم يخرج من صلب محمد ابنة و سماه عنده جعفر الناطق..... و يخرج من صلبه كلمة الحق و لسان الصدق و مظهر حجة الله بريته غيبه طويله يظهر الله من الاسلام و اهله و يخسف به الكفر و اهله»؛ قائم از اهل بیت چه کسی است؟ جبرئیل فرمود: او نهمین فرزند حسین است. خداوند به من خبر داد از پشت و کمر حسین فرزندی به نام علی (زین العابدین)، بعد از او فرزندی به نام محمد (باقر)، سپس از او جعفر، سپس از او موسی، سپس از او علی (رضا)، سپس از او محمد (تقی)، سپس از او علی (هادی)، سپس از او حسن (عسکری) سپس از او حجه (امام زمان) به دنیا می آید که غیبت طولانی دارد که بعد ظاهر می شود و اسلام و اهل بیتش را یاری می کند و کفر و اهلس را از بین می برد. (۲)

امامت در احتجاج طبرسی

در کتاب شریف احتجاج مرحوم شیخ طبرسی ادله و دلیل نبی اکرم صلی الله علیه و آله درباره امامت امیر المومنین علی علیه السلام و امامت سایر ائمه اطهار ذکر شده است

ص: ۱۵۳

۱- همان جا.

۲- همان، ۴۸۹.

که به قسمت های مهم متن عربی و فارسی خطبه شریف غدیر خم خدمت شما اشاره می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله در موصوف حج، عازم مکه بود در حالی که تمام شرایع و قوانین دین به جز حج و ولایت، ابلاغ فرموده بودند که فرشته وحی (جبرئیل) نازل شد و از جانب پروردگار متعال ابلاغ سلام نموده و گفت: ای محمد! خدا می گوید: من هیچ پیامبری را از پیامبران گذشته قبض روح نکردم مگر این که دینش را با معرفی حجت و خلیفه او بعد از او کامل کردم. ای محمد! برای تو تنها دو موضوع باقی مانده که باید آن دو را به مردم برسانی: یکی حکم حج و دیگری موضوع امامت و خلافت است. زیرا تا به حال هرگز زمین از وجود امام و حجت خودم خالی نگذاشته ام و نخواهم گذاشت. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه ۷۰ هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند مانند تعدادی که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت. (۱)

خطبه غدیر خم و نصوص امامت

جبرئیل نازل شد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «فسلمت و خلیفتک من بعدک. حجتی البالغه علی خلقی، علی ابن ابی طالب، و ذکرهم ما اخذت علیهم من بیعتی و میثاقی الذی واثقتهم به، و عهدی الذی عهدت الیهم من ولایه وله و حضرتهم و مولی کل مومن و مومنه علی ابن ابی طالب»؛ خداوند بعد از سلام به تو می فرماید: زمان مرگ تو نزدیک شده و مدت پیامبری تو

ص: ۱۵۴

به پایان رسیده است. آن چه علم و میراث انبیاء گذشته از سلاح، تابوت، معجزات و کرامات را به وصی، خلیفه ات و حجت بالغه بر خلق، علی بن ابی طالب بسیار و از مردم عهد و پیمان بگیر.

در روز غدیر خم و خطبه غدیر خم، خدا و رسول اشاره فرمودند: «(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)» (۱). بولایه ولی و مولی کل مومن و مومنه علی عبدی و وصی نبی و الخلیفه من بعده و حجتی البالغه علی خلقی مقرونه طاعته بطاعته محمد نبی و مقرونه طاعته مع طاعه محمد بطاعتی؛ «امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم بواسطه ولایت و امامت علی بنده ام و وصی پیامبرم و خلیفه پس از او و حجت بالغه بر خلقم. اطاعت و پیروی از فرامین علی، اطاعت از امر و نهی من است.» (۲).

«فاوحی الی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک - فی علی، یعنی فی الخلافه لعلی ابن ابی طالب - و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»؛ به سوی من وحی شد: ای پیامبر! آنچه به سوی تو از طرف پروردگارت - در مورد علی و مسأله خلافت و جانشینی او - نازل شده ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت الهی خود را انجام نداده ای و خداوند تو را از شرور مردم حفظ می کند.» (۳).

«معاشر الناس، ما قصرت فی التبلیغ ما انزل الله تعالی الی، و انا ابین لکم

ص: ۱۵۵

۱- مائده/ ۳.

۲- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳- همان، ص ۱۲۷.

سبب نزول هذه الایه: ان جبرئیل هبط الی مراراً ثلاثاً یامرنی عن السلام ربی- و هو السلام- ان اقوم فی هذا المشهد فاعلم کل ایض و اسود: ان علی ابن ابی طالب اخی و وصی و خلیفتی و الامام من بعدی؛ ای مردم! بدانید من در تبلیغ و رساندن فرمان خدا تقصیر و کوتاهی نکردم و اکنون سبب نزول این آیه را برای شما بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمده و از طرف سلام پروردگارم - که تنها او سلام- است به من دستور داده است که در این محل و در حضور همه بیایم و هر سفید و سیاهی را آگاه کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی، جانشین و امام بعد از من است. (۱)

«ثم من بعدی علی ولیکم و امامکم بامرالله ربکم، ثم الامامه فی الذریتی من ولده الی یوم تلقون الله و رسوله»؛ بعد از من علی به فرمان خداوند ولی و امام شما است، سپس امامت در ذریه من از فرزندان علی قرار خواهد گرفت تا روزی که خدا و رسول او را ملاقات کنید. (۲)

«معاشر الناس فضلوا علیاً فانه افضل الناس بعدی من ذکر و انثی»؛ ای مردم! علی را بر دیگران برتری دهید، که او در میان زنان و مردان برتر از همه ی مردم بعد از من است. (۳)

«معاشر الناس، ان علیاً و الطیبین من ولدی من صلبه هم الثقل الاصغر و القرآن الثقل الاکبر، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ ای مردم! همانا علی و پاکان از فرزندان من از نسل او ثقل اصغر و قرآن ثقل اکبر است که از هم

ص: ۱۵۶

۱- همان، ص ۱۲۸.

۲- همان، ص ۱۲۹.

۳- همان، ص ۱۲۹-۱۳۰.

جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (۱)

«الا و ان الله عزوجل قال، و انا قلت عن الله عزوجل. الا انه لا امير المومنين غير اخی هذا. الا لا تحل امره المومنين بعدی لاحد غیره»؛ خداوند این مطلب را فرموده و من از طرف او به شما گفتم. آگاه باشید! غیر از این برادرم کسی امیر المؤمنین نیست و فرمانروایی مؤمنان برای هیچ کس غیر از او بعد از من روا نیست. (۲)

«معاشر الناس، هذا علی اخی و وصی و واعی علمی، و خلیفتی فی امتی علی من آمن بی و علی تفسیر کتاب الله عزوجل و السداعی الیه و العامل بما یرضاه و المحارب لاعدائه و الموالی علی طاعته و الناهی عن معصيته. انه خلیفه رسول الله و امیر المؤمنین و الامام الهادی من الله»؛ ای مردم! این علی برادر و وصی و دربردارنده علم من و جانشین من در میان امت می باشد بر هر که به من ایمان دارد و بر تفسیر کتاب خداوند است، او شما را به کتاب خدا دعوت کند و به آنچه خشنودی خداوند در آن است عمل کند، و با دشمنان او در ستیز باشد، به اطاعت خدا مردم را راهنمایی کند و از نافرمانی او آن ها را باز دارد. همانا او جانشین پیامبر خدا، امیر مؤمنان و پیشوای هدایتگر از طرف خداوند است. (۳)

«معاشر الناس، انما اکمل الله عزوجل دینکم بامامته. فمن لم یاتم به و بمن یقوم مقامه من ولدی من صلبه الی یوم القیامه و العرض علی الله عزوجل

ص: ۱۵۷

۱- همان، ص ۱۳۱.

۲- همان جا.

۳- همان، ص ۱۳۲.

فاولئك الذين حبّطت اعمالهم في الدنيا و الآخرة و في النار هم خالدون»؛ ای مردم! خداوند دین شما را با امامت علی کامل نمود، هر کس از او و جانشینان او از فرزندان من و نسل او - تا روز قیامت و روزی که در پیشگاه او حاضر می شویم - پیروی نکند، همه ی کارهایش در دو جهان بیهوده و باطل و سرانجامش دوزخ برای همیشه است. (۱)

«معاشر الناس، هذا علی، انصرکم لی و احقکم بی و اقربکم الی و اعزکم علی و الله عزوجل و انا عنه راضیان. و ما نزلت آیه رضی فی القرآن الا فیه، و لا خاطب الله الذین آمنوا الا بدأ به، و لا نزلت آیه مدح فی القرآن الا فیه»؛ ای مردم! این علی علیه السلام است که بیش از همه مرا یاری کرده و سزاوارترین، عزیزترین شما نسبت به من است، خداوند تبارک و تعالی و من از او راضی و خوشنودیم. آیه ای در قرآن در مورد رضایت پروردگار نازل نشده مگر آنکه در شأن او است، و خداوند مؤمنان را مخاطب قرار نداده مگر آنکه به او ابتدا فرموده است. (۲)

«معاشر الناس، هو ناصر دین الله و المجادل عن رسول الله، و هو التقی النقی الهادی المهدی. نبیکم خیر نبی و وصیکم خیر وصی و بنوه خیر الاوصیاء» ای مردم! او یاری کننده دین خدا و جدال کننده از طرف رسول خدا است. او پرهیزکار، پاکیزه، هدایتگر و هدایت شده است، پیامبر شما بهترین پیامبر و وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ص: ۱۵۸

۱- همان، ص ۱۳۳.

۲- همان، ص ۱۳۴.

«معاشر الناس، ذریه کل نبی من صلبه، و ذریتی من صلب امیرالمؤمنین علی»؛ ای مردم! نسل هر پیامبری از صلب خود او و نسل من از صلب علی است. (۲)

«معاشر الناس، انی ادعها امامه و وراثه فی عقبی الی یوم القیامه، و قد بلغت ما امرت بتبلیغه حجه علی کل حاضر و غائب، و علی کل احد ممن شهد او لم یشهد، ولد او لم یولد، فلیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الی یوم القیامه و سیجعلون الامامه بعدی ملکاً و اغتصاباً، الا لعن الله الغاصبین المغتصبین»؛ ای مردم! من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم و هر آن چه را گفتمی بود گفتم و ماموریتم را به اتمام رساندم تا برای هیچ کس از حاضر و غائب چه آنان که متولد شده اند چه آیندگان جای هیچ عذر و بهانه ای باقی نماند. پس سفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید حاضر به غایب و پدر به فرزند خود تا روز قیامت این پیام را برسانند و به زودی امامت را ظالمانه غصب کرده و به صورت سلطنت در خواهند آورد. لعنت خدا بر کسانی که این مقام را به زور ستانده و غصب می کنند. (۳)

«معاشر الناس، انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه، ثم علی من بعدی، ثم ولدی من صلبه ائمه الهدی، یهدون الی الحق و به یعدلون»؛ ای مردم! من آن صراط مستقیمی هستم که خداوند شما را به پیروی آن دستور داده، و بعد از من علی و سپس فرزندان من از نسل او پیشوایان هدایتند، به

ص: ۱۵۹

۱- همان جا.

۲- همان، ص ۱۳۵.

۳- همان، ص ۱۳۵-۱۳۶.

سوی حق هدایت می کنند و به حق دادگری می نمایند. (۱)

«معاشر الناس، الا و انی نبی و علی وصیی»؛ ای مردم! همانا من پیامبر و علی وصی من است. (۲)

«الا- ان خاتم الائمة منا القائم المهدي، الا انه الظاهر على الدين، الا انه المنتقم من الظالمين، الا انه فاتح الحصون و هادمها، الا انه غالب كل قبله من اهل الشرك و هاديتها، الا انه المدرك بكل ثار لاولياء الله، الا انه الناصر لدين الله»؛ آگاه باشید! که خاتم و آخر امامان و ائمه حضرت مهدی قائم از ما است، آگاه باشید! او بر همه ی ادیان پیروز خواهد شد، آگاه باشید! او از ستم کاران انتقام خواهد گرفت، آگاه باشید! او فاتح قلعه ها و شهر هاست، آگاه باشید! او بر همه ی طوایف و قبایل اهل شرك غلبه یافته و آن ها را هدایت کند، آگاه باشید! او گیرنده ی خون بهای همه اولیاء خدا است، آگاه باشید! او یاری کننده ی دین خدا است. (۳)

«الا انه قد بشر به من سلف من القرون بين يديه، الا انه الباقي حجه و لا حجه بعده و لا حق الا معه و لا نور الا عنده، الا انه لا غالب له و لا- منصور عليه، الا- و انه ولي الله في ارضه و حكمه في خلقه و امينه في سره و علانيته»؛ آگاه باشید! اوست که پیشینان از قرن ها پیش به ظهور او بشارت داده اند، آگاه باشید! اوست حجت باقی خداوند و پس از او حجتی نخواهد بود و حق تنها با اوست و نور تنها نزد او می باشد، آگاه باشید! او همیشه پیروز و

ص: ۱۶۰

۱- همان، ص ۱۳۷.

۲- همان، ص ۱۳۸.

۳- همان، ص ۱۳۹.

شکست در او راهی ندارد، آگاه باشید! او ولی خدا در زمین و داور او در میان بندگان و امانت دار او در امور نهان و آشکار است. (۱)

«معاشر الناس، اقيموا الصلاه و اتوا الزكاه كما امركم الله عزوجل، فإن طال عليكم الأمد فقصرتم او نسيتم فعلى وليكم و مبین لكم، الذی نصبه الله عزوجل لكم بعدی امین خلقه»؛ ای مردم! همان طور که خدا فرموده نماز را بر پا دارید و زکات پردازید، پس چنان چه زمان بر شما دراز گشت و کوتاهی نموده یا فراموش کردید، علی سرپرست شما و بیان کننده احکام و معارف الهی است که خداوند تبارک و تعالی او را منصوب فرموده تا پس از من به عنوان امین برای شما باشد. (۲)

«معاشر الناس، انکم اکثر من ان تصافقونی بکف واحد فی وقت واحد، و قد امرنی الله عزوجل ان آخذ من السننکم الاقرار بما عقدت لعلى امیر المؤمنین و لمن جاء بعده من الائمة منی و منه. فقولوا باجمعکم: انا سامعون مطیعون راضون منقادون. نبايعك على ذلك بقلوبنا و انفسنا و السنننا و ایدینا»؛ ای مردم! تعداد و نفرات شما زیاد است که با دست با من بیعت کنید و خداوند مرا مامور کرده تا از شما در مورد امامت علی و امامان پس از او می آیند و از نسل من و اویند اقرار زبانی بگیرم، پس همگی بگویند: گفته هایت را شنیدیم و به امامت علی و فرزندان او راضی و فرمان بردار هستیم و با تو بر این فرمان الهی با قلب ها و زبان ها و دست ها بیعت می کنیم.

ص: ۱۶۱

۱- همان، ص ۱۴۱.

۲- همان، ص ۱۴۳.

«معاشر الناس، فبايعوا الله و بايعوني و بايعوا عليا اميرالمؤمنين و الحسن و الحسين و الائمه منهم في الدنيا و الآخره كلمه باقيه»؛ ای مردم! پس با خدا بیعت کنید و با من و امیرالمؤمنین علی و حسن و حسین و ائمه بعد از آنان که امامتشان فرمانی پاینده در دنیا و آخرت است بیعت نمایید. (۲)

«معاشر الناس، من يطع الله و رسوله و علیاً و الائمه الذین ذکرتهم فقد فاز فوزاً عظیماً»؛ ای مردم! هر کس از خدا و رسول او و از علی و امامان بعد از او که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگی دست یافته است. (۳)

امامت در کتاب غیبت نعمانی

در کتاب شریف غیبت نعمانی روایات و احادیث فراوانی درباره اثبات وجود مقدس ۱۲ امام معصوم آمده است که اشاره به منصب و مقام ائمه و تعیین امام معصوم از جانب خداوند تبارک و تعالی دارد و انتخاب امام همانند انتخاب پیامبر به وسیله خدا مشخص و معین می گردد که به چکیده و بعضی از متون مهم آن اشاره می شود.

امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «ان ليله القدر في كل سنه وانه ينزل في تلك ليله امر السنه و ما قضی فیها و ذالك الامر و ولاه بعد رسول الله فقال انا واحد عشر من صلبی ائمه محدثون»؛ همانا شب قدر در همه سال ها است و در چنین شبی امور تمام سال نازل و مقدر می شود و برای این امر نزول فرشتگان و تقدیر در شب قدر پس از وفات پیامبر اسلام به

ص: ۱۶۲

۱- همان، ص ۱۴۴.

۲- همان، ص ۱۴۵.

۳- همان، ص ۱۴۶.

دست والیان و امامان است. راوی سوال کرد آن والیان و سرپرستان بعد از پیامبر اسلام که فرشتگان در شب قدر بر آنان نازل می شوند چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: من (علی) و ۱۱ فرزند از صلب من که بر قلب آنها افاضه و الهامات الهی می شود. (۱)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام و ایشان از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند: همانا خدا از میان هر چیزی زبده ای برگزیده است. از زمین ها، مکه و از مکه، مسجد الحرام و از مسجد الحرام، موضعی که را کعبه در آن است و از میان چهار پایان، ماده آن ها و از گوسفندان، میش را و از روز ها، جمعه و از ماه ها، رمضان را انتخاب کرد و از شب ها، شب قدر و از میان مردم، بنی هاشم و از بنی هاشم، من و علی و از نسل من و علی، حسن و حسین را و آن تا ۱۲ امام تکمیل فرمود که همگی از فرزندان حسین هستند و نهمین آن باطن و ظاهر است. (۲)

معنای ۱۲ ساعت، ۱۲ ماه و ۱۲ امام

مفضل بن عمر می گوید از امام صادق علیه السلام سوال کردم معنا و مفهوم کلام خدا در قرآن در آن جا که می فرماید: (بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَغْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا) (۳)؛ ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند و بگوید دروغ است آتشی شعله ور و سوزان آماده کرده ایم، چیست؟ امام صادق علیه السلام

ص: ۱۶۳

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۷۴، به نقل از احتجاج طبرسی، ص ۸۱، حدیث ۳.

۲- همان، ص ۸۹، باب ۴، حدیث ۷.

۳- فرقان / ۱۱.

فرمود: « قال لی إن الله خلق السنه اثني عشر شهرا جعل الليل اثنتي عشرة ساعه جعل النهار اثنتي عشرة ساعه منا اثني عشر كان أمير المؤمنين ع من تلك الساعات»؛ خدا سال را ۱۲ ماه آفرید، شب را ۱۲ ساعت و روز را نیز ۱۲ ساعت قرار داد از ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ۱۲ نفر هستند که به منزله ساعات می باشند و مورد هم کلامی و هم صحبتی با فرشتگان هستند و امیر مؤمنان علی علیه السلام یکی از آن ساعت ها است. (۱)

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگر که خصائص و مناقب ائمه هدی را بیان می کند و به تصریح وجود مقدس ۱۲ ائمه می پردازد، می فرماید: «فقال اثني عشر هكذا احوال عرش ربنا عزوجل مبتدا خلقنا اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا محمد»؛ ما ۱۲ نفر بودیم اطراف عرش پروردگار در ابتدای آفرینش ما، اول ما محمد، وسط ما محمد و آخر ما نیز بنام محمد است. (۲)

مرحوم نعمانی می گوید: « و اوضح من هذا بحمد الله و انور و ابين و ازهر لمن هداه الله و احسن اليه قول الله عزوجل في محكم كتابه (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ) (۳) و معرفه الشهور المحرم و صفر و ربيع و ما بعده و الحرم منها هي رجب و ذولعقده و ذوالحجه و المحرم لا تكون دينا قيماً لان اليهود و النصرارى و المجوس و سائر الملل و الناس جميعاً من الموافقين و المخالفين يعرفون هذه الشهور و يعدونها باسمائها و انما ص: ۱۶۴

۱- محمد بن ابراهيم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۱۱۴.

۲- همان، ص ۱۱۹، باب ۴، حدیث ۱۶.

۳- توبه / ۳۶.

هم الائمة و القوامون بدين الله و الحرم منها امير المومنين على عليه السلام الذي اشتق الله له اسماء من اسمه العلي و ثلثه من ولده اسماء و هم علي، علي بن الحسين ، علي بن موسى ، علي بن محمد فصار لهذا الاسم المشتق من اسم الله عزوجل حرمه به؛ الحمد لله واضح و روشن است که منظور خدا در آيه « همانا تعداد ماه ها نزد خدا، آن روزی که آسمان ها و زمين را بياوريد، در کتاب الهی، دوازده ماه بود، که از آن ها چهار ماه حرام است و آيين درست همین است، پس در آن ماه ها بر خود ستم نکنيد» منظور معرفت و آشنایی به ماه محرم، صفر، ربيع و ماه های بعد از آن و ماه های حرام (رجب، ذالقعدة، ذی الحجه و محرم) نیست و نمی تواند این ماه ها آيين پا بر جا الهی باشد؛ زیرا يهوديان، مسيحيان، مجوس و ساير ملل ها از موافق و مخالف اسلام ۱۲ ماه ظاهری (قمری، شمسی، ميلادی) را می شناسند و آن ها را به نام هایشان می شمارند. بلکه مقصود و منظور، ۱۲ امام معصوم و برگزیده الهی است که بر پا کننده دين و احکام الهی هستند و منظور از آن چهار ماه مورد احترام، ۴ نام به نام های علی اميرالمؤمنين، علی زين العابدين، علی رضا، علی الهادی می باشند که نام این ۴ نفر علی است و از اسماء مقدس و مبارک خداوند مشتق شده و احترام خاصی دارند. (۱)

داود رقی می گوید: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. امام به من فرمود: چه شده دیر طرف ما می آیی؟ گفتم: کاری داشتم در کوفه که باعث شد دیر به سوی شما بیایم و سر بزنم. امام فرمود: چه شده؟ گفتم: فدای شما بشوم عمویان زید را دیدم که بر اسبی سوار بود و شمشیری بر دوش انداخته

ص: ۱۶۵

بود و با صدای بلند فریاد می زد: از من بپرسید تا من را از دست ندادید؛ زیرا در سینه من علم زیادی انباشته شده است. همانا من به باطن و ظاهر قرآن علم دارم. امام صادق علیه السلام به من فرمود: این مذاهب تو را از درک حقایق باز داشته است. سپس امام صادق علیه السلام صدا زد: ای سماعه بن مهران! سبیدی از خرما نزد من بیاور و او سبیدی که پر از خرما و رطب در آن بود آورد. امام دانه ای خرما از آن برداشته و خوردند و هسته آن را از دهان بیرون آوردند و در زمین کاشتند بلافاصله به قدرت کامله الهی آن هسته شکافته و روئیده شد، جوانه زد و شاخه و برگ و میوه تازه داد. آن گاه با دست مبارکش به خرمای نارسی زده، آن را از خوشه جدا کردند و از درون آن ورق نازک و سفید بیرون آوردند، آن را باز کردند و به من دادند و فرمودند: آن را بخوان. من چون به آن ورق نگاه کردم دیدم در وسط آن نوشته شده سطر اول: لا اله الا الله محمد رسول الله و سطر دوم: همانا تعداد ماه ها نزد خدا در کتاب الهی از آن روزی که آسمان ها و زمین را آفریده ۱۲ ماه است که ۴ ماه آن حرمت و احترام خاص دارند و آیین و دین ثابت و پا بر جای الهی همین است یعنی امیر مؤمنان علی، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجه بن الحسن. امام صادق علیه السلام فرمود: ای داود! می دانی این دو سطر در چه زمانی در این ورق نوشته شده است. عرض کردم: نمی دانم. فرمود: دو هزار سال قبل از آن که خدا آدم را خلقت کند. (۱)

حتی در کتاب تورات راجع به ۱۲ امام معصوم که بعد از پیامبر

ص: ۱۶۶

اکرم صلی الله علیه و آله می آیند اشاره شده است. در فصل اول تورات در بخشی از قصه حضرت اسماعیل و پس از پایان یافتن داستان ساره ذکر شده به این که خدا در مورد کار ساره و فرزندش به ابراهیم خطاب می فرماید: من دعای تو را درباره اسماعیل اجابت کردم و در آینده ۱۲ پیشوا و امام بزرگ از او به وجود می آیند که من آنان را بسان قبیله ای بزرگ پیشوایانی خواهم ساخت. اما لفظ کلام عبری این مطلب: و لیشمعیل شمعتیخاهینی برختی او تو و هیفریتی او تو هیریتی او تو هیریتی او تو بمئذ مئدشینم عاسار نسیئیم یولد و ننتیو لغوی غادل؛ از صلب و پشت اسماعیل فرزند با برکتی به وجود خواهد آمد که درود و رحمت من بر او باد. از خاندان او ۱۲ نفر بزرگمرد به دنیا خواهند آمد که مشهور و پر آوازه خواهند گردید. (۱)

ذکر تعیین ۱۲ امام در مصحف فاطمه

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل نمود که آن حضرت فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: با تو کاری دارم چه وقت برایت راحت تر است که تنها نزد من بیایی تا مطلبی را از تو بپرسم؟ جابر گفت: هر وقت که شما بخواهید. پس یک روز با جابر خلوت نموده و فرمودند: درباره لوحی که در دست مادرم حضرت فاطمه دخت گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دیده ای و مطلبی که درباره آن برایت فرموده برایم بگو. جابر عرض کرد: خدا را شاهد می گیرم روزی در زمان رسول اکرم جهت تبریک تولد امام

ص: ۱۶۷

حسین علیه السلام به خدمت مادرت حضرت زهرا رسیده بودم که در دست آن حضرت لوحی سبز رنگ دیدم که گمان کردم از زمرد است و در آن لوح نوشته ای سفید به درخشش نور آفتاب بود. عرض نمودم: پدر و مادرم به فدایت ای دختر پیامبر! این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خداوند به پیامبرش هدیه کرده و در آن اسامی پدر، شوهر، دو پسر و اسم اوصیاء از فرزندانم نوشته شده است و پدرم پیامبر آن را به عنوان مژدگانی به من هدیه کرده است. جابر افزود: سپس مادرت فاطمه آن را به من داد من آن را خواندم و از آن نسخه ای برداشتم. امام صادق علیه السلام فرمود پدرم امام باقر علیه السلام به جابر گفت: آن را به من نشان می دهی؟ عرض کرد: آری. آن گاه پدرم با جابر به منزل او رفت. سپس پدرم صحیفه ای از پوست را آورد و گفت: ای جابر! تو در نوشته ات نگاه کن تا برایت بخوانم. جابر نیز در نسخه اش نگاه کرد و پدرم خواند و هیچ حرفی با حرفی فرق نداشت. آن گاه جابر گفت: خدا را شاهد می گیرم که من به همین ترتیب در آن لوح نوشته ای دیدم. بنام خداوند بخشنده مهربان. این نامه ای از خداوند حکیم برای محمد رسول الله و نور و صغیر و حاجب و دلیل اوست که روح الامین (جبرئیل) آن را از نزد رب العالمین نازل نمود. ای محمد! اسامی مرا بزرگ بدار و نعمت هایم را شکر کن و این را بدان که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم جز آن که در پایان مأموریتش برای او وصی و جانشینی قرار دادم. من تو را بر تمام انبیاء و وصی تو را بر تمام اوصیاء فضیلت و برتری دادم و تو را به دو نوه ات (حسن و حسین) گرامی داشتم. پس حسن را بعد از پایان عمر پدرش علی، کانون علم خودم قرار دادم و حسین را گنجینه دار وحی خود قرار دادم و او را به

مقام شهادت گرامی داشتم. او از همه شهدای عالم بالاتر است. نخستین فرد از عترت بعد از حسین، نامش علی است. او سرور عابدان و زینت اولیای گذشته است. سپس پسر او محمد است. او شکافنده علم و حکمت من است و بعد از او جعفر است که شک کنندگان درباره او هلاک شوند و موسی که پس از او برگزیدیم. بدانید هر کس که یکی از آنان را رد کند و منکر شود بی شک نعمت مرا انکار نموده است. بدانید هر که هشتمین را تکذیب کند همه اولیایم را تکذیب نموده علی (رضا) ولی و یاور من است او را به وجود پسر و جانشینش محمد (تقی جواد) خوشحال خواهیم ساخت. او وارث علم من و کانون حکمت و محل اسرار من است و عاقبت کار فرزند محمد (جواد)، علی (هادی نقی)، را که دوست، یاور و گواه من در میان خلق است و امین وحی من می باشد از او فرزندی به نام حسن (عسکری) به وجود آورم که مردم را به راه من دعوت می کند. سپس دینم را توسط پسر او (امام زمان) که مایه رحمت همه جهانیان است، کامل کنم. او برخوردار از کمال موسی، نورانیت عیسی، صبر ایوب بوده و سید و سرور همه اولیاء من است در ایام غیبت او دوستانم ذلیل و خار می شوند تا آن جا که سرهای آنان را همچون کفار برای هم هدیه می فرستند آنان را بکشند و بسوزانند. (۱)

حدیث قدسی درباره ۱۲ امام

مرحوم طبرسی یک حدیث قدسی از امام صادق علیه السلام در باب امامت ائمه دوازده گانه نقل فرموده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « عن رب العزه جل جلاله

ص: ۱۶۹

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۵۰.

انه قال من علم أن لا اله الا انا وحدي و آن محمد عبدی و رسولی و آن الائمه الاطهار من ولده حججی ادخلته الجنة برحمتی و نجیته من النار بعفوی و من لم یشهد ان آن لا اله الا انا وحدي او شهد بذلك و لمک یشهدان محمد عبدی و رسولی او شهد بذلك و لم یشهد آن علی بن ابی طالب خلیفتی او شهد بذلك و لم یشهدان الائمه الاطهار من ولده حججی فقد حجد نعمتی و صغر عظمتی و کفر بآیاتی و کتبی. فقام جابر بن عبدالله انصاری فقال یا رسول الله و من الائمه من ولده علی ابن ابی طالب؟ فقال الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة ثم سید العابدین فی الزمانه علی بن الحسین ثم الباقر بن علی و سدرکه یا جابر ثم الصادق جعفر بن محمد ثم الکاظم موسی بن جعفر ثم رضا علی بن موسی ثم التقی الجواد محمد بن علی ثم النقی علی بن محمد ثم الزکی الحسن بن علی ثم ابنه القائم بالحق مهدی امتی محمد بن الحسن صاحب الزمان الذی یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا؛ خداوند با عزت و جلال توسط جبرئیل به من فرمود: هر کس بداند که هیچ خدایی جز من نیست و محمد بنده و رسول من است و علی و ائمه اطهار از فرزندان او، حجت و راهنمای خلق هستند از طرف خدا من او را به رحمت و کرم خود وارد بهشت می کنم و از آتش جهنم به عفو نجات می دهم، و هر کس به خدا و یکتا بودن من، شهادت و گواهی ندهد و اقرار نکند و یا به رسالت پیامبری پیامبر من، محمد شهادت و گواهی ندهد و به خلیفه و امام از سوی من، علی بن ابی طالب شهادت و گواهی ندهد و یا به امامت ائمه اطهار شهادت و گواهی ندهد، نعمت مرا انکار کرده، بزرگی و جلالم را کوچک شمرده و به کتاب های آسمانی و آیات من کافر شده

است. اگر صدای من بزند و مرا بخواند به او اعتنا نمی کنم، چون دعا کند اجابت نمی کنم، چون به من امید ببندد نا امیدش کنم. در این هنگام، جابر بن عبدالله انصاری بلند شد و گفت: ای پیامبر! ائمه و امامان از نسل علی بن ابی طالب چه کسانی هستند؟ فرمود: حسن و حسین، دو جوانان اهل بهشت؛ بعد از او، سید العابدین در زمان خودش، علی بن الحسین؛ بعد از او، باقر محمد بن علی. ای جابر! او را ملاقات خواهی کرد. سلام مرا به او برسان. بعد از او، صادق جعفر بن محمد؛ بعد از او، کاظم موسی بن جعفر؛ بعد از او، رضا علی بن موسی، بعد از او، تقی محمد بن علی؛ بعد از او، نقی علی بن محمد؛ بعد از او، زکی حسن بن علی؛ بعد از او، فرزندش قائم به حق، مهدی امت که زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است. ای جابر! این افراد خلفا و اوصیاء و فرزندان و عترت من هستند. هر کس از آنان اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر کس به ایشان عصیان ورزد زیر بار دستورات آنان نرود، زیر بار دستورات من نرفته است. (خدا می گوید) هر کس همه امامان یا یکی از امامان معصوم را رد و انکار کند مراد و انکار کرده است. خدا به خاطر وجود مبارک این ۱۲ امام و ائمه اطهار آسمان ها را از سقوط حفظ می کند و زمین را از حرکت و لغزش نگاه می دارد. (۱)

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که به امام علی علیه السلام خطاب کرد و فرمود: ای علی! تو را فقط کسی دوست دارد که از لحاظ ولایت پاک و مطهر باشد و تنها کسی به تو دشمنی و نامردی می کند که خباثت و آلودگی در ولادت او باشد و جز مومن دوستدار تو نیست و جز کافر و فرد ملحد با تو دشمنی و

ص: ۱۷۱

مخالفت نمی کند. در این هنگام عبدالله بن مسعود بر خواسته و گفت: ای رسول خدا! نشانه پلیدی ولادت و کفر را در زمان حیات شما فهمیدیم بفرمایید نشانه پلیدی ولادت و کفر در زمان پس از شما چیست؟ زیرا امکان دارد فرد به ظاهر اظهار ایمان کند و اعتقاد قلبی خود را پنهان کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای پسر مسعود! علی بن ابی طالب امام و پیشوای شما و جانشین من است و پس از او دو فرزندم حسن و حسین و به همین ترتیب ۹ نفر از فرزندان حسین که یکی پس از دیگری امام شما و جانشین من خواهند بود و نهمین فرزند از اولاد حسین قائم امت من است. ای پسر مسعود! مبادا در گفته های من شک کنی که موجب کفر تو می شود. سوگند به خدا که من در گفته هایم از روی هوا و هوس درباره علی علیه السلام و امامان از فرزندانش حرف نزد. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست های مبارک خود را به آسمان بلند نموده و عرضه داشت: خداوندا هر کس را که جانشینان و پیشوایان امت را دوست دارد تو نیز آن ها را دوست بدار و با دشمنانشان دشمن باش. (۱)

برکت امام روی زمین

ابن ابی العلاء می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: نه. امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم! خدا از وقتی که آدم را قبض روح کرد زمین را رها نکرده مگر این که بر روی آن امامی گماشته است. امام معصوم، حجت و دلیل خدا بر بندگان خدا است و پس از

ص: ۱۷۲

این هم زمین بدون امامی که از طرف خدا برگزیده شده باقی نمی ماند. (۱)

ابو حمزه ثمالی می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: «لو بیقت الارض بغير امام لساخت»؛ اگر زمین بدون امام بخواهد باشد فرو می ریزد. (۲) یعنی خدا به احترام امام معصوم و عبادت او زمین را از جهات معنوی حفظ می کند همان طور که به اسباب مادی زمین را حفظ می کند که انشاء الله به طور کامل در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

۱۲ امام از قول ائمه

امام باقر علیه السلام فرمود: «نحن اثنا عشر اماماً منهم حسن و حسین ثم الائمه من ولد الحسين»؛ ما دوازده امامیم که از جمله آن ها حسن و حسین است. سپس امامان از اولاد حسین هستند. (۳)

امام حسین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوال کرد: ای پیامبر! آیا بعد از شما پیامبری خواهد بود؟ حضرت فرمود: «انا خاتم النبیین لکن یكون بعدی ائمه قوامون بالقسط بعدد نقباء نبی اسرائیل»؛ خیر من خاتم انبیایم لکن بعد از من امامانی خواهند آمد که قیام کننده به عدالت هستند عدد آن ها به تعداد نقیین بنی اسرائیل است.

ص: ۱۷۳

۱- همان، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۴.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۳- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۳، باب ۱۸۴، حدیث ۱۶.

حضرت زهرا ÷ فرمود: از پدرم پیامبر شنیدم: «الائمة بعدی عدد نباء بنی اسرائیل»؛ امامان بعد از من به تعداد نقیبان بنی اسرائیل یعنی ۱۲ نفر هستند. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «منا اثنا عشر مهدیاً»؛ دوازدهمین از ما مهدی است. (۳)

امام سجاد علیه السلام فرمود: «ان الله خلق محمداً و علیاً و احد عشر من ولده من نور عظمته فاقامهم اشباحاً فی ضیاء نوره یعدونه قبل خلق الخلق یسبحون الله و یقدسونه و هم الائمة من ولد رسول الله»؛ همانا خداوند محمد و علی و یازده نفر از اولاد او را از نور عظمت خود خلق نمود. آنان در شب‌های در پرتو نور خود قرار داد که خدا را قبل از خلقت خلق عبادت می کردند و او را تسبیح گفته و تقدیس می نمودند و آنان امامان از اولاد رسول خدا هستند. (۴)

امام علی علیه السلام می فرماید: «فان لهذه الامة اثنا عشر اماماً دین مهدیین لا یضرهم»؛ همانا برای این امت ۱۲ امام هدایت گر است. کسی که در صدد خواری آن‌ها باشد به آنان ضرر نمی رسد. (۵)

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: «دخلت علی فاطمه و بین یدیها لوح فیه اسماء اوصیاء من ولدها فعددت اثنی عشر احدهم القائم ثلاثة منهم محمد و اربعة منهم علی»؛ بر محضر مقدس حضرت فاطمه وارد شدم در حالی که در مقابل او لوحی از اسماء اوصیاء از فرزندانش مکتوب قرار داشت. آن‌ها را

ص: ۱۷۴

۱- محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲- علی بن محمد خزاز رازی، کفایه الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، ص ۱۹۷، باب ۲۸، حدیث ۶.

۳- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۲، ص ۳۸۸، باب ۳۳، حدیث ۱۴.

۴- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۰، باب ۱۸۴، حدیث ۶.

۵- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۲۹۷، باب ۲۶، حدیث ۵.

(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا سید النبیین و علی ابن ابی طالب سید الوصیین و ان اوصیایی بعدی اثنی عشر اولهم علی ابن ابی طالب و آخرهم قائم»؛ من سید و سرور پیامبران هستم و علی پسر ابو طالب سید و سرور اوصیاء و بعد از من ۱۲ جانشین و خلیفه می آیند. اول آن ها علی ابن ابی طالب و آخر آن ها قائم (مهدی) است. (۲)

امام علیه السلام فرمود: «الائمه من ولد علی و فاطمه علیها سلام اجمعین الی آن تقوم الساعه»؛ امامت مخصوص فرزندان فاطمه و علی تا روز قیامت است. (۳)

امام باقر علیه السلام در ضمن تفسیر آیه ۵۹ سوره نساء معروف به آیه اولی الامر (اطاعت) می فرماید: «و هم المعصومون المطهرون الذین لایذنبون و لایعصون و لا یفارقون القرآن و لا یفارقهم»؛ منظور از اولی الامر کسانی هستند که معصوم و پاکند، مرتکب گناهان و خلاف ها نمی شوند از قرآن جدا نمی شوند و قرآن از آنان جدا نمی شود. (۴)

در خطبه ای از امام حسن مجتبی علیه السلام نیز پس از بیعت مردم با ایشان چنین روایت شده است: «فاطیعونا فان طاعتنا مفروضه اذ کانت بطاعه الله مقرونه»؛ پس ما را اطاعت کنید اطاعت از ما واجب است چون به اطاعت خدا و

ص: ۱۷۵

۱- محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۰، حدیث ۵۴۰۸.

۲- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۴، حدیث ۳۱؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوردی، ص ۳۹۶.

۳- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۲۲۲، حدیث ۸.

۴- محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرایع، ص ۱۲۳، حدیث ۱.

(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «و كانت الفريضة تنزل بعد الفريضة الاثلي آخر الفرائض فانزل الله (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (۲)؛ فريضة و واجبات دینی یکی پس از دیگری نازل می شد و ولایت و امامت آخرین واجبات بود که بر پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر عمرش امر شد. وقتی آیه ولایت و امامت نازل شد دین کامل شد. (۳)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «امر الله عزوجل رسوله بولاية علي ابن ابي طالب و انزل عليه: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا) (۴)؛ خدا، پیامبرش را به ولایت و امامت علی ابن ابی طالب امر کرد و بعد بر او آیه «همانا ولی شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آوردند» نازل کرد. (۵)

حتی امیر المؤمنان علی علیه السلام به آیه فوق در زمان خلافت ابوبکر احتجاج و استشهاد کرد: «فانشد بالله الى الولاية من الله مع ولاية رسوله في انه زكاه الخاتم ام لك قال بل لك؛ تو را به خدا سوگند می دهم آیا این ولایتی که از ناحیه خدا و پیامبر اوست بخشیدن انگشتر که در آیه ذکر شده برای توست؟ ابوبکر گفت: بلکه برای توست. (۶)

وقتی امیر مؤمنان علی علیه السلام را برای بیعت به اجبار و زور به مسجد آوردند

ص: ۱۷۶

۱- محمد بن حسن طوسی، امالی، ص ۱۲۱، حدیث ۱۸۸.

۲- مائده / ۳.

۳- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴- مائده / ۵۵.

۵- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۶- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۴.

که با ابوبکر بیعت کند. فرمود: «انا احق بهذا الامر منکم و انتم اولی بالبیعتہ لی»؛ من از شما به امامت و رهبری سزاوارترم و شما باید با من بیعت کنید نه من. (۱).

حدیث معرفت به امام زمان از منابع اهل سنت و جواب شبهه به آن

یکی از ادله های حدیثی راجع به ضرورت امام معصوم در دین و دنیا در کتب اهل سنت و جماعت، حدیث مشهور و معروف «من مات و لم یعرفه امام زمانه مات میتة الجاهلیه» است که هر کس بمیرد و امام زمان خودش را نشناسد به مرگ عصر و زمان جاهلیت قبل از اسلام مرده است. این روایت مستند در ۷۰ مصدر و منبع معتبر حدیثی و روایتی اهل سنت نقل و ذکر شده است و این حدیث برای اثبات وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی نیز کاربرد دارد چرا؟ چون متن و عبارت حدیث می گوید: «امام زمانه»؛ امام عصر در دوره خودت را باید بشناسی. قرآن کریم می گوید: (لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ برای هر قومی یک هادی است. (۲) آن هادی که از طرف خدا برای بشر آمده و باید در هر زمان باشد چه کسی است؟ حال بنده ادله و منطق خود را بیان می کنم.

وهابی ها عقیده دارند منظور «امام زمانه»، حکام و سلاطین اسلام است. از چه زمانی معرفت و شناخت پادشاهان اسلامی جزء اصول دین، قرآن و امر خدا قرار گرفته است. مگر پادشاهان، حکام و سلاطین از مقربان درگاه الهی

ص: ۱۷۶

۱- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۳ و ۲۱۷.

۲- رعد/ ۷.

اولاً: به منابع اهل سنت که حدیث موثق را نقل کرده اند می پردازیم. (۱) البته روایت با متون و محتوای کلامی دیگر با کمی اختلاف نقل شده است از جمله: «و من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میتة الجاهلیه»، «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیه»، «من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیه» و «من مات و لیس علیه امام مات میتة الجاهلیه» است. (۲) با مناظرات کوتاهی که بنده با مولوی های وهابی داشتم به خاطر این که خود را از بن بست بی جوابی نجات بدهند می گویند منظور و هدف حدیث نبوی حاکم شرع و قرآن است.

ص: ۱۷۸

۱- طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۲۹۸؛ سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۱۷؛ ج ۴، ص ۲۳۲؛ مسند ابویعلی، ج ۶، ص ۲۵۱؛ احمد بن حنبل، کتاب السنه، ج ۱۰، ص ۱۵۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۹۶؛ علی بن ابوبکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۵، ص ۲۱۸؛ مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۹۵؛ ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۲۲؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸؛ احمد بن علی شائی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۵۶؛ محمد بن عبدالله خطیب عمری، مشکاه المصابیح، ج ۲، ص ۱۰۸۸؛ محمد ناصرالدین البانی، سلسله الاحادیث الصحیحہ شی من فقہها و فوائدھا، ج ۲، ص ۷۱۵؛ شعرانی، یواقیت الجواهر، ص ۲۷۳؛ جواهر المصنیه، ج ۲، ص ۲۷۵؛ جمهور علمای شیعه امامیه اثنی عشر هم این حدیث را نقل کرده اند: شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ص ۴۰۹؛ علی بن محمد خزاز رازی، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۲۹۶؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶؛ سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۰۶؛ عبدالحسین امینی؛ الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۲۶؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۳۳۵.

۲- محمد بن عبدالله اسکافی، المعیار و الموازنه در برتری امیرالمومنین علی علیه السلام، ص ۲۴؛ محمد بن احمد ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۳۴؛ علی بن عمر دارقطنی، علل الدار قطنی، ج ۷، ص ۶۳؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۲، ص ۶۱؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵.

ثانیاً: نظر قرآن درباره ملوک و پادشاهان که مقام عصمت، علوم و عرفان الهی، اجتناب و اصطفا نداشتند چیست؟ و شبهه بی اساس وهابی های پیرو آل بنی امیه را پاسخ دهیم. خدا در قرآن می فرماید: (إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَہَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً) پادشاهان چون به شهری درآیند، آنرا تباه و عزیزانش را خوار می گردانند. (۱) آیا شناخت این افراد واجب است؟ آیا این صنف و گروه، امام زمان هستند؟ آیا مقام خلافت و امامت الهی نصیب این افراد ظالم و غیر معصوم شده است؟ آیا هر کس این پادشاهان را ولو این که صالح باشند اگر معرفت به مقام و شخصیت آن ها نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است؟ یعنی توحید و خدا پرستیش، شناخت نبوتش نقصان پیدا می کند؟ نماز و روزه اش و اعمال عبادیش حبط و نابود می شود؟ به آیه ۱۸۸ سوره بقره، ۱۲۳ سوره انعام، ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعراء و ۳۱ سوره دخان مراجعه شود.

ثالثاً: لفظ و عبارت حدیث می گوید: «امام زمانه» اصلاً بحث و متن حدیث لفظ ملوک، پادشاهان و حاکم شرع را مطرح نکرده است. فرض بگیریم که حرف شما وهابی ها درست باشد منظور حدیث از «امام زمانه»، حاکم شرع و پادشاهان اسلام باشد باز بینیم که دیدگاه قرآن چیست؟ مگر شما از قول عمر بن الخطاب نمی گوید: «حسبنا کتاب الله»؛ کتاب خدا برای ما کافی است. پس به آیات ۲۴۶، ۲۴۷ و ۲۴۸ سوره بقره، ۵۴ سوره نساء، ۳۳ و ۷۹ سوره آل عمران، ۱۲ سوره مائده، ۷ سوره رعد، ۷۱ سوره اسراء، ۱۴ سوره قصص، ۸۳ سوره شعراء، ۶۳ سوره نمل، ۷۰ سوره قصص و ۲۲ سوره یوسف

ص: ۱۷۹

مراجعه کنید. در آنجایی که خداوند جناب طالوت را برای بنی اسرائیل به عنوان ملوک و پادشاه بر می گزیند و به او زیادی در قدرت جسمی و علمی می دهد و خدا به هر کس بخواهد و صلاح بداند این چنین ملوک و پادشاهی الهی می دهد.

(إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ)؛ نشانه و علامت پادشاهی دین و منصوب الهی جناب طالوت این است که فرشتگان تابوت رحمت و بقیه آثار الهی موسی و هارون که آرامش و سکینه ای برای قوم آنان بود برای او حمل می کنند. (۱) اما منظور آیه ۵۴ سوره نساء اهل بیت عصمت و طهارت می باشد. خدا در آیه می گوید: مردم با آن کسانی که من از فضل و کرم خود به آنان لطف کرده ام حسادت ورزیدند و به خاندان ابراهیم کتاب آسمانی، حکمت و دانش و پادشاهی و ملک بزرگ عطاء کردم. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه می گوید: به خدا سوگند منظور آیه ما اهل بیتیم که خداوند مقام والای امامت خاصه را به ما عطاء و عنایت کرده است و مردم به ما حسادت کردند. پادشاهان دین خدا طبق این آیه، اهل بیت پیامبرند. اگر معنای حدیث «امام زمانه» را پادشاه بگیرید باز آن ملوک الهی، ائمه هدی هستند نه پادشاهان ظالم و غیر معصوم. (۲) در منابع تفسیری و روایی اهل سنت از امام باقر علیه السلام

ص: ۱۸۰

۱- بقره/ ۲۴۸.

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۳؛ تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۳۱۱؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۲، ص ۱۷۳؛ سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۳؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۹۳؛ ابن بطریق، العمده، ص ۳۱۷؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲؛ احمد بن علی نسائی، فضائل امام امیرالمومنین علی بن ابی طالب در «خصائص نسائی»، ص ۱۲۸؛ احمد ابن مالک القطیعی، حدیث ۱۹۰.

روایت شده در ذیل و تفسیر آیه ۵۴ سوره نساء که از امام سوال شد: ملک عظیم به چه معنا است؟ امام فرمود: منظور این است که خدا پیشوایی و امامت در ائمه هدی یعنی در ما قرار داده است که اطاعت و گوش دادن به اوامر و نواهی ما اهل بیت، اطاعت خداست و نافرمانی ما اهل بیت، عصیان و نافرمانی از خداست و این پادشاهی بزرگ و ملک عظیم است.

ثعلبی نقل می کند: امیرمؤمنان علی علیه السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفت و از حسادت بنی امیه و مردم به حضرت رسول شکایت و شکوه کرد. پیامبر فرمود: ای علی! آیا راضی نیستی که برادر، وزیر و جانشین من و اولین چهار نفری (من و تو حسن و حسین) که وارد بهشت می شوند باشی. (۱) پس کسانی که طبق آیه قرآن و تفسیر ثعلبی سنی به اهل بیت حسادت کردند، قوم ظالم و گمراه بنی امیه است.

رابعاً: ادله دیگر در ابطال منطق وهابی ها، حدیث مشهور ۱۲ است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خلافت و امامت آن ها تا زمان قیامت است و همگی آنان از طایفه قریش و از بنی هاشم هستند. توضیح آن در صفحات قبل آمده است. از تفاسیر قرآن و روایات صحیح نبی اکرم صلی الله علیه و آله همان طور که ۱۲ امیر یا خلیفه بعد از پیامبر اکرم می آیند که همگی آنان صالح، قریشی و هاشمی هستند و از تفاسیر شیعه و سنی مشخص شد ۱۲ نفر از ۱۲ ائمه هدی شیعه می باشد. البته ائمه و امامان گمراهی و ظلال هم می آیند حال انتخاب از ماست

ص: ۱۸۱

که دنبال و پیرو ائمه راستین که از طرف خدا و پیامبر نصب شدند و یا پیرو ائمه کاذبین و ضالین باشیم. چون نور و ظلمت، صدق و کذب، هدایت و ضلالت همیشه از ابتدای خلقت بشر بوده است.

خامساً: یکی دیگر از ادله معرفت به امام زمان، حدیث نجم است و اینکه انسان مومن واقعی باید بداند یکی از ابعاد معرفت و شناخت به امام زمان این است که اطاعت و پیروی بدون چون و چرا از او واجب است. مقام عصمت و علم غیب دارد. شاهد بر اعمال بندگان است. وجودش هر جا که باشد پر برکت است. آبرومند و مقرب درگاه خداوند است.

امامان هدایت و ضلالت

قرآن امامان را به دو گروه تقسیم کرده است: (وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا)؛ قرار دادیم برای شما ائمه و پیشوایانی که به امر ما هدایت می کنند. (۱) و (وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ)؛ پیشوایان و امامانی که به سوی آتش جهنم دعوت می کنند. (۲)

کعب بن عجز می گوید ما نه نفر بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله ما فرمود: «اسمعوا هل سمعتم انه ستكون بعدى امراء من دخل عليهم فصدقهم بكذبهم و اعانهم على ظلمهم فليس منى و لست منه و ليس يرد على الحوض و من لم يدخل عليهم و لم يصدقهم بكذبهم و لم يعنهم على ظلمهم فهو منى و انا منه و سيرد على الحوض»؛ بشنوید آیا شنیدید به همین زودی بعد از من امرائی

ص: ۱۸۲

۱- انبیاء / ۷۳.

۲- قصص / ۴۱.

بیاید که هر کس دروغ آنان را تصدیق کند و با آنان همکار و یاور شود، او از من نیست و من از او نیستم و بر من نزد حوض کوثر راه نیابد و هر که با آن ها نباشد و دروغ ایشان را باور نکند و در ستم و ظلم یاریشان نکند او از من و من از او هستم زود است که مرا در نزد حوض کوثر ملاقات کند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من به زودی امامان فاسق می آیند که نماز در غیر وقت می خوانند. (۲) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان بعدی ائمه اطعموهم اکفروکم و آن عصیتموهم قتلوکم ائمه الکفر و روس الظلال»؛ بعد از من ائمه و رهبرانی هستند که اگر از آن ها پیروی کنید، کافر می شوید و اگر پیروی نکنید، شما را می کشند. آن ها ائمه و امامان کفر و سر منشاء گمراهی و ظلال هستند. (۳) در حدیث دیگر فرمودند: «سیکون امرائی بعدی یقولون ما لا یفعلون و یفعلون ما لا یومرون»؛ بعد از من امراء و حکامی می آید که حرف دین می گویند ولی عمل نمی کنند. (۴)

در این زمینه روایات و احادیث فراوان در کتب اهل سنت است که بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ائمه و امامان هدایت می آید که ۱۲ نفرند و فقط از قریش و بنی هاشم هستند که به طور قاطع و یقین ائمه اطهار ۱۲ گانه می باشد. (۵) سنن ترمذی در روایتی دیگر از قول سفینه درباره امرای بنی امیه می

ص: ۱۸۳

-
- ۱- احمد بن علی نسائی، سنن النسائی، ص ۶۴۹، حدیث ۴۲۰۸؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ص ۲۱۷، حدیث ۲۳۷۴؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۶۰-۵۷۹، حدیث ۱۴۸۹۱.
 - ۲- مسند ابویعلی، ص ۲۹۳؛ علی بن ابوبکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ص ۳۴۵.
 - ۳- مسند ابویعلی، ص ۴۳۶؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ص ۱۱۱۴، حدیث ۳۰۸۴۹.
 - ۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۶۵؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۷۹.
 - ۵- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۶۱۰، باب ۴۸، حدیث ۲۲۲۶.

آورد که ایشان خلیفه نیستند بلکه صنفی از پادشاهان شرور و فاسد هستند. پس به طور قاعده عقلی و نقلی، پادشاهان و امرای بنی امیه و بنی عباس جزء ۱۲ خلیفه قریشی وعده داده شده از قول نبی نیستند. خدا در قرآن می فرماید: (مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ)؛ بشر از خودش نمی تواند کتاب T حاکمیت و نبوت الهی را بیاورد. (۱) حاکمیت، مخصوص انبیاء و وارث انبیاء یعنی ائمه هدی است. همچنین در تفسیر آیه ۶۰ سوره اسراء، قوم بنی امیه را لعنت کرده است. (۲)

بنی امیه در قرآن و احادیث

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « ان اهل بیتی سیلقون بعدی من امتی قتلاً و تشریداً و ان اشدقو منلنا بغضاً بنو امیه و بنو المغیره و بنو مخزوم، و مروان بن الحکم کان طفلاً قال له النبی هو الوزغ بن الوزغ و المعلنون بن المعلنون »؛ زود است که بعد از من اهل بیتم، کسانی را از امتم ملاقات می کنند که آن ها را می کشند و پراکنده می کنند و به درستی که بغض و کینه و دشمنی بنی امیه و بنی مغیره و بنی مخزوم نسبت به ما از همه بیشتر است، و مروان ابن حکم در آن موقع بچه بود حضرت فرمود: این وزغ پسر وزغ و ملعون پسر ملعون

ص: ۱۸۴

۱- آل عمران / ۷۹.

۲- محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۲۳۶؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۹، ص ۱۴۱، حدیث ۱۶۹۳۰؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۸۵؛ محمد بن احمد قرطبی، جامع الاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۸۶؛ محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۸، ص ۱۰۲؛ احمد بن موسی ابن مردویه الاصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی، ص ۱۶۴، حدیث ۲۰۶ - ۲۰۸.

وقتی آیه ۶۰ سوره اسراء بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و حضرت در عالم رویا و مکاشفه بنی امیه را همانند بوزینه ها و میمون ها دید که منبر و محراب او را مورد تاخت و تاز قرار داده اند، دیگر حضرتش مسرور و خوش حال دیده نشد. آیا چنین حکام و سلاطین اولی الامر هستند که بفرموده قرآن، طاعت آنان واجب است؟ آیا این ها نعوذ بالله امام زمان هستند که عدم معرفت به آنان انسان را با مرگ جاهلیت از دنیا می رود. (۲)

اثبات امام زمان از حدیث نجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهب النجوم ذهب اهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب الارض »؛ ستارگان، امان و امنیت برای اهل آسمان ها هستند. اگر زائل بشوند، اهل آسمان نابود می شوند و اهل بیت من، امان برای اهل زمین هستند. اگر از بین بروند، اهل زمین از بین می رود. (۳) خود اهل سنت نقل کرده اند: «المهدی منا اهل البیت»؛ مهدی از ما اهل بیت است. (۴) پس اگر حدیث

ص: ۱۸۵

۱- ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۱۸۱، باب ۱۱؛ محمد بن عبدالرووف بن تاج العارفين مناوی، فیض القدير، ج ۲، ص ۷۶، حدیث ۱۳۲۶؛ محمد بن موسی دمیری، حياه الحيوان، ج ۲، ص ۴۲۲، علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۹، حدیث ۳۱۰۷۴.

۲- محمد بن احمد قرطبی، جامع الاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۸۳.

۳- محمد بن یزید ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۱۴۰؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۱۶؛ علی بن ابوبکر هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۷۴؛ مناوی، فیض القدير، ج ۶، ص ۲۹۷؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۷.

نجم و این حدیث را که کنار هم بگذاریم ثابت می کند که امام زمان هست و باید باشد.

حاکم نیشابوری به سند خود از محمد بن منکدر از پدرش و او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله سر مبارک سوی آسمان بلند کرده و فرمود: ستارگان، امان اهل آسمان هستند. هر وقت تیر و تار شوند عذابی که به اهل آسمان وعده داده اند فرا می رسد تا آنجا که فرمود: و اهل بیت من، امان امت من هستند که هر وقت زمین از وجود آن ها خالی شود آن عذابی که به امت من وعده داده اند یعنی قیامت به پا می شود. (۱) چرا؟ شما به قرآن مراجعه فرمایید که یکی از نشانه های قیامت، این است که ستارگان تاریک و تار شوند و از بین بروند. (۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه اشاره به مطلب فوق دارد که فرمودند: «الا- ان مثل آل محمد کمثل نجوم السماء اذا خوی نجم طلع نجم»؛ مثل وجود آل محمد همانند ستارگان است که ستاره ای غروب کند ستاره دیگر جای او را می گیرد. (۳) یعنی امامت در اهل بیت تا قیامت استمرار دارد.

وقتی شیطان از خدا درخواست کرد تا روز قیامت به من مهلت بده و گفت: به عزت تو سوگند که همه بندگان تو را گمراه خواهم کرد مگر آن بندگان مخلص و پاک تو. (۴) آنان هرگز گرد گناه نمی روند پس آن شخص مخلص

ص: ۱۸۶

۱- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۵۸.

۲- انفطار / ۲؛ مراسلات / ۸؛ تکویر / ۲.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰.

۴- ص / ۷۹-۸۳.

و معصوم و میرا از تمام گناه باید باشد که شیطان به هیچ طریقی نتواند در او نفوذ و رخنه کند و آن امام زمان معصوم و مظلوم ماست. (۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد می فرماید: «اللهم بلی لا تخلوا الارض من قائم الله بحجه اما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مغموراً»؛ خدایا بله خالی نمی شود زمین از آن قائمی که برای تو قیام می کند آن حجت و دلیل الهی (امام) می تواند ظاهر و آشکار و مستور و پنهان هم باشد. خدا در قرآن برای تأیید این مطلب می فرماید: (فَقُلْ إِنَّمَا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ)؛ بگو غیب فقط به خدا اختصاص دارد پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: غیب، وجود مقدس حضرت مهدی امام زمان است. (۳) همچنین آیه ۱۰۵ سوره توبه، آیه ۷۸ سوره حج ... که درباره شاهدان اعمال مردم در دنیا و آخرت هستند اثبات می کند که باید به وجود مقدس امام زمان معرفت و شناخت داشته باشیم تا با مرگ کفر آمیز و جاهلی از دنیا نرویم.

(وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛ بگو هر کاری می خواهید بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان اعمال و کردار شما را می بینند. (۴) امام صادق علیه السلام در ذیل و تفسیر آیه مذکور فرمود: هر روز صبح

ص: ۱۸۷

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۲- یونس / ۲۰.

۳- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ص ۱۸.

۴- توبه / ۱۰۵.

اعمال بندگان اعم از خوب و بد بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می شود و مراد از مؤمنان در این آیه ائمه هدی است. (۱)

جواب شبهه درباره آیه ۷۱ سوره اسراء

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ)؛ روز قیامت روزی است که مردم را با امامشان ندا می دهیم. (۲) و هابی ها می گویند: منظور از امام در این آیه، کتاب آسمانی است. به دلیل اینکه در جای دیگر قرآن آمده است (وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً)؛ و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی راهنما و رحمتی بود. (۳) اما جواب مختصر:

۱- آیه ۱۲ سوره احقاف نمی گوید تورات تنها امام بود بلکه موسی را هم ضمیمه و قرین کتاب کرده است و گفته «کتاب موسی»، اگر وجود موسی نباشد کتاب موسی (تورات) نمی تواند امام و هدایتگر باشد پس موسی و کتاب موسی هر دو امام هستند و لازم و ملزوم همدیگر هستند.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین فرمود: به دو چیز سنگین و ثقل چنگک بزیند و متمسک شوید: «کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا الی الحوض»؛ قرآن و عترت از اهل بیت، (ائمه هدی) که این دو از هم جدا نمی شوند.

۳- اگر فقط کتاب آسمانی، امام و حجت بر مردم بود، ارسال رسل و ائمه هدی بیهوده بود.

ص: ۱۸۸

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- اسراء / ۷۱.

۳- احقاف / ۱۲.

۴- خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر فرستاده و ۱۰۴ کتاب آسمانی بر انبیاء نه بر مردم نازل کرده است که مردم بتوانند از کتاب آسمانی بهره ببرند و از حقائق باطنی و ظاهری آن آگاه شوند. انبیاء، ترجمان کتاب هستند.

۵- کتاب آسمانی نیاز به مفسر و تبیین کننده آیات دارد که ائمه، وارثان انبیاء هستند. (۱)

۶- کتاب آسمانی خود نیاز به حافظ و نگهبان دارد چگونه می تواند به تنهایی امام و راهنما باشد. (۲) قرآن و کتب الهی خود در سینه و قلب امام برگزیده الهی است. (۳)

۷- قرآن اشاره دارد هر کس در دنیا رهبری برای خود برگزید در آخرت با او محشور می شود مثل فرعون و اتباعش. (۴)

۸- امام رضا علیه السلام فرمود: «یدعی کل اناس بامام زمانهم و کتاب ربهم و سنه نبیهم»؛ مردم در قیامت با امام زمانشان، کتاب خدا و سنت پیامبر مورد مواخذه و ندا قرار می گیرند. (۵)

۹- در تفسیر منثور سیوطی در ذیل آیه ۷۱ سوره اسراء از ابن مردویه نقل می کند از امام علی علیه السلام نقل روایت کرده که ایشان می فرمایند: «هر قومی

ص: ۱۸۹

۱- نحل / ۴۴؛ حشر / ۷.

۲- مراجعه شود به حجر / ۹؛ مائده / ۴۴.

۳- مراجعه شود به عنکبوت / ۴۹؛ یس / ۱۲؛ انبیاء / ۷؛ واقعه / ۷۹؛ رعد / ۴۳؛ فاطر / ۳۲.

۴- مراجعه شود به قصص / ۴۱ الی ۴۲؛ هود / ۹۷ الی ۹۹؛ نباء / ۱۸؛ بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷؛ اعراف / ۳۸؛ تحریم / ۸؛ صافات / ۲۲ و

۲۳؛ ق / ۲۳-۲۷-۲۹؛ زخرف / ۳۶ الی ۳۹؛ غافر / ۴۷ و ۴۸؛ فرقان / ۲۷ الی ۲۹؛ انبیاء / ۹۸ الی ۹۹؛ نساء / ۶۹.

۵- جواد رضوی، سیمای امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن، ص ۲۸۶.

را با امام زمانش فرا می خوانند.»، (۱) «هر شخص هر که را که دوست دارد در دنیا در آخرت با او همراه می شود» (۲)، «هر کس قومی را دوست داشته باشد با آن ها محشور و همراه می شود» (۳)، «هر کس قومی را علاقمند باشد خدا او را در زمره و گروه آنان در قیامت محشور می کند» (۴) همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم روایت شده است: «المره مع من احب، من احب حجرا حشره الله معه»؛ هر کس در دنیا کسی را دوست داشته باشد فردای قیامت با اوست.

ص: ۱۹۰

-
- ۱- عبد الصمد ساکی، اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام از قرآن و سنت، ج ۱، ص ۷۸۸.
 - ۲- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۲۸۳، حدیث ۵۸۱۶.
 - ۳- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۲۶، حدیث ۸۱۶۱.
 - ۴- طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۹۳، حدیث ۲۵۱۹.

پاسخ به یک شبهه مهم شبکه وهابی کلمه آیا حضرت علی علیه السلام فرموده من امام هستم؟!

ص: ١٩١

١- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ٢، ص ٦٣٣؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ٢، ص ٣١٢؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ٢، ص ١٧.

ابن مالک پاسخ می گوید به یک شبهه شبکه وهابی «کلمه» که آیا حضرت علی علیه السلام فرموده است من امام هستم؟

موضوع: امیرمؤمنان علی علیه السلام از امامت، ولایت و خلافت خود سخن می گوید و دفاع می کند که در لسان روایات شیعه و سنی آمده است.

۱- قال اخبرني عبدالرحمن بن اسحاق عن النعمان بن سعد عن اميرالمومنين عليه السلام قال: انا حجه الله و انا خليفه الله، و انا صراط الله و انا باب الله و انا خازن علم الله و انا الموتمن على سر الله و انا امام البريه بعد خير الخلقه محمد نبي الرحمه؛ عبدالرحمن بن اسحاق از نعمان بن سعید می گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: من حجت خدا، خلیفه خدا، راه خدا، باب خدا، خزانه دار دانش خدا، امانت دار سر الهی هستم. من امام مردمان پس از بهترین آفریده محمد پیامبر رحمتم. (۱)

۲- عن الاصبع بن نباته قال امير المؤمنين ذات يوم على منبر الكوفه: انا سيد الوصيين و وصي سيد النبيين انا امام المسلمين و قائد المتقين و ولي المومنين ... انا وارث علم الاولين و حجه الله على العالمين؛ اصبع بن نباته گوید: روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام بر فراز منبر کوفه فرمود: من سید اوصیاء و وصی سید انبیایم، من امام مسلمانان، پیشوای متقیان، ولی مؤمنان، همسر سرور زنان جهان، وارث علم پیشینیان و حجت خدا بر جهانیان هستم. (۲)

۳- عن الاصبع بن نباته قال- قال امير مؤمنان انا خليفه رسول الله و وزيره

ص: ۱۹۳

۱- محمد بن علی ابن بابویه، امالی شیخ صدوق، ص ۶۲، مجلس ۹، حدیث ۹.

۲- همان، ص ۴۴، مجلس ۷، حدیث ۲.

و وارثه انا اخو رسول الله و وصيه و حبيبه انا صفى رسول الله و صاحبه و انا سيد الوصيين و وصى سيد النبيين انا الحجة العظمى و آلايه الكبرى و المثل الاعلى و باب النبي المصطفى انا العروه الوثقى و كلمه التقوى و امين الله تعالى ذكره على اهل الدنيا؛ اصيغ بن نباته مى گويد: امير مؤمنان على عليه السلام فرمود: من جانشين، وزير و وارث پيامبر خدايم. من برادر پيامبر خدا و وصى و حبيب اويم. من دوست برگزيده و هم صحبت پيامبر خدايم، ... من سرور اوصياء و وصى سرور پيامبرانم. من حجت عظمى، آيه كبرى، مثل اعلى و باب پيامبر مصطفاهيم. من عروه الوثقى، كلمه التقوى و امين خدا بر اهل دنيايم. (۱)

۴- زيد بن على از پدر خود نقل مى كند كه امير مؤمنان على عليه السلام فرمود: كان لى عشر من رسول الله لم يعطهن احد قبلى و لا يعطاهن احد بعدى قال لى يا على انت اخى فى الدنيا و اخى فى الاخره و انت اقرب الناس منى موقفا يوم القيامة و منزلى و منزلك فى الجنه متواجهان كمنزل الاخوين و انت الوصى و انت الولى و انت الوزير؛ من ۱۰ چیز از پيامبر خدا دريافت نمودم كه به هيچ احدى پيش از من داده نشده بود و بعد از من نيز به هيچ كس داده نخواهد شد. پيامبر به من فرمود: اى على! تو برادر من در دنيا و آخرت هستى و در روز قيامت از همگان به من نزديك تر هستى و خانه من و تو در بهشت روبه روى يكديگر است. مانند خانه دو برادر. تو وصى، ولى و وزيرى. (۲)

۵- عن سيد الاوصياء امير المؤمنين على قال رسول الله: الاثمه من بعدى اثنا عشر اولهم انت يا على و آخرهم القائم؛ امير مؤمنان على عليه السلام فرمود: رسول اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: امامان پس از من ۱۲ نفرند. اولين آنان تو هستى اى

ص: ۱۹۴

۱- همان، ص ۶۸، مجلس ۱۰، حديث ۶.

۲- همان، ص ۱۳۲، مجلس ۱۸، حديث ۸.

علی و آخرینشان قائم (مهدی) است که خداوند مشرق ها و مغرب های زمین را به دست او فتح می کند. (۱)

۶- جابر بن عبدالله انصاری می گوید: حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام برای ما خطبه خواند. پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم در مقابل این منبر چهار نفر از بزرگان صحابه حضور دارند: انس ابن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعث بن قیس کنندی و خالد بن یزید بجلی باشند. سپس حضرت علی علیه السلام رو به انس بن مالک کرد و فرمود: ای انس آیا تو از پیامبر خدا شنیدی که می فرمود: هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست. سپس امروز اگر شهادت به ولایت من ندهی خدا تو را از دنیا نبرد مگر اینکه مبتلا به مرض پیسی شوی که عمامه هم نتواند آنرا بپوشاند. (۲)

۷- مردی به خدمت حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: ای ابوالحسن! تو ادعا می کنی که امیر مؤمنان هستی چه کسی تو را امیر مؤمنان نمود؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند مرا بر مؤمنان امیر قرار داد. آن مرد به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا علی راست می گوید که خداوند او را امیر مردم گردانده است؟ پیامبر غضب نمود سپس فرمود: به راستی که علی با ولایت الهی امیر مؤمنان گشته است. خداوند امیری او را از بالای عرش خود جاری نموده و فرشتگان خود را شاهد این امارت قرار داده است. به راستی که علی خلیفه خداوند و حجت الهی است. او امام مسلمانان است اطاعت از او قرین اطاعت از خداست و سرپیچی از او برابر مخالفت با خداست.

ص: ۱۹۵

۱- همان، ص ۱۹۶، مجلس ۲۳، حدیث ۹.

۲- همان، ص ۲۱۴، مجلس ۲۶، حدیث ۱.

۸- حضرت علی علیه السلام از پیامبر نقل کرده است که خداوند فرمود: من خدایی هستم که خدایی جز من نیست. آفریدگان را از قدرت خود به وجود آوردم. پس هرکدام از پیامبرانم را که خواستم از میان آنها برگزیدم و از میان همه آنها محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان حبیب، خلیل و صفی خود انتخاب کردم و علی علیه السلام را برای او اختیار نمودم پس او را برادر، وصی، وزیر و اداکننده حق نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خلقم پس از فوت او است. عمل هیچ عمل کننده ای از آفریدگانم را جز با اقرار به ولایت علی علیه السلام به همراه اقرار به نبوت احمد پیامبرم نمی پذیرم... به جلال خود سوگند که هرکس از بندگانم که ولایت علی علیه السلام را بپذیرد او را از آتش جهنم آزاد و وارد بهشت می کنم. (۲)

۹- امیرمؤمنان علی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که پیامبر فرمود: خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر آفرید که من گرامی ترین آنان در نزد خداوند هستم اما فخر نمی فروشم همچنین خداوند ۱۲۴ هزار وصی خلق نمود که علی علیه السلام گرامی ترین آنان در نزد خداوند متعال است. (۳)

۱۰- اصیغ بن نباته می گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: من سرور فرزندان آدم هستم. تو ای علی و امامان پس از تو سروران امتم می باشید.. هرکس ولایت ما را داشته باشد ولایت الهی دارد.. و هرکس از ما اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هرکس از ما نافرمانی کند نافرمانی از خدا کرده است. (۴)

۱۱- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منطقه قبا تشریف داشت به خدمت ایشان رسیدم تعدادی از صحابه نیز نزد آن ص: ۱۹۶

۱- همان، ص ۲۲۸، مجلس ۲۷.

۲- همان، ص ۳۹۴، مجلس ۳۹، حدیث ۱۰.

۳- همان، ص ۴۱۸، مجلس ۴۱، حدیث ۱۱.

۴- همان، ص ۸۳۰، مجلس ۷۲، حدیث ۱۶.

حضرت بودند هنگامی که پیامبر مرا دید صورت مبارکش درخشید و تبسم نمود بحدی که سفیدی دندان‌های‌شان را دیدم که برق می زد. سپس فرمود: نزد من آی ای علی! و همین طور مرا به خود نزدیک نمود تا اینکه ران من به ران ایشان رسید. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به اصحابش نمود و فرمود: ای اصحاب من با آمدن برادر من علی به سوی شما، رحمت به سوی شما روی آورد. ای اصحاب من! به راستی که علی از من است و من از اویم. روح او از روح من و سرشت او از سرشت من است و او برادر، وصی و جانشین من بر اتمم است. (۱)

۱۲- اصبع بن نباته می گوید: روزی علی علیه السلام دست حسین را گرفته بود و بر ما وارد شد و می گفت: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست مرا بدین گونه گرفته بود و بر جمعیت ما در آمد و می گفت: بهترین خلائق و سرور ایشان پس از من این برادر من است (یعنی علی) و او امام هر مسلمانی و حضرتی هر مومن پس از وفات من است. (۲)

۱۳- در خلافت عثمان بن عفان، حضرت علی علیه السلام تعداد زیادی از فضائل خصوصاً درباره امامت خود در پیشگاه مهاجر و انصار بیان فرمودند. (۳)... (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (۴) سئل عنها رسول الله فقال انزلها الله تعالى في الانبياء و اوصيائهم فانا افضل انبياء الله و رسله و علي ابن ابي طالب وصي افضل الاوصياء... فنصبتني للناس بغدير خم ثم خطب فقال ايها الناس ان الله عزوجل ارسلني برسالة ضاق بها صدري وظننت ان الناس مكذبني فواعدني لا بلغها اوليعدني ... قال: علي اخی و وزیری و وارثی و

ص: ۱۹۷

۱- همان، ص ۶۴، مجلس ۹، حدیث ۱۰.

۲- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۴۸۷، باب ۲۴، حدیث ۵.

۳- همان، ج ۱، ص ۵۱۳، باب ۲۴، حدیث ۲۵.

۴- واقعه/ ۱۰- ۱۱.

وصی و خلیفتی فی امتی و ولی کل مومن بعدی؛ از رسول خدا از سخن خدای تعالی (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أَوْلَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) سؤال شد. پس فرمود: خداوند این آیه را درباره پیغمبران و اوصیاء پیغمبران نازل فرموده است و من افضل انبیاء و رسولان خداوند هستم و وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام افضل اوصیاء است. (۱) ... پس پیامبر صلی الله علیه و آله خدا مرا در غدیر خم جانشین خود کرد و خطبه‌ای خواند و فرمود: مردم خداوند مرا مأموریت داده رسالتی را برسانم. من به واسطه آن دلتنگ شده، گمان بردم مردم مرا تکذیب کنند. پس خداوند مرا تهدید کرد که یا آن را برسانم و یا مرا عذاب می کند... فرمود: علی علیه السلام برادر، وزیر، وارث، جانشین و خلیفه من در امتم و سرپرست هر مؤمن بعد از من است. (۲) از علی علیه السلام روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ائمه پس از من ۱۲ نفرند که اول ایشان تویی ای علی و آخر آنان حضرت مهدی است. (۳) سلیم بن قیس می گوید: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: خداوند دعای مرا در حق تو و شریکانت که پس از تو می آیند اجابت کرده است. گفتم: ای رسول اکرم! شریکان من چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که خداوند آنان را قرین خودش و من ساخته است و فرموده است: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۴). گفتم: ای رسول اکرم! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان اوصیای من هستند تا آنکه در حوض کوثر بر من درآیند.

ص: ۱۹۸

۱- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۵۱۶، باب ۲۴، حدیث ۲۵.

۲- همان، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۳- همان، ص ۵۲۸.

۴- نساء / ۵۹.

۱۴- خطبه امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهروان درباره فضیلت و امامت خویش است. در ادامه خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أنا سيد الاوصياء و وصی خیر الانبياء»؛ من سرور جانشینان و وصی بهترین پیامبر هستم. در اواخر خطبه فرمود: «أنا ولی المومنین»؛ من ولی و سرپرست مؤمنان هستم. (۲)

۱۵- امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از حمد و ثنای الهی فرمود: « اتقوا الله عبادالله و اطيعوه و اطيعوا امامكم فان الرعيه الصالحه تنجو بالامام العادل الاوان الرعيه الفاجره تهلك بالامام الفاجر»؛ ای بندگان خدا! بترسید از خدا و با پیروی از امام و پیشوای خود او را پیروی کنید؛ زیرا که مردم نیک رفتار و شایسته به وسیله پیشوای عادل نجات یابند. آگاه باشید که مردم بدکردار بوسیله پیشوای نادرست نابود گردند و معاویه امروز حق مرا که در دست اوست به ناحق گرفته و بیعت مرا شکسته است. (۳)
قال علی علیه السلام: «اتقوا الله عباد الله و تحاثوا علی الجهاد مع امامکم»؛ ای بندگان خدا! پرهیزکار باشید و همراه پیشوا و امام خود به سوی جهاد بشتابید. (۴) «امامکم یطیع الله و انتم تعصونه»؛ امام و پیشوای شما مطیع خداوند است و شما معصیت او را می کنید. (۵)

۱۶- احتجاج حضرت علی علیه السلام بر مهاجر و انصار (۶): زمانی که امیرمؤمنان

ص: ۱۹۹

۱- شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، ص ۵۳۳، باب ۲۴، حدیث ۲۵.

۲- عمادالدین طبری، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، ص ۴۲.

۳- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۳۷۲، حدیث ۸۸.

۴- همان، ص ۳۷۷.

۵- همان، ص ۳۸۱.

۶- همان، ص ۳۰۰؛ همچنین مراجعه شود به شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام نعمه، ج ۱، باب ۲۴؛ علامه حلی، کشف الیقین، ص ۳۹۱؛ موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۲۲۲، باب ۱۹؛ ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، باب ۵۸، حدیث ۲۵۱؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۱۳، حدیث ۱۱۴۰؛ جلال الدین سیوطی، اللآلی المصنوعه، ج ۱، ص ۳۶۱.

علی علیه السلام اکثر فضائل خود را که مهاجر و انصار شنیده و دیده بودند، بیان کرد و آنان را قسم داد و آنها هم قسم یاد کردند و تأیید نمودند در اینجا بود که طلحه بن عبدالله که او را سیاستمدار قریش می گفتند معترضانه گفت: با ادعای خلافت ابوبکر و تصدیق یارانش چه کنیم؟ در آن روز که شما را با آن شدت در حالی که برگردنتان ریسمانی انداخته و همگی اصحاب به شما گفتند: بیعت کن و شما در آن مقام حجت خود را برای شان تمام نمودید و ابوبکر مدعی شد که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است که فرموده: خداوند منع می کند از اینکه نبوت و خلافت را در ما اهل بیت جمع نماید. حضرت علی علیه السلام پس از شنیدن این کلام ناراحت شد و فرمود: «أما والله ما صحيفه القى الله بها يوم القيامة أحب إلى من صحيفه هؤلاء الخمسة الذين تعاهدوا على الوفاء بها فى الكعبة إن قتل الله محمدا أو توفاه أن يتوازروا دون على و يتظاهروا فلا- تصل إلى الخلافة والدليل والله على باطل ما شهدوا، و ما قلت يا طلحه: قول نبى الله يوم غدیر خم: «من كنت أولى به من نفسه فعلى أولى به من نفسه». فكيف اكون أولى بهم من انفسهم و هم امراء على و حکام»؛ بخدا سوگند که هیچ صحیفه ای به هنگام ملاقات خداوند در روز قیامت در نزد من محبوبتر از صحیفه ای نیست که در آن ۴ نفر از مخالفین پیامبر در کعبه هم قسم شده و پیمان بستند که بعد از مرگ پیامبر علیه من با هم متحد شوند تا مانع رسیدن خلافت به من شوند و دلیل بر بطلان شهادت آنان و آنچه تو گفتی باشد. ای طلحه! به خدا سوگند همان فرمایش پیامبر در روز غدیر خم است که فرمود: هر که من از خودش به او برترم، علی نیز از نفس او به خودش برتر است. پس چگونه می شود کسانی که من از ایشان

بعد حضرت به حدیث منزلت و ثقلین اشاره کردند و اینکه اگر او سزاوار خلافت نبود چرا عمر او را در شورای شش نفره جا داد و فرمود: شما در زمان پیامبر بعنوان امیرمؤمنان بر من سلام کردید. (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: « قال فوالله الذي اكرمنا اهل البيت بالنبوه و الخلفه و جعل منا محمد او اكرمنا بعده بان جعلنا ائمه للمومنين لا يبلغ عنه غيرنا و لا تصلح الامامه و الخلفه الا فينا و لم يجعل لاحد من الناس فيها معنا اهل البيت نصيباً و لاحقاً و جعلنا من بعده محمد صلى الله عليه و آله خلفاء في ارضه و شهداء على خلقه و فرض طاعتنا في كتابه و قرننا بنفسه و بنبيه - فالله عزوجل جعل محمداً نبياً و جعلنا خلفاء من بعده في كتابه المنزل و .. »؛ پس به خدایی سوگند که ما اهل بیت را به نبوت و خلافت گرامی داشته و محمد را از میان ما به نبوت برگزید و پس از او، ما را به امامت اهل ایمان اکرام فرمود که جز ما هیچ کس نمی تواند از آن حضرت تبلیغ کند و مقام امامت و خلافت تنها در میان ما به اصلاح رسد و خداوند هیچ کس را در امر ولایت با ما شریک نگردانیده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء است و بعد از او پیامبری نیست و خداوند ما را پس از آن حضرت خلفای زمین و گواهان بر خلق خود قرار داده و طاعت ما را در کتاب خود واجب ساخته و در چندین آیه ما را قرین خود و پیامبرش فرموده است. پس خداوند در قرآن، محمد را نبی و ما را پس از وی خلفا قرار داده است و سپس خداوند پیامبر را مأمور رساندن آن به امت ساخت و آن حضرت طبق فرمان به ایشان رسانید. بعد حضرت قضیه ابلاغ سوره براءت را و گرفتن آن از ابوبکر بیان می کند که پیامبر فرمود: که

ص: ۲۰۱

۱- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۲- همان، ص ۳۱۵.

جزء مردی از من کسی نمی تواند آنرا ابلاغ کند. (۱)

« انما امر الله العامه جميعاً آن يبلغوا من لقوا من العامه ايجاب طاعه الائمه من آل محمد و ايجاب حقهم و انما بلغ عن رسول الله جميع ما جاء به من عند الله من بعده الائمه الذين فرض الله في الكتاب طاعتهم و امر بولايتهم من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله»؛ هر آينه خداوند، عامه مردم را امر فرمود که وجوب اطاعت از ائمه آل محمد و حقانيت آنرا به همگان رسانده و تبليغ کنند و رسول اکرم صلى الله عليه و آله به من فرمود: ای برادرم! جز تو کسی دین مرا ادا نمی کند و ذمه ام را بری نمی سازد و تنها تو دین و غرامت مرا پرداخت نموده و بر اساس سنت من جنگ خواهی کرد، فقط مأموریت تبليغ از پیامبر و جامه عمل پوشاندن به تمام آنها از عهده ی امامانی ساخته است که خداوند در قرآن اطاعت از آنان را واجب ساخته و دستور به ولایت ایشان داده است همانها که اطاعت ایشان قرین اطاعت خداوند بوده و عصیان و مخالفت با ایشان معصیت خداست. (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «أن رسول الله اسر الى في مرضه مفتاح الف باب من العلم يفتح من كل باب الف باب و لو ان الائمة منذ قبض رسول الله اتبعوني و اطاعوني لاكلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم .. و سمى من يكون من الائمة الهدى الذين امرالله بطاعتهم الى يوم القيامة فسماني اولهم ثم ابني هذين و اشار بيده الى الحسن و الحسين ثم تسعه من ولد البني الحسين»؛ رسول اکرم صلى الله عليه و آله به هنگام مریضی از روی سر هزار باب از علم بر من گشود که هر یک باب آن کلید هزار باب دیگر از علم است و چنانچه امت اسلام پس از وفات پیامبر از من پیروی کرده و اطاعت می نمودند از بالای سر تا

ص: ۲۰۲

۱- همان، ص ۳۱۸.

۲- همان، ص ۳۲۰-۳۲۱.

زیر پا از تمام خوبی‌ها برخوردار می‌شدند می‌دانید زمانی که پیامبر در بستر بیماری فرمود: دوات و کاغذ بیاورید که وصیت نمایم تا امت من گمراه نشوند. عمر از وصیت پیامبر جلوگیری کرد و پیامبر منصرف شد. وقتی شما خارج شدید و رفتید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا از مضمون آنچه می‌خواست بنویسد باخبر ساخت که جبرئیل از جانب خدا به او گفته است که قضای خداوند بر امت تو به اختلاف و تفرقه رقم خورده سپس کاغذی طلبد و آنچه قصد نوشتن آن داشت بر من املاء فرمود و نام تمام امامان هدایت و واجب الطاعه را تا روز قیامت نام برد اول نام مرا سپس دو فرزندم حسن و حسین و سپس ۹ نفر از اولاد فرزندم حسین را نام برد. (۱)

۱۷- احتجاج و دلیل آوردن حضرت علی علیه السلام راجع به امامت خود در مقابل ابوبکر، عمر، مهاجر و انصار: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا هؤلاء اکت ادع رسول الله مسجی لا اواریه و اخرج انازع فی سلطانه؟ والله ما خفت احدا یسمو له و ینازعنا اهل البیت فیه و یستحل ما استحلتموه، ولا علمت ان رسول الله صلی الله علیه و آله ترک یوم غدیر خم لاحد حجه و لا لقائل مقالا. فانشد الله رجلا سمع النبی صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم یقول: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»؛ ای مردم آیا سزاوار بود که من جنازه رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بر زمین گذاشته و بدون توجه به تجهیز، تکفین و دفن او می‌آمدم و بر سر خلافت منازعه می‌کردم؟ بخدا قسم که هیچ فکر نمی‌کردم کسی خود را برای خلافت عنوان کند و در آن با ما اهل بیت منازعه نموده و کار شما را انجام دهد؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز عید غدیر خم برای هیچ کس جای عذر و بهانه و حرفی باقی نگذاشت. پس شما را قسم می‌دهم به خداوند که هر کس در روز غدیر حضور داشته و این فرمایش پیامبر من

ص: ۲۰۳

کنت حضرت‌ه فهدذا علی حضرت‌ه را شنیده از جایش برخواست‌ه و اکنون شهادت دهد. (۱)

۱۸- امیر مؤمنان علی علیه السلام هفت روز بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه، «خطبه وسیله» را در باب حقانیت و امامت خود برای مردم بیان می کند و فرمود: «فان الله تبارک اسمه امتحن بی عباده.. و جعلنی زلفه للمومنین... و اختصنی بوصیته و اصطفانی بخلافته فی امته ولکن کان ذلک منه استخلاقاً لی کما استخلف موسی هارون... و قوله حین تکلمت طائفه فقالت نحن موالی رسول الله فخرج رسول الله الی حجه الوداع ثم صار الی غدیر خم فامر فاصلح له شبه المنبر ثم علاه و اخذ بعضدی حتی رئی بیاض ابطیه رافعاً صوته قائلاً فی محفله من کنت حضرت‌ه فعلی حضرت‌ه اللهم وال من والاه.. فکانت علی ولایتی ولایه الله و انزل الله عزوجل فی ذلک الیوم، الیوم اکملت لکم دینکم.. فکانت ولایتی کمال الدین ورضا الرب جل ذکروه و انزل الله تبارک و تعالی، اختصاصاً لی و تکرماً نحلیه..»؛ خداوند بندگانش را به وسیله من مورد آزمایش قرار داد... و مرا راهنمای مؤمنان قرار داد.. و مرا به جانشینی و خلافت او برگزید و بعد پیامبر مرا برای مهاجر و انصار معرفی کرد و فرمود: ای مردم! جایگاه علی نسبت به من همان جایگاه هارون نسبت به موسی است... پس مؤمنان سخن پیامبر را بعنوان پیمانی از جانب خدا به خلافت من پذیرفتند... که مراد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خلافت و جانشینی من از اوست. گروهی اظهار داشتند وارثان و جانشین پیامبر ما هستیم پس از اظهارات آنان پیامبر برای آخرین مناسک حج بیرون رفت تا در برگشتن به محل غدیر خم رسید. دستور داد چیزی شبیه منبر برای آن حضرت ترتیب دادند آنگاه بالای آن قرار گرفت و بازوی مرا گرفت و بلند نمود تا حدی

ص: ۲۰۴

که سفیدی زیر بغلم دیده شد سپس با صدای بلند و رسا در آن محفل فرمود: هر که من سرپرست او هستم پس علی سرپرست اوست... پس میزان ولایت و دوستی خدا، ولایت و دوستی من مقرر گردید.. و چون خدا آیه ۳ سوره مائده فرو فرستاد. پس با ولایت من، دین به کمال رسید و موجب رضای پروردگار گردید و نیز خدا در ارتباط با ولایت و سرپرستی من مرا گرامی داشت و بزرگی و فضیلت داد و هدیه ای از جانب خود و رسولش به من اختصاص داد، در وجود من فضایی است که اگر آنها را ذکر نمایم مقام والايم روشن می گردد و سخن به درازا می کشد. (۱)

۱۹- امیرمؤمنان علی علیه السلام امامت و حقانیت خود را مجدداً معرفی می کند و متذکر می شود: «والذی فلق الحبه و برا النسمه لقد علمتم انی صاحبکم والذی به امرتم و انی عالمکم و الذی بعلمه نجاتکم و وصی نبیکم و خیره ربکم و لسان نورکم و العالم بما یصلحکم فعن قلیل رویدا ینزل بکم ما وعدتم و ما نزل بالامم قبلکم و سیسالکم الله عزوجل عن ائمتکم معهم تحشرون...»؛ سوگند به آن که دانه را شکافت و آفریده ها را آفرید، خودتان به خوبی می دانید که امام شما و آنکه به شما دستور داده شد از او پیروی نمایید، من هستم و عالم در میان شما و کسی که راه نجات علم اوست و خلیفه پیامبرتان و برگزیده پروردگارتان و نور هدایت شما و عالم به آنچه صلاح شماست، من هستم. بزودی آنچه به شما وعده داده شده و آنچه بر امتان پیش از شما گذشت، در می یابید و بزودی خدا از شما در ارتباط با رفتارتان با امامان خود سؤال خواهد نمود، با آنان برانگیخته خواهید شد و در دادگاه عدل او حاضر می شوید. بدانید بخدا سوگند! اگر یارانی به شماره اصحاب طالوت (گفته شده سیصد و سیزده نفر بوده اند) یا به شماره اهل بدر

ص: ۲۰۵

می یافتم با شمشیر شما را می زدم تا به راه حق برگردید... روای می گوید: بعد حضرت از مسجد خارج گردید گذرش به آغلی افتاد که حدود ۳۰ گوسفند در آن بود سپس فرمود: بخدا سوگند اگر به شماره این گوسفندان مردانی خیرخواه خدا و رسولش داشتیم حق خود را استیفاء می کردم. (۱)

۲۰- حضرت علی علیه السلام در مقابل ابوبکر برای اثبات امامت، خلافت و حقانیت خودش ۴۳ دلیل می آورد.

امیرمؤمنان به ابوبکر فرمود: «قال انشدك بالله الى الولاية من الله مع ولاية رسول الله في آية زكاة الخاتم ام لك قال بل لك، قال انشدك بالله انا المولى لك و لكل مسلم بحديث النبي يوم الغدير ام انت؟ قال بل انت-»؛ تو را بخدا سوگند می دهم در آیه ای که درباره بخشیدن انگشتر فرو فرستاده شد برای من ولایت از جانب خدا به همراه ولایت پیامبر خدا قرار داده شد یا برای تو؟ ابوبکر عرض کرد: برای شما. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم که آیا من بر پایه ی سخن پیامبر در روز عید غدیر خم پیشوای تو و همه ی مسلمانان هستم یا تو؟ عرض کرد: البته شما. (۲)

۲۱- احتجاج امیرمؤمنان علیه السلام بمثل هذه الخصال على الناس يوم الشورى. قال: نشدتكم بالله هل فيكم احد قال له رسول الله انت الخليفة في الاهل و الولد و المسلمين في كل غيبه .. غيري؟ قالوا اللهم لا... قال نشدتكم بالله هل فيكم احد قال له رسول الله «انت امام من اطاعنى و نور اوليائى و الكلمه التى الزمتها المتقين غيرى؟» قالوا اللهم لا ... قال نشدتكم بالله هل فيكم احد قال له رسول الله انا سيد ولد آدم و انت يا على سيد العرب ؛ احتجاج و ادله امير

ص: ۲۰۶

۱- همان، ص ۱۰۴-۱۰۶-۱۰۸.

۲- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۸۲۴، باب الاربعین.

مؤمنان علی علیه السلام درباره امامت و خلافت و فضائل خود در مقابل درب شورا زمان انتخاب شدن عثمان بن عفان: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آیا به جز من در میان شما کسی هست که پیامبر اسلام به او فرموده باشد: هرگاه من در میان شما نباشم تو در میان خانواده، فرزندان من، و در میان مسلمین جانشین من هستی. گفتند: نه!... امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آیا در میان شما مهاجر و انصار کسی هست که پیامبر درباره او غیر من فرموده باشد: تو امام و پیشوای کسی هستی که مرا فرمان برد و روشنی دوستان منی و همان کلمه‌ای هستی که پروا پیشگان به آن پیوسته همراه‌اند؟ گفتند: بخدا که نه؟... امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: آیا در میان شما کسی هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او به غیر از من فرموده باشد: من سرور فرزندان آدم هستم و تو ای علی سرور عرب هستی؟ اهل شورا گفتند: بخدا که نه. (۱)

۲۲- امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیثی به هفتاد منقبت و فضیلت بی نظیر خود که اشارات زیادی راجع به امامت ایشان است اشاره می‌فرماید. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «یحشر أمتی یوم القیامه علی خمس رایات، فأول رایه ترد علی رایه فرعون هذه الأمة وهو معاویه، والثانیه مع سامری هذه الأمة وهو عمرو بن العاص، والثالثه مع جاثلیق هذه الأمة وهو أبو موسی الأشعری، والرابعه مع أبی الأعور السلمی، وأما الخامسة فمعك یا علی تحتها المومنون و انت امامهم»؛ امت من در روز رستاخیز با پنج پرچم محشور می‌شوند: نخستین پرچمی که نزد من می‌آیند، پرچم فرعون این امت است که همان معاویه است. دومین پرچم با سامری این امت است که همان عمرو بن عاص است. سومین پرچم با جاثلیق این امت است که همان ابوموسی اشعری است. چهارمین پرچم با الأعور سلمی است

ص: ۲۰۷

و پنجمین پرچم به همراه توست. ای علی! که همه مؤمنان در زیر آن هستند و تو پیشوای آنان هستی. (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «ابشر یا علی فانی جبرئیل اتانی فقال لی یا محمد ان الله تبارک و تعالی نظر الی اصحابک فوجد ابن عمک و ختنک علی ابنتک فاطمه خیر اصحابک فجعله وصیک و المودی عنک»؛ مزده باد بر تو ای علی همانا جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند فرازند به یارانت نگریست و پسر عمویت و شوهر دخترت فاطمه را بهترین همدم تو یافت و او را جانشین و پیام رسان تو قرار داد. (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «فانی کنت اصلی فی المسجد فجاء سائل فسأل و انا راکع فناولته خاتمی من اصبعی فانزل الله تبارک و تعالی فی انما ولیکم الله .. فان رسول الله امران ادعی بامرہ المومنین فی حیاته و بعد موته و لم یطلق ذلک لاحد غیری، فان رسول الله قال یا علی اذا کان یوم القیامه نادى مناد من بطان العرش این سید الانبیاء؟ فاقوم ثم ینادی این سید الاوصیاء؟ فتقوم و ..»؛ در مسجد مشغول نماز بودم. در مانده‌ای وارد شد و چیزی خواست. من در حال رکوع بودم و انگشتری را که در انگشت داشتم به او بخشیدم. خداوند به موجب کارم آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (۳) را نازل کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله سفارش کرد که چه در دوران زندگی اش و چه پس از وفاتش امیرمؤمنان خوانده شوم و به جز من کسی را به این لقب نخوانند. رسول خدا

ص: ۲۰۸

۱- همان، ص ۸۷۶، باب هفتادگانه.

۲- همان، ص ۸۸۰.

۳- مائده / ۵۵.

فرمود: در روز قیامت ندا دهنده‌ای از جانب عرش الهی ندا دهد سرور پیامبران کجاست؟ من برخیزم. سپس ندا دهد سرور خلفا و جانشینان کجاست؟ ای علی تو بر می خیزی و... (۱)

۲۳- مردم با ابوبکر در مسجد پیامبر جمع شده بودند. امیرمؤمنان علی علیه السلام با صدای بلند صدا زد: ای مردم! من از آن وقتی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، مشغول غسل آن حضرت بودم، بعد مشغول قرآن بودم تا این که همه آن را در یک پارچه جمع کردم. خداوند آیه ای از قرآن بر پیامبر نازل نکرده مگر اینکه آنرا جمع کردم و آیه ای از آن نیست مگر اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنرا بر من خواند و تأویل آن را به من یاد داد. بعد امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: تا فردا نگوئید ما از این غافل بودیم، روز قیامت نگوئید شما را به یاری خویش نخواندم، حقم را به یاد شما نیاوردم و شما را به کتاب خدا از ابتدا تا انتهایش فرا نخواندم. (۲)

۲۴- امیرمؤمنان به ابوبکر، عمر و اطرافیان فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شما سفارش کرده و فرمود: من بین شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم: قرآن و اهل بیتم. چون آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر نزد من بیایند. پس اگر آنرا می پذیرید مرا هم با آن بپذیرید بین شما به آنچه خداوند در قرآن نازل کرده، حکم کنم چون من به تأویل، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و حلال و حرام آن از شما دانانترم. (۳)

۲۵- ابوبکر دنبال امیرمؤمنان علی علیه السلام قاصد فرستاد که خلیفه پیامبر را اجابت کن. فرستاده ابوبکر نزد حضرت علی علیه السلام آمد و به ایشان پیغام ابوبکر

ص: ۲۰۹

۱- همان، ص ۸۸۴-۸۸۶.

۲- محدث قمی، بیت الاحزان، ص ۱۴۴؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۵۸۱.

۳- محدث قمی، بیت الاحزان، ص ۱۴۴.

را رساند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: سبحان الله! چه زود به رسول اکرم صلی الله علیه و آله دروغ بستید. او به خوبی می داند و کسانی که اطراف او هستند نیز می دانند که خدا و رسولش جز من کسی را جانشین قرار ندادند. (۱)

۲۶- امیرمؤمنان علی علیه السلام بعد از فراغت از غسل، کفن و دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل عده ای از بنی هاشم و عده ای از اصحاب حدود ۴۰ نفر، خطبه ای ایراد کردند و فرمودند: اگر امامت در قریش بود پس من از همه قریش به آن سزاوارترم. (۲)

۲۷- ابن عباس خدمت حضرت علی علیه السلام رفت آن وقتی که رسول الله از دنیا رفته بود به حضرت عرض کرد: دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم. حضرت فرمود: مگر چه کسی دنبال این امر است و چه کسی به جز ما صلاحیت آنرا دارد. (۳)

۲۸- امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از شنیدن محرومیت حضرت زهراى مرضیه ÷ از فدک، نامه‌ای به ابوبکر نوشت و در ضمن اشاره ای به امامت خود در روز غدیر خم نمود. حضرت علی علیه السلام فرمود: « و انی لصاحبکم بالامس لعمر ابی لن تحبوا ان تکون فینا الخلفه و النبوه »؛ آری من همان پیشوای دیروزتان هستم (که در غدیر خم با من بیعت کردید) به خدا سوگند که نیک می دانم شما نمی خواهید نبوت و خلافت در خانواده ما جمع شود. (۴)

۲۹- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرا به امر خدا نصب

ص: ۲۱۰

۱- همان، ص ۱۴۶.

۲- همان، ص ۱۷۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۵۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۷.

۳- همان، ص ۱۷۸، باب ۱۷؛ به نقل از مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۵۹.

۴- همان، باب ۳؛ احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ص ۲۲۰.

۳۰- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ان لا اله الا الله شروطاً وانی و ذریتی من شروطها و لیس منا اهل البیت امام الاوهو عارف باهل ولایت و ذلك لقول الله تعالى: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۲) انا یعسوب المومنین؛ لا اله الا الله شروطی دارد و من و فرزندانم از شروط آن هستیم. از ما اهل بیت امامی نیست جز اینکه دوستانش را می شناسد؛ زیرا خداوند می فرماید: «تو فقط هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی رهبری است» من پیشوای مؤمنانم. (۳)

۳۱- امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای به عثمان بن حنیف انصاری نوشتند: «الا- و إن لكل مأموم اماماً، یقتدی به و یتضیء بنور علمه؛ الا و إن امامکم قد اکتفی من دنیاہ بطمریه...»؛ آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد. آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامعه فرسوده و قرص نان رضایت داده است. (۴)

۳۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای به مصقله بن هبیره شیبانی نوشتند: «بلغنی عنک أمر إن کنت فعلته فقد أسخطت إلهک و عصیت إمامک»؛ گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای.

ص: ۲۱۱

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۸۸، باب ۴، حدیث ۸.

۲- رعد/ ۷.

۳- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۲۰، حکمت ۱۰۳.

۴- نهج البلاغه، نامه ۴۵. امیرمؤمنان علی علیه السلام این نامه را به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت مهمانی سرمایه‌داری از مردم بصره را پذیرفت در سال ۳۶ هجری نوشته است.

۳۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام در جواب نامه معاویه نوشتند: «فنحن مره أولى بالقرابه و تاره اولی بالطاعه»؛ پس ما یکبار به خاطر خویشاوندی با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بار دیگر به خاطر اطاعت الهی سزاوار خلافتیم. (۲)

۳۴- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لا یقاس بآل محمد من هذه الامه احد... و لهم خصائص حق الولاية و فیهم الوصیه و الوارثه الا ان اذ رجع الحق الی اهله و نقل الی منتقله»؛ کسی را با خاندان پیامبر نمی شود مقایسه کرد. ولایت حق مسلم آل محمد است و همانان وصی و وارث پیامبر هستند و هم اکنون با قبول خلافت من، حق به حقدار رسید و حقیقت به جایگاه اصلی خویش بازگشت. (۳)

۳۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «اللهم انی استعدیک علی قریش و من اعانهم فانهم قد قطعوا رحمی و اکفؤا انائی و اجمعوا علی منازعتی حقاً کنت اولی به من غیری»؛ بار خدایا! از قریش و تمام کسانی که یاری شان کردند به پیشگاه تو شکایت می کنم؛ زیرا پیوند خویشاوندی مرا قطع کرده، مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمرده و در غضب حق من با یکدیگر همدست شدند. (۴)

۳۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «فإنهم قد أجمعوا علی حربی کأجمعهم علی حرب رسول الله قبلی فجزت قریشا عنی الجوازی! فقد قطعوا رحمی و سلبونی سلطان ابن امی»؛ همانا قریش در جنگ با من متحد شدند آن گونه که پیش از من در نبرد با رسول خدا هماهنگ بودند. خدا قریش را

ص: ۲۱۲

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام این نامه را به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار "فیروزآباد فعلی" در سال ۳۸ هجری نوشته است.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۸. امیر مؤمنان علی علیه السلام این نامه را در جواب نامه معاویه که یکی از نیکوترین نامه‌های امام است که پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری نوشته است.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲.

به کیفر اعمالشان برساند. آنها پیوندی خویشاوندی مرا بریدند و حکومت فرزند مادرم (پیامبر) را از من ربودند. (۱)

۳۷- عن علی علیه السلام قال فی قوله تعالی «وَإِنَّ الَّذِينَ لَمَا يُؤْمِنُونَ بِالْمَخْرَجِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَابُونَ» (۲) قال: عن ولایتی؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام، خدا در قرآن درباره «کسانی که ایمان به آخرت ندارند و از صراط و راه حق منحرف می شوند» فرمود: منظور از راه، ولایت و امامت من هست. (۳)

۳۸- عن علی علیه السلام کنا نری أن لنا فی هذا الامر حقاً فاستبددتم علينا؛ ما برای خود در امر خلافت اسلامی حق قائل بودیم و لکن شما در سقیفه در این کار مستبدانه عمل کردید. (۴)

۳۹- امیر مؤمنان علی علیه السلام به ابوبکر در سقیفه خطاب کرد: «أنا احق بهذا الامر منکم لا ابایعکم و انتم اولی بالبیعه لی»؛ من اولی و به امر خلافت به حق هستم و با شما بیعت نمی کنم و شما باید با من دوباره بیعت کنید. (۵)

۴۰- قال علی علیه السلام قال لی رسول الله مرحباً بسید المسلمین و امام المتقین؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خطاب کرد و فرمود: آفرین بر تو ای سرور مسلمانان و امام پاکان. (۶)

۴۱- قال علی علیه السلام قال النبی یا علی انت تبری ذمتی و انت خلیفتی فی امتی؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خطاب کرد و

ص: ۲۱۳

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۶.

۲- مؤمنون / ۷۴.

۳- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۶۱۰، حدیث ۵۶۲.

۴- محمد بن حسن طوسی، النهایه، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ص ۱۳.

۶- حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۹.

فرمود: تو خلیفه و جانشین من در امت من هستی. (۱)

۴۲- عن علی علیه السلام قال رسول الله من احب أن یركب السفینه النجاه و یستمسک بالعره الوثقی و یعتصم بحبل الله المتقین فلیوال علیاً و لیاتم بالهداه من ولده؛ علی علیه السلام فرمود نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد سوار بر کشتی نجات شود و به ریسمان محکم الهی چنگ بزند و به ریسمان خدا پناه ببرد، ولایت و امامت علی و فرزندان هادی و هدایتگر او را بپذیرد و پیشوای خود قرار دهد. (۲)

۴۳- امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روزهای اول دعوت خودش زمانی که آیه ۲۱۴ سوره شعرا نازل شد که اقوام نزدیک را انذار کن دست بر گردن من گذارد و فرمود: «ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم»؛ این علی! برادر، وصی و جانشین من میان شماست. (۳)

۴۴- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ان الله جعلنا ابوابه و صراطه و سبيله و الوجه الذی یاتی منه فمن عدل عن ولایتنا او فضل علینا غیرنا فانهم عن الصراط لنا کبون»؛ خدا ما را درب الهی، صراط، راه و صورتی که به سوی خدا و دین خدا باشد، قرار داد. هر کس از امامت و ولایت ما منحرف شود یا دیگری را بر ما فضیلت دهد از راه مستقیم منحرف شده است. (۴)

۴۵- امیرمؤمنان علی علیه السلام در اثنای خطبه‌ای فرمود: «أنا عبدالله و أخو رسوله لا یقولها احد قبلی و لا بعدی الا کذاب، ورثت نبی الرحمه و نکحت سیده النساء هذه الامه و أنا خاتم الوصیین»؛ من بنده خدا، برادر رسول خدا،

ص: ۲۱۴

۱- سید علی بن شهاب‌الدین همدانی، الموده القربی، ص ۱۶.

۲- ابوالقاسم حسکانی، شواهدالتزیل، ص ۷۱، حدیث ۱۷۷.

۳- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۲.

۴- محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائرالدرجات، ص ۵۱۷؛ ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائدالسمطین، ج ۲، ص

۳۰۰؛ ابن بطریق، خصائص الوحی المبین، ص ۷۲ و ۱۱۰.

این کلمه را کسی قبل از من نگفته است و بعد از من نیز نخواهد گفت مگر دروغگو، من از پیامبر صلی الله علیه و آله رحمت ارث برده و با سیده زنان این امت ازدواج کرده ام و من خاتم و بزرگ اوصیاء هستم. (۱)

۴۶- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «أنا اخو رسول الله و وصیه»؛ من وصی و جانشین پیامبرم. (۲)

۴۷- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: خداوند ولایت و امامت مرا بر امت های گذشته فرض نمود که بپذیرند با همان اختلاف زبانی که داشتند بسیاری از آنها قبول نمودند و اقرار به فضیلت من نکردند. (۳)

۴۸- امیرمؤمنان علی علیه السلام در شأن نزول آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۴) فرمود: مراد از منذر، رسول خدا است و مراد از هادی من هستم. (۵)

۴۹- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سالت فیک خمساً فمنعنی واحده و اعطانی فیک اربعه.. و انت ولی المومنین بعدی»؛ ای علی! من از خدا درباره تو پنج تقاضا کردم. یکی را امتناع نمود و چهار تای دیگر را برآورد. یکی از آن چهار تا اینکه ولی و سرپرست مؤمنان بعد از من باشی. (۶)

۵۰- نامه امیرمؤمنان به معاویه که حضرت به صورت اشعاری، فضایی از فضائل خود، از جمله ولایت و امامت خود را در غدیر خم متذکر می شود.

ص: ۲۱۵

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۲۲۲، باب ۱۹.

۳- محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۹۷.

۴- رعد/۷.

۵- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰.

۶- زرنندی حنفی، نظم درر السمطین، ص ۱۱۹.

۵۱- حضرت علی علیه السلام می فرماید خداوند آیه ۵۹ سوره نساء را با نصب من به امامت بدست پیامبر در روز غدیر خم تفسیر کرد. (۲)

۵۲- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «والله انی لآخوه و ولیه و وارثه و ابن عمه، فمن احق به منی»؛ بخدا سوگند که من برادر پیامبر، وارث و جانشین او هستم. پس چه کسی سزاوارتر به او از من است؟ (۳)

۵۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: «بایع الناس لابی بکر و انا والله اولی بالامر منه و احق به منه»؛ مردم با ابوبکر بیعت کردند در حالی که بخدا سوگند من سزاوارتر و مستحق تر از او به امر خلافت بودم. (۴)

۵۴- از امام علی علیه السلام روایت شده است که پیامبر فرمود: «یا علی انت وصی و انت الامام ابوالائمه الاحدی عشر الذین هم المطهرون المعصومون»؛ ای علی! تو جانشین من و امام هستی و پدر ۱۱ امام که همگی معصوم و مطهرند. (۵)

۵۵- از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انا و انت و الائمه من ولدك سادات فی الدنيا و ملوک فی الاخره»؛ ای علی! من و تو و ائمه و پیشوایان از صلب تو سروران در دنیا و پادشاهان در آخرت هستند. (۶)

۵۶- از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله

ص: ۲۱۶

۱- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۲۱؛ علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۲.

۲- ابراهیم بن محمد حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۲، حدیث ۲۵۰.

۳- نسائی، خصائص، ص ۸۶؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶، حدیث ۴۶۳۵؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۷، حدیث ۱۷۶.

۴- علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۵، ص ۷۲۴، حدیث ۱۴۲۴۳.

۵- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۹۷، باب ۱۶.

۶- سید علی بن شهاب الدین همدانی، الموده القربی، ص ۹۶؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ص ۱۴۵-۲۵۴ و ۴۴۵، باب ۴۱.

فرمود: وقتی در روز قیامت خلائق از اولین و آخرین جمع می شوند و صراط بر روی جهنم نصب می شود احدی نمی تواند از آن عبور کند مگر آنکه برائتی از تو داشته باشد یعنی در دنیا دارای ولایت تو بوده باشد. (۱)

۵۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: از نبی اکرم صلی الله علیه و آله درباره آیه « كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مَبَارَكٍ زَيْتُونِهِ لَا شَرْقِيَّهِ وَلَا غَرْبِيَّهِ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ » (۲) سوال کردم. گفت: منظور از «مِشْكَاةٍ»، فاطمه علیها السلام است و مراد از «الْمِصْبَاحُ»، حسن و حسین علیه السلام هستند و «الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، فاطمه می باشد. «شَجَرِهِ مَبَارَكٍ»، ابراهیم نبی است. «نُورٌ عَلَى نُورٍ»، یعنی از نسل فاطمه امامانی است که یکی بعد از دیگری می آید. «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»، یعنی خدا هدایت می کند به ولایت و امامت ما هر که را بخواهد. (۳)

۵۸- امیر مؤمنان علی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که مرا نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: *الآن جبرئیل به نزد من آمد و گفت: «تختموا بالعقیق فانه اول حجر شهد الله بالوحدانية ولی بالنبوه و لعلی بالوصیه ولولده بلامامه و لشیعته بالجنه»؛ انگشتری و خاتم عقیق در دست کنید که عقیق، اول سنگی است که به یکتایی خدا، به پیامبری من، صایت علی و فرزندان او و به بهشتی بودن شیعیان او گواهی داده است.*

ص: ۲۱۷

۱- محب الدین طبری، ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۷۲؛ سید بن طاووس، طرائف، ص ۱۹۵.

۲- نور/۳۵.

۳- ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۳۱۷ و ۲۲۳؛ سید بن طاووس، طرائف، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۵۹- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ایها الناس انا امام البریه و وصی خیر الخلیفه و ابوالعتره الطاهره الهادیه انا اخو رسول الله و وصیه و ولیه و صفیه و حبیبه انا امیر المؤمنین و قائد الغمر المحجلین و سید الوصیین»؛ ای مردم! من امام خلائق، وصی بهترین مخلوقات، پدر عترت طاهره هادی هستم. من برادر رسول اکرم، وصی او، ولی او، صفی او، حبیب او هستم. من امیرالمؤمنین، پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدان و آقا و سید اوصیاء هستم. (۲)

۶۰- نشد علی علیه السلام الناس فی الرحبه من سمع رسول الله يقول یوم غدیر خم إلا قام. قال فقام من قبل سعید سته و من قبل زید سته. فشهدوا انهم سمعوا رسول الله يقول لعلی یوم غدیر خم: الیس الله اولی بالمؤمنین؟ قالوا بلی قال: اللهم من كنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؛ حضرت علی علیه السلام در رجب، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم سخنی در حق من از رسول خدا شنیده است از جا برخیزد. در این هنگام شش تن از کنار سعید بن وهب و شش تن از کنار زید بن یسع برخاستند و گواهی دادند که آنان در آن روز از رسول خدا در محل غدیر شنیدند، خطاب به مردم فرمود: آیا خداوند از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیست؟ حاضران گفتند: آری. رسول خدا فرمود: بار خدایا هر که من مولای او هستم، این علی مولای اوست. بار خدایا دوست بدار کسانی که او را دوست دارند و دشمن باش با کسی که با او دشمنی ورزد.

ص: ۲۱۸

۱- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۲۳۴، باب ۱۹؛ ابن ابی فوارس، اربعین، ص ۱۴۹، حدیث ۳۹؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۸۸.

۲- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۲۴۱، باب ۱۵، حدیث ۱۵؛ محمد سلطان الواعظین، شبهای پیشاور، ج ۲، ص ۱۰۴۷.

۶۱- حضرت علی علیه السلام فرمود: «نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد»؛ ما اهل بیت رسول هستیم که احدی را نتوان قیاس به ما کرد. (۲)

۶۲- امیرمؤمنان علی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «لما ادخلت الجنة رايت فيها شجرة... قلت يا جبرئيل لمن هذه الشجرة؟ قال هذه لابن عمك امير المومنين علي ابن ابي طالب»؛ چون وارد بهشت شدم درختی را در آنجا دیدم که زیور و زینت هایی در برداشت... گفتم: ای جبرئیل! این درخت برای کیست؟ گفت: این برای پسر عموی تو امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۳)

۶۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: «أنا خليفه رسول الله فيكم و مقيمكم على حدود دينكم و داعيكم الى جنه الماوى»؛ من جانشین و خلیفه رسول خدا در میان شما هستم. (۴)

۶۴- حضرت علی علیه السلام فرمود: «أنا و اهل بيتي امان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السماء»؛ من و اهل بیتم (ائمه هدی) امان و امنیت کامل برای کل اهل زمین هستیم. همان طور که ستارگان امان برای اهل آسمان هستند. (۵)

۶۵- حضرت علی علیه السلام فرمود: «أنا شاهد لكم و حجيج يوم القيامة

ص: ۲۱۹

۱- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۱۵۶، باب ۱۴، حدیث ۱۸۵؛ ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۶۹، باب ۱۰، حدیث ۳۸؛ ابن عقده، الولایه، ص ۲۳۶ و ۲۵۲، حدیث ۷۳ و ۹۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۸؛ محمد بن یوسف گنجی، کفایه الطالب، ص ۶۳، باب ۱؛ ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۵، ص ۲۶، رقم ۲۸۵؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۳۰۰، رقم ۵۲۱۳؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۶۷؛ نسائی، خصائص العلوی، ص ۹۶؛ سمهودی، جواهر العقدین، ج ۲، ص ۸۰، باب ۴۰؛ ابن جرزی شافعی، اسنی المطالب، ص ۴۸؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۱۰۸، باب ۴، حدیث ۳۰.

۲- علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۴، حدیث ۳۴۲۰۱؛ الفضائل، باب ۵.

۳- موفق بن احمد اخطب خوارزمی، مناقب، ص ۷۷، باب ۶، حدیث ۵۲؛

۴- عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۰۴، حدیث ۳۷۶۵.

۵- همان، حدیث ۳۷۶۴.

علیکم»؛ من شاهد بر شما و حجت و دلیل از طرف خدا برای شما در قیامت هستم. (۱)

۶۶- حضرت علی علیه السلام فرمود: «أنا داعیکم الی طاعه ربکم و مرشدکم الی فرائض دینکم و دلیلکم الی ما ینجیکم»؛ من دعوت کننده شما به سوی طاعت خدا هستم و به واجبات دین تان هدایت می کنم و دلیل و راهنمای شما بسوی نجات و رستگاری هستم. (۲)

۶۷- امیرمؤمنان علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: «ان لیلہ القدر فی کل سنه و انه ینزل فی تلک الیلہ امر السنه و لذلك الامر و لاه بعد رسول الله فقال ابن عباس من هم؟ قال علیه السلام: انا واحد عشر من صلیب ائمه محدثون»؛ شب قدر در هر سال است. در آن شب برنامه سال فرود می آید و پس از پیامبر آن برنامه عهده دارانی دارد. ابن عباس گفت: چه کسانی هستند؟ امام علی علیه السلام فرمود: من و ۱۱ فرزند از نسل خودم، امامان و پیشوایانی محدث که از عالم غیب با آنان سخن گفته می شود. (۳)

۶۸- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود پیامبر بمن فرمود: «یا علی اتدري ما معنی لیلہ القدر؟ فقلت: لا یا رسول الله. فقال ان الله تبارک و تعالی قدر فیها ما هو کائن الی یوم القیامه فکان فیما قدر ولایتک و ولایه الائمہ من ولدک الی یوم القیامه»؛ ای علی! آیا می دانی معنای شب قدر چیست؟ گفتم: نه. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال در آن شب آنچه را تا روز قیامت خواهد شد مقدر کرده است و از جمله آنچه مقدر کرده ولایت تو و ولایت امامان از

ص: ۲۲۰

۱- همان، حدیث ۳۷۶۲.

۲- همان، حدیث ۳۷۶۳.

۳- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۷ و ۵۳۲، حدیث ۲ و ۱۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۵، حدیث ۲۵.

۶۹- حضرت علی علیه السلام فرمود: «علیکم بطاعه ائمتکم فانهم الشهداء علیکم الیوم و الشفعاء لکم عندالله تعالی غداً»؛ سفارش بر شما به پیروی امامانتان که آنان امروز گواهان اعمال شمایند و فردای قیامت نزد خدا شفاعت کنندگان هستند. (۲)

۷۰- حضرت علی علیه السلام فرمود: «انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفائه علی عباده و لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا یدخل النار الا من انکرهم و انکروه»؛ براستی امامان و ائمه، نظام خدا بر خلقش و شناخته شدگان او بر بندگانش باشند و کسی داخل بهشت نمی گردد مگر آنها را (ائمه و امامان) را بشناسد و آنها هم او را بشناسند و کسی داخل جهنم نمی گردد مگر کسی که منکر آنها شود و ائمه هم او را نپذیرند. (۳)

۷۱- حضرت علی علیه السلام فرمود: «الینا یرجع الغالی و بنا یلحق التالی»؛ غلو کننده به ما باز گردد و واماندگان از ما درآینده به ما برسند. (۴)

۷۲- حضرت علی علیه السلام فرمود: «لا یقابل بآل محمد صلوات الله علیه و علیهم من هذه الامه احد و لا یستوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابداً»؛ با آل محمد صلی الله علیه و آله کسی از این امت برابری نکند و با آنان مساوی نباشد. کسی که نعمت ایشان بر او همواره جاری است. (۵)

۷۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: «بنا اهتدیتم الظلماء و بنا تسنتم العلیا و

ص: ۲۲۱

۱- شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۱۵، حدیث ۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۸، حدیث ۳۸.

۲- عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۰۷، حدیث ۶۰۹۹.

۳- همان، ص ۳۲۰، حدیث ۳۹۰۳.

۴- همان، ص ۹۵، حدیث ۱۵۷۷.

۵- همان، ص ۶۵۸، حدیث ۸۰۶۴.

بنا انفجرتم عن السرار؛ بوسيله ما از تاریکی گمراهی هدایت یافتید و به مرتبه بلند رسیدید و بوسيله ما از شب تیره بدون ماه به صبح روشن رسیدید. (۱)

۷۴- حضرت علی علیه السلام فرمود: «بنا فتح الله و بنا یختم و بنا یمحوها یشاء و یثبت و بنا یدفع الله الزمان الکل و بنا ینزل الغیث فلا یغرنکم بالله الغرور»؛ خدا رحمت را بوسيله ما گشود و به ما ختم کند، بوسيله ما آنچه را بخواهد محو و هرچه را خواهد ثابت بدارد، بواسطه ما خدا روزگار گزنده را دور و باران را بوسيله ما ببارد. (۲)

۷۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام با اسناد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: «یا علی انت اخی و انا اخیوک، انا المصطفی للنبوه و انت المجتبی للامامه... یا علی انت وصی و خلیفتی و وزیر و وارثی و ابو ولدی»؛ ای علی! تو برادر من و من برادر تو هستم. من برگزیده شده برای امر نبوت هستم و تو انتخاب شده برای مقام امامت هستی. (۳)

۷۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا کمیل هی النبوه و رساله و امامه و لا بعد ذلك الا متولین و متغلبین و ضالین...»؛ ای کمیل! رهبری حقیقی جامعه فقط بوسيله نبوت و رسالت و امامت برپاست و غیر اینها نیستند مگر ولایتمداران دروغین یا افراد متقلب و گمراه... (۴)

۷۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا کمیل نحن الثقل الاصغر و القرآن الثقل الاکبر یشهد الثقل الاکبر للثقل الاصغر و یشهد الثقل الاصغر للثقل الاکبر کل واحد منهما ملازم لصاحبه غیر مفارق له حتی یردا الی الله عز و جل فیحکم بینهما و بین العباد»؛ ای کمیل! ما ثقل اصغریم و قرآن ثقل اکبر است.

ص: ۲۲۲

۱- همان، ص ۳۵۹، حدیث ۴۴۷.

۲- همان، حدیث ۴۴۸.

۳- عمادالدین طبری، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص ۱۵۷، حدیث ۸۶.

۴- همان، ص ۸۹، حدیث ۴۳.

ثقل اکبر گواه ثقل اصغر و ثقل اصغر شاهد ثقل اکبر است. هر یک از این دو ملازم دیگری است و از هم جدا نمی شوند تا آنکه بر خداوند متعال وارد شوند و او بین این دو ثقل و بین بندگان خود حکم کند. (۱)

۷۸- یک روز نبی اکرم صلی الله علیه و آله مردم را جمع کرد و خطبه خواند سپس مرا صدا زدند من از منبر بالا رفتم و مرا پیش خود بر پله‌ای پایین تر نشانند بطوری که سر من روی سینه حضرت قرار گرفت و حسن و حسین در راست و چپ آن حضرت بودند. آنگاه فرمودند: «و ان وصی هذا و ابناى و من خلفهم من اصلا بهم حاملاً وصایای هم»؛ این وصی من و دو فرزندم و آنهایی که پس از ایشان می آیند از فرزندان آنها حامل وصایای من هستند. آنان با قرآن اند و قرآن با آنهاست. ای کمیل! هنگامی که ما این چنین هستیم پس چرا عده ای بر ما پیشی می گیرند و گروهی هم ما را رها کرده و از عقب می افتند؟ (۲)

۷۹- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «لقد علمتم انى احق الناس بها من غيرى»؛ همانا می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. (۳)

۸۰- شخصی از طایفه اسد از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد چگونه شما را که سزاوار مقام خلافت بودید کنار زدند؟ حضرت فرمود: «أما الاستبداد علينا بهذا المقام و نحن الاعلون نسباً، و الاشدون برسول الله نوطاً، فإنها كانت أثرة شحت عليها نفوس قوم، و سخت عنها نفوس آخرین»؛ پس بدان که آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت بر ما تحمیل شد، در حالی که ما را نسب برتر و پیوند خویشاوندی با رسول اکرم استوارتر بود، جز خودخواهی و انحصار طلبی چیزی دیگر نبود که: گروهی بخیلانه به کرسی خلافت

ص: ۲۲۳

۱- همان، ص ۹۲.

۲- همان، ص ۹۲-۹۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۷۴.

چسبیدند، و گروهی سخاوتمندانه از آن دست کشیدند.^(۱)

۸۱- حضرت علی علیه السلام فرمود: «اللهم انی استعذیک علی قریش و من اعانهم فانهم قد قطعوا رحمی و اکفوا انائی و اجمعوا علی منازعتی حقاً کنت اولی به گیری»؛ خدایا برای پیروزی بر قریش و یارانشان از تو کمک می خواهم که پیوند خویشاوندی مرا برینند و کار مرا دگرگون کردند و همگی برای مبارزه با من در حقی که از همه آنان سزاوارترم متحد گردیدند.^(۲)

۸۲- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «و خلف فیکم ما خلفت الانبیاء فی اممها اذلم یتراکوهم هملاً بغير طریق واضح ولا علم قائم»؛ رسول گرامی اسلام در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند؛ زیرا آنها هرگز انسانها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و نشانه های استوار از میان مردم نرفتند.^(۳)

۸۳- علامه سبط بن جوزی می گوید: استاد ما عمرو بن صافی موصلی داستانی را نقل کرد و گفت: یکی از بزرگان اشعار کمیت را که در شأن حضرت علی علیه السلام بود خواند و در فکر و اندیشه بخواب رفت، در عالم رؤیا حضرت علی علیه السلام را دید. امیرمؤمنان علی علیه السلام به او فرمود: اشعار کمیت را دوباره برای من بخوان! و او خواند تا به عبارت «خطراً منیعاً» رسید. حضرت علی علیه السلام شعری دیگر را از قول خود بر آنها افزود: «فلم ار مثل ذاک الیوم یوماً و لم ار مثله حقاً اضیعاً»؛ من به عظمت آن روز روزی را دیده ام و نه حقی همانند آن حق تزییع شده یافتم! آن مرد با شنیدن این شعر بیمناک از خواب بیدار شد. منظور حضرت از آن روز، روز غدیر خم بوده است.

ص: ۲۲۴

۱- همان، خطبه ۱۶۲.

۲- همان، خطبه ۲۱۷.

۳- همان، خطبه ۱.

۸۴- وقتی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شد. عباس و ابوسفیان بن حرب با گروهی از بنی هاشم نزد حضرت علی علیه السلام آمدند و گفتند: دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم و او را ترغیب کردند. ولی او خودداری کرد. عباس به وی گفت: بخدا سوگند که پس از چند روز در بیم و هراس خواهی بود! از این رو حضرت علی علیه السلام خطبه ای ایراد فرمود: اگر من سخنی بگویم، می گویند: به امارت و فرمانروایی حریص است و اگر خاموش بمانم، می گویند: از مرگ می ترسد! (۲)

۸۵- خطبه حضرت علی علیه السلام در ستایش پیامبر و ائمه علیه السلام : چون اراده خداوند تعلق گرفت بر این که خلائق بیافریند، خلائق را پیش از گسترده شدن زمین و برافراشتن آسمانها بصورتی استوار ساخت. آنگاه پرتوی از نور عزت خویش افافضه نمود. پس شعله ای از روشنایی آن درخشیدن گرفت و بالا رفت و بعد در آن صورت گرد آمد در حالی که شکل پیامبر ما در آن صورت بود. پس خدا به او فرمود: تو برگزیده ای و در نزد تو انواری به ودیعت نهاده شده است... اهل بیت را پرچم هدایت، تعیین و اسرار ایشان را از خویش به ودیعت نهادم، بطوری که هیچ مطلب باریکی برایشان مشکل نباشد و هیچ رازی از ایشان پوشیده نماند و آنها را بر مخلوقاتم حجت و از مقدرات خویش آگاه و بر اسرار نهفته خزائنم مطلع ساختنم. آنگاه خداوند آنان را به پروردگاری خود گواه و بر وحدانیت خود از ایشان اقرار گرفت و این که امامت در میان ایشان و این نور به همراه آنهاست و بعد خداوند سایر موجودات را بعد از آفرینش اهل بیت عصمت آفرید... نور وجود اهل بیت از

ص: ۲۲۵

۱- سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۵۰.

۲- همان، ص ۱۷۹.

اصلاب شامخه و ارحام مطهره منتقل شد تا به عبدالمطلب و بعد از آن به عبدالله منتقل شد... سپس آن نور در بین ما اهل بیت منتقل می شد و در غریزه‌ها و باطن‌ها نورافشانی می کرد از این رو ما انوار آسمانها و زمین و کشتی های نجاتیم و علم نهانی در ماست و بازگشت امور بسوی ماست و بوجود مهدی ما حجت های الهی پایان می گیرد و اوست خاتم ائمه و نجات دهنده امت و پایان بخش نور و راز پیچیده، بنابراین هر که به ریسمان ما چنگ زند و بر محبت ما محشور گردد باید بر او تبریک گفت. (۱)

۸۶- حضرت علی علیه السلام فرمود: « ان الله اطلع فاختارنا و اختارنا شيعتنا.. يفرحون بفرحنا و يحزنون بحزننا؛ خدا بررسی کرد و ما را برگزید و انتخاب کرد. (۲)

۸۷- حضرت علی علیه السلام فرمود: « لا يخرج المسلم في الجهاد مع من لا يؤمن على الاحكم و لا ينفذ في الفئه امر الله جل و عز و آن مات في ذلك كان معيناً لعدونا في حبس حقنا و الا شاطه بدمائنا و ميتة، ميتة جاهليه، ذكرنا اهل البيت شفاء الدغل و الاسقام و وسواس الذنب و حبنا رضی الرب و الاخذ بامرنا و طريقتنا و مذهبنا معنا غداً في حظيره الفردوس و المنتظر لامرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله... و نحن باب حطه و هو السلم من دخل نجا و من تخلف عنه هوى بنا فتح الله و بنا يختم الله و بنا يمحو الله ما يشاء و بنا يدفع الله الزمان الكلب و بنا ينزل الغيث؛ مسلمانی به جهاد نرود با فرماندهی که امین بر اجراء حکم نیست و امر خدا را در قشون اجراء نمی کند و اگر به همراه او بمیرد، یاور دشمن ما است در حبس حق ما و ریختن خون ما و مردن او مردن جاهلیت است. یادآوری خاندان ما درمان هر خیانت، درمان هر درد و درمان وسوسه گناه است و دوستی ما رضای پروردگار است. آنکه پیرو فرمان ما بوده، فردای قیامت با ما در بهشت است... و ما باب حطه هستیم که همان باب السلام است هر که در آن وارد شود نجات یافته و هر که تخلف کند هلاک شود. خدا به ما آغاز کرد و به ما پایان دهد و به ما ها هرچه را خواهد محو کند و بواسطه ما باران نازل کند. (۳)

۸۸- حضرت علی علیه السلام فرمود: « و قولوا في فضلنا ما شئتم، اياكم و الغلو فينا قولوا: انا عباد مربوبون ... فالينا يرجع الغالي و بنا يلحق المقصر من تمسك بنا لحق و من تخلف عنا محق من اتبع امرنا لحق من سلک غير طريقتنا سحق؛ در فضل و بزرگی ما هرچه بخواهید، بگوئید ولی نگوئید که ما رب و بنده پرورده‌ایم... باید بسوی ما برگردد آنکه غلو کرده و پیش افتاده، باید خود را به ما برساند. هر کس به ما چسبید، به مقصود برسد و هر کس بجا ماند، نابود گردد. هر کس پیرو ما باشد، کامیاب شود و هر که جز راه ما رود زیر پا شود. (۴)

۸۹- حضرت علی علیه السلام فرمود: «نحن الخزان لدين الله و نحن مصابيح العلم اذا مضى منا علم بدا علم لا يضل من اتبعنا و لا يهتدى من انكرنا و لا ينجو من اعان علينا عدونا و لا يعان من اسلمنا فلا تتخلفو عنا بطمع في حطام الدنيا؛ ما خزانه داران دين خدائيم و ما چراغ های دانشيم. هر گاه از ما رهبری درگذرد، رهبری دیگر عیان گردد. کسی که از ما پیروی می کند، گمراه نیست و کسی که منکر ما شود، رهبر دار نیست. پس از ما در نگذريد و ما را

٢- ابن شعيه، تحف العقول، ص ١٦٠.

٣- همان، ص ١٤٩.

٤- همان، ص ١٣٦ و ١٥٠.

به طمع کالای دنیای فانیه رها نکنید. (۱)

۹۰- حضرت علی علیه السلام در نامه ای که به محمد بن ابی بکر می نویسد خود را امیر مؤمنان می نامد. (۲)

۹۱- حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أُوْتِیْتُ فَاَنْ تَابَ وَ عَرَفَ الْوَلَایَهِ تَابَ اللهُ عَلَیْهِ وَ اِنْ عَادَ فَهُوَ تَارِكٌ لِلْوَلَایَهِ اَدْخَلَهُ اللهُ نَارَ جَهَنَّمَ»؛ هر کس اهل ولایت ائمه نباشد خدا توبه اش را نمی پذیرد و او را به جهنم واصل می کند. (۳)

۹۲- امیر مؤمنان قواعد و زیر بنای ستون اساسی اسلام را هفت چیز می شمارد که یکی از هفت ستون اساسی اسلام می فرماید: «والخامسه: حق آل محمد و معرفه ولایتهم»؛ و پنجم: حق خانواده مطهر پیامبر و امامت و ولایت آنان است. (۴)

۹۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: «حکم الله بینی و بین هذه الامه قطعوا رحمی و صغروا عظیم منزلی و اضاعوا ایامی»؛ میان من و این امت خدا حکم باشد، از من قطع رحم کردند و مقام بزرگ مرا کوچک کردند و دوران مرا ضایع کردند. (۵)

۹۴- حضرت علی علیه السلام در خطبه خود در سالی که عید غدیر مصادف با روز جمعه بود فرمود: «اتدرون ما سبیل الله و من سبیله و ما صراط الله و من طریقہ، انا صراط الله الذی من لم یسلکہ بالطاعه لله هوی به الی النار و انا سبیله

ص: ۲۲۸

۱- همان، ص ۱۵۷.

۲- همان، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳- همان، ص ۲۳۸.

۴- همان، ص ۲۴۴.

۵- همان، ص ۲۸۷.

الذی نصیبی الله للاتباع بعد نبیه و انا قسیم الجنة و النار و انا حجه لله علی الفجار و الابرار؛ آیا می دانید راه خدا چیست؟ و به راه خدا چه کسی است؟ من راه خدا، آن راهی که هر کس از آن نرود در آتش جهنم به سر رود، هستم و من آن راهی که خداوند مقرر فرموده به پیروی نمودن از آن، بعد از پیغمبر هستم. من قسمت کننده بهشت و جهنم هستم. من حجت خدا بر نیک و بد هستم. (۱)

۹۵- اصبح بن نباته می گوید امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «نحن علی الاعراف نعرف انصارنا بسیماهم و نحن الاعراف الذی لا یعرف الله عزوجل الا بسبیل معرفتنا و نحن الاعراف یعرفنا الله عزوجل یوم القیامه علی الصراط فلا یدخل الجنة الا من عرفنا و عرفناه؛ ما در قیامت بر اعراف (محلّی است بین بهشت و جهنم) هستیم و یاران خود را از سیمای آنها می شناسیم، و ما عارفان به حق هستیم که خداوند جز از طریق شناخت و معرفت ما شناخته نمی شود. کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه ما او را بشناسیم و کسی وارد آتش جهنم نمی شود مگر اینکه ما او را نشناسیم و او ما را نشناسد. (۲)

۹۶- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «اما بعد فانه لما قبض الله نبیه قلنا نحن اهله و ورثته و عترته و اولیاءه دون الناس، لا ینازعنا سلطانه احد و لا یطمع فی حقنا طامع اذا بنری لنا قومنا فعصبونا سلطان نبینا؛ بدانید پس از اینکه پیامبر از دنیا رفت. گفتیم: ما اهل بیت، وارث، عترت و ولی کارهای او هستیم و

ص: ۲۲۹

۱- غالب سیلاوی، الأنوار الساطعه، ج ۳، ص ۸۷؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۶۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۷؛ سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲- محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائرالدرجات، ص ۵۱۶، حدیث ۶؛ ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۹، حدیث ۹.

دیگری مفتخر به این اوصاف نیست. کسی حق ندارد با ما در این امور نزاع کند و یا طمع در حق ما بنماید. وقتی که گروهی به میل خودشان رفتار کردند و خلافت را تصاحب نمودند و سلطنتی را که پیغمبر به ما اختصاص داده بود را غصب نمودند. (۱)

۹۷- امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «فلما مضى صلى الله عليه وآله تنازع المسلمون الامر من بعده، فوالله ما كان يلقى في روعى ولا يخطر ببالي أن العرب تزعج هذا الامر من بعده عن اهل بيته ولا انهم منحوه عني من بعده»؛ آنگاه که نبی اکرم صلی الله علیه و آله از دار دنیا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند. سوگند به خدا! نه در فکر می گذشت و نه در خاطر می آمد که عرب، خلافت را پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اهل بیت او بگیرند و یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت بازدارند. (۲)

۹۸- حضرت علی علیه السلام در بین اصحاب و یارانش معروف به لقب آسمانی و با عظمت امیرمؤمنان بوده است. در جریان حکمیت بین اصحاب معاویه و افراد فریب خورده (خوارج) در لشکر حضرت علی علیه السلام همین مسئله بیان شد. وقتی معاویه خدمت حضرت علی علیه السلام حاضر گردید و بنا شد صلح نامه نوشته شود. عبدالله بن ابی رافع، دبیر و نویسنده حضرت علی علیه السلام قلم بدست گرفت و نوشت: هذا ما تقاضى على امير المؤمنين و معاوية ابن ابى سفيان؛ این پیمانی امیرمؤمنان علی علیه السلام و معاویه بن ابی سفیان است. معاویه

ص: ۲۳۰

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۹۷؛ محمد باقر محمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۵؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه و السياسه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ محمد بن جریر طبری، المسترشد، ص ۴۱۰.

گفت: اگر من علی علیه السلام را امیر مؤمنان می دانستم با او جنگ نمی نمودم و به کاتب گفتم: کلمه‌ی امیر مؤمنان را از نامه حذف کن. کاتب متحیر شد چه کند بنویسد یا نه؟ در این بین که مشاجره و منازعه صورت گرفت. حضرت علی علیه السلام فرمود: امروز شبیه به روز حدیبیه است. هنگامی که از طرف نبی اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شد: این پیمانی بین رسول الله صلی الله علیه و آله و سهیل بن عمرو است. سهیل گفت: اگر می دانستم تو رسول الله هستی با تو جنگ و مخالفت نمی کردم. ولکن بنویس محمد بن عبدالله. فلذا نبی اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود: ای علی! بنویس در این پیمان آنچه سهیل کافر می گوید؛ چون مقام نبوت از من با سخن و رویه او صلب نمی شود. ولی بدان ای علی! که در آینده برای تو هم همچون روزی خواهد بود. یعنی لقب امیرالمؤمنین تو را در صلح نامه حذف می کنند. در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله من پیمان نامه صلح را بین مسلمانان و مشرکان مکه نوشتم و امروز هم همان را بین خودم و اولاد آن مشرکین می نویسم. (۱)

۹۹- عن امیر المومنین انه قال: قال رسول الله يا علي إن اول ما يسأل عنه العبد بعد موته شهادة أن لا اله الا الله و أن محمد رسول الله و انك ولي المومنين بما جعله الله و جعلته لك فمن اقر بذلك و كان يعتقد صارا الى النعيم الذي لا زوال له؛ از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! اولین چیزی که از بنده خدا پس از مرگ از او سؤال می شود، شهادتین است. شهادت به این که معبودی جز خدا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و دیگر شهادت و اقرار به این که تو از سوی

ص: ۲۳۱

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۳۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۵۴۲.

خدا و از سوی من، امام و سرپرست مؤمنان هستی. پس هر کس آنرا تصدیق و قبول کند و بدان معترف باشد به نعيم جاودانه بهشتی خواهد رسید. (۱)

۱۰۰- فی مصباح شیخ طائفه خطبه لاميرالمومنين خطب بها يوم الغدير يقول فيها: واعلموا ايها المومنون ان الله قال «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ» (۲) اتدرون ما سبيله؟ انا سبيل الله الذي نصبني للاتباع بعد نبيه؛ امير مؤمنان على عليه السلام روز غدیر خم خطبه ای خواند و در ضمن آن فرمود: ای مؤمنان! بدانید که خداوند در قرآن فرموده است: «کسانی را که در راه او پیوسته همانند صفي آهنين می جنگند دوست دارد». آیا می دانید که منظور از راه خدا چیست؟ من همان راه خدا هستم که خدا برای امامت بعد از پیامبر خود معین کرده است. (۳)

۱۰۱- عن علی ابن ابی طالب قال آن رسول الله تلا هذه الآية: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (۴). فقال: اصحاب الجنة من اطاعني و سلم لعلی بن ابی طالب بعدی و اقر بولايته؛ حضرت علی عليه السلام می فرماید: که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آیه «اهل دوزخ با اهل بهشت برابر نیستند» را تلاوت کرد و فرمود: اصحاب بهشت کسانی هستند که از من اطاعت کنند و پس از من در برابر علی عليه السلام تسلیم باشند و اقرار به ولایت و امامت او کنند.

ص: ۲۳۲

۱- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، باب ۳۵، حدیث ۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۴۷؛ البرهان، ج ۸، ص ۳۷۵، حدیث ۱۰؛ عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۸، ص ۳۰۷، حدیث ۱؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۱۱۱.

۲- صف / ۴.

۳- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۷، ص ۳۵۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۷، حدیث ۸.

۴- حشر / ۲۰.

۱۰۲- عن علی علیه السلام قال فینا نزول قول الله عزوجل «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^(۲): ای جعل الامامه فی عقب الحسين الى يوم القيامة؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل آیه « و این (سخن یکتاپرستی) را در نسل خود سخنی ماندگار قرار داد» را نازل کرد که درباره ما اهل بیت است و خدا تا قیامت، امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داده است.^(۳)

۱۰۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: «انا والله الامام المبین، ابین الحق من الباطل، ورثته عن رسول الله»؛ بخدا قسم! پیشوای آشکار من هستم، حق را از باطل روشن می نمایم، آن را از رسول خدا به ارث برده ام.^(۴)

۱۰۴- حضرت علی علیه السلام فرمود: «فوالله انی لا ولی الناس بالناس»؛ بخدا قسم من به مردم سزاوارتر، اولی تر و برتر از خود آنان هستم.^(۵)

۱۰۵- از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیه «لَمَّا يَخْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ»^(۶) درباره شیعیان تو نازل شده است. کسی که از دنیا برود و به خداوند شرک نورزیده باشد، داخل بهشت می شود. آنگاه آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^(۷) را خواند. حضرت علی علیه السلام فرمود به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم: آیا این آیه مربوط به شیعیان من است؟ نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بخدا سوگند

ص: ۲۳۳

۱- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- زخرف / ۲۸.

۳- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده لذوی القربی، ص ۱۱۷.

۴- تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۴۵؛ البرهان، ج ۶، ص ۳۸۳، حدیث ۱۱.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸.

۶- انبیاء / ۱۰۳.

۷- نساء / ۴۸.

بلی! آنان از قبرهای خود خارج می شوند در حالی که می گویند: لا-اله الا الله، محمد رسول الله، علی بن ابی طالب حجه الله. (۱)

۱۰۶- عن امیرالمؤمنین علیه السلام و فيه قيل فمن الولی یا رسول الله قال: ولیکم فی هذا الزمان أنا و من بعدی وصی و ابن وصی لکل زمان؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: شخصی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله سوال کرد ولی مسلمانان کیست؟ نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ولی شما در این زمان من هستم و پس از من، جانشین من، علی ولی شما خواهد بود و بعد از او در هر زمانی خدا حجت ها و امامانی دارد. (۲)

۱۰۷- عن امیرالمؤمنین قال: قال لی رسول الله یا علی ما خلقت الا لتعبد ربک و یشرف بک معالم الدین... و لقد ضل من ضل عنک و لن یهتدی الی الله من لم یهتد الی ولایتک و هو قول ربی جل شانہ « وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى » (۳) یعنی اهتدی الی ولایتک؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود: ای علی! تو آفریده شدی که پروردگارت را عبادت کنی و معالم دین بوسیله تو شرافت یابد... و هر که از راه تو منحرف شود گمراه خواهد بود و هر که ولایت تو را نپذیرد به خدا نخواهد رسید. خداوند عز و جل می فرماید: «و بی تردید من آمرزنده ی کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کار نیکو کند و آنگاه به راه

ص: ۲۳۴

۱- الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۲؛ آیات الفضائل، ج ۴۰۱، حدیث ۳؛ جواد رضوی، سیمای امیرمؤمنان در قرآن، ص ۳۲۷.

۲- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۵۰، حدیث ۱۹۶؛ سید بن طاووس، کشف المحججه، ص ۱۹۰.

۳- طه / ۸۲.

(راست) آید.» و منظور از راه، ولایت توست. (۱)

۱۰۸- عن الاصبح بن نباته قال امیر مؤمنان علیه السلام: ما بال اقوام غیر واسنته رسول الله و عدلوا عن وصیه؟ لا يتخوفون آن ينزل بهم العذاب.. ثم قال: نحنه النعمه التي انعم الله بها عباده؛ اصبح بن نباته می گوید امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: چرا عده ای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تغییر دادند و از وصی و جانشین او عدول کردند؟ آیا نمی ترسند که عذاب الهی بر آنان نازل شود؟ سپس آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» (۲) تلاوت فرمود. آن نعمتی که خدا بر بندگانش ارزانی داشته است، ما هستیم. (۳)

۱۰۹- حضرت علی علیه السلام می فرماید: الا- لعنه الله على الذين كذبوا بولا-یتی و استخفوا بحقی؛ لعنت خدا بر آنان که ولایت و امامت مرا تکذیب کردند و دروغ شمردند و حق مرا سبک قلمداد کردند. (۴)

۱۱۰- حضرت علی علیه السلام فرمود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: اسلام بر پنج خصلت بنا شده است: بر شهادتین و قرینتین. به حضرت عرض کردند: معنای شهادتین را می دانیم اما معنای قرینتین چیست؟ حضرت فرمود: نماز، زکات، روزه و حج که خدا آنها را با ولایت و امامت ختم کرده است. (۵)

۱۱۱- حضرت علی علیه السلام فرمود: «واقفًا على الصراط ادعوا و اقول رب سلم شيعتي و محبي و انصاري و من تولاني في دار الدنيا»؛ فردای قیامت بر پل

ص: ۲۳۵

۱- البرهان، ج ۵، ص ۱۷۸، حدیث ۳؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، ص ۱۱۰.

۲- ابراهیم / ۲۸.

۳- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴- طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۲.

۵- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۵ ص ۳۶۱.

صراط می ایستم و می گویم: خدایا پیروان، دوستان و یاران من و هر کس که در دنیا امامت و ولایت مرا قبول کرده از آتش جهنم سالم بدار. (۱)

۱۱۲- حضرت علی علیه السلام فرمود: « نحن البيوت التي امر الله أن يوتي ابوابها نحن باب الله... فمن تابعنا وافر بولایتنا فقد اتى البيوت من ابوابها؛ مايمم آن خانه هایی که خدا دستور داده که از درهای آنان وارد شوید. مايمم باب الله و خانه ای که باید به آن داخل شوید. بنابراین هر کس از ما پیروی کند و به ولایت و امامت الهی ما اقرار کند به راستی داخل خانه ها از درب آن شده است. (۲)

۱۱۳- حضرت علی علیه السلام فرمود: « نحن شهداء الله على خلقه و حجته في ارضه؛ ما شاهدان بر مردم هستیم. ما حجت خدا بر روی زمین هستیم. (۳)

در این زمینه روایات زیاد بود به همین مقدار بسنده کردم.

ص: ۲۳۶

۱- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲- آیات الولاية، ص ۲۹، حدیث ۱.

۳- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۱۳.

بنده خواستم به لطف باری تعالی به طور مختصر مطالبی در باب اثبات ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار عرض کنم و خدمتی کوچک و ناچیز به شیعیان و محبان حضرتش کرده باشم. چون مبحث اعتقادی امامت و ولایت بسیار طولانی و گسترده است. خواستم به طور خلاصه خصوصاً نسل جوان شیعه با این موضوع مهم اسلامی و قرآنی آشنا شوند. از خدا و اهل بیت علیه السلام خواستارم که خدمت ناچیز حقیر را بپذیرند و ذخیره قبر و قیامت ما قرار دهند و چراغ روشنی در تاریکی های شبهات و مغلطه های شیاطین انسی و رهنزان جاده مستقیم خصوصاً فرقه ضاله وهابیت و خوارج عصر حاضر باشد که در صراط ولایت که همان صراط مستقیم خداست، کمین کرده اند تا محبان و معتقدان کوی ولایت اهل بیت علیه السلام خصوصاً نسل جوان را از جاده حق خارج کنند.

امین یا رب العالمین

عبد الرضا یوسفی پور

مهر سال ۱۳۹۲

ص: ۲۳۷

۱- آقا دادی، احمد رضا، النصوص، قم: دلیل ما، ۱۳۹۰.

۲- ابن طاوس، علی بن موسی، طرائف، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۴.

۳- اخطب خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب؛ ترجمه حسین غفاری ساروی، مازندران: شوق، ۱۳۸۴.

۴- تهرانی، حسین، سوالات ما، قم: حاذق، ۱۳۸۹.

۵- حسکانی، ابوالقاسم، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن؛ ترجمه یعقوب جعفری، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۷.

۶- حسینی، حسینعلی، پیشوایان بعد از رسول از دیدگاه قرآن و تاریخ (شیعه و سنی)، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۶.

۷- دیلمی، حسن بن محمد، اردشاد القلوب؛ ترجمه عبدالحسین رضائی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.

۸- رضوانی، علی اصغر، امام شناسی در قرآن و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

- ۹- رضوی، سید جواد، سیمای امیرمؤمنان علیه السلامنابع و ماخذ در قرآن، قم: راه سبز، ۱۳۸۰.
- ۱۰- زکی زاده رنانی، علیرضا، قیامت (روز حسرت عظیم)، قم: مباحله، ۱۳۹۲.
- ۱۱- ساکی، عبد الصمد، اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن و سنت، قم: طوبای محبت، ۱۳۹۲.
- ۱۲- سلطان الواعظین، محمد، شبهای پیشاور؛ تحقیق عبدالرضا درایتی، تهران: دلیل ما، ۱۳۸۹.
- ۱۳- گروه رستگاران، یا، فرقه ناجیه، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۹.
- ۱۴- شرف الدین، عبدالحسین، المراجعات، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.
- ۱۵- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۸۷.
- ۱۶- عصیری، مجتبی، شبهای غدیر، قم: طوبای محبت، ۱۳۹۱.
- ۱۷- قرآن کریم؛ ترجمه ابوالفضل بهرام پور، قم: انتشارات آوای قرآن، ۱۳۹۰.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حق الیقین، قم: موسسه انتشاراتی امام عصر، ۱۳۹۲.

- ۱۹ - مزكاء، ميثم، صراط الحق، قم: طوبای محبت، ۱۳۹۱.
- ۲۰ - مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، حذیقه الشیعه، چاپ سوم، قم: دلشاد، ۱۳۹۰.
- ۲۱ - موسوی، سید محمد باقر، علی در کتب اهل تسنن، تهران: کتاب پارسه، ۱۳۸۸.
- ۲۲ - نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه؛ تحقیق فارس حسون کریم، قم: کتاب هفت، ۱۳۹۰.
- ۲۳ - نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ترجمه محمد دشتی، بوشهر: موعود اسلام، ۱۳۷۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹